

طرح مسئولیت، اهداف، ساختار و وظایف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مسئولیت، اهداف، ساختار و وظایف بانک مرکزی جمهوری اسلامی)

فصل اول

کلیات

ماده 1

ماده 1- اصطلاحات به کار رفته در این قانون، در معانی زیر به کار رفته‌اند:

الف- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ب- هیأت عالی: هیأت عالی بانک مرکزی.

پ- رئیس کل: رئیس کل بانک مرکزی.

ت- معاون سیاستگذاری پولی: معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی.

ث- معاون تنظیم‌گری و نظارت: معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی.

ج- شورای فقهی: شورای فقهی بانک مرکزی.

چ- عملیات بانکی: دریافت سپرده از اشخاص حقیقی یا حقوقی و اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار.

ح- مؤسسه اعتباری: در این قانون، به اشخاص حقوقی که با مجوز بانک مرکزی یا به موجب قانون، تحت عنوان

«بانک» یا «مؤسسه اعتباری غیربانکی» به انجام عملیات بانکی مبادرت می‌نمایند، مؤسسه اعتباری اطلاق می‌شود.

مؤسسه اعتباری می‌تواند مشتمل بر انواع مختلفی از جمله تجاری، تخصصی، توسعه‌ای، مشارکتی، جامع و یا قرض

الحسنه باشد و به صورت حقیقی یا مجازی، و در سطوح بین‌المللی، ملی یا منطقه‌ای فعالیت کند. ویژگی‌ها و شرایط

تأسیس و فعالیت انواع مؤسسه اعتباری به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

خ- خدمات بانکی: مجموعه اقداماتی غیر از عملیات بانکی، نظیر صدور ضمانت‌نامه و گشایش اعتبار اسنادی که

مؤسسه اعتباری می‌تواند در چهارچوب دستورالعمل‌های اعلامی بانک مرکزی به مشتریان ارائه دهد و در قبال آن

کارمزد دریافت کند.

د- شبکه بانکی: مجموعه مؤسسات اعتباری که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی به انجام عملیات بانکی

اشتغال دارند.

ذ- «اشخاص تحت نظارت»: کلیه مؤسسات اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاونی‌های اعتبار و سایر مؤسسات

سپرده‌پذیر؛ شرکت‌های واسپاری (لیزینگ)؛ صرافی‌ها؛ شرکت‌های مدیریت دارایی‌های مؤسسات اعتباری؛ شرکت

های اعتبارسنجی ارائه‌دهنده خدمات به مؤسسات اعتباری؛ و سایر اشخاصی که به انجام عملیات یا ارائه خدمات

بانکی، ارائه ابزارهای پرداخت و سایر فعالیت‌های مرتبط اشتغال دارند، در این قانون، با عنوان «اشخاص تحت

نظارت» یاد می‌شوند. تشخیص مصادیق، بر عهده بانک مرکزی است.

ر- «اشخاص مرتبط»: اشخاص حقیقی یا حقوقی که به‌نحوی از انحاء، نظیر داشتن رابطه خویشاوندی، مالکیتی،

نیابتی یا مدیریتی بتوانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های «اشخاص تحت نظارت» اعمال نفوذ نمایند.

تشخیص مصادیق، بر عهده بانک مرکزی است.

ز- گزیر: مجموعه اقداماتی است که تحت راهبری بانک مرکزی به‌منظور صیانت از منافع عموم و حفظ ثبات مالی

در خصوص مؤسسات اعتباری که با مشکل نقدینگی مواجه شده یا در معرض ورشکستگی قرار گرفته‌اند، در

چهارچوب قانون به مورد اجراء گذارده می‌شود.

ژ- سهامدار مؤثر: در این قانون، منظور از سهامدار مؤثر سهامداری است که به تشخیص بانک مرکزی، یک یا چند عضو هیأت‌مدیره «شخص تحت نظارت» به تنهایی توسط او انتخاب می‌شود.

در ماده (1)

ایراد شورای نگهبان:

1-1- در بند (ح)، اطلاق تصویب ویژگی‌ها و شرایط تأسیس و فعالیت انواع مؤسسات اعتباری توسط هیأت عالی، مغایر اصول 85 و 138 قانون اساسی شناخته شد.

ایراد هیأت عالی نظارت:

1- اصطلاحات موسسه اعتباری جامع، موسسه اعتباری مشارکتی، موسسه اعتباری توسعه ای و موسسه اعتباری به روش مجازی مغایر بند 9 سیاست‌های کلی قانونگذاری از منظر شفافیت و عدم ابهام و استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی است.

ایراد شورای نگهبان:

1-2- بند (خ)، از آن جهت که مشخص نیست اصل صدور ضمانت‌نامه و گشایش اعتبارات اسنادی بر مبنای قوانین و مقررات انجام می‌گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

1-3- در بند (ذ)، منظور از اشتغال به «سایر فعالیت‌های مرتبط» از حیث اینکه ارتباط مزبور مبتنی بر چه ضابطه ای و به چه میزانی است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

1-4- در بند (ر)، منظور از «اعمال نفوذ» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (1) اعمال شد:

1- عبارت «مؤسسه اعتباری می‌تواند مشتمل بر انواع مختلفی از جمله تجاری، تخصصی، توسعه‌ای، مشارکتی، جامع و یا قرض‌الحسنه باشد و به‌صورت حقیقی یا مجازی، و در سطوح بین‌المللی، ملی یا منطقه‌ای فعالیت کند. ویژگی‌ها و شرایط تأسیس و فعالیت انواع مؤسسات اعتباری و نحوه تنظیم‌گری آنها به‌تصویب هیأت عالی می‌رسد.» از بند (ح) حذف شد.

2- در بند (خ)، عبارت «در چهارچوب قوانین مربوط» جایگزین عبارت «در چهارچوب دستورالعمل‌های اعلامی بانک مرکزی» شد.

3- در بند (ذ) عبارت «و سایر فعالیت‌های مرتبط» حذف شد.

4- بند (ر) به شرح زیر اصلاح شد:

«ر- اشخاص مرتبط: اشخاص حقیقی یا حقوقی که با اشخاص تحت نظارت واجد رابطه مالکیتی، نمایندگی (اعم از نمایندگی قراردادی، قانونی و قضائی) یا مدیریتی بوده یا دارای قرابت نسبی (طبقه اول یا درجه یک از طبقه دوم) با سهامداران مؤثر یا مدیران اشخاص تحت نظارت باشند. تشخیص مصادیق، بر عهده بانک مرکزی است.»

5- یک بند به شرح زیر به ماده (1) الحاق شد:

«س- بازسازی: مجموعه اقداماتی است که «اشخاص تحت نظارت» باید حسب درخواست بانک مرکزی در چهارچوب این قانون و به‌منظور بازیابی سلامت مالی یا بهبود شاخص‌های احتیاطی خود انجام دهند.»

ماده 2- اهداف این قانون عبارت است از:

- الف- کمک به تحقق اهداف و احکام اقتصادی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه بند(5) اصل چهل و سوم (43) قانون اساسی، و سیاست‌های کلی نظام به‌ویژه بندهای (1) و (9) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛
- ب- ارتقای استقلال، اقتدار، کارآمدی و پاسخگویی بانک مرکزی؛
- پ- ارتقای سلامت، اثربخشی و پاسخگویی شبکه بانکی؛
- ت- مدیریت ایجاد اعتبار و تنظیم جریان نقدینگی کشور، به‌منظور هدایت تسهیلات و اعتبارات در جهت توسعه زیرساخت‌ها و صنایع اساسی و تأمین مالی سالم، پایدار و عادلانه واحدهای اقتصادی و خانوارها و جلوگیری از تمرکز ثروت.

در ماده (2)

ابهام شورای نگهبان:

- 1-2- بند (ب)، از جهت اینکه مشخص نشده است بانک مرکزی در مقابل چه مرجع یا مراجعی مکلف به «پاسخگویی» شده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ایراد هیأت عالی نظارت:
- 2- در بند (ب) ماده (2) اصطلاحات استقلال بانک مرکزی و اقتدار بانک مرکزی مغایر بند 9 سیاست‌های کلی قانونگذاری از منظر شفافیت و عدم ابهام و استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی است.

ابهام شورای نگهبان:

- 2-2- در بند (ت)، منظور از «جلوگیری از تمرکز ثروت» از این جهت که صرفاً شامل جلوگیری از تمرکز نا عادلانه ثروت است یا جلوگیری از هرگونه تمرکز ثروت از اهداف این قانون دانسته شده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- ایراد هیأت عالی نظارت:
- در بند (ت) ماده (2) اصطلاحات صنایع اساسی و تأمین مالی بانکی سالم مغایر بند (9) سیاست‌های کلی قانونگذاری از منظر شفافیت و عدم ابهام و استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی است.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (2) اعمال شد:

- 1- بند (ب) به دو بخش تفکیک و به‌صورت زیر اصلاح و عنوان بندهای بعدی به بند (ت) و بند (ث) تغییر یافت:
- «ب- افزایش استقلال بانک مرکزی در به‌کارگیری ابزارهای قانونی مورد نیاز برای تحقق اهداف مندرج در ماده (3) این قانون؛
- پ- افزایش توان نظارت بانک مرکزی بر اشخاص تحت نظارت»
- 2- بند (ت) به‌صورت زیر اصلاح شد:
- «ث- مدیریت اعتبارات و تنظیم جریان نقدینگی کشور، به‌منظور هدایت تسهیلات و اعتبارات در جهت توسعه زیرساخت‌های کشور و تأمین مالی پایدار و عادلانه واحدهای اقتصادی و خانوارها و جلوگیری از توزیع و انباشت غیرقانونی ثروت».

ماده 3-

الف- مسئولیت استقرار بانکداری اسلامی و برقراری مناسبات عادلانه در بخش پولی و بانکی اقتصاد کشور در چهارچوب قوانین، بر عهده بانک مرکزی است.
ب- بانک مرکزی باید اهداف زیر را محقق کند:

1. کنترل تورم و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها؛
2. ثبات و سلامت شبکه بانکی و سایر «اشخاص تحت نظارت»؛
3. حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال؛
4. حمایت از ارزش پول ملی.

در ماده (3)

ابهام شورای نگهبان:

1-3- در بند (الف)، مفهوم «بانکداری اسلامی» با توجه به عدم درج تعریف آن در ماده (1) این مصوبه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

3- در بند (الف) ماده (3) اصطلاحات بانکداری اسلامی و مناسبات عادلانه در بخش پولی و بانکی اقتصاد کشور مغایر بند (9) سیاست‌های کلی قانونگذاری از منظر شفافیت و عدم ابهام و استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی است. در ضمن بند (الف) ماده (3) از حیث عدم تصویب قانون بانکداری اسلامی مغایر جزء (1) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری است.

ابهام شورای نگهبان:

2-3- در بند (ب)، با توجه به امکان بروز تعارض یا تزامم در اجرای اهداف مذکور، نسبت میان این اهداف ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

3-3- در جزء (1) بند (ب)، منظور از «ثبات سطح عمومی قیمت‌ها» از این جهت که مشخص نیست مقصود ایستایی و جلوگیری از هرگونه افزایش است یا جلوگیری از نوسانات قیمت‌ها، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

4- جزء (4) بند (ب) ماده (3) از حیث عدم توجه به قابل اجرا بودن قانون مغایر جزء (1) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری و به دلیل ضرورت تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات و تقویت تولید ملی مغایر بند سوم سیاست‌های کلی اشتغال است.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (3) اعمال شد:

1- بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد:

«الف- مسئولیت استقرار بانکداری اسلامی و پیگیری اجرای قوانین مرتبط با بخش پولی و بانکی بر عهده بانک مرکزی است».

2- در صدر بند (ب)، عبارت «با رعایت اسناد بالادستی نظام» قبل از عبارت «محقق کند» اضافه شد.

3- عبارت «و ثبات سطح عمومی قیمت‌ها» از جزء (1) بند (ب) حذف شد.

4- در جزء (4) بند (ب) عبارت «کمک به» قبل از عبارت «حفظ و ارتقای» اضافه شد.

همچنین متن زیر به‌عنوان بند (د) به ماده (1) الحاق و عنوان سایر بندها متناسباً اصلاح شد:

«د- بانکداری اسلامی، الگوی خاصی از بانکداری است که در آن، عملیات و خدمات بانکی در چارچوب اهداف نظام اسلامی و سازگار با شریعت و موازین فقه اسلامی تنظیم می‌گردد».

ماده 4- وظایف و اختیارات بانک مرکزی به شرح زیر است:

الف- وظایف بانک مرکزی:

1. تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های موردنیاز برای اجرای این قانون؛
2. اعمال اختیارات قانونی بانک مرکزی برای جلوگیری از بروز تخلف توسط «اشخاص تحت نظارت» و تنبیه «اشخاص تحت نظارت» متخلف؛
3. تنظیم‌گری نظام پرداخت کشور؛
4. ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم برای تحقق اهداف بانک مرکزی، از جمله تشکیل پایگاه(های) جامع جمع‌آوری و تحلیل داده؛
5. ایجاد و توسعه بسترهای اطلاعاتی موردنیاز برای فعالیت شرکت‌های اعتبارسنجی، مؤسسات تضمین تعهدات و سایر نهادهای مکمل صنعت بانکداری و تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم؛
6. ایجاد زیرساخت‌های بانکی لازم برای تسهیل مبادلات خارجی کشور؛
7. ایجاد زیرساخت‌های موردنیاز و انجام پیگیری‌های لازم برای انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه با سایر کشورها در چهارچوب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی؛
8. ایجاد و تقویت زمینه‌ها، ابزارها و نهادهای لازم برای تأمین مالی خرد فراگیر؛
9. ایجاد زمینه لازم برای گسترش تعاون عمومی و سنت قرض‌الحسنه از طریق توسعه مؤسسات قرض‌الحسنه و ترویج وقف و حبس پول؛
10. جلوگیری از صوری‌سازی و رفع موانع موجود در اجرای واقعی عقود اسلامی؛
11. تکمیل و به‌روزرسانی الگوی عملیاتی بانکداری اسلامی با استفاده از مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی و تهیه پیش‌نویس لوایح لازم در این زمینه؛
12. برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات موردنیاز برای دسترسی عادلانه عموم خانوارها و بنگاهها و مناطق مختلف کشور به تسهیلات و خدمات بانکی؛
13. توسعه روشهای تأمین مالی زنجیره تولید، تأمین مالی مبتنی بر صورتحساب الکترونیک، توسعه ابزارهای تأمین مالی تعهدی و نظایر آن؛
14. تنظیم‌گری در حوزه رمزارزهای دارای مجوز و نظارت بر مبادله انواع رمزارزهای مجاز؛
15. تنظیم‌گری فناوری‌های نوین مالی (فین‌تک‌های) فعال در حوزه نقل و انتقال پول و ابزارهای پرداخت؛
16. پایش مستمر وضعیت اقتصاد کشور و انتشار گزارش‌های فصلی در خصوص میزان تحقق اهداف بانک مرکزی؛

17. پایش مستمر عملکرد «اشخاص تحت نظارت» و تهیه گزارش‌های فصلی در زمینه میزان همسویی آنها با اهداف بانک مرکزی؛
18. ارائه مشاوره به دولت و مجلس شورای اسلامی در خصوص طرحها و لوایح مرتبط با اهداف و وظایف و اختیارات بانک مرکزی؛
19. ایفای نقش به‌عنوان بانکدار دولت و مؤسسات اعتباری؛
20. نظارت بر صادرات و واردات طلا و معاملات طلای شمش و مسکوک؛
21. نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی کشور؛
22. تحکیم حکمرانی پول ملی، از طریق نظارت مؤثر بر گردش ریال؛
23. نظارت بر ورود و خروج ارز و پول رایج کشور؛
24. نگهداری جواهرات ملی.

ب- اختیارات بانک مرکزی:

1. به‌کارگیری ابزارهای سیاست پولی مورد تأیید شورای فقهی؛
2. خرید و فروش طلا و ارز با هدف مدیریت بازار و حفظ ارزش ذخایر بین‌المللی کشور؛
3. طراحی و انتشار انواع اوراق مالی و خرید و فروش آنها و سایر اوراق بهادار در چهارچوب مصوب شورای فقهی؛
4. انتشار انواع اسکناس، مسکوک و پول رقومی (دیجیتال) بانک مرکزی (cbdc)؛
5. دریافت کارمزد در برابر ارائه خدمات؛
6. مشارکت و عضویت در نهادهای پولی و سازمان‌های بین‌المللی با رعایت اصل هفتاد و هفتم (77) قانون اساسی؛
7. انجام عملیات بانکی و تبادل خدمات بانکی با مؤسسات اعتباری خارجی و نهادهای پولی بین‌المللی؛
8. همکاری با بانک‌های مرکزی سایر کشورها در چهارچوب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی؛
9. ایجاد شعبه یا نمایندگی در داخل یا خارج از کشور؛
10. ایجاد و توسعه بازارهای متشکل ارز و رمزارزهای مجاز؛
11. ایجاد و اداره مؤسسات آموزشی و پژوهشی مرتبط با وظایف بانک مرکزی در چهارچوب ضوابط و قوانین مربوط.

تبصره 1- تصمیم‌گیری در خصوص جواز یا عدم جواز نگهداری و مبادله انواع رمزارز بر عهده هیأت‌عالی است.
تبصره 2- بانک مرکزی می‌تواند بخشی از وظایف غیرحاکمیتی خود را از طریق شرکت‌های تابعه یا وابسته به خود انجام دهد. سهام بانک مرکزی در شرکت‌های تابعه یا وابسته به آن بانک که «اشخاص تحت نظارت» به هر میزان سهامدار آنها هستند، به عنوان سهام ممتاز تلقی شده و تعیین اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و کلیه اختیارات مدیریتی شرکت‌های مزبور با بانک مرکزی است.
تبصره 3- عملیات بانک مرکزی و تعاملات آن با اشخاص داخلی و خارجی باید در چهارچوب مصوبات شورای فقهی باشد.

در ماده (4)

ابهام شورای نگهبان:

1-4- جزء (1) بند (الف)، از این جهت که آیا منظور از «دستورالعمل‌های مورد نیاز» همان آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون است یا امر دیگری مقصود است ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت‌عالی نظارت:

5- در بند (الف) ماده (4) به دلیل عدم ارتباط دقیق و نظام مند بین وظایف مطروحه با اهداف بانک مرکزی مصرح در ماده (3)، وظایف اشاره شده پوشش تحقق اهداف ماده (3) را نمی دهد و مغایر با جزء (1) بند (9) سیاست های کلی نظام قانون گذاری قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن است.
ابهام شورای نگهبان:

2-4- در جزء (3) بند (الف)، عبارت «نظام پرداخت» در این جزء به جهت فقدان تعریف مشخص، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام از این موارد اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

6- در جزء (5) بند (الف) ماده (4) عبارت سایر نهادهای مکمل صنعت بانکداری ابهام دارد و مغایر با جزء (3) بند (9) سیاست های کلی نظام قانون گذاری است.

7- در جزء (10) بند (الف) عبارت اجرای واقعی عقود اسلامی دارای ابهام بوده و مغایر با جزء (3) بند (9) سیاست های کلی نظام قانون گذاری است.

ابهام شورای نگهبان:

3-4- اجزاء مربوط به وظایف مذکور در بند (الف)، از حیث این که آیا مستلزم هزینه و منابع مالی جدید بوده یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

4-4- در جزء (13) بند (الف)، منظور از مفاهیم «تأمین مالی مبتنی بر صورتحساب الکترونیکی» و «تأمین مالی تعهدی» با توجه به عدم وجود تعاریف قانونی برای آنها، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

5-4- در جزء (14) بند (الف)، منظور از مفاهیم «رمز پول» و «رمزارز» با توجه به عدم وجود تعاریف قانونی برای آنها، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

8- در جزء (14) بند (الف) اصطلاحات رمز پولها رمز ارزها و رمزارزهای مجاز دارای ابهام بوده و مغایر با جزء (3) بند 9 سیاست های کلی نظام قانون گذاری است.
ابهام شورای نگهبان:

6-4- جزء (19) بند (الف)، در خصوص وظیفه ایفای نقش بانک مرکزی به عنوان بانکدار مؤسسات اعتباری، از این حیث که این عبارت مفید حصر بوده و این مؤسسات امکان افتتاح حساب نزد سایر مؤسسات اعتباری را دارند یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

7-4- در اجزاء (20) و (23) بند (الف)، مقصود از «نظارت» مذکور و حدود آن ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

9- جزء (20) بند (الف) ماده (4) نظر به این که برای معاملات طلای شمش و مسکوکات قانون متناظر مصوب وجود دارد مغایر جزء (1) بند (9) سیاست های کلی نظام قانون گذاری است.
ابهام شورای نگهبان:

8-4- در جزء (21) بند (الف)، مقصود از «ذخایر بین المللی کشور» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

9-4- جزء (10) بند (ب) و تبصره (1) این ماده، مبنیاً بر ابهام مذکور در جزء (14) بند (الف) ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

10- در جزء (1) و (3) بند (ب) ماده (4) عبارت مورد تایید شورای فقهی و در چهارچوب مصوب شورای فقهی مغایر جزء (3) بند (9) سیاست های کلی نظام قانون گذاری است.
ایراد و ابهام شورای نگهبان:

10-4- در تبصره (1)، اطلاق اعطای صلاحیت تصمیم‌گیری مذکور، نسبت به مواردی که دارای ماهیت تقنینی است، مغایر اصل (85) قانون اساسی شناخته شد.

11-4- در تبصره (2)، با توجه به امتیاز و حق پیش‌بینی‌شده برای سهام بانک مرکزی، اختیارات و حقوق دیگر سهامداران مذکور که به هر میزان سهامدار آن شرکت‌ها هستند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (4) اعمال شد:

1- در صدر ماده (4)، بعد از عبارت «وظائف و اختیارات بانک مرکزی» عبارت «با رعایت قوانین مربوط» اضافه شد.

2- جزء (1) بند (الف) حذف شد.

3- در جزء (7) بند (الف) و جزء (8) بند (ب) عبارت «در چهارچوب قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی» حذف شد.

4- در جزء (6) بند (الف)، عبارت «سایر نهادهای مکمل صنعت بانکداری» حذف و جزء مزبور به‌صورت زیر اصلاح شد: «6- توسعه نهادهای تضمین و توثیق موردنیاز در عملیات و خدمات بانکی».

5- واژه «واقعی» از جزء (10) بند (الف) حذف شد.

6- عبارت «تأمین مالی مبتنی بر صورتحساب الکترونیکی، توسعه ابزارهای تأمین مالی تعهدی و نظایر آن» از انتهای جزء (13) بند (الف) حذف شد.

7- عبارت «رمزارز» از ماده (4) حذف شد.

8- جزء (14) بند (الف) به‌صورت زیر اصلاح شد: «14- تنظیم‌گری در حوزه رمزپول‌ها و نظارت بر مبادله آن‌ها در چارچوب قوانین مربوط».

9- جزء (19) بند (الف) به‌صورت زیر اصلاح شد: «19- ایفای نقش به‌عنوان بانکدار انحصاری دولت و مؤسسات اعتباری».

10- جزء (20) بند (الف) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«20- ایفای نقش نظارتی مصرح در قوانین مربوط به صادرات و واردات طلا و معاملات طلای شمش و مسکوک».

11- جزء (23) بند (الف) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«23- ایفای نقش نظارتی مصرح در قوانین مرتبط با ورود و خروج ارز و پول رایج کشور».

12- جزء (21) بند (الف) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«21- نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی کشور نظیر ارز و طلا».

13- عبارت «مورد تأیید شورای فقهی» از انتهای جزء (1) و عبارت «در چهارچوب مصوب شورای فقهی» از انتهای جزء (3) بند (ب) حذف شد.

14- تبصره (1) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«تبصره 1- تصمیم‌گیری در خصوص جواز یا عدم‌جواز نگهداری و مبادله انواع رمزپول و رمزارز بر عهده هیأت عالی است».

15- تبصره (2) به صورت زیر اصلاح شد:

«تبصره 2- سهام بانک مرکزی در شرکتهای تابعه یا وابسته به بانک مرکزی که مشمول گروه دو ماده (2) قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی هستند، به عنوان سهام ممتاز، تلقی شده و تعیین اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و کلیه اختیارات مدیریتی شرکتهای مزبور با بانک مرکزی است. بانک مرکزی مکلف به خرید سهام سایر سهامداران به تقاضای آنها با جبران کاهش ارزش ناشی از اجرای این تبصره است. رعایت مواد (2) و (3) قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی در مورد شرکتهای تابعه یا وابسته به بانک مرکزی الزامی است.»

همچنین تعاریف «رمزپول» و «نظام پرداخت» به شرح زیر به ماده (1) اضافه شد:

«ش- نظام پرداخت: منظور از نظام پرداخت، مجموعه ابزارها، نهادها، فرایندها و فناوری‌هایی است که در چارچوب قوانین مربوط، به منظور پرداخت وجه معاملات و بازپرداخت دیون به کار گرفته می‌شود.»

«ص- رمز پول: نوعی پول رقومی (دیجیتال) رمزنگاری شده است که در بستر یک پایگاه داده اشتراکی و غیرمتمرکز موجودیت می‌یابد. رمزپول به واسطه پذیرش کلیه اعضاء پایگاه داده موردنظر اعتبار می‌یابد و دامنه اعتبار آن هم محدود به اعضای همان پایگاه داده است.»
ضمناً تناظر اهداف و وظائف بانک مرکزی در جدول زیر ارائه شده است.

فصل سوم

ساختار بانک مرکزی

ماده 5

ماده 5- ارکان بانک مرکزی عبارت است از:

الف- مجمع عمومی؛

ب- هیأت عالی؛

پ- هیأت عامل؛

ت- هیأت نظار؛

ث- شورای فقهی.

ایراد هیأت عالی نظارت:

11- در ماده (5) واژه رکن دارای ابهام بوده و مغایر جزء (2) بند (9) سیاستهای کلی نظام قانون گذاری است. مصوبه؟؟؟

مبحث اول

-مجمع عمومی

ماده 6

ماده 6-

الف- اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی عبارتند از:

- 1- رئیس جمهور (رئیس مجمع)
- 2- وزیر امور اقتصادی و دارایی
- 3- رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور
- 4- دو نفر اقتصاددان دارای حداقل پانزده سال تجربه مرتبط، به انتخاب رئیس جمهور تبصره 1- افراد موضوع جزء (4) این بند برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند و عزل آنان قبل از اتمام مدت حکم، توسط مقام منصوب‌کننده امکان‌پذیر است.
- تبصره 2- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس- یک نفر از بین اعضای کمیسیون اقتصادی و یک نفر از بین اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات- به‌عنوان ناظر (بدون حق رأی) و رئیس‌کل بانک مرکزی به‌عنوان دبیر (بدون حق رأی) در جلسات مجمع شرکت می‌کنند.

ب- وظایف مجمع عمومی بانک مرکزی به‌شرح زیر است:

- 1- انتخاب اعضای هیأت نظار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی
- 2- بررسی و تصویب صورت‌های مالی بانک مرکزی
- 3- اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش‌های هیأت نظار
- 4- تصویب بودجه و تفریغ بودجه بانک مرکزی
- 5- سایر وظایفی که به‌موجب این قانون بر عهده مجمع عمومی بانک مرکزی قرار داده شده‌است.

در ماده (6)

ابهام شورای نگهبان:

1-5- جزء (4) بند (الف)، به جهت عدم ذکر شرایط اسلام، ایمان، وثاقت و امانت، خلاف شرع شناخته شد. ایراد هیأت عالی نظارت:

12- در بند (الف) حضور دو نفر اقتصاددان به انتخاب رییس جمهور از حیث تضعیف استقلال بانک مرکزی مغایر با مغایر جزء (2) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری است. ایراد شورای نگهبان:

2-5- جزء (4) بند (ب)، از این جهت که تصویب و تفریغ بودجه بانک مرکزی توسط مجمع عمومی، با رعایت اصول (52) و (55) قانون اساسی است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (6) اعمال شد:

- 1- جزء (4) بند (الف) به‌صورت زیر اصلاح شد: «دو نفر از وزراء به‌انتخاب هیأت وزیران».
- 2- تبصره (1) جزء (4) حذف شد.
- 3- جزء (4) بند (ب) به‌شرح زیر اصلاح شد:
- 4- تصویب بودجه و تفریغ بودجه بانک مرکزی با رعایت اصول 52 و 55 قانون اساسی».

ماده 7-

الف- اعضای هیأت عالی عبارتند از:

1. رئیس کل بانک مرکزی (رئیس هیأت عالی)؛
2. وزیر امور اقتصادی و دارایی؛
3. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور؛
4. دو نفر اقتصاددان متخصص در زمینه سیاستگذاری پولی و ارزی؛
5. دو نفر متخصص در حوزه بانکداری: یک نفر در زمینه حقوق بانکی و یک نفر در زمینه امور مالی.

اعضای ردیف‌های (1)، (4) و (5) باید معتقد به میانی بانکداری اسلامی بوده و تسلط کافی بر روشهای اجرای آن داشته باشند.

ب- رئیس کل مطابق ترتیبات مذکور در مصوبه 1393 / 8 / 24 مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط رئیس جمهور منصوب و عزل می‌شود. همچنین رئیس کل باید از کفایت علمی، کفایت تجربی و سایر شرایط مذکور در مصوبه یادشده برخوردار باشد.

پ- اعضای ردیف‌های (4) و (5) به پیشنهاد رئیس کل و تأیید و حکم رئیس جمهور منصوب می‌شوند. عزل آنان نیز قبل از اتمام مدت حکم، توسط رئیس جمهور امکان پذیر است.

ت- دوره مسئولیت اعضای ردیف‌های (4) و (5) پنج سال می‌باشد و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. به‌منظور ثبات بخشی به سیاست‌های پولی کشور، در اولین دوره اجرای این قانون، حکم یکی از دو عضو هر یک از ردیف‌های یادشده برای مدت دو سال و نیم و حکم عضو دیگر برای مدت پنج سال صادر می‌شود. در دوره‌های بعدی، احکام همه اعضاء پنجساله خواهد بود. در صورت فوت، استعفا یا عزل هر یک از اعضای ردیف‌های (4) و (5) جایگزین وی باید ظرف یک ماه تعیین شود. حکم عضو جایگزین برای باقیمانده دوره عضو متوفی، مستعفی یا معزول صادر می‌شود.

ث- اعضای ردیف (4) باید مدرک دکترای علوم اقتصادی داشته و از دانش کافی در زمینه اقتصاد کلان و سیاستگذاری پولی و ارزی و حداقل ده سال تجربه مرتبط برخوردار باشند.

ج- اعضای ردیف (5) باید از شرایط اختصاصی زیر برخوردار باشند:

عضو متخصص در امور مالی: داشتن مدرک دکترا در یکی از رشته‌های علوم اقتصادی، مالی، بانکداری یا حسابداری و حداقل ده سال تجربه مرتبط؛

عضو متخصص در زمینه حقوق بانکی: داشتن مدرک دکترا در رشته حقوق با گرایش مرتبط و حداقل ده سال تجربه مرتبط.

چ- اعضای ردیف‌های (4) و (5) باید به‌صورت تمام وقت در خدمت بانک مرکزی بوده و نمی‌توانند شغل یا سمت موظف یا غیرموظف اعم از مدیریتی، کارشناسی یا مشاوره‌ای در بخش دولتی یا غیردولتی داشته باشند. این ممنوعیت شامل موارد مستثنی شده ذیل اصل (141) قانون اساسی نمی‌شود. حقوق و مزایای اعضای یادشده مطابق حقوق و مزایای مقامات موضوع بند (ج) ماده (71) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 1386 / 7 / 8 توسط بانک مرکزی پرداخت می‌شود.

تبصره- در صورتی که عضو هیأت عالی مستخدم رسمی یا پیمانی هر یک از دستگاههای اجرائی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری باشد، دستگاه موظف است بلافاصله پس از صدور حکم عضویت وی در هیأت عالی،

او را به بانک مرکزی مأمور نموده و هرگونه افزایش در حقوق قانونی، از جمله ارتقاء، افزایش حقوق سنواتی، افزایش گروه و رتبه و سایر موارد را در طول دوره مأموریت اعمال کند.

ح- اعضای بندهای (4) و (5) باید واجد شرایط عمومی زیر باشند:

1. اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی؛

2. تابعیت جمهوری اسلامی ایران و نداشتن تابعیت مضاعف و پروانه اقامت دائم در کشور خارجی برای خود،

همسر و فرزندان تحت تکفل؛

3. داشتن حسن شهرت و توانایی انجام وظایف؛

4. نداشتن سابقه محکومیت کیفری و تخلفات مالی؛

5. عدم محکومیت قطعی انتظامی به مجازات‌های مذکور در بندهای (د)، (و)، (ی) ماده (9) قانون رسیدگی به

تخلفات اداری مصوب 1372/9/17.

خ- با توجه به کثرت وظائف و جلسات هیأت عالی، وزیر امور اقتصادی و دارائی و رئیس سازمان برنامه و بودجه باید نماینده‌ای را از طرف خود برای شرکت در جلسات هیأت عالی به رئیس کل معرفی کنند. افرادی که برای این منظور معرفی می‌شوند، باید از شرایط مذکور در بندهای (ث) و (ح) این ماده برخوردار باشند.

د- اعضای هیأت عالی باید در اولین جلسه هیأت عالی سوگند یاد کنند. متن سوگندنامه اعضای هیأت عالی به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم من به خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که ضمن توجه مستمر به خطیر بودن وظیفه‌ای که برعهده من گذاشته شده است، در کلیه اظهارنظرها و تصمیم‌گیری‌های خود، مصالح ملت ایران، پیشرفت اقتصاد کشور، ترویج احکام نورانی اسلام در عرصه پول، بانک و مالیه اسلامی و گسترش اخلاق و معنویت در تعاملات اقتصادی جامعه را در چهارچوب قانون اساسی مدنظر قرار دهم. منافع شخصی و فشارهای خارج از چهارچوب قانون، به هیچ‌وجه مرا از التزام به قوانین جمهوری اسلامی ایران و انجام وظایفی که شرعاً و قانوناً برعهده دارم، باز نخواهد داشت.»

در ماده (7)

ابهام و ایراد شورای نگهبان:

1-6- نسبت میان شرط مذکور در تبصره بند (الف) و شرایط مذکور در بند (ب) در خصوص رئیس کل، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

2-6- در اجزاء (4) و (5) بند (الف)، اضافه شدن چهار نفر کارشناس مذکور به ترکیب هیأت عالی و همچنین شرایط مذکور در بند (چ) این ماده، با توجه به بار مالی ایجادشده، مغایر اصل (75) قانون اساسی شناخته شد. ایراد هیأت عالی نظارت:

13- در بند (الف) ماده (7) حضور 4 نفر اقتصاددان به عنوان اعضای هیأت عالی با چنین فرایند انتخاب که در بند (پ) این ماده ذکر شده از حیث تضعیف استقلال بانک مرکزی مغایر با جزء (2) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری (مغایرت با معطوف بودن به نیازهای واقعی) شناخته شد. ابهام و ایراد شورای نگهبان:

3-6- در جزء (4) بند (ح)، مقصود از «تخلفات مالی» و دامنه آن ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

4-6- در جزء (4) بند (ح)، اطلاق محکومیت کیفری نسبت به محکومیت‌های غیر مؤثر، مغایر بند 10 اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.

5-6- بند (ح) به جهت عدم ذکر شروط اسلام، وثاقت و امانت در خصوص اعضای مذکور، خلاف شرع شناخته شد.

6-6- ارتباط میان متن سوگندنامه مذکور در بند (خ) و تبصره این بند ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (7) اعمال شد:

1- بند (الف) ماده (7) و تبصره آن به صورت زیر اصلاح شد:
«الف- اعضای هیأت عالی عبارتند از:

1- رئیس کل (رئیس هیأت عالی)

2- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی

3- رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور یا معاون وی

4- دو نفر اقتصاددان متخصص در زمینه سیاستگذاری پولی و ارزی

5- دو نفر متخصص در حوزه بانکداری: یک نفر در زمینه حقوق بانکی و یک نفر در زمینه امور مالی

6- معاون سیاستگذاری پولی

7- معاون تنظیمگری و نظارت

تبصره- اعضای موضوع اجزای (1)، (4)، (5)، (6) و (7) این بند باید تسلط کافی به مبانی بانکداری اسلامی و روشهای اجرای آن داشته باشند».

2- در بند (ب)، پس از عبارت «رئیس کل باید» عبارت «علاوه بر شرط مذکور در تبصره بند (الف)» اضافه شد.

3- اجزاء (1) و (4) بند (ح) به صورت زیر اصلاح شد:

«ح- اعضای موضوع اجزای (4)، (5)، (6) و (7) بند «الف» این ماده باید واجد شرایط عمومی زیر باشند:

1- وثاقت، امانت، اعتقاد و التزام عملی به اسلام، ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی

4- نداشتن سابقه محکومیت کیفری موثر و محکومیت قطعی به جرایم اقتصادی»

4- معاونان مذکور در اجزاء (2) و (3) بند (الف) باید از شرایط مذکور در بند (ث) برخوردار باشند.

5- بند (خ) حذف شد.

همچنین بند (الف) ماده (9) به صورت زیر اصلاح و یک بند به ماده مزبور اضافه شد:

«الف- جلسات هیأت عالی با حضور دوسوم اعضا رسمیت می یابد و تصمیمات آن با رأی موافق پنج عضو حاضر اتخاذ می گردد.»

همچنین بند پ ماده (9) به شرح زیر اصلاح شد:

«پ- قرار گرفتن موضوعات در دستور هیأت عالی منوط به موافقت رئیس کل است. موضوعات مرتبط با بندهای

(3) و (18) ماده (8) از این قاعده مستثناست. هرکدام از اعضای هیأت عالی می توانند موضوعات مرتبط با بندهای

یادشده را برای طرح در جلسه به دبیرخانه هیأت عالی اعلام کنند.»

وظایف هیأت عالی

ماده 8

ماده 8- وظایف هیأت عالی به شرح زیر است:

1. تعیین سیاست های پولی، ارزی و اعتباری بانک مرکزی و تصویب ابزارهای مورد نیاز اجرای سیاست پولی

در چهارچوب قانون؛

2. تصویب برنامه‌های اجرایی که توسط رئیس کل برای تحقق اهداف بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود؛
 3. نظارت بر عملکرد هیأت عامل بانک مرکزی؛
 4. تصویب دستورالعمل‌های موردنیاز برای اجرای این قانون، از جمله دستورالعمل‌های مربوط به «تسهیلات و تعهدات کلان» و «اشخاص مرتبط»؛
 5. اتخاذ تصمیم در خصوص صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز مؤسسات اعتباری؛
 6. اتخاذ تصمیم در خصوص تعیین سرپرست، بازسازی و گزیر مؤسسات اعتباری متخلف یا در معرض خطر؛
 7. اجازه تأسیس و تعطیلی شعب، نمایندگی‌ها، مؤسسات و شرکت‌های تابعه بانک مرکزی در چهارچوب قوانین و مقررات مرتبط؛
 8. اتخاذ تدابیر لازم برای مدیریت نقدینگی و هدایت تسهیلات و اعتبارات بانکی در جهت تحقق هدف مذکور در جزء (3) بند «ب» ماده (3) این قانون (حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال)؛
 9. اظهار نظر درباره بودجه سالانه بانک مرکزی؛
 10. اتخاذ تصمیم در خصوص انتشار یا از گردش خارج نمودن انواع اسکناس و مسکوک و سایر انواع پول ملی؛
 11. اتخاذ تصمیم در مورد تعیین سقف نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و تسهیلات مبتنی بر عقود با بازدهی معین؛
 12. اتخاذ تصمیم در مورد نرخ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه و انواع خدمات بانکی؛
 13. اتخاذ تصمیم در خصوص اعطای اعتبار به صندوق ضمانت سپرده‌ها؛
 14. تصویب استانداردهای حسابداری، حسابرسی و گزارشگری مالی بانک مرکزی و «اشخاص تحت نظارت» برای پیشنهاد به مرجع قانونی تدوین استانداردهای یادشده؛
 15. بررسی و تصویب گزارش‌های رئیس کل قبل از ارائه به مجلس شورای اسلامی و مجمع عمومی بانک مرکزی؛
 16. بررسی و تصویب گزارش‌های دوره‌ای بانک مرکزی قبل از انتشار.
 17. تعیین حدود مجاز نگهداری و نقل و انتقال اسکناس، مسکوک و ابزارهای پرداخت مشابه، از جمله چک‌های تضمین شده، توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و واریز یا برداشت نقدی از طریق مؤسسات اعتباری؛
- تبصره- هیأت عالی می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود، از جمله تصویب دستورالعمل‌های موردنیاز را حسب مورد به کمیته سیاستگذاری پولی و ارزی یا کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی تفویض کند. در این صورت، مصوبات کمیته‌های یادشده، پس از تأیید رئیس کل لازم‌الاجراء خواهد بود.

در ماده (8)

ابهام شورای نگهبان:

- 1-7- «سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری» مذکور در بند (1) از حیث این که با رعایت سیاست‌های کلی نظام است یا خیر ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 2-7- منظور از «دستورالعمل» در بند (4)، از این جهت که شامل آیین‌نامه نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 3-7- بند (5)، از حیث عدم تعیین ضابطه مشخص برای «صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز تأسیس و فعالیت مؤسسات اعتباری» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 4-7- بند (12)، از جهت مشخص نبودن ضابطه تعیین نرخ کارمزد مذکور ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 5-7- بند (17)، به جهت مشخص نبودن ضابطه و حدود «نگهداری و نقل و انتقال اسکناس، مسکوک و ابزارهای پرداخت مشابه و واریز یا برداشت نقدی از طریق مؤسسات اعتباری» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

خواهد شد.

6-7- در بند (18)، «سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری» مبنیاً بر ابهام مذکور در بند (1) این ماده ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (8) اعمال شد:

1- در صدر ماده (8)، بعد از عبارت «وظائف هیأت عالی»، عبارت «با رعایت قوانین مربوط» اضافه شد.

2- بند (1) به صورت زیر اصلاح شد:

«1- تعیین سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری بانک مرکزی و تصویب ابزارهای مورد نیاز اجرای سیاست پولی در چهارچوب اسناد بالادستی ذی ربط».

3- بند (4) حذف شد.

4- بند (5) حذف شد.

5- بند (12) به دو بند به صورت زیر تفکیک و شماره بندهای بعدی به ترتیب اصلاح شد:

«12- اتخاذ تصمیم در مورد نرخ کارمزد تسهیلات قرض الحسنه معادل هزینه پرداخت تسهیلات.

13- اتخاذ تصمیم در مورد نرخ کارمزد انواع خدمات بانکی متناسب با هزینه تمام شده خدمات».

ضمناً ابهام بند (17) با توجه به اصلاح صدر ماده (8)، و ابهام بند (18) با توجه به اصلاح بند (1) برطرف شده است.

ماده 9

ماده 9-

الف- جلسات هیأت عالی با حضور دوسوم اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی موافق چهار عضو اتخاذ می‌گردد. حضور رئیس کل یا قائم مقام وی (در صورت فقدان رئیس کل) در جلسات هیأت عالی ضروری است.

ب- ...

با توجه به اصلاحات انجام شده در ماده (7)، بند (الف) ماده (9) به صورت زیر اصلاح شد:

«الف- جلسات هیأت عالی با حضور دوسوم اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی موافق پنج عضو حاضر اتخاذ می‌گردد».

ماده 10

ماده 10-

الف- رئیس کل موظف است اولین جلسه هیأت عالی در هر فصل را با عنوان «نشست ویژه سیاستگذاری پولی و

ارزی»، به بررسی اثربخشی سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری اجراء شده بانک مرکزی اختصاص دهد. کلیه تصمیمات معطوف به سیاست‌گذاری پولی، ارزی و اعتباری که به‌تشخیص رئیس کل بر فضای کسب و کار کشور تأثیر جدی خواهد داشت، صرفاً باید در این نشست‌ها اتخاذ شود. رئیس کل، وزیر امور اقتصادی و دارائی و رئیس سازمان برنامه و بودجه باید شخصاً در این نشست‌ها شرکت کنند. رؤسای اتاق ایران، اتاق تعاون و اتاق اصناف الزاماً باید برای شرکت در نشست‌های ویژه سیاست‌گذاری پولی و ارزی و استماع نظرات آنان دعوت شوند. همچنین رئیس کل می‌تواند افراد دیگری از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی و یا کارشناسان مستقل را به منظور اطلاع از نظرات مشورتی آنان به‌صورت موردی برای حضور در نشست‌های ویژه سیاست‌گذاری دعوت کند.

نشست‌های فوق‌العاده سیاست‌گذاری پولی و ارزی در خارج از زمان‌های مقرر در صدر این بند، به درخواست رئیس کل، وزیر امور اقتصادی و دارائی یا حداقل دو نفر از اعضای هیأت‌عالی یا به درخواست مشترک رؤسای اتاق ایران، اتاق تعاون و اتاق اصناف، برای تبادل نظر در موضوع موردنظر درخواست‌کنندگان و در صورت ضرورت، اتخاذ تصمیم درباره آن موضوع تشکیل می‌شود.

ب- رئیس کل موظف است حداقل سه روز قبل از برگزاری نشست ویژه سیاست‌گذاری (غیر از نشست‌های فوق‌العاده)، گزارش عملکرد بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور در دوره مورد گزارش را در اختیار اعضای اصلی و ناظر هیأت عالی قرار دهد. گزارش رئیس کل باید مشتمل بر فصل‌های زیر باشد:

1. تغییرات حجم و رشد نقدینگی، پایه پولی و اجزای آن و روند نرخ‌های سود در دوره مورد گزارش؛
2. عملکرد بانک مرکزی، نقش دولت و شبکه بانکی در رابطه با ثبات یا تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها؛
3. عملکرد بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور در مجموع، و هریک از مؤسسات اعتباری به‌تفکیک، در زمینه ثبات و سلامت شبکه بانکی کشور؛
4. عملکرد بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور در مجموع، و هریک از مؤسسات اعتباری به‌تفکیک، در زمینه حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال، گسترش زیرساخت‌ها، توسعه فناوری و افزایش صادرات کشور؛
5. مطالبات، بدهی‌ها و تعهدات خارجی کشور، وضعیت بازار ارز و عملکرد بانک مرکزی در زمینه حمایت از ارزش پول ملی و بهبود تراز پرداخت‌ها؛
6. ارزیابی نتایج و پیامدهای سیاست‌ها و اقدامات مصوب در نشست‌های قبلی، پیش‌بینی وضعیت آتی و پیشنهادها برای رئیس کل برای اجراء در دوره پیش‌رو.

هیأت‌عالی می‌تواند پس از بحث و بررسی، گزارش رئیس کل را عیناً تأیید نماید؛ یا اصلاحات لازم را در آن اعمال کند. نظرات متفاوت اعضاء هیأت‌عالی، رؤسای اتاق‌ها و سایر مدعوین که به تصویب اکثریت اعضاء حاضر هیأت عالی نرسیده، در صورت درخواست آنان به‌صورت جداگانه به متن گزارش الصاق می‌شود. مصوبات نشست‌های ویژه سیاست‌گذاری به‌همراه مستندات و منضمات آن باید ظرف سه روز کاری توسط رئیس کل برای مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه، وزیر امور اقتصادی و دارائی و رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال شود. اطلاع‌رسانی عمومی درباره مذاکرات و تصمیمات نشست‌های ویژه سیاست‌گذاری صرفاً توسط رئیس کل صورت می‌گیرد.

ایراد هیأت عالی نظارت:

در بند (الف) ماده (10) به دلیل تعارض منافع در آگاهی از سیاست‌های پولی و ارزی و اعتباری و تبعیض و احتمال ایجاد رانت اطلاعاتی مغایر بند (19) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

در بند (الف)، بعد از عبارت «رؤسای اتاق‌های «بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران»، «تعاون ایران» و «اصناف ایران» الزاماً باید برای شرکت در نشست‌های ویژه سیاست‌گذاری پولی و ارزی و استماع نظرات آنان دعوت شوند»، عبارت «شرکت رؤسای اتاق‌های یادشده در نشست‌های ویژه هیأت عالی، منوط به رعایت بندهای

(الف)، (ب)، (ت)، (ث) و (خ) ماده (60) این قانون است» اضافه شد.
همچنین عبارت «یا به درخواست مشترک رؤسای اتاق‌های «بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران»، «تعاون ایران» و «اصناف ایران» از ماده (10) حذف شد.

کمیته‌های تخصصی هیأت عالی کمیته‌های تخصصی هیأت عالی

ماده 12

ماده 12- کمیته‌های تخصصی هیأت عالی عبارتند از:
الف- کمیته سیاستگذاری پولی و ارزی؛
ب- کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی.

ایراد شورای نگهبان
8- استفاده از واژه غیرفارسی «کمیته» در ماده (12) و مواد متعدد دیگر مصوبه، مغایر اصل (15) قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:
واژه «کمیته» در ماده (12) و سایر مواد به «شورا» اصلاح شد.

ماده 13

ماده 13-

الف- اعضای کمیته سیاستگذاری پولی و ارزی عبارتند از:

1. قائم مقام رئیس کل (رئیس)؛
 2. معاون سیاستگذاری پولی رئیس کل (دبیر)؛
 3. معاون رئیس کل در امور ارزی؛
 4. اعضای هیأت عالی موضوع جزء (4) بند (الف) ماده (7)؛
 5. اعضای از هیأت عامل که رئیس کل عضویت آنان را در کمیته سیاستگذاری پولی و ارزی لازم می‌داند؛
 6. سه نفر خیره اقتصادی مسلط به اقتصاد کلان و سیاست پولی: یک نفر با معرفی رئیس کل، یک نفر با معرفی وزیر امور اقتصادی و دارایی و یک نفر که مشترکاً توسط رؤسای اتاق ایران، اتاق تعاون و اتاق اصناف معرفی می‌شود؛
 7. دو نفر متخصص امور ارزی با معرفی رئیس کل.
- تبصره- اعضای موضوع اجزاء (6) و (7) این بند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. افراد یادشده، در صورتی که قبل از صدور حکم عضویت، در استخدام بانک مرکزی نبوده باشند، به صورت غیرموظف در جلسات کمیته شرکت می‌کنند.

ب- وظایف کمیته سیاستگذاری پولی و ارزی عبارت است از:

1. آماده‌سازی دستورکار و پیش نویس مصوبات هیأت عالی در موضوعات مرتبط با سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی؛
2. ارزیابی اثربخشی سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی و ارائه گزارش به هیأت عالی؛
3. پایش مستمر عملکرد مؤسسات اعتباری از حیث همراهی با اهداف و سیاست‌های اعلام شده بانک مرکزی و ارائه پیشنهادات تشویقی یا تنبیهی لازم به هیأت عالی؛
4. انجام سایر اموری که توسط هیأت عالی یا رئیس‌کل ارجاع می‌شود.

ایراد شورای نگهبان:

9- در ماده 13

- 9-1 - اجزاء (6) و (7) بند (الف)، به جهت عدم ذکر شروط اسلام، وثاقت و امانت خلاف شرع شناخته شد.
- 9-2 - جزء (6) بند (الف)، به جهت پیش‌بینی انتخاب یکی از سه خبره اقتصادی عضو کمیته سیاست‌گذاری پولی و ارزی توسط رؤسای اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعاون ایران و اصناف ایران، مغایر اصل (60) قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (13) اعمال شد:

1- یک تبصره به شرح زیر به بند (الف) اضافه شد:

«تبصره- اعضای موضوع اجزای (6) و (7) باید حائز شرایط مندرج در جزء (1) بند (ح) ماده (7) این قانون باشند».

2- جزء (6) به صورت زیر اصلاح شد:

«6- سه نفر کارشناس مسلط به اقتصاد کلان و سیاست پولی با مدرک دکتری علوم اقتصادی و حداقل دهسال سابقه کاری مرتبط و معتبر ترجیحاً از میان مدیران و کارشناسان بانک مرکزی به انتخاب رئیس‌کل.»

کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی

ماده 14

ماده 14-

الف- اعضای کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی عبارتند از:

1. قائم مقام رئیس کل (رئیس)؛
2. معاون تنظیم‌گری و نظارت رئیس کل (دبیر)؛
3. معاون حقوقی رئیس کل؛
4. اعضای هیأت عالی مذکور در جزء (5) بند (الف) ماده (7)؛

5. اعضای از هیأت عامل که رئیس کل عضویت آنان را در کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی لازم می‌داند؛
6. سه نفر حقوقدان مسلط به حقوق بانکی و موضوعات مرتبط با تنظیم‌گری و نظارت بانکی، یک نفر با معرفی رئیس کل، یک نفر با معرفی وزیر امور اقتصادی و دارایی و یک نفر با معرفی دادستان کل کشور.

تبصره- اعضای موضوع جزء (6) این بند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. افراد یادشده، در صورتی که قبل از صدور حکم عضویت، در استخدام بانک مرکزی نبوده باشند، به صورت غیرموظف در جلسات کمیته شرکت می‌کنند.
ب- وظایف کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی عبارت است از:

1. آماده‌سازی دستورکار و پیش نویس مصوبات هیأت عالی در موضوعات مرتبط با تنظیم‌گری و نظارت بانکی؛
2. ارزیابی اثربخشی تصمیمات بانک مرکزی در حوزه تنظیم‌گری و نظارت بانکی و ارائه گزارش به هیأت عالی؛
3. پایش مستمر عملکرد «اشخاص تحت نظارت» از جهت تمکین به دستورالعمل‌های ابلاغی بانک مرکزی در خصوص حفظ سلامت و ثبات شبکه بانکی، و ارائه پیشنهادات تشویقی یا تنبیهی لازم به هیأت عالی؛
4. انجام سایر اموری که توسط هیأت عالی یا رئیس کل ارجاع می‌شود.

ایراد شورای نگهبان

10-1- جزء (6) بند (الف)، به جهت پیش‌بینی انتخاب یکی از سه حقوقدان عضو کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی توسط دادستان کل کشور، مغایر اصل (60) قانون اساسی شناخته شد.

10-2- در جزء (6) بند (الف)، عدم ذکر شروط اسلام، وثاقت و امانت خلاف شرع شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (14) انجام شد:

1- جزء (6) بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد:

«6- سه نفر کارشناس مسلط به حقوق بانکی و موضوعات مرتبط با تنظیم‌گری و نظارت بانکی با مدرک دکتری مرتبط و حداقل ده سال سابقه کار مرتبط و معتبر، ترجیحاً از میان مدیران و کارشناسان بانک مرکزی به انتخاب رئیس کل».

2- یک تبصره به شرح به عنوان تبصره (2) زیر به بند (الف) الحاق و عنوان تبصره آن به تبصره (1) اصلاح شد:

«تبصره 2- اعضای موضوع اجزای (6) و (7) باید حائز شرایط مندرج در جزء (1) بند (ح) ماده (7) این قانون باشند».

رکن سوم

-هیأت عامل

ماده 15-

الف- رئیس کل، قائم مقام و معاونین رئیس کل اعضای هیأت عامل بانک مرکزی را تشکیل می‌دهند.
 ب- قائم مقام رئیس کل با پیشنهاد رئیس کل و تأیید و حکم رئیس جمهور منصوب و عزل می‌شود.
 تبصره- قائم مقام رئیس کل باید واجد شرایط مورد اشاره در بند (ب) ماده (7) این قانون باشد.
 پ- اجرای کلیه وظایف و به‌کارگیری اختیارات بانک مرکزی در این قانون، در چهارچوب مصوبات هیأت عالی بر عهده هیأت عامل است. همچنین هیأت عامل مکلف به اجرای سایر اموری است که از سوی هیأت عالی یا رئیس کل ارجاع می‌گردد. مصوبات هیأت عامل پس از تأیید رئیس کل معتبر خواهد بود.

ایراد شورای نگهبان:

11- در ماده (15)، عدم ذکر شرط وثاقت و امانت در خصوص «قائم مقام رئیس کل» خلاف شرع شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

تبصره ذیل بند (ب) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«تبصره- قائم مقام رئیس کل باید واجد شرایط مذکور در بند (ب) و جزء (1) بند (ح) ماده (7) این قانون باشد».

ماده 16- رئیس کل بالاترین مقام اجرائی بانک مرکزی است و مسئولیت اداره بانک مرکزی و اجرای این قانون و مقررات مربوط به آن را برعهده دارد. رئیس کل عهده‌دار کلیه امور اجرایی بانک مرکزی می‌باشد و در چهارچوب مصوبات هیأت عالی در قبال اقدامات بانک مرکزی پاسخگوست. همچنین رئیس کل عهده دار وظایف زیر است:

1. نصب و عزل معاونان و مدیران بانک مرکزی؛
2. سخنگویی بانک مرکزی و هیأت عالی؛
3. نمایندگی بانک مرکزی در کلیه مراجع رسمی داخلی و خارجی؛
4. امضای قرارداد و توافقنامه به نمایندگی از بانک مرکزی؛
5. طرح دعوی در مراجع رسمی داخلی و خارجی؛
6. طراحی ساختار و حکمرانی داخلی بانک مرکزی و ارائه آن به هیأت عالی جهت تصویب؛
7. پیشنهاد بودجه سالانه بانک مرکزی به هیأت عالی؛
8. سایر وظایف محوله از سوی هیأت عالی.

تبصره 1- رئیس کل می‌تواند حق امضاء و یا بخشی از وظایف اجرائی خود را به قائم مقام، معاونان، مدیران و کارکنان بانک مرکزی تفویض کند.

تبصره 2- اختیارات قائم مقام رئیس کل به‌جز مواردی که در این قانون تصریح شده است، از طرف رئیس کل تعیین می‌شود و در صورت غیبت، استعفا یا فوت رئیس کل، تا زمان تعیین جایگزین، قائم مقام دارای کلیه اختیارات و وظایف رئیس کل می‌باشد.

در ماده 16

ایراد شورای نگهبان:

12-1- از جهت مشخص نبودن اشخاص و نهادهایی که رئیس کل بانک مرکزی نسبت به آن‌ها پاسخگو خواهد بود، واجد ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ایراد هیأت عالی نظارت:

در جزء (6) ماده (16) عبارت «طراحی ساختار و حکمرانی داخلی بانک مرکزی» با جزء (3) بند (9) سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری مغایرت دارد.
ایراد شورای نگهبان:

12-2- تبصره (1)، از این جهت که با تفویض اختیارات توسط رئیس کل، آیا رئیس کل کماکان نسبت به وظایف تفویض شده، مسئولیت خواهد داشت یا در صورت تفویض، از او رفع مسئولیت می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (15) اعمال شد:

1- عبارت «رئیس کل عهده‌دار وظایف زیر است» به عبارت «رئیس کل با رعایت قوانین مربوط عهده‌دار وظایف زیر است» اصلاح شد.

2- بعد از عبارت «اقدامات بانک مرکزی»، عبارت «به رئیس جمهور» اضافه شد.

3- جزء (6) به صورت زیر اصلاح شد:

«6- طراحی ساختار داخلی بانک مرکزی در چهارچوب این قانون و ارائه آن به هیأت عالی جهت تصویب».

4- عبارت «تفویض وظایف و حق امضاء نافه مسئولیت وی نیست» به انتهای تبصره (1) اضافه شد.

رکن چهارم هیأت نظار

ماده 17

ماده 17-

الف- هیأت نظار مرکب از یک رئیس و چهار عضو از میان حسابرسان خیره مطلع در امور بانکی با داشتن حداقل ده سال سابقه مرتبط است که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.
ب- وظایف هیأت نظار به شرح زیر است:

1. حسابرسی صورت‌های مالی بانک و تهیه گزارش‌های مربوط؛

2. رسیدگی به دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی حداقل هر سه ماه یک بار و تهیه گزارش تغییرات؛

3. تهیه گزارش‌های ادواری و موردی در رابطه با عملکرد بانک مرکزی از لحاظ انطباق با قوانین و مقررات؛

4. تفریغ بودجه بانک مرکزی.

پ- رئیس هیأت نظار موظف است گزارش‌های مصوب هیأت نظار را برای اعضای مجمع عمومی بانک مرکزی و اعضای هیأت عالی ارسال کند.

ت- نمایندگان ناظر مجلس در مجمع عمومی بانک مرکزی موظفند حداکثر 48 ساعت قبل از برگزاری مجمع،

گزارش خود را در ارتباط با گزارش‌های ارائه شده توسط هیأت نظار به دبیرخانه مجمع عمومی ارسال نمایند تا در دستور کار مجمع قرار گیرد.

ث- رئیس کل موظف است نسخه‌ای از کلیه تصمیمات، اسناد و گزارش‌های مرتبط با عملکرد بانک مرکزی را بلافاصله پس از تهیه یا تصویب به هیأت نظار تسلیم نماید.

ج- اعضای هیأت نظار نمی‌توانند شغل یا سمت موظف یا غیرموظف اعم از مدیریتی، کارشناسی یا مشاوره‌ای در بخش دولتی یا غیردولتی داشته باشند. این ممنوعیت شامل موارد مستثنی شده ذیل اصل (141) قانون اساسی نمی‌شود. حقوق و مزایای اعضای هیأت نظار مطابق حقوق و مزایای مقامات موضوع بند (ج) ماده (71) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 1386/7/8 توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پرداخت می‌شود. همچنین هزینه استفاده از خدمات حسابرسانی که حسب تشخیص رئیس هیأت نظار استفاده از خدمات آنها برای انجام مأموریت های هیأت نظار ضروری است، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پرداخت می‌شود. سایر هزینه‌های هیأت نظار، مشتمل بر هزینه‌های اداری و پشتیبانی، توسط بانک مرکزی تأمین خواهد شد.

چ- بانک مرکزی موظف است با درخواست رئیس هیأت نظار، فضای مناسب، امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی موردنیاز هیأت را تأمین کنند.

ح- آیین‌نامه داخلی هیأت نظار توسط رئیس هیأت تهیه و به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

در ماده 17

ایراد شورای نگهبان:

1-13- عدم ذکر شروط اسلام، وثاقت و امانت در خصوص اعضای هیأت نظار خلاف شرع شناخته شد.

ایراد شورای نگهبان:

2-13- در بند (ت)، موظف کردن نمایندگان ناظر مجلس در مجمع عمومی بانک مرکزی به ارائه گزارش، مغایر اصل 57 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (17) اعمال شد:

1- عبارت «اعضای هیأت نظار باید واجد شرایط مندرج در جزء (1) بند (ح) ماده (7) این قانون باشند» به انتهای بند (الف) اضافه شد.

2- در بند (ت)، عبارت «موظفند حداکثر» به عبارت «می‌توانند حداقل» تبدیل شد.

3- در جزء (1) بند (ب)، عبارت «بانک» به «بانک مرکزی» اصلاح شد.

رکن پنجم

-شورای فقهی

ماده 18

ماده 18- برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهار نظر نسبت به رویه‌ها و ابزارهای رایج، شیوه‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، چهارچوب قراردادهای و نحوه اجرای آنها از جهت انطباق با موازین فقه اسلامی، «شورای فقهی» در بانک مرکزی تشکیل می‌شود:

الف- شورای فقهی متشکل از افراد زیر است:

1- پنج فقیه (مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب‌نظر در مسائل پولی و بانکی)

2- رئیس‌کل

3- معاونان تنظیم‌گری و نظارت و حقوقی رئیس‌کل

4- یک نفر اقتصاددان متخصص در بانکداری اسلامی به انتخاب رئیس‌کل

5- یک نفر حقوقدان متخصص در بانکداری اسلامی به انتخاب رئیس‌کل

6- یک نفر از مدیران عامل بانکهای کشور به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی

اعضای موضوع اجزای (1)، (4) و (5) این بند برای مدت پنج‌سال منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ب- حکم اعضای حقیقی شورای فقهی توسط رئیس‌کل صادر می‌شود.

پ- فقهای عضو شورای فقهی به پیشنهاد مشترک مدیر حوزه‌های علمیه کشور و رئیس‌کل به شورای نگهبان معرفی و با تأیید اکثریت فقهای آن شورا انتخاب می‌شوند.

ت- رئیس و نایب‌رئیس شورای فقهی از میان فقهای عضو شورا با رأی اکثریت اعضا برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند.

ث- جلسات شورای فقهی با حضور رئیس یا نایب‌رئیس شورا و حداقل دو نفر دیگر از فقهای عضو شورا رسمیت می‌یابد. مصوبات فقهی شورا با رأی موافق سه نفر از فقهای عضو شورا معتبر است و اعضای غیرفقیه در موضوعات فقهی حق رأی ندارند.

ج- یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اولویت آشنایی با اقتصاد و بانکداری اسلامی به پیشنهاد کمیسیون اقتصادی و انتخاب مجلس شورای اسلامی به‌عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی در جلسات شورای فقهی شرکت می‌کند.

چ- شورای فقهی موظف است نسبت به مصوبات هیأت‌عالی و کمیته‌های ذیل آن که حسب تشخیص رئیس شورای فقهی واجد ملاحظات شرعی می‌باشد، اظهار نظر نموده و موارد عدم انطباق با شرع را توسط رئیس یا نایب‌رئیس شورا بصورت کتبی به رئیس‌کل اعلام کند. فتوای معیار در مصوبات شورا، آرای فقهی ولی فقیه است و در صورت نبود فتوای ولی فقیه، طبق نظر مشهور عمل می‌شود. مهلت اظهار نظر شورا در موارد فوق پانزده روز است. عدم اظهار نظر در مهلت فوق به مثابه موافقت شورا تلقی می‌شود.

همچنین، شورا موظف است در خصوص موضوعاتی که توسط رئیس‌کل به شورای فقهی ارجاع می‌شود، یا توسط دبیرخانه یا به درخواست هریک از اعضای شورای فقهی در دستور کار شورا قرار می‌گیرد، اظهار نظر نموده، موارد عدم انطباق با شرع را به رئیس‌کل اعلام کند. رئیس‌کل موظف است مصوبات شورای فقهی را پیگیری و بر حُسن اجرای آنها نظارت کند.

ح- مصوبات شورای فقهی از طریق رئیس‌کل ابلاغ می‌شود و برای کلیه ارکان بانک مرکزی و «اشخاص تحت نظارت» لازم‌الرعایه است.

خ- اظهار نظر فقهی شورای فقهی بانک مرکزی، نافی اختیارات فقهای شورای نگهبان در اصل چهارم (4) قانون اساسی نمی‌باشد.

د- شورای فقهی دارای دبیرخانه‌ای است که دبیر آن از بین افراد آشنا با بانکداری اسلامی به پیشنهاد رئیس شورای فقهی و پس از تأیید اکثریت اعضای شورا، با حکم رئیس‌کل برای مدت دو سال منصوب می‌شود و انتخاب مجدد وی بلامانع است. ساختار دبیرخانه و شرح وظایف آن با پیشنهاد شورای فقهی به تصویب مجمع عمومی می‌رسد و توسط رئیس‌کل ابلاغ می‌شود. دبیرخانه شورای فقهی می‌تواند کمیته‌های تخصصی فقهی و کارشناسی تشکیل دهد.

ذ- دستورالعمل نحوه اداره جلسات شورای فقهی، نحوه تشکیل و اداره کمیته‌های تخصصی فقهی و کارشناسی و چگونگی نظارت فقهی شورا بر «اشخاص تحت نظارت» توسط دبیر شورا پیشنهاد و پس از تصویب در شورای فقهی، توسط رئیس‌کل ابلاغ می‌شود.

ر- بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار داده و برای عموم منتشر نماید.

در ماده (18)

ایراد شورای نگهبان:

- 14-1- اجزاء 4 و 5 بند (الف)، به جهت عدم ذکر شروط وثاقت و امانت، خلاف شرع شناخته شد.
 - 14-2- بند (چ)، به جهت اینکه مشخص نیست منظور از «نظر مشهور»، نظر مشهور قدما است یا فقهای معاصر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 14-3- بند (چ)، از این جهت که مشخص نیست مصوبات هیأت عالی و کمیته‌های ذیل آن و همچنین مواردی که توسط رئیس کل به شورای فقهی ارجاع می‌شود، در حین بررسی در شورای مذکور موقوف‌الاجرا می‌شوند یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 14-4- بند (چ)، به جهت عدم تعیین تکلیف در خصوص امکان تمدید محدودیت پانزده روزه بررسی شورای فقهی در موارد ضروری، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 14-5- بند (چ) [(د)]، به جهت ایجاد دبیرخانه برای شورای فقهی که واجد بار مالی است، مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.
 - 14-6- در بند (ذ)، اطلاق تفویض تصویب «چگونگی نظارت فقهی شورا بر اشخاص تحت نظارت» به شورای فقهی، مغایر اصل 85 قانون اساسی شناخته شد.
 - 14-7- اطلاق بند (ر)، نسبت به موضوعاتی که انتشار آن‌ها مستلزم عدم رعایت حریم خصوصی و مسائل امنیتی است، مغایر بند 10 اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.
- ایراد هیأت عالی نظارت:
- 16- شورای فقهی از حیث نحوه انطباق رویه‌ها ابزارها بخشنامه‌ها و قراردادهای با مصوبات این شورا، نحوه انتخاب پنج فقیه (مجتهد) متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب نظر در مسائل پولی و بانکی و قرار گرفتن شورای فقهی به عنوان یکی از ارکان بانک مرکزی مغایر با اجزای (1)، (2)، (3) و (6) بند (9) سیاستهای کلی نظام گذاری است.
- توضیحات هیأت عالی نظارت (پیوست نامه اصلی):
- اولاً- در زمینه نحوه انتخاب پنج فقیه (مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب نظر در مسائل پولی و بانکی) ابهام وجود دارد و در قابلیت اجرای آن هم تردید حاکم است.
 - ثانیاً- تعریف شورای فقهی به عنوان یک رکن اصلی به طوری که رئیس کل بانک مرکزی عضو این شورا باشد، به تضعیف جایگاه و اقتدار بانک مرکزی منجر خواهد شد و با بند ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون مغایرت دارد.
 - ثالثاً- نمود اصلی فعالیت شورای فقهی بانک مرکزی در «احراز عدم مغایرت فرایندهای بانکی با عملیات بانکی بدون ربا» متجلی می‌شود. در حالی که طرح فعلی مجلس در مورد عملیات بانکی و ضوابط حاکم بر آن مسکوت گذاشته شده است.
 - رابعاً- از حیث نحوه انطباق رویه‌ها، ابزارها، بخشنامه‌ها و قراردادهای با مصوبات این شورا، مغایر بند 9 سیاست‌های کلی نظام گذاری است.
- در ضمن باید اشاره شود ایجاد این رکن با این همه اختیارات ناقض اختیارات و مسئولیت‌های شورای نگهبان و مخالف قانون اساسی است چرا که شورای نگهبان تنها مرجع نظارت بر شرعی بودن مقررات کشور است. نظر به این که وظائف حاکمیتی قابل تفویض نیست مقاماتی مثل فقهای شورای نگهبان که برای انجام وظائف و مأموریت‌های خود از رهبری حکم دریافت می‌کنند، نمی‌توانند این حکم را واگذار نمایند. این حکم حق شخصی آنها نیست که قابلیت واگذاری داشته باشد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (18) اعمال شد:

1- در صدر ماده، عبارت «برای حصول اطمینان از انطباق تصمیمات بانک مرکزی و اقدامات اشخاص تحت نظارت

با موازین شرعی، شورای فقهی در بانک مرکزی تشکیل می‌شود تا موارد خلاف شرع را برای اصلاح به رئیس کل اعلام کند»، جایگزین عبارت «برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهار نظر نسبت به رویه‌ها و ابزارهای رایج، شیوه‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، چهارچوب قراردادها و نحوه اجرای آنها از جهت انطباق با موازین اسلامی، شورای فقهی در بانک مرکزی تشکیل می‌شود» گردید.

2- جزء (2) بند (الف) حذف شد.

3- عبارت «دبیرخانه شورای فقهی می‌تواند کمیته‌های تخصصی فقهی و کارشناسی تشکیل دهد» از بند (د) حذف شد.

4- بند (خ) به صورت زیر اصلاح شد:

«خ- ایجاد شورای فقهی در بانک مرکزی، نافه و وظائف و اختیارات فقهای شورای نگهبان در اصل چهارم (4) قانون اساسی نیست».

5- عبارت «همچنین اعضای موضوع اجزاء (4) و (5) باید واجد شرایط مندرج در جزء (1) بند (ح) ماده (7) این قانون باشند» به انتهای بند (الف) اضافه شد.

6- در بند (چ)، عبارت «به روشی که ولی فقیه تعیین می‌کنند» جایگزین عبارت «طبق نظر مشهور» شد.

7- متن زیر به انتهای بند (چ) الحاق شد:

«مهلت اظهار نظر شورا در موارد فوق ده روز است. در صورتی که این فرصت برای رسیدگی و اظهار نظر کافی نباشد، مهلت مذکور با اعلام رئیس شورای فقهی ده روز دیگر اضافه می‌شود. مواردی که مطابق این قانون به شورای فقهی ارجاع شده است، پس اعلام نظر شورا مبنی بر انطباق با موازین شرعی، یا گذشت مهلت‌های مذکور در این بند، مانعی برای اجرا نخواهد داشت».

8- بند (د) به صورت زیر اصلاح شد:

بعد از عبارت «دارای دبیرخانه‌ای است» عبارت «که با استفاده از نیروی انسانی و امکانات موجود بانک مرکزی ایجاد می‌شود» اضافه شد.

9- در بند (ذ)، عبارت «در چهارچوب قوانین مربوط» بعد از عبارت «چگونگی نظارت فقهی شورا بر اشخاص تحت نظارت» اضافه شد.

10- عبارت «در مواردی که به تشخیص اعضای شورا (اعم از فقیه و غیر فقیه) انتشار عمومی موضوعی مستلزم نقض حریم خصوصی افراد بوده یا واجد ملاحظات امنیتی باشد، آن موضوع قابل انتشار نخواهد بود» به انتهای بند (ر) اضافه شد.

11- جزء (2) بند (الف) به شرح زیر اصلاح شد:

«2- قائم مقام رئیس کل».

12- عبارت زیر به انتهای بند (الف) اضافه شد:

«رئیس کل می‌تواند هر موقع لازم بداند در جلسه شورای فقهی با حق رأی (در موضوعات غیر فقهی) شرکت کند».

فصل چهارم

گسترش اشراف اطلاعاتی و توسعه وظائف و اختیارات نظارتی بانک مرکزی

ماده 19

ماده 19-

الف- بانک مرکزی موظف است از طریق ایجاد یا توسعه سامانه‌های حاکمیتی، و تکلیف «اشخاص تحت نظارت» به

تعبیه قواعد و فرایندهای موردنظر بانک مرکزی در سامانه‌های داخلی خود، بر عملیات «اشخاص تحت نظارت»، به ویژه مؤسسات اعتباری، و نقل و انتقال وجه توسط آن‌ها نظارت کند.

ب- تراکنش‌هایی که مبلغ آنها از حدی که توسط هیأت‌عالی تعیین می‌شود، بیشتر باشد، تنها در صورتی قابل انجام است که شناسه یکتای صورتحساب الکترونیکی مربوط، (موضوع بند (ث) ماده (1) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان مصوب 1398 / 7 / 21)، در فرم درخواست انتقال وجه در سامانه حاکمیتی بانک مرکزی ثبت شده باشد. در موارد عدم وجود صورتحساب الکترونیکی، باید بابت یا انگیزه انتقال‌دهنده از انتقال وجه، توسط وی در فرم درخواست انتقال وجه در سامانه حاکمیتی موردنظر ثبت شده و به تأیید انتقال‌گیرنده برسد.

تبصره- دستورالعمل تعیین حدود تراکنش‌های موضوع این بند، متناسب با اطلاعات اقتصادی، هویتی و سایر اطلاعات مربوط، برای هر تراکنش و مجموع تراکنش‌های هر شخص در بازه‌های زمانی معین، به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

در ماده 19

ایراد شورای نگهبان:

- 1-15- بند (الف)، به جهت اطلاق و آگذاری «وضع قواعد» در حوزه نظارت بر عملیات اشخاص تحت نظارت به بانک مرکزی، مغایر اصل 85 قانون اساسی شناخته شد.
- 2-15- در بند (الف)، تکلیف بانک مرکزی به ایجاد یا توسعه سامانه‌های حاکمیتی به‌منظور انجام نظارت‌های مذکور، مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

بند (الف) ماده (19) به شرح زیر اصلاح شد:

«الف- بانک مرکزی موظف است «اشخاص تحت نظارت» را به اعمال قواعد نرم افزاری و فرایندهای موردنظر بانک مرکزی در سامانه‌های داخلی خود مکلف نموده و از این طریق بر عملیات «اشخاص تحت نظارت»، به‌ویژه مؤسسات اعتباری و نقل و انتقال وجه توسط آنها نظارت کند.

ماده 20

ماده 20-

الف- کلیه مؤسسات اعتباری موظفند سامانه‌های عملیاتی خود را مطابق الگوی ابلاغی بانک مرکزی به گونه‌ای تنظیم کنند که هرگونه تغییر در موارد زیر بلافاصله و به‌صورت برخط برای بانک مرکزی و کلیه اعضای هیأت مدیره، هیأت‌عامل و مدیران ذی‌ربط مؤسسه اعتباری قابل مشاهده باشد:

- 1- مانده سپرده‌ها، به تفکیک انواع سپرده
- 2- مانده تسهیلات اعطائی، به تفکیک انواع تسهیلات
- 3- مانده کل تعهدات پذیرفته‌شده به نفع اشخاص به تفکیک نوع تعهدات
- 4- مانده تسهیلات و تعهدات کلان، به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک‌الوصول و امهال‌شده
- 5- مانده تسهیلات اعطائی و تعهدات پذیرفته‌شده به نفع «اشخاص مرتبط» به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک‌الوصول و امهال‌شده
- 6- صورت تفصیلی تسهیلات و تعهدات مربوط به مصادیق اشخاص مذکور در اجزای (4) و (5) این بند به همراه نرخ سود و وثایق دریافتی در هر مورد، به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک‌الوصول و امهال‌شده

- 7- مانده تسهیلات اعطائی به دولت، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههای اجرایی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوکالوصول و امهال شده
 - 8- جمع مطالبات غیرجاری به تفکیک سررسیدگذشته، معوق، مشکوکالوصول و نسبت مطالبات غیرجاری به کل مطالبات مؤسسه اعتباری
 - 9- میزان تسهیلات غیرجاری امهال شده
 - 10- مانده بدهی به بانک مرکزی به تفکیک سرفصلهای مربوط
 - 11- مانده مطالبات از بانک مرکزی به تفکیک سرفصلهای مربوط
 - 12- مانده بدهی به سایر مؤسسات اعتباری، بهصورت سرجمع و تفکیک شده
 - 13- مانده مطالبات از سایر مؤسسات اعتباری، بهصورت سرجمع و تفکیک شده
 - 14- میانگین و بالاترین نرخ سود پرداخت شده به سپردهگذاران در یکسال گذشته
 - 15- میانگین و بالاترین نرخ سود تسهیلات اعطاءشده در یکسال گذشته
 - 16- نسبت کفایت سرمایه مؤسسه اعتباری
 - 17- نسبتهای نقدینگی مؤسسه اعتباری به تفکیک انواع
 - 18- میزان سهام مؤسسه اعتباری در بنگاههای اقتصادی به تفکیک
 - 19- ذخائر عمومی و اختصاصی مطالبات مشکوکالوصول به تفکیک انواع و تغییرات آنها
 - 20- دارایی، بدهی و تعهدات ارزی مؤسسه اعتباری و تغییرات آن
 - 21- فهرست داراییهای مؤسسه اعتباری (غیر از تسهیلات)
 - 22- مانده اوراق مالی اسلامی به تفکیک دولتی و غیردولتی
- تبصره- دستورالعمل سایر شاخصهای احتیاطی و نظارتی توسط بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیأت عالی می رسد.

ب- فهرست تعاریف، متغیرها و شاخصها، نحوه محاسبه و حدود مجاز هر یک از موارد فوق توسط هیأت عالی تعیین می شود. بانک مرکزی موظف است ظرف شش ماه، دستورالعمل نحوه محاسبه و حدود مجاز کمیتهای موضوع این ماده را که به تصویب هیأت عالی رسیده است، به مؤسسات اعتباری ابلاغ کند.

پ- مؤسسات اعتباری موظفند با وضع قواعد و فرآیندهای موردنظر بانک مرکزی در سامانههای داخلی خود و با استفاده از سامانههای حاکمیتی بانک مرکزی، از عدم انجام موارد زیر اطمینان حاصل کنند:

- 1- پرداخت تسهیلات کلان یا پذیرش تعهدات کلان بدون رعایت حدود و دستورالعملهای مربوط
 - 2- پرداخت تسهیلات یا پذیرش تعهدات به نفع «اشخاص مرتبط» با مؤسسه اعتباری، بدون رعایت حدود دستورالعملهای مربوط
 - 3- پرداخت تسهیلات یا پذیرش تعهدات به اتکاء منابع غیرواقعی و ناپایدار به تشخیص بانک مرکزی که موجب کمبود نقدینگی و نیاز مؤسسه اعتباری به استفاده از منابع بانک مرکزی، خارج از حدود مجاز مذکور در ماده (45) این قانون شود.
 - 4- تملک انواع دارایی حقیقی شامل املاک و مستغلات و دارایی مالی شامل سهام و سایر اوراق بهادار فراتر از حدود مصوب هیأت عالی
- اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل و مدیران ذریبط مؤسسه اعتباری در موارد فوق الذکر متضامناً مسؤول هستند و ادعای عدم اطلاع از عملکرد مؤسسه اعتباری از آنان مسموع نیست.
- ت- اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیران، کارکنان و سهامداران مؤثر مؤسسه اعتباری و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی که در کتمان، بیش از حد یا کم اظهاری یا کم اظهاری ارقام اطلاعاتی موضوع این ماده دخیل بوده اند، به تمام یا برخی از مجازاتهای درجه چهار موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی مصوب 1392/2/1 محکوم می شوند.
- ث- در صورت مطالبه بانک مرکزی، مؤسسات اعتباری موظفند ریز دادههای لازم برای محاسبه نسبتهای موضوع این ماده را در چهارچوبی که بانک مرکزی تعیین می کند، در اختیار آن بانک قرار دهند.

ج- شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات فناوری اطلاعات و مدیران سامانه‌های عملیاتی مؤسسات اعتباری موظفند قواعد محاسبه نسبت‌های احتیاطی موضوع این ماده و سایر موارد اعلامی بانک مرکزی را در سامانه‌های عملیاتی مؤسسات اعتباری اعمال کنند. مدیران شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات فناوری اطلاعات به مؤسسات اعتباری و مدیران سامانه‌های عملیاتی آنها که از اجرای حکم موضوع این بند و سایر الزامات نظارتی بانک مرکزی تخلف کنند، به مجازات‌های درجه چهار موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

چ- بانک مرکزی موظف است با استفاده از اطلاعاتی که به‌موجب این ماده دریافت می‌کند و سایر اطلاعات دریافتی از مؤسسات اعتباری، مانده تسهیلات و تعهدات کلان غیرجاری هر «ذی‌نفع واحد» و مانده تسهیلات و تعهدات جاری و غیرجاری «اشخاص مرتبط» با هریک از مؤسسات اعتباری را به تفکیک اشخاص، به همراه نرخ سود، مدت بازپرداخت، دوره تنفس، وضعیت بازپرداخت (جاری، سررسید گذشته، معوق یا مشکوک‌الوصول) و نوع و میزان وثیقه دریافت شده، از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی خود در دسترس عموم قرار داده و بروزرسانی نماید. تعریف و مصادیق «ذی‌نفع واحد» در چهارچوب دستورالعمل مصوب هیأت‌عالی تعیین می‌گردد.

در ماده 20

ایراد شورای نگهبان:

- 1-16- در بند (ب)، مقصود از عبارت «فهرست تعاریف» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 2-16- در بند (پ)، مقصود از «مسئولیت تضامنی» اشخاص مذکور ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 3-16- بند (چ) اطلاق و آگذاری تعیین تعریف و مصادیق «ذی‌نفع واحد» به مصوبه هیأت‌عالی، مغایر اصل 85 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (20) اعمال شد:

- 1- عبارت «فهرست تعاریف، متغیرها و شاخصها» از ابتدای بند (ب) حذف شد.
- 2- عبارت «اعضای هیأت‌مدیره، هیأت‌عامل و مدیران ذی‌ربط مؤسسه اعتباری در موارد فوق‌الذکر متضامناً مسؤول هستند و ادعای عدم اطلاع از عملکرد مؤسسه اعتباری از آنان مسموع نیست» از انتهای بند (پ) حذف شد.
- 3- بند (چ) به صورت زیر اصلاح شد:
«چ- بانک مرکزی موظف است با استفاده از اطلاعاتی که به‌موجب این ماده دریافت می‌کند و سایر اطلاعات دریافتی از مؤسسات اعتباری، مانده تسهیلات و تعهدات کلان هر «ذی‌نفع واحد» و مانده تسهیلات و تعهدات «اشخاص مرتبط» با هریک از مؤسسات اعتباری را به تفکیک اشخاص، به همراه نرخ سود، مدت بازپرداخت، دوره تنفس، وضعیت بازپرداخت (جاری، سررسید گذشته، معوق یا مشکوک‌الوصول) و نوع و میزان وثیقه دریافت شده، از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی خود در دسترس عموم قرار داده و بروزرسانی نماید. تعریف و شرایط ذی‌نفع واحد همان است که در تبصره (1) ماده (5) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی برای مالک واحد عنوان شده است.»
ضمناً عنوان فصل پنجم به «افزایش توان نظارتی بانک مرکزی» اصلاح شد.

فصل پنجم

تحکیم اقتدار بانک مرکزی

ماده 22- به منظور رسیدگی و صدور احکام انتظامی نسبت به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» یا مدیران، کارکنان و سهامداران مؤثر آنها از قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و دستورات بانک مرکزی، هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی به شرح زیر در بانک مرکزی تشکیل می‌شود:

الف- هیأت انتظامی بدوی متشکل از سه نفر به شرح زیر است:

1. یک قاضی مسلط به قوانین و مقررات پولی و بانکی با حداقل ده سال تجربه در پرونده‌های اقتصادی و مالی که توسط رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس کل انتخاب می‌شود؛
2. دو نفر کارشناس خبره بانکی به پیشنهاد رئیس کل و تأیید هیأت عالی.

ب- هیأت انتظامی تجدید نظر متشکل از سه نفر به شرح زیر است:

1. یک قاضی مسلط به قوانین و مقررات پولی و بانکی با حداقل پانزده (15) سال تجربه قضاوت در پرونده‌های اقتصادی و مالی که توسط رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس کل انتخاب می‌شود؛
2. دو نفر کارشناس خبره بانکی به انتخاب رئیس کل و تأیید هیأت عالی.

تبصره- قاضی و کارشناسانی که عضو هیأت بدوی هستند نمیتوانند در مورد همان پرونده، عضو هیأت تجدیدنظر باشند.

پ- معاون تنظیم‌گری و نظارت با حفظ مسئولیت، به‌عنوان دادستان هیأت انتظامی بانک مرکزی تعیین می‌شود و بدون حق رأی در جلسات هیأت انتظامی شرکت می‌کند.

ت- هیأت انتظامی بدوی موظف است با درخواست معاون تنظیم‌گری و نظارت به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» یا سهامداران مؤثر، مدیران و کارکنان آنها به‌فوریت رسیدگی کند. آراء صادره از هیأت‌های انتظامی بدوی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از سوی محکوم‌علیه و بانک مرکزی قابل اعتراض است. هیأت انتظامی تجدیدنظر موظف است به اعتراض واصله به آراء هیأت انتظامی بدوی به‌فوریت رسیدگی کند.

ث- قاضی عضو هریک از هیأت‌های انتظامی بدوی و تجدیدنظر، رئیس آن هیأت است.

ج- جلسات هیأت انتظامی بدوی و تجدیدنظر با حضور کلیه اعضاء تشکیل می‌شود. انشاء رأی بر عهده قاضی عضو هیأت است.

چ- دعوت از مشتکی‌عنه یا نماینده وی برای حضور در هیأت بدوی و تجدید نظر الزامی است. در صورت عدم حضور بدون عذر موجه (به تشخیص رئیس هیأت) هیأت می‌تواند اقدام به صدور رأی غیابی نماید.

ح- رئیس هیأت انتظامی می‌تواند از نماینده کانون بانک‌ها یا سایر اشخاص مطلع بدون حق رأی برای شرکت در جلسات هیأت دعوت بعمل آورد.

خ- اعضای هیأت‌های انتظامی برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. حقوق و مزایای کارشناسان عضو هیأت انتظامی توسط بانک مرکزی و حقوق و مزایای قضات هیأت انتظامی توسط قوه قضائیه پرداخت می‌شود.

د- عزل قضات عضو هیأت‌های انتظامی با پیشنهاد رئیس کل و تأیید رئیس قوه قضائیه امکان‌پذیر است.

ذ- دبیرخانه هیأت‌های انتظامی بانک مرکزی در حوزه معاونت حقوقی رئیس کل تشکیل می‌شود. کارشناسان عضو هیأت‌های انتظامی به صورت تمام‌وقت در حوزه معاونت حقوقی رئیس کل استقرار می‌یابند و عزل آنها منوط به

تأیید هیأت عالی است. یکی از کارشناسان عضو هریک از هیأت‌های انتظامی بدوی و تجدیدنظر، به انتخاب معاون حقوقی رئیس کل به عنوان دبیر آن هیأت منصوب می‌شود.
ر- آراء هیأت‌های بدوی در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مذکور بند (ت) و نیز کلیه آراء هیأت‌های تجدیدنظر، قطعی و لازم الاجراء بوده و هیچ یک از مراجع قضائی و غیرقضائی اجازه توقف، تعلیق، الغاء یا ابطال احکام صادره را ندارند.

در ماده 22

ایراد شورای نگهبان:

- 17-1- ایجاد هیأت‌های انتظامی بدوی و تجدیدنظر، با توجه به گسترش تعداد، ترکیب و همچنین دامنه صلاحیت و تشکیلات آن‌ها، منجر به ایجاد بار مالی خواهد شد فلذا مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.
 - 17-2- در صدر ماده، مقصود از «دستورات بانک مرکزی» و نسبت آن با دستورالعمل و بخشنامه ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-3- جزء 1 بند (الف) و جزء 1 بند (ب) به جهت مشخص نبودن تأثیر مشورت با رئیس کل، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-4- جزء 2 بند (الف) و جزء 2 بند (ب)، به جهت عدم ذکر شرط وثاقت و امانت در خصوص «کارشناسان خبره بانکی»، خلاف شرع شناخته شد.
 - 17-5- جزء 1 بند (ب)، از این جهت که «تجربه» صرفاً شامل سابقه صدور حکم در دادگاه است یا شامل سایر فعالیت‌های قضایی مانند بازپرسی و... نیز می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-6- بندهای (الف) و (ب)، از این جهت که چنانچه قاضی با شرایط مذکور وجود نداشت، تکلیف چیست، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-7- در بند (ج)، فرآیند تصمیم‌گیری در هیأت‌های مذکور از این جهت که مقصود از انشاء رأی آن است که صدور رأی بر عهده قاضی است یا قاضی بر مبنای نظر اکثریت رأی را انشاء می‌کند ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-8- بند (چ)، از آنجا که روشن نیست در صورتی که عدم حضور مشتکی‌عنه با عذر موجه باشد، آیا صدور رأی برای هیأت‌های مذکور ممنوع است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-9- بند (چ)، مبنی بر ابهام مذکور در بند (ج)، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-10- بند (چ)، به این جهت که روشن نیست منظور از «رأی غیابی» همان اصطلاح رایج در قوانین آیین دادرسی با تمام احکام و آثار مربوطه است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-11- در بند (ح)، منظور از عبارت «کانون بانک‌ها» به دلیل فقدان تعریف مشخص، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-12- در بند (د)، اطلاق سازوکار عزل قضات عضو هیأت‌های مذکور مبنی بر پیشنهاد رئیس کل و تأیید رئیس قوه قضائیه، مغایر بند 3 اصل 158 قانون اساسی شناخته شد.
 - 17-13- ترتیبات و آیین رسیدگی در هیأت‌های انتظامی بدوی و تجدیدنظر، از جهت قوانین و مقررات حاکم ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
 - 17-14- در بند (ر)، عدم امکان رسیدگی به آرای قطعی هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر مذکور، در مراجع قضایی، مغایر با اصول 34، 156، 159 و 173 و نیز خلاف شرع شناخته شد.
- ایراد هیأت عالی نظارت:
- 17- در ماده (22) تشکیل هیأت‌های بدوی و تجدید نظر انتظامی در بانک مرکزی با بند (2) سیاست‌های کلی قضایی (تمرکز) کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه و بند (9) سیاست‌های کلی قضایی اهتمام به تشکیل دادگاه‌های تخصصی مغایرت دارد.

مصوبه کمیسیون:

ماده (22) به صورت زیر اصلاح شد:

«ماده 22- به منظور رسیدگی و صدور احکام انتظامی نسبت به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» یا مدیران، کارکنان و سهامداران مؤثر آنها از قوانین، مقررات و تصمیمات بانک مرکزی شامل دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها، یک هیأت انتظامی به شرح زیر در بانک مرکزی تشکیل می‌شود:

الف- هیأت انتظامی بانک مرکزی متشکل از سه نفر به شرح زیر است:

1- یک قاضی مسلط به قوانین و مقررات پولی و بانکی با حداقل ده سال تجربه قضائی مفید و مرتبط که به پیشنهاد رئیس کل توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌شود.

2- دو نفر کارشناس خبره بانکی با حداقل بیست سال تجربه مفید مرتبط که به پیشنهاد رئیس کل توسط هیأت عالی انتخاب می‌شوند.

اعضای هیأت انتظامی بانک مرکزی از بین افراد خوشنام، امین و مورد وثوق برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. در صورتی که توسط مرجع قضائی صالح احراز شود که اعضای هیأت انتظامی بانک مرکزی توانایی لازم برای انجام وظائف محوله را از دست داده‌اند، یا شرط وثاقت و امانت از آنان زائل شده است، توسط مقام منصوب‌کننده عزل می‌شوند.

ب- معاون تنظیم‌گری و نظارت با حفظ مسئولیت، به عنوان دادستان هیأت انتظامی بانک مرکزی تعیین می‌شود و بدون حق رأی در جلسات هیأت انتظامی شرکت می‌کند.

پ- هیأت انتظامی بانک مرکزی موظف است به دعاوی مطروحه به فوریت رسیدگی کند. آراء صادره از هیأت انتظامی بانک مرکزی ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ، به ترتیبی که در بند (ح) ذکر می‌شود، قابل اعتراض است.

ت- قاضی عضو هیأت انتظامی بانک مرکزی رئیس آن هیأت است. جلسات هیأت انتظامی بانک مرکزی با حضور کلیه اعضا تشکیل می‌شود و ملاک صدور رأی، رأی اکثریت اعضای هیأت است. آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی قطعی و لازم‌الاجراست.

ث- صدور دستور موقت یا حکم توقف نسبت به آراء صادره از هیأت انتظامی بانک مرکزی توسط مراجع قضائی مجاز نمی‌باشد.

ج- رئیس هیأت انتظامی بانک مرکزی می‌تواند از اشخاص مطلع برای شرکت در جلسات هیأت دعوت به عمل آورد.

چ- دبیرخانه هیأت انتظامی بانک مرکزی در حوزه معاونت تنظیم‌گری و نظارت تشکیل می‌شود.

ح- آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ یا اعلان، توسط محکوم‌علیه یا اشخاص ثالث متضرر قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عدالت اداری است.

خ- رئیس دیوان عدالت اداری موظف است یک شعبه تجدیدنظر دیوان را به عنوان شعبه ویژه تجدیدنظر آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی اختصاص دهد. قاضی شعبه مزبور باید از حداقل پانزده سال سابقه قضائی مفید و مرتبط برخوردار باشد.

د- هیأت انتظامی بانک مرکزی بموجب این قانون به هیأت‌های مذکور در بند (2) ماده (10) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اضافه می‌شود. شعبه ویژه تجدیدنظر آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی موظف است تقاضاهای تجدیدنظر از آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی را براساس ترتیبات مذکور در ماده (63) قانون یادشده رسیدگی کند.

ذ- رئیس کل بانک مرکزی موظف است به تعدادی که رئیس دیوان عدالت اداری درخواست می‌کند، مشاوران بانکی موثق و امین به دیوان معرفی نماید. رئیس دیوان عدالت اداری موظف است در اجرای ماده (7) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، از میان مشاوران یادشده، حداقل سه مشاور به شعبه ویژه تجدیدنظر آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی معرفی نماید. قاضی شعبه مزبور موظف است نظرات مشاوران را استماع نموده و در صورتی که رأی وی مبنی بر رد نظر اکثریت آنان باشد، در رأی خود دلایل رد نظر مشاوران را صراحتاً بیان نماید.»

ر- رأی شعبه ویژه تجدیدنظر آراء هیأت انتظامی بانک مرکزی قطعی و لازم الاجراست و در هیچ مرجع یا شعبه دیگری قابل فرجام خواهی، رسیدگی مجدد یا اعاده دادرسی نمی‌باشد مگر این که رئیس قوه قضائیه رأی شعبه تجدیدنظر را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهد که در این صورت فقط برای یک بار پرونده را با ذکر دلیل برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم عرض که دارای ویژگیهای بند (خ) این ماده باشد، ارجاع می‌نماید. رسیدگی در شعبه هم عرض باید مطابق بندهای (د) و (ه) این ماده انجام شود.

ماده 23-

- الف- انجام موارد زیر از سوی «اشخاص تحت نظارت» یا سهامداران مؤثر، مدیران و کارکنان آنها تخلف محسوب می‌شود. معاون تنظیم‌گری و نظارت در مقام دادستان انتظامی بانک مرکزی موظف است در صورت مشاهده هریک از تخلفات، اعمال تنبیهات مذکور در بند «ب» این ماده را از هیأت انتظامی درخواست کند:
- 1- تخطی از احکام این قانون و سایر قوانین مربوط و نیز تخطی از مقررات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و دستورات بانک مرکزی و هرگونه تلاش برای بی‌اثرکردن آنها
 - 2- تخطی از شرایط و ضوابط مجوزهای صادره بانک مرکزی و یا نقض هر یک از شرایط و ضوابطی که مجوزهای مذکور بر اساس آنها صادر شده‌است.
 - 3- تخطی از مفاد اساسنامه
 - 4- تخطی از تعهدات ارائه‌شده به بانک مرکزی در مورد انجام اقدامات اصلاحی
 - 5- اقداماتی که منافع مشتریان و یا ثبات، ایمنی و سلامت مالی «شخص تحت نظارت»، شبکه بانکی یا نظام پرداخت کشور را به مخاطره می‌اندازد.
 - 6- عدم رعایت ضوابط تنظیم و نگهداری صحیح دفاتر، حسابها، اطلاعات و صورتهای مالی مطابق با مقررات و دستورالعمل‌های ابلاغی بانک مرکزی و عدم ارائه به‌موقع، صحیح و کامل داده‌ها، اطلاعات، صورتهای مالی و گزارش‌ها به بانک مرکزی
 - 7- مشارکت حقوقی یا سرمایه‌گذاری مستقیم و بنگاهداری مؤسسه اعتباری خارج از ضوابط و حدود اعلام‌شده توسط بانک مرکزی
 - 8- خودداری از ارائه اطلاعات در مواردی که «شخص تحت نظارت» به‌موجب قانون یا دستور مرجع قضائی مکلف به ارائه یا افشای آن است.
 - 9- جلوگیری از اعمال نظارت بانک مرکزی یا اخلال در آن از طریق اقداماتی نظیر جلوگیری از حضور بازرسان، ارائه اطلاعات و آمار اشتباه و گمراه‌کننده، ارائه اطلاعات ناقص، تعلل و تأخیر در ارائه اطلاعات خواسته شده و سایر موارد مشابه
 - 10- بکارگیری افراد به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره و هیأت‌عامل و یا سایر مناصبی که حسب قانون یا مقررات، نیازمند تأییدیه هستند، بدون کسب تأییدیه صلاحیت عمومی و حرفه‌ای از بانک مرکزی یا مرجع مربوط
 - 11- توقف فعالیت بدون عذر موجه
 - 12- افشای اسرار بانکی مشتریان و یا اطلاعات حسابهای آنان بدون حکم قانونی یا دستور مرجع قضائی
 - 13- جعل یا مخدوش نمودن اسناد فیزیکی و الکترونیکی
 - 14- ارائه خدمت به اشخاصی که به‌موجب این قانون یا سایر قوانین، ارائه خدمت به آنها ممنوع است.
 - 15- عدم اجرای درخواست‌های صندوق ضمانت سپرده‌ها در مواردی که به‌موجب این قانون یا قوانین دیگر به صندوق اختیار داده شده‌است.
 - 16- عدم رعایت سقهای مذکور در بندهای (11) و (12) ماده (8) این قانون

ب- هیأت انتظامی می‌تواند با توجه به نوع تخلف، «شخص تحت نظارت» متخلف را به یک یا چند مورد زیر محکوم کند:

1- اخطار کتبی به «شخص تحت نظارت» متخلف یا هریک از سهامداران مؤثر، مدیران یا کارکنان آن
2- تعلیق یا سلب صلاحیت موقت یا دائم هریک از سهامداران مؤثر، مدیران یا کارکنان «شخص تحت نظارت»
3- اعمال جریمه نقدی برای سهامداران مؤثر «شخص تحت نظارت»، تا سقف پانصد میلیارد (500.000.000.000) ریال یا دهم درصد (10%) ارزش روز سهام آنها یا پنج برابر میزان تخلف، هرکدام که بیشتر باشد.

4- اعمال جریمه نقدی برای مدیران یا کارکنان «شخص تحت نظارت» تا سقف پنجاه میلیارد (50.000.000.000) ریال یا پنج برابر میزان تخلف هرکدام که بیشتر باشد.

5- انفصال موقت یا دائم هر یک از اعضای هیأت‌مدیره، هیأت‌عامل یا مدیران «شخص تحت نظارت» از خدمات دولتی و عمومی

6- منع «شخص تحت نظارت» از توزیع سود، اندوخته یا سرمایه بین سهامداران مؤثر یا اعمال محدودیت در این خصوص

7- سلب حق رأی سهامدار مؤثر متخلف

8- سلب حق تقدم ناشی از افزایش سرمایه «شخص تحت نظارت» برای سهامدار مؤثر متخلف

9- تعلیق یا لغو مجوز «اشخاص تحت نظارت» متخلف غیر از مؤسسات اعتباری

10- الزام رئیس‌کل به نصب هیأت سرپرستی موقت برای مؤسسه اعتباری متخلف یا گزیر آن پس از جلب موافقت هیأت‌عالی

در ماده 23

ابهام شورای نگهبان:

18-1- در جزء (1) بند (الف)، مقصود از «دستورات بانک مرکزی» و نسبت آن با دستورالعمل و بخشنامه ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-2- در جزء (1) بند (الف)، مقصود از عبارت «هرگونه تلاش برای بی‌اثرکردن آن‌ها» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-3- جزء (5) بند (الف)، از این جهت که روشن نیست اقداماتی که منافع مشتریان و یا ثبات، ایمنی و سلامت مالی اشخاص مذکور، را به مخاطره می‌اندازد، شامل چه اقداماتی خواهد بود و بر اساس چه ضابطه‌ای این اقدامات قابل تشخیص هستند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-4- در بندهای (8)، (12) و (13)، با توجه به مجرمانه‌بودن عناوین مذکور، نسبت رسیدگی به آن‌ها در هیأت‌های انتظامی با قوانین و مقررات جزایی موجود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-5- نسبت جزء (10) بند (الف)، با «قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-6- جزء (16) بند (الف)، مبنیاً بر ابهام مذکور در بند (12) ماده (8) دارای ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-7- در جزء (2) بند (ب)، نسبت میان «تعلیق» و «سلب صلاحیت» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-8- اجزاء (6) و (9) بند (ب)، از جهت عدم تعیین معیار و بازه زمانی منع، تعلیق و محدودیت، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

18-9- در جزء (10) بند (ب)، وجه تنبیهی «الزام رئیس‌کل به نصب هیأت سرپرستی موقت یا گزیر در خصوص مؤسسه اعتباری متخلف»، با توجه به سازوکارها و شرایط پیش‌بینی شده برای آن‌ها در مواد مختلف این مصوبه، از جمله در ماده 30، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (23) اعمال شد:

1- جزء (1) بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد:

«1- تخلف از احکام این قانون و سایر قوانین مربوط و نیز تخلف از مقررات و تصمیمات بانک مرکزی شامل دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها».

2- عبارت «هرگونه تلاش برای بی‌اثرکردن آن‌ها» از جزء (1) بند (الف) حذف شد.

3- جزء (5) بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد:

«5- هرگونه رفتار «شخص تحت نظارت» که به تشخیص معاون تنظیم‌گری و نظارت می‌تواند به ناترازی وی یا سایر «اشخاص تحت نظارت» یا اخلال در نظام پرداخت کشور منتهی شود».

4- بندهای (12) و (13) بند الف حذف شد.

5- بند (8) به صورت زیر اصلاح شد:

«8- خودداری از ارائه اطلاعات در مواردی که «شخص تحت نظارت» مکلف به ارائه آن بوده، و خودداری از آن به موجب قانون تخلف محسوب شده‌باشد».

6- یک تبصره به شرح زیر ذیل جزء (10) بند (الف) اضافه شد:

«تبصره- حکم این بند مانع رعایت قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل خاص در مواردی که مشمول قانون مذکور می‌شوند، نیست».

7- با توجه به اصلاحات انجام‌شده در ماده (8)، جزء (16) بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد:

«16- عدم رعایت سقهای مذکور در بندهای (11) و (12) و (13) ماده (8) این قانون».

7- عبارت «تعلیق یا» از ابتدای جزء (2) بند (ب) حذف شد.

8- جزء (6) بند (ب) به صورت زیر اصلاح شد:

«6- اعمال محدودیت یا ممنوعیت در خصوص توزیع سود، اندوخته بین سهامداران مؤثر توسط «شخص تحت نظارت» تا سقف 5 سال».

9- جزء (9) بند (ب) به دو جزء زیر تفکیک شد:

«9- تعلیق مجوز «اشخاص تحت نظارت» متخلف حداکثر به مدت 3 سال؛ 10- لغو مجوز «اشخاص تحت نظارت» متخلف».

10- جزء (10) بند (ب) حذف شد.

11- واژه «تخطی» در سراسر این ماده به «تخلف» تبدیل شد.

12- در جزء (3) بند (الف)، عبارت «شخص تحت نظارت» بعد از عبارت «اساسنامه» اضافه شد.

13- در جزء (7) بند (الف)، عبارت «ضوابط و حدود اعلام‌شده توسط بانک مرکزی» به عبارت «ضوابط و حدودی که بانک مرکزی با رعایت و در چهارچوب قوانین اعلام می‌کند» اصلاح شد.

14- عبارت «وسایر موارد مشابه» از انتهای جزء (9) بند (الف) حذف شد.

15- در صدر بند (ب)، عبارت «و متناسب با آن» بعد از عبارت «نوع تخلف» اضافه شد.

الف- معاون تنظیم‌گری و نظارت علاوه بر انجام وظیفه به‌عنوان دادستان انتظامی بانک مرکزی، وظایف و اختیارات زیر را دارد:

1. صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز مؤسسات اعتباری پس از تصویب در هیأت‌عالی؛
2. صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز سایر «اشخاص تحت نظارت» غیر از مؤسسات اعتباری، در چهارچوب تعیین‌شده توسط هیأت‌عالی؛
3. نظارت بر حسن اجرای مقررات توسط «اشخاص تحت نظارت» از طریق نظارت حضوری و غیر حضوری و ارائه گزارش به رئیس کل و هیأت‌عالی؛
4. اعلان عمومی و به‌روزرسانی فهرست «اشخاص تحت نظارت»؛
5. پایش مستمر شاخص‌های ثبات و سلامت بانکی و ارائه گزارش به رئیس کل و هیأت‌عالی؛
6. راهبری فرآیند بازسازی و گزیر مؤسسات اعتباری؛
7. انجام سایر وظایفی که از طرف رئیس کل یا هیأت‌عالی به معاون تنظیم‌گری و نظارت ارجاع می‌شود.

ب- هر یک از اعضای هیأت عامل حسب مورد موظفند دستورالعمل‌هایی را که برای اعمال اختیارات نظارتی بانک مرکزی لازم تشخیص می‌دهند، تهیه کنند. دستورالعمل‌های یادشده در صورت موافقت رئیس کل، در دستور کمیته تنظیم‌گری و نظارت بانکی قرار خواهد گرفت.

در ماده 24

ابهام شورای نگهبان:

- 19-1- نسبت جزء 1 بند (الف)، با جزء 9 بند (ب) ماده 23، درخصوص تعلیق و لغو مجوز ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.
- 19-2- جزء 1 بند الف، مبنی بر ابهام مذکور در بند 5 ماده 8 ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
- 19-3- در جزء 2 بند (الف)، شرایط و ضوابط نظارت حضوری ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.
- 19-4- در جزء 5 بند (الف) منظور از «فرآیند بازسازی مؤسسات اعتباری» به جهت عدم وجود تعریف قانونی و عدم ذکر آن در سایر مواد مصوبه، واجد ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

در ماده (24) اصلاحات زیر انجام شد:

- 1- جزء (1) بند (الف) به صورت زیر اصلاح و یک تبصره به آن اضافه شد:
«1- صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز «اشخاص تحت نظارت» در چهارچوب قوانین مربوط.
تبصره- صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز مؤسسات اعتباری توسط معاون تنظیم‌گری و نظارت مستلزم اخذ موافقت هیأت عالی است».
- 2- عبارت «از طریق نظارت حضوری و غیرحضوری» از جزء (2) بند (الف) حذف شد.

ماده 25

ماده 25- ارتکاب موارد زیر توسط «اشخاص تحت نظارت» تخلف محسوب شده و بانک مرکزی می‌تواند متخلف را رأساً به ترتیب مذکور در این ماده جریمه کند. مبلغ جریمه بسته به شرایط وقوع تخلف، شدت و اهمیت تخلف و میزان همکاری قبلی «شخص تحت نظارت» با بانک مرکزی، به تشخیص رئیس کل، کاهش می‌یابد.

- در مواردی که «شخص تحت نظارت» در ارسال گزارش‌های مورد درخواست بانک مرکزی تعلل کند: به ازای هر روز تأخیر حداکثر ده میلیارد ریال؛
 - در مواردی که انجام و ثبت تراکنش باید از ترتیبات خاصی پیروی کند و «شخص تحت نظارت» ترتیبات مزبور را رعایت نکند: به ازای هر تراکنش تا مبلغ صد میلیون ریال؛
 - در مواردی که «شخص تحت نظارت» موظف به راه‌اندازی سامانه جدید، نسخه‌گذاری سامانه‌های موجود و یا افزایش و یا تغییر در قابلیت‌های آنها شده باشد و تکلیف موردنظر را انجام ندهد: به ازای هر روز تأخیر تا مبلغ ده میلیارد ریال؛
 - در صورتی که سامانه‌های داخلی «شخص تحت نظارت» که به سامانه‌های حاکمیتی بانک مرکزی متصل هستند، دچار اخلاص شده و موجب تراکنش غیرموفق در سامانه‌های حاکمیتی شوند: به ازای هر تراکنش ناموفق تا مبلغ یک میلیون ریال.
- تبصره 1- احکام مذکور در این ماده مربوط به مواردی است که مصوب هیأت‌عالی یا هیأت عامل بانک مرکزی بوده و توسط رئیس کل یا یکی از اعضای هیأت عامل بانک مرکزی ابلاغ شده باشد.
- تبصره 2- «اشخاص تحت نظارت» که به‌موجب این ماده مشمول جریمه نقدی شده و مستندات دال بر عدم تقصیر خود دارند، می‌توانند به دبیرخانه هیأت انتظامی بانک مرکزی مراجعه و مستندات خود را تسلیم کنند. هیأت انتظامی موظف است مطابق ترتیبات مذکور در ماده (23) به مستندات ارائه شده از سوی «شخص تحت نظارت» رسیدگی کند. در صورتی که عدم تقصیر وی احراز شود، بانک مرکزی موظف است علاوه بر استرداد کل مبالغ برداشت شده از حساب‌های «شخص تحت نظارت»، زیان وارده به وی را نیز مطابق رأی هیأت انتظامی جبران کند.
- تبصره 3- اعمال جریمه‌های موضوع این ماده، نافی سایر موارد تنبیهی اشاره شده در این قانون نمی‌باشد.

ایراد شورای نگهبان:

در ماده 25، تبصره 2 مبنیاً بر ایراد مذکور در بند (ر) ماده 22، مغایر با اصول 34، 156، 159 و 173 قانون اساسی و همچنین خلاف شرع شناخته شد.
تذکر شورای نگهبان:
در تبصره (3) ماده (25)، پس از عبارت «سایر اقدامات تنبیهی پیش‌بینی شده در این قانون»، عبارت «و سایر قوانین» اضافه شود.

مصوبه کمیسیون:

در تبصره (3) ماده (25)، پس از عبارت «سایر اقدامات تنبیهی پیش‌بینی شده در این قانون»، عبارت «و سایر قوانین» اضافه شد.

اقدامات اکتشافی

اقدامات اکتشافی

ماده 27

ماده 27- چنانچه عملیات مؤسسه اعتباری متضمن احتمال ارتکاب تخلف توسط آن مؤسسه یا ایجاد مخاطره برای ثبات و سلامت شبکه بانکی باشد، معاون تنظیم‌گری و نظارت می‌تواند اقدامات زیر را انجام دهد:
1. دستور تهیه صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای توسط مؤسسه اعتباری؛

2. اعزام حسابرس ویژه به مؤسسه اعتباری جهت تهیه گزارش‌های حسابرسی ویژه موردنظر معاون تنظیم‌گری و نظارت؛
3. انتصاب ناظر مقیم در مؤسسه اعتباری.

ابهام شورای نگهبان:

در ماده 27، منظور از عبارت «مخاطره برای ثبات و سلامت شبکه بانکی کشوری» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

صدر ماده (27) به صورت زیر اصلاح شد:

«چنانچه عملیات مؤسسه اعتباری متضمن احتمال ارتکاب تخلف توسط آن مؤسسه یا ایجاد بی‌ثباتی در شبکه بانکی باشد، معاون تنظیم‌گری و نظارت می‌تواند اقدامات زیر را انجام دهد...».

اقدامات پیشگیرانه

اقدامات پیشگیرانه

ماده 28

ماده 28- چنانچه معاون تنظیم‌گری و نظارت در نتیجه اقدامات اکتشافی یا از طرق دیگر تشخیص دهد که مؤسسه اعتباری در وضعیت نامناسب قرار گرفته یا در آستانه ورود به وضعیت نامناسب قرار دارد، می‌تواند پس از کسب موافقت رئیس کل، مؤسسه اعتباری را ملزم به اجرای تمام یا بخشی از اقدامات پیشگیرانه زیر کند:

1. الزام هیأت مدیره به تغییر تمام یا بخشی از اعضای هیأت عامل؛
 2. الزام مجمع عمومی به تغییر تمام یا بخشی از اعضای هیأت مدیره؛
 3. افزایش حدود ذخیره مطالبات غیرجاری؛
 4. کاهش یا ممنوعیت توزیع سود و ممنوعیت توزیع اندوخته بین سهامداران؛
 5. الزام به کاهش نرخ سود سپرده‌ها؛
 6. اصلاح ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌ها؛
 7. توقف یا تحدید عملیات یا فعالیت‌های پر مخاطره؛
 8. افزایش دارایی‌های نقد یا بهبود کیفیت نقد شوندگی دارایی‌ها؛
 9. ارتقای نظام حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی؛
 10. محدود کردن هزینه‌های عملیاتی؛
 11. محدود کردن اعطای تسهیلات یا ایجاد تعهدات؛
 12. ممنوعیت یا محدودیت در انجام برخی از خدمات یا عملیات بانکی؛
 13. ممنوعیت پرداخت پاداش به مدیران مؤسسه اعتباری؛
 14. تشدید نسبت‌های احتیاطی مذکور در بند (الف) ماده (20) این قانون.
- تبصره- اعمال محدودیت‌های مذکور در اجزای (1)، (2)، (4)، (5) و (14) این بند منوط به تصویب هیأت‌عالی است.

ابهام شورای نگهبان:

عبارت «وضعیت نامناسب» به جهت عدم تعیین ضابطه و تعریف روشن واجد ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

بند 3، از حیث عدم وجود تعریف قانونی برای عبارت «حدود ذخیره مطالبات غیرجاری» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

در ماده (28) اصلاحات زیر انجام شد:

1- صدر ماده به صورت زیر اصلاح شد:

«ماده 28- چنانچه معاون تنظیم‌گری و نظارت در نتیجه اقدامات اکتشافی یا از طرق دیگر تشخیص دهد که مؤسسه اعتباری از حدود مجاز شاخصهای مذکور در ماده (20) این قانون تخلف کرده، یا در آستانه تخلف از آن‌ها قرار دارد، می‌تواند پس از کسب موافقت رئیس‌کل، مؤسسه اعتباری را با رعایت تناسب ملزم به اجرای تمام یا بخشی از اقدامات پیشگیرانه زیر کند.»

2- بند 3 به صورت زیر اصلاح شد:

«3- افزایش حدود ذخیره مطالبات مشکوک الوصول.»

اقدامات اصلاحی

اقدامات اصلاحی

ماده 29

ماده 29- در صورتی که معاون تنظیم‌گری و نظارت اقدامات پیشگیرانه مذکور در ماده (28) را ناکافی بدانند، می‌تواند پس از کسب موافقت رئیس‌کل، مؤسسه اعتباری را ملزم کند تا ظرف یک‌ماه برنامه اصلاحی ارائه کند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر برنامه اصلاحی مؤسسه اعتباری به بانک مرکزی ارائه نشود یا برنامه ارائه شده به تأیید کمیته تنظیم‌گری و نظارت نرسد، معاون تنظیم‌گری و نظارت برنامه اصلاحی مؤسسه اعتباری موردنظر را رأساً تهیه می‌کند و جهت تصویب به کمیته تنظیم‌گری و نظارت ارائه می‌نماید. برنامه اصلاحی می‌تواند مشتمل بر تمام یا بخشی از اقدامات زیر باشد:

1. فروش بخشی از دارایی‌ها؛

2. افزایش سرمایه با سلب حق تقدم از سهامداران یا بدون آن؛

3. افزایش اندوخته‌ها و ذخایر؛

4. کاهش شعب یا محدودیت در توسعه آن؛

5. فروش شرکت‌های تابعه؛

6. تبدیل مطالبات حال شده سهامداران به سرمایه؛

7. تبدیل بدهی‌های تبعی غیرسپرده‌ای به سهام؛

8. تغییر سهامداران مؤثر (الزام سهامداران مؤثر به کاهش سهام خود)؛

9. سایر اقدامات اصلاحی پیشنهادی کمیته تنظیم‌گری و نظارت.

تبصره 1- افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری در صورتی که از محل صرف سهام با سلب حق تقدم سهامداران انجام

شود، از مالیات معاف است.
تبصره 2- در صورتی که مؤسسه اعتباری که به موجب این ماده ملزم به افزایش سرمایه شده است، دولتی بوده یا بخشی از سهام آن متعلق به دولت باشد، دولت موظف است منابع مورد نیاز برای افزایش سرمایه مؤسسه اعتباری مورد نظر را در لایحه اصلاحیه قانون بودجه همان سال یا لایحه بودجه سال بعد منظور نموده و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. در صورتی که دولت به این حکم عمل نکرده یا پیشنهاد دولت مورد موافقت مجلس قرار نگیرد، تمام یا بخشی از سود خالص بانک مرکزی در همان سال صرف افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری موضوع این تبصره خواهد شد.

در ماده (29)

ابهام شورای نگهبان:

از این جهت که در مواردی که ارائه برنامه اصلاحی ساده‌تر از برخی اقدامات پیشگیرانه باشد، همچنان اقدامات پیشگیرانه تقدم دارد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

بند 9، به سبب واگذاری تعیین سایر اقدامات به کمیته تنظیم‌گری و نظارت مغایر با اصل 85 قانون اساسی شناخته شد.

اطلاق تبصره 1، به جهت وضع معافیت مالیاتی جدید، مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.

تبصره 2، به جهت تکلیف دولت به افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری در شرایط مذکور، مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.

تبصره 2، از این جهت که آیا مقصود از صرف سود خالص بانک مرکزی در افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری، سهامدار شدن بانک مرکزی است یا خیر، واجد ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (29) اعمال شد:

1- بند (9) حذف شد.

2- تبصره (1) حذف شد.

3- تبصره (2) به صورت زیر اصلاح شد:

«تبصره 2- در صورتی که مؤسسه اعتباری که به موجب این ماده ملزم به افزایش سرمایه شده است، دولتی باشد، دولت موظف است منابع مورد نیاز برای افزایش سرمایه مؤسسه اعتباری مورد نظر را در لایحه اصلاحیه قانون بودجه همان سال یا لایحه بودجه سال بعد با تخصیص صددرصد پیش‌بینی کند. در صورتی که دولت به این حکم عمل نکرده یا پیشنهاد دولت مورد موافقت مجلس قرار نگیرد، افزایش سرمایه مؤسسات اعتباری دولتی موضوع این تبصره از محل عائدی دولت از سود خالص بانک مرکزی با رعایت اصل پنجاه و سوم قانون اساسی انجام خواهد شد.»

تعیین سرپرست موقت برای مؤسسه اعتباری

تعیین سرپرست موقت برای مؤسسه اعتباری

ماده 30

ماده 30- ...

6- هیأت سرپرستی موقت متشکل از حداقل سه یا پنج عضو است که از بین افراد خبره بانکی صاحب‌صلاحیت دارای پنج‌سال تجربه مدیریت ارشد بانکی انتخاب می‌شوند. معاون تنظیم‌گری و نظارت با تأیید رئیس کل یک نفر از اعضای هیأت سرپرستی موقت را به عنوان رئیس هیأت و یک نفر دیگر را به عنوان نایب‌رئیس منصوب می‌کند.

وظایف و اختیارات رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل مؤسسه اعتباری به رئیس هیأت سرپرستی منتقل می‌شود.
7- در صورت ورود مؤسسه اعتباری به فرآیند گزیر، اختیارات و وظایف هیأت سرپرستی موقت به مدیر گزیر منتقل می‌شود. سایر اختیارات و وظایف مدیر گزیر در حدود قوانین به‌تصویب هیأت‌عالی می‌رسد و مدیر گزیر براساس اختیارات و وظایف محوله در مقابل هیأت‌عالی پاسخگوست. به‌منظور پیشبرد اجرای فرآیند گزیر، مدیر گزیر می‌تواند برای هر یک از مؤسسات اعتباری فرآیند گزیر، هیأت اجرای گزیر منصوب نماید. هیأت اجرای گزیر متشکل از سه یا پنج نفر متخصص بانکی دارای حداقل ده‌سال سابقه کاری مرتبط و آشنا با روشهای گزیر خواهد بود.

ایراد شورای نگهبان:

در ماده 30، بندهای 6 و 7، به جهت عدم ذکر شرط وثاقت و امانت در خصوص اعضای «هیأت سرپرستی» و «هیأت اجرای گزیر»، خلاف شرع شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

صدر بند (6) به صورت زیر اصلاح شد:

«6- هیأت سرپرستی موقت متشکل از حداقل سه یا پنج عضو است که از بین افراد خبره بانکی صاحب صلاحیت، مورد وثوق، امین و دارای پنج‌سال تجربه مدیریت ارشد بانکی انتخاب می‌شوند».

همچنین جمله انتهایی بند (7) به صورت زیر اصلاح شد:

«7- هیأت اجرای گزیر متشکل از سه یا پنج نفر متخصص بانکی، مورد وثوق، امین و دارای حداقل ده‌سال سابقه کاری مرتبط و آشنا با روشهای گزیر خواهد بود».

وظائف و اختیارات سرپرست موقت

وظائف و اختیارات سرپرست موقت

ماده 31

ماده 31-...

الف- وظایف:

1-...

2-...

تبصره- هیأت سرپرستی موقت موظف است ابطال قراردادهای یادشده و جبران خسارت وارده را از هیأت رسیدگی به اختلافات بانکی درخواست کند. هیأت رسیدگی به اختلافات بانکی باید به این دعاوی به‌فوریت و خارج از نوبت رسیدگی کند.

3-...

تبصره- رئیس هیأت سرپرستی موقت موظف است همزمان، از مرجع ذیصلاح اعمال اقدامات تأمینی نظیر ممنوعیت خروج از کشور را علیه این اشخاص درخواست نماید. چنانچه اشخاص یادشده ظرف مدت مذکور در اظهارنامه اقدام به جبران خسارات ننمایند، رئیس هیأت سرپرستی موقت موظف به طرح دعوی علیه آنان می‌باشد. دادگاه یا هیأت رسیدگی به اختلافات بانکی حسب مورد موظف است به این دعاوی به‌فوریت و خارج از نوبت رسیدگی کند.

...-4

ب- اختیارات:

- 1- تعلیق حق برداشت برخی از سپرده‌گذاران مؤسسه اعتباری به‌صورت جزئی یا کلی، پس از أخذ مجوز از هیأت‌عالی
- 2- ...
- 3- خاتمه دادن به خدمت برخی از کارکنان مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی با حفظ کلیه حقوق قانونی آنان
- 4- به‌کارگیری اشخاص در مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی به‌صورت موقت
- تبصره- هرگونه استخدام دائمی افراد در مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی منوط به موافقت هیأت‌عالی است.
- 5- ...

در ماده 31-

ابهام شورای نگهبان:

تبصره جزء 2 بند (الف)، از این جهت که آیا درخواست ابطال قراردادهای مذکور، منوط به احراز برخی عناوین جزایی در جزء 2 است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

در تبصره جزء 2 و تبصره جزء 3 بند (الف)، اطلاق رسیدگی خارج از نوبت در مصادیقی که مورد اهم لازم الرعایه وجود دارد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

جزء 1 بند (ب)، از این جهت که مشخص نیست تعلیق حق برداشت مذکور بر اساس چه ضوابطی و برای چه مدتی صورت خواهد گرفت، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

جزء 3 بند (ب)، از این جهت که خاتمه‌دادن به خدمت کارکنان با رعایت قوانین اداری و استخدامی است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

جزء 4 بند (ب) و تبصره آن، از این جهت که به کارگیری اشخاص مذکور با رعایت قوانین و مقررات از جمله احراز شرط وثاقت و امانت خواهد بود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

تبصره جزء 4 بند (ب)، از این جهت که استخدام دائمی افراد در مؤسسه اعتباری با رعایت ضرورت و مصالح لازمه خواهد بود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (31) اعمال شد:

- 1- تبصره جزء (2) بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد: «تبصره- هیأت سرپرستی موقت موظف است در صورت احراز وقوع شرایط مندرج در این جزء، ابطال قراردادهای یادشده و جبران خسارت وارده را از دادسرای ویژه جرائم پولی و بانکی درخواست کند. دادسرای ویژه جرائم پولی و بانکی باید با توجه به موارد اهم لازم الرعایه، به این دعوی به‌فوریت و خارج از نوبت رسیدگی کند».
- 2- در تبصره جزء (3) بند (الف)، عبارت «با رعایت موارد اهم لازم الرعایه» بعد از عبارت «حسب مورد موظف است» اضافه شد.
- 3- جزء (1) بند (ب) به صورت زیر اصلاح شد:
«ب- اختیارات:

1- تعلیق حق برداشت سپرده «اشخاص مرتبط» مؤسسه اعتباری؛

2- تعلیق حق برداشت سپرده سایر سپرده‌گذاران مازاد بر ده برابر مبلغ سپرده ضمانت شده توسط صندوق

ضمانت سپرده ها حداکثر به مدت 2 سال، با اذن هیأت عالی؛

تعلیق حق برداشت سپرده سپرده‌گذارانی که همزمان بدهی حال شده به موسسه اعتباری دارند، تا سقف مانده بدهی حال شده آنان».

- 4- عبارت «با رعایت قوانین مربوط مربوط» به انتهای جزء (3) بند (ب) اضافه شد.
- 5- در جزء (4) بند (ب)، بعد از کلمه «اشخاص»، عبارت «مورد وثوق و امین» اضافه شد.
- 6- تبصره جزء (4) بند (ب) حذف شد.

ماده 32

ماده 32- پس از انتصاب سرپرست موقت:

الف- هرگونه اقدام و فعالیت «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» که بدون اذن یا اجازه مستقیم یا غیرمستقیم سرپرست موقت انجام شود، ملغی‌الاثراست و باطل می‌شود.

ب- مدیران «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» باید تمامی دارایی‌ها، اسناد، دفاتر، نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی، مهرها و تمامی اطلاعات مربوط به عملیات و فعالیت «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» را در اختیار سرپرست موقت قرار دهند؛ به‌گونه‌ای که معاون تنظیم‌گری و نظارت از به دست گرفتن **اداره مؤسسه اعتباری** توسط سرپرست موقت اطمینان حاصل نماید. همچنین کلیه افرادی که تا پنج سال قبل از تعیین سرپرست موقت در «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» مسئولیت داشته یا مشغول به کار بوده‌اند، موظفند بنا به درخواست سرپرست موقت با وی همکاری نموده و اسناد، مدارک و اطلاعات لازم را در اختیار وی قرار دهند. نیروی انتظامی موظف است با درخواست سرپرست موقت و حکم دادستان، همکاری لازم را برای در اختیار گرفتن کنترل ساختمان‌ها، املاک، دارایی‌ها، تجهیزات، دفاتر و اسناد «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» انجام دهد.

پ- هزینه‌های مرتبط با سرپرستی از محل منابع «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» تأمین می‌شود. در صورتی که به تشخیص معاون تنظیم‌گری و نظارت و تأیید هیأت عالی، منابع «مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی» برای تأمین هزینه‌های موردنظر کافی نباشد، کسری توسط بانک مرکزی تأمین می‌شود.

ت- طرح هرگونه دعوی علیه مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی باید به طرفیت بانک مرکزی صورت پذیرد و نمی‌توان اعضای هیأت سرپرستی موقت را در خصوص اقداماتشان در مؤسسه مزبور طرف دعوی قرار داد؛ مگر در مواردی که به تشخیص دادستان کل کشور، اقدامات آنان خارج از چهارچوب اختیارات قانونی یا اختیارات مصرح در اساسنامه مؤسسه اعتباری بوده یا مرتکب جرم شده باشند.

ث- اقدامات صورت‌پذیرفته توسط هیأت سرپرستی موقت، با شکایت سهامداران، مدیران یا سایر ذی‌نفعان مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی به هیچ‌وجه ملغی‌الاثراست یا باطل نمی‌شود. در صورتی که اشخاص مزبور به‌موجب رأی قطعی هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی در اثر اقدامات صورت‌پذیرفته توسط هیأت سرپرستی موقت، متضرر شده باشند، خسارات وارده توسط بانک مرکزی جبران می‌شود در صورتی که به حکم دادگاه خسارت وارده ناشی از تقصیر هیأت سرپرستی موقت یا سایر افراد ذی‌مدخل باشد بانک مرکزی به هیأت سرپرستی موقت یا سایر افراد ذی‌مدخل رجوع می‌نماید.

ایراد شورای نگهبان:

1-26- در بندهای (پ) و (ث)، حکم به تأمین کسری مذکور و اطلاق جبران خسارات وارده توسط بانک مرکزی، از جهت ایجاد بار مالی برای دولت، مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.

ابهام شورای نگهبان:

2-26-حکم مذکور در بند (پ)، از این جهت که در صورت تأمین کسری هزینه‌های سرپرستی مؤسسه اعتباری توسط بانک مرکزی، آیا امکان رجوع به مؤسسه اعتباری وجود دارد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

بند (پ)، از این جهت که آیا منابع مؤسسه اعتباری که هزینه‌های مرتبط با سرپرستی از آن محل تأمین می‌شود، شامل منابعی مانند موقوفات نیز می‌شود یا خیر، واجد ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (ت)، اطلاق محدود کردن شکایت به طرفیت «بانک مرکزی»، مغایر اصل 34 قانون اساسی و خلاف شرع شناخته شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (ت)، اطلاق موکول کردن تظلم‌خواهی، به «تشخیص دادستان کل کشور»، مغایر با بند 10 اصل سوم و اصول 34، 156 و 173 قانون اساسی شناخته شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (ث)، اطلاق حکم عدم امکان ملغی‌الاثربا یا باطل شدن اقدامات هیأت سرپرستی نسبت به موارد تخلف از قانون و موازین شرعی، مغایر بند 10 اصل سوم و اصول 156 و 173 قانون اساسی و خلاف شرع شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (32) اعمال شد:

1- در بند (ب)، واژه «کنترل» حذف شد.

2- در بند (ث)، عبارت «در صورتی که اشخاص مزبور به موجب رأی قطعی هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی در اثر اقدامات صورت‌پذیرفته توسط هیأت سرپرستی موقت، متضرر شده‌باشند، خسارات وارده توسط بانک مرکزی جبران می‌شود در صورتی که به حکم دادگاه خسارت وارده ناشی از تقصیر هیأت سرپرستی موقت یا سایر افراد ذی‌مدخل باشد بانک مرکزی به هیأت سرپرستی موقت یا سایر افراد ذی‌مدخل رجوع می‌نماید» حذف شد.

3- در بند (پ)، عبارت «در صورتی که به تشخیص معاون تنظیم‌گری و نظارت و تأیید هیأت‌عالی، منابع مؤسسه اعتباری تحت سرپرستی برای تأمین هزینه‌های مورد نظر کافی نباشد، کسری توسط بانک مرکزی تأمین می‌شود» حذف شد و بعد از کلمه «منابع»، عبارت «قابل تصرف شرعی» اضافه شد.

4- بند (ت) به صورت زیر اصلاح شد:

«ت- بانک مرکزی مسئول تصمیمات و اقدامات اعضای هیأت سرپرستی است و اعضای هیأت سرپرستی به بانک مرکزی پاسخگو هستند. اعضای هیأت سرپرستی موقت به‌واسطه تصمیمات و اقداماتی که در چارچوب این قانون انجام داده‌اند، طرف دعوی قرار نمی‌گیرند؛ مگر در مواردی که موضوع دعوی، انتساب جرم باشد».

5- بند (ث) به شرح زیر اصلاح شد:

«اشخاصی که از تصمیمات و اقدامات هیأت سرپرستی موقت متضرر شده‌اند، می‌توانند با رعایت بند (ت) این ماده، به هیأت انتظامی بانک مرکزی شکایت کنند. هیأت انتظامی بانک مرکزی موظف است به دعاوی مطروحه مطابق ترتیبات مذکور در ماده (22) رسیدگی کند.».

گزارش مؤسسه اعتباری

گزارش مؤسسه اعتباری

ماده 33- چنانچه رئیس کل در دوره‌ای که مؤسسه اعتباری توسط هیأت سرپرستی موقت اداره می‌شود یا قبل از آن، به این نتیجه برسد که شاخص‌های ناظر به وضعیت سرمایه و نقدینگی مؤسسه اعتباری قابل اصلاح نمی‌باشد، موظف است پیشنهاد گزیر مؤسسه اعتباری را به هیأت عالی ارائه کند. در صورت تصویب پیشنهاد رئیس کل توسط هیأت عالی، مؤسسه اعتباری با ترتیبات زیر وارد مرحله گزیر می‌شود:

1- مدیریت گزیر مؤسسات اعتباری برعهده صندوق ضمانت سپرده‌هاست. صندوق ضمانت سپرده‌ها موظف است ظرف حداکثر پنج روز کاری پس از لازم‌الاجراء شدن مصوبه هیأت عالی، فرایند گزیر مؤسسه اعتباری موردنظر را آغاز نموده و با کمترین هزینه مالی و اجتماعی و با هدف صیانت و رعایت غبطه سپرده‌گذاران، به‌ویژه سپرده‌گذاران خرد و سایر ذی‌نفعان گزیر مؤسسه اعتباری موردنظر را مطابق قانون به انجام برساند.

2- اعطای تسهیلات جدید، صدور ضمانت‌نامه، گشایش اعتبار اسنادی و افتتاح حساب توسط مؤسسه اعتباری تحت گزیر، مجاز نمی‌باشد. در عین حال، مدیر گزیر موظف است در چهارچوب مصوبات هیأت عالی، فعالیت‌های اصلی مؤسسه اعتباری را که عدم انجام آن در دوران گزیر به تشخیص هیأت عالی منجر به ایجاد بی‌ثباتی مالی می‌گردد، تا زمان خاتمه فرایند گزیر، ادامه دهد.

تبصره- در دو سال نخست اجرای این قانون، هیأت عالی می‌تواند اجرای مصوبات خود را که ناظر به تعیین هیأت سرپرستی موقت برای مؤسسات اعتباری یا گزیر آنهاست، صرفاً در مورد مؤسسات اعتباری که دستورات بانک مرکزی را به‌طور کامل رعایت کنند، تعلیق نماید.

ایراد شورای نگهبان:

ماده 33، به جهت مشخص نبودن ضوابط و حدود فعالیت‌های قابل انجام در قالب گزیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

دو تبصره ذیل ماده (33) اضافه شد:

«تبصره 2- مدیر گزیر می‌تواند در چهارچوب این قانون، نسبت به پیشنهاد موارد زیر به هیأت عالی اقدام نماید:

1. فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارائی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به مؤسسه اعتباری دیگر؛
2. انتقال باقیمانده دارائی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به یک مؤسسه اعتباری انتقالی؛
3. تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت‌نشده مؤسسه اعتباری در حال گزیر به سهام در چارچوب قوانین مربوط؛
4. ادغام مؤسسه اعتباری در حال گزیر در یک مؤسسه اعتباری دیگر با تأیید مجمع عمومی مؤسسه اعتباری ادغام شونده؛

انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر».

«تبصره 3- منظور از مؤسسه اعتباری انتقالی در تبصره (2)، مؤسسه اعتباری است که با مجوز بانک مرکزی و به منظور مدیریت بهتر دارائی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری تحت گزیر، به‌صورت موقت (با طول عمر حداکثر سه سال) توسط مدیر گزیر تأسیس می‌شود».

ماده 34- در صورتی که مؤسسه اعتباری نسبت به مصوبه هیأت عالی مبنی بر تعیین هیأت سرپرستی موقت برای مؤسسه اعتباری یا گزیر آن مؤسسه معترض باشد، می‌تواند اعتراض خود را به همراه دلایل و مستندات ظرف سه روز کاری از زمان ابلاغ، به دبیرخانه هیأت انتظامی بدوی بانک مرکزی تسلیم نماید. در مورد گزیر، علاوه بر مؤسسه اعتباری، اشخاص ثالث یعنی سایر اشخاصی که از مصوبه هیأت عالی متضرر شده‌اند نیز می‌توانند نسبت به این مصوبه به هیأت انتظامی بدوی بانک مرکزی اعتراض کنند.

هیأت انتظامی بدوی باید ظرف یک هفته نسبت به اعتراض واصله، رسیدگی و اقدام به صدور رأی نماید. مؤسسه اعتباری یا شخص ثالث معترض و معاون تنظیم‌گری و نظارت ظرف سه روز کاری پس از ابلاغ رأی، برای اعتراض به رأی هیأت انتظامی بدوی فرصت دارند. در صورتی که هیچ‌یک از طرفین به رأی هیأت انتظامی بدوی اعتراض نکند، رأی هیأت مزبور قطعی است.

در صورت وصول اعتراض، هیأت انتظامی تجدیدنظر ظرف سه روز کاری پس از وصول اعتراض فرصت دارد تا به اعتراض واصله رسیدگی و مبادرت به صدور رأی نماید. در هر صورت، چنانچه به مصوبه هیأت عالی مبنی بر تعیین هیأت سرپرستی موقت یا گزیر مؤسسه اعتراض نشود، یا اعتراض واصله، حسب مورد، توسط هیأت انتظامی بدوی یا تجدیدنظر وارد تشخیص داده نشود، مصوبه هیأت عالی قطعی و لازم‌الاجراء است و دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نمی‌توانند تقاضای صدور حکم توقف یا ابطال مصوبه هیأت عالی را بپذیرند.

تبصره- از زمانی که هیأت عالی، رئیس‌کل را مأمور به تعیین هیأت سرپرستی موقت برای مؤسسه اعتباری یا گزیر آن می‌کند، مجمع عمومی و هیأت‌مدیره مؤسسه اعتباری حق تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در امور مؤسسه اعتباری را نخواهند داشت و احکام یا قراردادهایی که توسط مدیران مؤسسه اعتباری امضا شده باشد، نافذ نیست؛ مگر این که هیأت انتظامی بدوی یا تجدیدنظر حسب مورد رأی به نقض مصوبه هیأت عالی در خصوص تعیین هیأت سرپرستی موقت برای مؤسسه اعتباری موردنظر بدهد.

ایراد شورای نگهبان:

عدم تعیین تکلیف نسبت به مواردی که مواعد رسیدگی سه و هفت روزه در آن‌ها کافی نیست، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

مهلت زمانی اعتراض برای اشخاص ثالث، واجد ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

اطلاق عدم امکان اعتراض به مصوبه هیأت عالی در مراجع قضایی، مغایر اصول 34، 156، 159 و 173 قانون اساسی و خلاف شرع شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

ماده (34) به صورت زیر اصلاح شد:

« ماده 34- در صورتی که مؤسسه اعتباری نسبت به مصوبه هیأت عالی مبنی بر تعیین هیأت سرپرستی موقت یا گزیر معترض باشد، می‌تواند اعتراض خود را به همراه دلایل و مستندات ظرف سه روز کاری از زمان ابلاغ، به دبیرخانه هیأت انتظامی بانک مرکزی تسلیم نماید. هیأت انتظامی بانک مرکزی موظف است ظرف یک هفته نسبت به اعتراض واصله، رسیدگی و اقدام به صدور رأی نماید. مهلت رسیدگی و صدور رأی، با اعلام رئیس هیأت انتظامی بانک مرکزی به رئیس کل، تا سه روز دیگر قابل تمدید است. سایر ترتیبات رسیدگی به اعتراض‌های موضوع این ماده، مشابه ترتیبات مذکور در ماده (22) است.»

رسیدگی به اختلافات «اشخاص تحت نظارت» با یکدیگر و دعاوی حقوقی مشتریان و سایر ذی‌نفعان علیه «اشخاص تحت نظارت» و بالعکس

ماده 35

ماده 35-

الف- اختلافات حقوقی «اشخاص تحت نظارت» با یکدیگر و با مشتریان آنها و سایر اشخاص ذی‌ربط، که مرتبط با موضوع فعالیت مصرح در اساسنامه «اشخاص تحت نظارت» باشد، توسط هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی رسیدگی می‌شود. قوه قضائیه و بانک مرکزی موظفند هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی را به تعداد مورد نیاز در مراکز کلیه استان‌های کشور و شهرهای پرجمعیت دایر کنند. هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی شامل هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر هستند. مرجع تعیین نصاب شهرهای پرجمعیت هیأت‌عالی خواهد بود.

ب- هر هیأت بدوی از یک قاضی با حداقل پنج‌سال سابقه قضائی که توسط رئیس قوه‌قضائیه منصوب می‌شود و دو نفر کارشناس متخصص در حقوق بانکی تشکیل می‌شود. جلسات هیأت بدوی با حضور قاضی عضو هیأت رسمیت می‌یابد و ریاست هیأت برعهده اوست. رئیس هیأت بدوی پس از مشورت با کارشناسان عضو هیأت، مبادرت به انشای رأی می‌کند.

پ- هر هیأت تجدیدنظر از یک قاضی با حداقل ده‌سال سابقه قضائی که توسط رئیس قوه‌قضائیه منصوب می‌شود و دو نفر کارشناس متخصص در حقوق بانکی تشکیل می‌شود. جلسات هیأت تجدیدنظر با حضور قاضی عضو هیأت رسمیت می‌یابد و ریاست هیأت برعهده اوست. رئیس هیأت تجدیدنظر پس از مشورت با کارشناسان عضو هیأت، مبادرت به انشای رأی می‌کند. قاضی و کارشناسانی که عضو هیأت بدوی هستند نمیتوانند در مورد همان پرونده، عضو هیأت تجدیدنظر باشند.

ت- شرایط و نحوه به‌کارگیری کارشناسان متخصص در حقوق بانکی توسط رئیس‌کل پیشنهاد شده و به‌تصویب هیأت عالی می‌رسد.

ث- آرای صادره از هیأت‌های بدوی با اعتراض یکی از طرفین یا شخص ثالث ذی‌نفع، در هیأت تجدیدنظر رسیدگی می‌شود. آرای صادره از هیأت‌های تجدیدنظر و آرای صادره از سوی هیأت‌های بدوی (در صورت عدم اعتراض)، قطعی و لازم‌الاجراء بوده و در هیچ یک از مراجع قضائی و غیرقضائی قابل توقف، تعلیق، الغاء یا ابطال نمی‌باشد.

ج- مدت عضویت اعضای هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی سه‌سال می‌باشد و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

چ- تهیه فضای مناسب برای هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی و پشتیبانی اداری، مالی و حقوقی هیأت‌های مزبور برعهده بانک مرکزی است. هزینه هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی مشتمل بر حقوق و مزایای کارشناسان عضو هیأت‌ها در بودجه بانک مرکزی، منظور و توسط آن بانک پرداخت می‌شود. حقوق و مزایای قضات عضو هیأت‌ها توسط قوه قضائیه پرداخت می‌شود. هرگونه پرداخت یا اعطای امتیازی غیر از حقوق و مزایای فوق‌الذکر تحت هر عنوان توسط بانک مرکزی به قضات عضو هیأت‌ها ممنوع است.

ح- بانک مرکزی موظف است با هماهنگی قوه قضائیه، دبیرخانه هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی را در تهران، مراکز استانها و شهرهای پرجمعیت ایجاد نماید.

خ- دواير اجرای احكام هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی در محل هیأت‌های بدوی مستقر می‌شوند. پشتیبانی اداری و مالی دواير اجرای احكام بر عهده بانک مرکزی است. اجرای حکم با دستور رئیس هیأت بدوی خواهد بود.

د- هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی از حیث آیین دادرسی و هزینه دادرسی تابع قوانین مربوط هستند.

ذ- پرونده‌هایی که در زمان ابلاغ این قانون در مراجع دیگر قضائی در حال رسیدگی بوده ولی منجر به صدور حکم

نهائی نشده‌باشد، به درخواست یکی از طرفهای دعوی به هیأت رسیدگی به اختلافات بانکی ارجاع خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

ایجاد هیأت های رسیدگی به اختلافات بانکی و سازوکار اجرایی آن، به جهت ایجاد بار مالی برای دولت، مغایر اصل 75 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

ماده (35) به شرح زیر اصلاح شد:

«ماده 35-

الف- اختلافات حقوقی اشخاص تحت نظارت با یکدیگر و با مشتریان آنها و سایر اشخاص ذیربط، که مرتبط با موضوع فعالیت مصرح در اساسنامه «اشخاص تحت نظارت» باشد، توسط شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی رسیدگی می شود. شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود قوه قضائیه و در محدوده امکانات آن قوه در مراکز استانها و شهرهای پرجمعیت تشکیل می شود. شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی شامل شعب بدوی و تجدیدنظر هستند.

ب- بانک مرکزی می تواند با تائید هیأت عالی، کارشناسانی را برای ارائه مشاوره به قضات شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی به رئیس قوه قضائیه معرفی کند. کارشناسان مذکور از طریق رؤسای کل دادگستری استانها به شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی معرفی می شوند. قضات شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی موظفند قبل از انشاء رأی، نظر کارشناس یا کارشناسان معرفی شده به شعبه را استعلام کنند و در صورتی که رأی آنان خلاف نظر کارشناس یا کارشناسان معرفی شده باشد، باید در متن رأی خود، دلایل رد نظر کارشناسی را تصریح نمایند.

پ- شعب ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی از حیث دادرسی و هزینه دادرسی تابع قوانین مربوط هستند.

ت- حق الزحمه کارشناسان موضوع این ماده توسط هیأت عالی تعیین و از محل بودجه بانک مرکزی پرداخت می شود.

ث- کارشناسان مذکور در بند (ب) نباید هیچگونه رابط مالکیتی، مدیریتی یا مشاوره ای با «شخص تحت نظارت» طرف دعوی داشته باشند.

مبحث سوم

پیگیری جرائم پولی و بانکی

ماده 36

ماده 36- دادرسی ویژه جرائم پولی و بانکی موظف است به کلیه جرائم موضوع این قانون با شکایت بانک مرکزی رسیدگی کند. سایر جرائمی که در دیگر قوانین، عنوان یا محتوای جرم پولی و بانکی داشته باشد، مشمول این حکم خواهد بود.

ایراد شورای نگهبان:

ماده 36، از حیث امکان شکایت اشخاص دیگر غیر از بانک مرکزی در خصوص جرائم موضوع این قانون و دیگر

قوانین نزد دادسرای مذکور ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

بعد از عبارت «با شکایت بانک مرکزی» عبارت «یا اشخاص دیگر» اضافه شد.

ماده 37

ماده 37-

الف- انجام هرگونه عملیات بانکی، ارائه انواع خدمات بانکی، صرافی، واسپاری (لیزینگ) و مانند آن و نیز ایجاد و ثبت «اشخاص تحت نظارت»، ایجاد شعبه، باجه یا نمایندگی و هر نوع فعالیت در نظام پرداخت، صرفاً با مجوز بانک مرکزی و در چهارچوب مقررات مصوب هیأت عالی با رعایت قانون اصلاح مواد (1) و (7) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی مصوب 1399/11/15 و قانون تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار مصوب 1400/12/24 مجاز است.

همچنین انجام عملیات و ارائه خدمات بانکی از طریق پایگاههای اینترنتی، برنامه‌های کاربردی بر بستر تلفن همراه و مشابه آن، به‌جز مواردی که با تصویب هیأت عالی از دریافت مجوز معاف می‌باشد، منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است. اقدام به فعالیت‌های مذکور در این ماده بدون کسب مجوز، جرم تلقی می‌شود. بانک مرکزی موظف است اسامی و اطلاعات کلیه «اشخاص تحت نظارت» مجاز را به طرق مقتضی از جمله درج در پایگاه اطلاع‌رسانی خود اعلام عمومی نموده و به اطلاع فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و قوه قضائیه برساند. فرماندهی مزبور به‌عنوان ضابط قضائی موظف است فعالیت اشخاص حقیقی یا حقوقی را که اقدام به فعالیت‌های مذکور در صدر این بند می‌کنند اما نام آنها در فهرست اعلامی بانک مرکزی وجود ندارد، بدون نیاز به دستور مقام قضائی متوقف کند.

وزارت اطلاعات و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظفند در صورت اطلاع از انجام فعالیت‌های مذکور در صدر این بند توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی بدون کسب مجوز از بانک مرکزی، مراتب را بلافاصله به معاونت تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی و دادستان مرکز استان کتباً گزارش نمایند.

ب- بانک مرکزی موظف است علیه اشخاصی که بدون اخذ مجوز، به انجام فعالیت‌هایی که مستلزم اخذ مجوز از بانک مرکزی است مبادرت می‌کنند، نزد دادسرای ویژه جرائم مالی و پولی اقامه دعوی کند

پ- اشخاصی که بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی مبادرت به اقدامات مذکور در بند «الف» این ماده نمایند، به شرح زیر مجازات می‌شوند:

1- چنانچه مرتکب شخص حقیقی باشد، علاوه بر الزام به بازپرداخت وجوه دریافتی از مردم و پرداخت جزای نقدی حداکثر معادل دوبرابر وجه تحصیل یا جمع‌آوری شده تحت هر عنوان، به مجازات درجه پنج یا شش موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی، محکوم می‌گردد.

2- چنانچه با ایجاد شخص حقوقی اقدام به انجام اعمال مجرمانه موضوع بند «الف» این ماده شده باشد، علاوه بر انحلال شخص حقوقی ایجاد شده و مصادره کل اموال آن (به استثنای اموالی که متعلق به مردم است و باید عودت داده شود)، اعضای هیأت‌مدیره، هیأت‌عامل، مدیران و سهامداران مؤثر شخص حقوقی به مجازات درجه پنج یا شش موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. این افراد در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت. جرائم موضوع این ماده، از جرائم اقتصادی محسوب می‌گردد.

ت- قوه قضائیه موظف است شعب ویژه دادسرا و دادگاه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی را دایر کند. شعب یادشده موظفند به شکایات بانک مرکزی، مستقیماً و خارج از نوبت رسیدگی کنند.

ابهام شورای نگهبان:

جرم‌انگاری مذکور در این ماده از حیث اینکه آیا شامل صندوق‌های قرض‌الحسنه کوچک از جمله صندوق‌های خانوادگی نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

در جزء 1 بند (پ)، مقصود از «وجوه دریافتی» و حدود مصادیق آن (مانند سپرده یا عوض معاملات)، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

در اجزاء 1 و 2 بند (پ)، عنوان «مردم» از جهت اینکه آیا شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

در جزء 2 بند (پ)، مقصود از «جرائم اقتصادی» واجد ابهام بوده و نسبت آن با جرایم پولی و بانکی مذکور در این طرح روشن نیست؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

در جزء 2 بند (پ)، مقصود از «کل اموال شخص حقوقی» و «اموال متعلق به مردم» از حیث اینکه آیا شامل آورده سهامداران یا سپرده‌های اشخاص می‌شود یا خیر، دارای ابهام است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (ت)، اطلاق رسیدگی خارج از نوبت در مصادیقی که مورد اهم لازم‌الرعايه وجود دارد، خلاف موازین شرع شناخته شد.

ابهام شورا:

در بند (ت)، منظور از قید «مستقیماً» در رسیدگی شعب مذکور، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (37) اعمال شد:

1- عبارت «فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه کوچک که بدون ثبت رسمی و داشتن شخصیت حقوقی و بدون اعلام عمومی و تبلیغات، فعالیت می‌کنند، نظیر صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی، نیاز به اخذ مجوز از بانک مرکزی ندارد. تشخیص مصادیق بر اساس معیارهای پیش‌گفته بر عهده بانک مرکزی است» به انتهای بند (الف) اضافه شد.

2- عبارت «دادسرای ویژه جرائم مالی و پولی» با عبارت «دادسرای ویژه جرائم پولی و بانکی» جایگزین گردید.

3- جزء (1) بند (پ) به صورت زیر اصلاح شد:

«چنانچه مرتکب شخص حقیقی باشد، علاوه بر الزام به بازپرداخت وجوهی که دریافت آن‌ها مستلزم اخذ مجوز از بانک مرکزی است، و پرداخت جزای نقدی حداکثر معادل دوبرابر وجوه مزبور، به مجازات درجه پنج یا شش موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی، محکوم می‌گردد».

4- عبارت «و مصادره کل اموال آن (به استثنای اموالی که متعلق به مردم است و باید عودت داده شود)» از جزء (2) بند (پ) حذف و عبارت «جرائم اقتصادی» در جزء مزبور به عبارت «جرائم پولی و بانکی» اصلاح شد.

5- عبارت «مستقیماً و» از بند (ت) حذف و عبارت «با رعایت موارد اهم لازم‌الرعايه» قبل از عبارت «خارج از نوبت» اضافه شد.

فعالیت‌های مذکور در بند «الف» ماده (37) این قانون می‌نمایند، ممنوع است. همچنین، استفاده آگاهانه کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دستگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی از خدمات اشخاصی که بدون مجوز مبادرت به فعالیت‌های مذکور در بند «الف» ماده (37) می‌کنند، ممنوع می‌باشد. شخص حقیقی یا نماینده قانونی شخص حقوقی مرتکب، به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه پنج ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

ابهام شورای نگهبان:

عموم ممنوعیت ارائه و اعطای هرگونه خدمات و پروانه فعالیت، به جهت آن که آیا منظور خدمت و فعالیت‌های مرتبط بوده یا شامل خدمت و فعالیت‌های غیرمرتبط نیز می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد. ایراد شورای نگهبان:

مجازات مذکور در این ماده به جهت برابری یا شدت آن نسبت به مجازات مذکور در ماده 37 برای مرتکبان آن، از حیث عدم تناسب جرم و مجازات، مغایر با بند 14 اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (38) اعمال گردید:

- 1- انتهای ماده (38) به صورت زیر اصلاح شد: «شخص حقیقی، وکیل یا نماینده حقوقی شخص حقوقی مرتکب، به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه شش ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد».
- 2- عبارت «منظور از خدمت در این ماده، هرگونه خدمتی است که تداوم فعالیت غیرقانونی اشخاص یادشده در حوزه پولی و بانکی را امکان‌پذیر می‌سازد»، به انتهای این ماده اضافه شد.

ماده 39

ماده 39-

الف- انتشار هر نوع آگهی یا اطلاعیه یا اقدام تبلیغی از طریق هر نوع رسانه (دولتی، خصوصی، داخلی یا خارجی) اعم از نشریات و مطبوعات الکترونیکی و غیرالکترونیکی، دیداری یا شنیداری، به نفع اشخاصی که به فعالیت‌های مذکور در بند «الف» ماده (37) بدون أخذ مجوز از بانک مرکزی اشتغال دارند، ممنوع است.

ب- بانک مرکزی موظف است بر محتوای تبلیغات مربوط به «اشخاص تحت نظارت» دارای مجوز نظارت کند. کلیه رسانه‌ها و اشخاص حقیقی یا حقوقی متولی امور تبلیغاتی موظفند به محض ابلاغ کتبی بانک مرکزی، تبلیغات موردنظر را متوقف نمایند. تخلف رسانه‌ها از این حکم مستوجب جریمه تا میزان دوبرابر درآمد ناشی از تبلیغ صورت گرفته یا سقف جزای نقدی درجه سه موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی، هر کدام که بیشتر باشد، خواهد بود. در خصوص تخلف رسانه‌های دولتی یا وابسته به دستگاه‌های اجرائی، بالاترین مقام مسؤول (به تشخیص دادگاه) به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. رعایت اصل یکصد و شصت و هشتم (168) قانون اساسی در اجرای احکام این ماده الزامی است.

ایراد شورای نگهبان:

ممنوعیت مذکور در بند (الف)، از حیث ضمانت اجرا، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (ب)، حکم به مجازات انفصال از خدمات دولتی، در خصوص اشخاصی که عزل و نصب آن‌ها با مقام رهبری است، مغایر اصول 57 و 110 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (39) اعمال گردید:

- 1- این عبارت به انتهای بند (الف) اضافه شد: «تخلف رسانه‌ها از این حکم مستوجب جریمه تا میزان دهباب در آمد ناشی از تبلیغ صورت گرفته یا سقف جزای نقدی درجه سه موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی، هر کدام که بیشتر باشد، خواهد بود».
- 2- عبارت «رعایت اصل یکصد و شصت و هشتم (168) قانون اساسی» در انتهای بند (ب) با عبارت «رعایت اصول یکصد و شصت و هشتم (168)، پنجاه و هفتم (57) و یکصد و دهم (110) قانون اساسی» جایگزین شد. همچنین واژه «انتشار» در ابتدای بند (الف) این ماده به «نشر» تبدیل شد.

ماده 42

ماده 42-

الف- بانک مرکزی مکلف است موارد مظنون به پولشویی را به همراه اطلاعات مربوط، به مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی گزارش نموده و پس از تأیید آن مرکز، نسبت به مسدود نمودن حساب اشخاص مظنون به پولشویی و محدودسازی ارائه خدمات بانکی به آنها اقدام کند. مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است براساس رویه‌های داخلی خود و حداکثر ظرف دو روز کاری، نسبت به تأیید یا عدم تأیید گزارش بانک مرکزی اقدام نماید. اشخاصی که حساب آنها به موجب این بند مسدود می‌شود، می‌توانند اعتراض خود را به بانک مرکزی تسلیم کنند. اعتراض وارده، حداکثر ظرف سه روز کاری از زمان ثبت اعتراض، در کمیته‌ای با حضور نماینده دادستان کل کشور، نماینده رئیس‌کل و نماینده رئیس مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی رسیدگی می‌شود. در صورتی که مستندات ارائه شده، توسط اکثریت اعضای کمیته کافی تشخیص داده‌شود، بانک مرکزی موظف است نسبت به رفع مسدودی حساب و محدودیت‌های اعمال‌شده اقدام کند، در غیر این صورت پرونده متقاضی به دادرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی ارسال می‌شود. دادرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی موظف است حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تداوم یا رفع مسدودی حساب موردنظر و سایر محدودیت‌های اعمال‌شده، تصمیم‌گیری نماید. حکم این بند نافی و وظایف و اختیارات مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی مصرح در قانون مبارزه با پولشویی مصوب 1386/11/2 نیست. بانک مرکزی موظف است در صورت عدم اتخاذ تصمیم در مهلت زمانی مقرر در این بند توسط کمیته یا دادرای از حساب اشخاص، رفع مسدودی نماید.

ب- رئیس‌کل موظف است اسامی اشخاصی را که با استفاده از اطلاعات موجود در سامانه‌های حاکمیتی بانک مرکزی، مظنون به اخلاف در بازار پول، ارز یا فلزات گرانبها تشخیص داده می‌شوند، به دادستانی کل کشور ارسال و پس از تأیید دادستان کل کشور، به کلیه «اشخاص تحت نظارت» ابلاغ کند. ارائه هرگونه خدمت توسط «اشخاص تحت نظارت» به اشخاصی که نام آنان در فهرست موضوع این بند قرار داشته باشد، جرم، تلقی شده و مستوجب حداقل یکی از مجازات‌های تعزیری درجه چهار موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی است. پرونده اشخاص مزبور، هم‌زمان، توسط دادستان کل کشور به دادرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی ارسال می‌شود. دادرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی موظف است حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تداوم یا رفع محدودیت‌های اعمال‌شده تصمیم‌گیری نماید. در صورت عدم اتخاذ تصمیم مبنی بر تداوم یا رفع محدودیت توسط دادرای بانک مرکزی موظف است محدودیت‌های اعمال‌شده را رفع نماید.

پ- بانک مرکزی می‌تواند بدهی قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی به مؤسسات اعتباری را که حداقل دو ماه از تاریخ سررسید آن گذشته باشد و قطعی‌بودن آن به تأیید رئیس هیأت بدوی رسیدگی به اختلافات بانکی رسیده‌باشد از محل وجوهی که آن اشخاص نزد سایر مؤسسات اعتباری دارند، برداشت و به حساب مؤسسه اعتباری بستانکار واریز نماید. همچنین در مواردی که به تشخیص بانک مرکزی و تأیید رئیس هیأت بدوی رسیدگی به اختلافات بانکی، وجوه موجود در حساب شخص ثالث، متعلق به بدهکار بوده باشد، بانک مرکزی موظف است به درخواست مؤسسه اعتباری بستانکار، موجودی حساب مزبور را تا سقف بدهی قطعی بدهکار مسدود و هم‌زمان، پرونده را به هیأت رسیدگی به اختلافات بانکی که نسبت به صدور دستور مسدودی اقدام کرده ارسال کند. حداکثر زمان مسدودی، یک ماه، و در صورت اعتراض و ارجاع پرونده به هیأت تجدیدنظر، دو ماه است. در صورتی که در مهلت‌های یادشده، حکم قطعی مبنی بر تعلق وجوه موردنظر به شخص بدهکار صادر نشده باشد، بانک مرکزی موظف به رفع مسدودی حساب است.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (الف)، شرایط نمایندگان عضو کمیته، به جهت لزوم شروط خبرویت، وثاقت و امانت ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

در بند (ب)، حدود «هرگونه خدمت» به جهت آنکه آیا منظور خدمت مرتبط بوده یا شامل خدمت غیرمرتبط نیز می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

در بند (پ)، حکم ناظر بر برداشت از محل وجوه اشخاص نزد سایر مؤسسات اعتباری، از این جهت که صرف تعلق حساب به شخص کفایت می‌کند و یا باید مالکیت اشخاص نسبت به وجوه مذکور احراز شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (42) اعمال شد:

1- عبارت «اعضای کارگروه باید امین و مورد وثوق بوده و از تخصص و خبرویت کافی برخوردار باشند» به انتهای بند (الف) اضافه شد.

2- عبارت «منظور از خدمت در این ماده، هرگونه خدمتی است که تداوم فعالیت غیرقانونی اشخاص یادشده در حوزه پولی و بانکی را امکان‌پذیر می‌سازد»، به انتهای بند (ب) اضافه شد.

3- عبارت زیر به انتهای بند (پ) اضافه شد:

«در صورتی که بدهکار مدعی شود موجودی حساب وی نزد سایر مؤسسات اعتباری که توسط بانک مرکزی برداشت شده است، متعلق به وی نیست، می‌تواند به هیأت انتظامی بانک مرکزی مراجعه و اعتراض کند. در صورتی که هیأت مزبور رأی به صحت ادعای او بدهد، مؤسسه اعتباری بستانکار موظف است بلافاصله وجوه برداشت شده را به حساب وی مسترد نماید.»

همچنین در ماده (43)، عبارت «از جنبه ملاحظات شرعی» به عبارت «از حیث احکام شرعی» اصلاح گردید.

ماده 44-

الف- نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت شده» است. بانک مرکزی موظف است به منظور تحقق هدف مذکور در جزء (4) بند «ب» ماده (3) این قانون، بازار ارز را به گونه‌ای مدیریت کند که ضمن حفظ ارزش واقعی پول ملی و کاهش نوسانات نرخ ارز، قدرت رقابت‌پذیری تولید کشور حفظ شود. بانک مرکزی می‌تواند برای تحقق سیاست‌های ارزی خود، در بازار ارز مداخله و اقدام به خرید یا فروش ارز، اوراق بهادار مبتنی بر ارز یا مشتقات ارزی نماید. هرگونه خرید و فروش ارز، طلا و اوراق بهادار مبتنی بر آنها توسط بانک مرکزی باید به نرخ بازار و در محدوده ای که هیأت عالی تعیین می‌کند، انجام شود.

ب- بانک مرکزی می‌تواند ارزهای عرضه‌شده توسط دولت و دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری را خریداری نموده یا عاملیت فروش آن را بر عهده بگیرد.

پ- در مواردی که بانک مرکزی ارز متعلق به دولت یا دستگاه‌های اجرائی را خریداری می‌کند، نباید پیش از در اختیار گرفتن ارز، معادل ریالی آن را پرداخت کند. پذیرش و عاملیت خرید یا فروش ارزهای متعلق به دولت از سوی مؤسسه اعتباری در چهارچوب مصوب هیأت عالی مجاز است.

ت- در مواردی که بانک مرکزی عاملیت فروش ارزهای متعلق به دولت یا دستگاه‌های اجرائی را بر عهده می‌گیرد، نباید پیش از در اختیار گرفتن ارز، اقدام به فروش آن کند.

ث- بانک مرکزی موظف است ذخایر ارزی خود را مدیریت کند. چهارچوب حاکم بر میزان، ترکیب و کیفیت نگهداری ذخایر ارزی به گونه‌ای که با اهداف بانک مرکزی متعارض نبوده و در عین حال سبب ارزی در اختیار بانک مرکزی، با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات کشور، بیشترین امنیت، نقدشوندگی و بازدهی و کمترین خطرپذیری (ریسک) ممکن را داشته‌باشد، توسط هیأت عالی تعیین می‌شود.

ج- روشهای مجاز برای مدیریت ذخایر ارزی توسط بانک مرکزی عبارت است از:

- 1- خرید و فروش ارز و اوراق بهادار مبتنی بر ارز
- 2- دریافت و یا اعطای تسهیلات ارزی با رعایت قوانین مربوط
- 3- خرید و فروش شمش، طلای مسکوک و سایر فلزات گرانبها
- 4- خرید و فروش اسناد خزانه و سایر اوراق بهادار منتشر یا تضمین شده توسط دولتهای خارجی یا نهادهای بین المللی

5- افتتاح و نگهداری حساب نزد نهادهای مالی بین‌المللی، بانک‌های مرکزی و مؤسسات اعتباری خارجی

6- افتتاح حساب برای نهادهای مالی بین‌المللی، بانک‌های مرکزی و مؤسسات اعتباری خارجی

7- استفاده از سایر روش‌های مورد تأیید هیأت عالی

چ- بانک مرکزی موظف است ضمن رعایت سیاست‌های کلی نظام و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، با هدف افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور، زمینه‌های لازم برای انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه را فراهم کند.

ح- دستورالعمل‌های ناظر بر انتشار ابزارهای مالی مبتنی بر ارز و مشتقات ارزی پس از تصویب هیأت عالی، توسط بانک مرکزی ابلاغ و همزمان برای شورای عالی بورس ارسال می‌شود. دستورالعمل‌های مذکور برای کلیه اشخاص ذی‌ربط، از جمله ارکان، تشکل‌های خودانتظام، نهادهای مالی، ناشران و سایر فعالان در بازار اوراق بهادار لازم‌الرعایه است. ابزارهای مالی موضوع این بند در چهارچوب مصوبات شورای عالی بورس و ضوابط اعلامی سازمان بورس و اوراق بهادار قابل معامله است.

بند (الف)، به جهت اینکه مشخص نیست هیأت عالی محدوده نرخ ارز، طلا و اوراق بهادار را تعیین می‌کند یا محدوده میزان خرید و فروش آن را، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ابهام شورای نگهبان:

در بند (الف)، عبارت «مشتقات ارزی» با توجه به عدم وجود تعریف قانونی، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ابهام شورای نگهبان:

بند (ج)، به جهت اینکه در تمام اجزای آن رعایت قوانین و مقررات لازم خواهد بود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (44) اعمال شد:

1- بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد: «الف- نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت شده» است و هدف مذکور در جزء (4) بند «ب» ماده (3) این قانون، باید در چهارچوب این نظام ارزی و با لحاظ رقابت پذیری اقتصاد کشور و تقویت تولید ملی پیگیری شود. بانک مرکزی موظف است بازار ارز را به گونه‌ای مدیریت کند که ضمن حفظ ارزش حقیقی پول ملی، نوسانات نرخ ارز، کاهش یابد. بانک مرکزی می‌تواند برای تحقق سیاست‌های ارزی خود، در بازار ارز مداخله و اقدام به خرید یا فروش ارز یا اوراق مالی مبتنی بر ارز نماید. هرگونه خرید و فروش ارز، طلا و اوراق مالی مبتنی بر آنها توسط بانک مرکزی باید به نرخ بازار یا در فاصله ای مشخص از آن که توسط هیأت عالی تعیین می‌شود، انجام گیرد».

2- عبارت «با رعایت قوانین مربوط» از انتهای جزء (2) بند (ج) حذف و به صدر بند اضافه شد.

فصل هفتم

رابطه مالی بانک مرکزی با مؤسسات اعتباری

ماده 46

ماده 46- بانک مرکزی مجاز است در قالب توافق با خرید (ریپو) یا سایر روش‌های مورد تأیید شورای فقهی، در ازای دریافت اوراق منتشر یا تضمین شده توسط دولت یا بانک مرکزی، تسهیلات کوتاه مدت به مؤسسات اعتباری اعطاء کند. سقف زمانی تسهیلات موضوع این ماده نود روز و قابل تمدید است.
تبصره- به منظور تحقق هدف مذکور در جزء (2) بند «ب» ماده (3) این قانون، مؤسسات اعتباری موظفند همواره به میزانی که هیأت عالی تعیین می‌کند، دارایی‌های نقد یا شبه نقد (سهل‌البیع) مانند اوراق منتشر یا تضمین شده توسط دولت یا بانک مرکزی و سایر دارایی‌هایی که با تصویب هیأت عالی شبه نقد (سهل‌البیع) محسوب می‌شود، در ترازنامه خود نگهداری نمایند. در صورتی که نسبت دارایی‌های نقد یا شبه نقد (سهل‌البیع) مؤسسه اعتباری نسبت به کل دارایی مؤسسه از میزان تعیین شده توسط هیأت عالی کمتر شود، معاون تنظیم‌گری و نظارت موظف است ضمن اخطار به مؤسسه اعتباری، اقدامات پیشگیرانه موضوع ماده (28) این قانون را آغاز کند.

ایراد شورای نگهبان:

به جهت اینکه آیا قید «مورد تأیید شورای فقهی» به «توافق با خرید» نیز بازمی‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

عبارت «در قالب توافق با خرید (ریپو) یا سایر روش‌های مورد تأیید شورای فقهی» با عبارت «روش‌های مورد تأیید شورای فقهی از جمله توافق با خرید (ریپو)» جایگزین شد. همچنین عبارت «جزء (4)» در بند (پ) ماده (49) به جزء (5) اصلاح شد.

فصل هشتم

رابطه بانک مرکزی با دولت و مجلس شورای اسلامی

ماده 51

ماده 51- رئیس‌کل، نماینده جمهوری اسلامی ایران در صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای پولی بین‌المللی است. انجام کلیه وظایف و اعمال اختیاراتی که به موجب قانون اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس منعقد در پرتین وودز مربوط به تأسیس صندوق و بانک بین‌المللی مصوب 6 / 10 / 1324 به بانک ملی ایران واگذار شده است، با بانک مرکزی می‌باشد.

ابهام شورای نگهبان:

در ماده 51، از این جهت که انجام وظایف و اعمال اختیارات بانک مرکزی توسط رئیس‌کل، باید با رعایت قوانین و موازین شرعی باشد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

عبارت «با رعایت قوانین و ملاحظات شرعی» قبل از عبارت «با بانک مرکزی می‌باشد» اضافه شد.

ماده 52

ماده 52-

الف- دولت باید در تهیه پیش‌نویس لوایح، تصویب‌نامه‌ها و برنامه‌های اقتصادی و مالی از جمله عملیات ارزی، بودجه‌ریزی و تأمین مالی بخش عمومی از داخل و خارج و تضامین آن، با بانک مرکزی مشورت کند.
ب- رئیس‌کل می‌تواند بدون حق رأی در جلسات هیأت وزیران شرکت کند.
پ- بانک مرکزی موظف است نظرات کارشناسی خود را در خصوص طرح‌ها و لوایحی که سطح عمومی قیمت‌ها، ارزش پول ملی و وضعیت نظام بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.
ت- رئیس‌کل موظف است نظر هیأت‌عالی در خصوص آثار لوایح تقدیمی دولت به مجلس شورای اسلامی، از جمله لوایح برنامه پنج‌ساله توسعه و لوایح بودجه سالانه بر هریک از اهداف مذکور در بند «ب» ماده (3) این قانون را کتباً به رئیس‌جمهور اعلام کند. نظرات بانک مرکزی در این خصوص، به‌پیوست لایحه موردنظر به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شود. همچنین رئیس‌کل موظف است نظر هیأت‌عالی در خصوص آثار طرح‌ها و پیشنهادهای نمایندگان بر اهداف مذکور در بند «ب» ماده (3) این قانون را کتباً به رئیس‌جمهور اعلام کند.

ابهام شورای نگهبان:

بند (الف)، به جهت عدم تعیین تکلیف در خصوص موضوعاتی که حکم آن در این مصوبه مشخص نشده است، ابهام دارند؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (ب)، اطلاق تشخیص موارد واگذاری و برون‌سپاری امور توسط هیأت عالی، مغایر اصل 85 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (55) اعمال شد:

- 1- بند (الف) به صورت زیر اصلاح شد: «الف- بانک مرکزی دارای شخصیت حقوقی و مالی مستقل است و با ترتیباتی که در این قانون و در موارد مسکوت در این قانون، در سایر قوانین پیش‌بینی شده، اداره می‌شود».
- 2- در بند (ب)، عبارت «انجام اموری که» با عبارت «انجام امور غیرحاکمیتی که» جایگزین شد.

فصل دهم

شخصیت حقوقی و سرمایه بانک مرکزی

ماده 56

ماده 56-

الف- سرمایه بانک مرکزی متشکل از سرمایه پرداخت شده، اندوخته عام، مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی و سایر اندوخته‌های احتیاطی است. دارایی‌های بانک مرکزی در برابر تعهدات دولت، قابل واگذاری، تهرین یا مصادره نمی‌باشد.

ب- بانک مرکزی موظف است سالانه پنجاه درصد (50%) سود خالص قبل از مالیات خود را به حساب اندوخته عام منظور کند و باقیمانده را پس از کسر بخشی از سود جهت منظور نمودن به اندوخته احتیاطی که به پیشنهاد رئیس کل بانک و تصویب مجمع عمومی تعیین خواهد شد و پس از اجرای حکم مذکور در تبصره (2) ماده (29) این قانون به دولت پرداخت کند. پرداخت سود توسط بانک مرکزی به دولت قبل از تصویب صورتهای مالی بانک مرکزی و قبل از اجرای تبصره مذکور ممنوع است. همچنین، هر سه‌سال یکبار پنجاه درصد (50%) موجودی حساب اندوخته عام باید صرف افزایش سرمایه بانک مرکزی شود.

پ- اگر بانک مرکزی در نتیجه عملیات خود در طول سال مالی متحمل زیان شود، زیان مزبور باید از محل حساب اندوخته عام تأمین شود. اگر میزان حساب اندوخته عام برای پوشش کل زیان کافی نباشد، دولت باید ظرف سی روز از زمان تصویب صورتهای مالی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی، به میزان کسری، اوراق بهادار دولتی (سند بدهی دولت به بانک مرکزی) در اختیار بانک مرکزی قرار دهد.

تبصره 1- اوراق موضوع این ماده قابل عرضه در بازار و واگذاری به غیر نیست و در صورت سودآوری بانک مرکزی در سالهای بعد، متناسباً به دولت عودت داده می‌شود.

تبصره 2- اوراق موضوع این ماده و اوراق موضوع بند «پ» ماده (57) این قانون از حدود و مقررات مربوط به انتشار اوراق بهادار دولتی در قوانین برنامه و بودجه‌های سنواتی مستثنی است.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (الف) ماده 56، عبارت «اندوخته عام» به جهت عدم وجود تعریف قانونی، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

عبارت «اندوخته عام» در این ماده و سایر مواد این قانون با عبارت «اندوخته قانونی» جایگزین شد.

ماده 57

ماده 57-

الف- تغییرات سالانه ارزش خالص ذخایر بین‌المللی بانک مرکزی اعم از طلا، حق برداشت مخصوص (اس.دی.آر)، ارز یا سایر دارایی‌های خارجی بانک مرکزی برحسب ریال، در «حساب تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی» ثبت می‌شود.

ب- چنانچه حساب تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی بستانکار شود، مانده حساب مزبور قابل برداشت نیست و در پایان همان سال مالی با بدهی دولت به بانک مرکزی تسویه یا به حساب اندوخته عام بانک مرکزی منتقل می‌شود.

پ- در صورتی که بانک مرکزی در نتیجه تغییرات ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی خود برحسب ریال در دوره مورد گزارش با زیان مواجه شده باشد و مانده حساب تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی برای پوشش زیان کافی نباشد، باقیمانده زیان از محل حساب اندوخته عام برداشت می‌شود. چنانچه مانده حساب اندوخته عام نیز برای پوشش زیان کافی نباشد، دولت باید ظرف سی روز از زمان تصویب صورت‌های مالی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی، اوراق بهادار دولتی (سند بدهی دولت به بانک مرکزی) به میزان باقیمانده زیان، در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. اوراق مزبور در صورت افزایش مانده حساب تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی یا حساب اندوخته عام در سالهای بعد، به دولت عودت داده می‌شود.

ت- مانده حساب تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی، سود محقق شده نیست و مشمول مالیات نمی‌باشد.

ایراد شورای نگهبان:

بند (ب)، از جهت عدم رعایت ترتیبات اصل 53 قانون اساسی در تسویه بدهی یا انتقال به حساب مذکور، مغایر قانون اساسی شناخته شد

ایراد شورای نگهبان:

بند (ب)، از جهت تخییر یا ترتیب تسویه بدهی دولت به بانک مرکزی یا انتقال به حساب اندوخته عام و نیز مرجع تشخیص آن، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد هیأت عالی نظارت:

بند (ب) ماده 57 به منزله اعمال سیاست پولی انبساطی ناخواسته و تزریق پول بیرونی به اقتصاد بوده و پیامدهای تورمی و بی‌ثباتی اقتصاد دارد و موجب کاهش ذخایر بانک مرکزی و تضعیف موقعیت‌های مالی و اعتباری بانک مرکزی می‌گردد که این بند ضمن تضعیف استقلال بانک مرکزی و اخلال در سیاست‌های پولی مغایر با بند (9) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است.

مصوبه کمیسیون:

بند (ب) به صورت زیر اصلاح شد:

«ب- چنانچه حساب تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی بستانکار شود، مانده حساب مزبور قابل برداشت نیست و در پایان همان سال مالی به حساب اندوخته قانونی بانک مرکزی منتقل می‌شود.»

فصل یازدهم

پول و نظام پرداخت

ماده 58

ماده 58-

- الف- واحد پول جمهوری اسلامی ایران، ریال است.
- ب- امتیاز انتشار پول رایج کشور منحصراً در اختیار بانک مرکزی است.
- پ- انتشار اسکناس، مسکوک و سایر انواع پول رسمی جمهوری اسلامی ایران توسط بانک مرکزی در چهارچوب دستورالعملی خواهد بود که به تصویب هیأت عالی می‌رسد.
- ت- فقط پول رایج که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و یا طبق قانون انتشار می‌یابد، رواج قانونی داشته و به مبلغ اسمی، قوه ابراء دارد.
- ث- تسویه هرگونه دین و یا بدهی فقط با پول رایج کشور امکان‌پذیر است، مگر آنکه قانون، شیوه دیگری را تعیین کرده یا با رعایت مقررات، ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار توافق شده باشد.
- ج- انجام عملیات تسویه بین مؤسسات اعتباری در شبکه بانکی کشور منحصراً بر عهده بانک مرکزی است.
- چ- دارایی‌های بانک مرکزی، پشتوانه پول منتشرشده توسط بانک مرکزی است.
- ح- مبلغ و مشخصات ظاهری و فنی انواع پول‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس‌کل و تصویب هیأت عالی تعیین می‌شود.
- خ- اسکناس‌های منتشره بانک مرکزی با امضای رئیس‌کل و وزیر امور اقتصادی و دارایی معتبر خواهد بود.
- د- شرایط و ترتیبات جایگزین نمودن اسکناس‌ها، مسکوکات و سایر انواع پول‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران با اسکناس‌ها، مسکوکات و سایر انواع پول که از جریان خارج می‌شوند به وسیله هیأت عالی تعیین می‌شود. معادل ارزش اسکناس‌ها، مسکوکات و سایر انواع پول خارج از جریان که صاحبان آنها در مهلت مقرر برای تبدیل آن مراجعه نکرده‌اند، به حساب درآمدهای بانک مرکزی منظور می‌شود.
- ذ- تعهد بانک مرکزی در مقابل اسکناس‌ها، مسکوکات و سایر انواع پول‌های رسمی منتشر یا ایجاد شده توسط بانک مرکزی، منحصراً به پرداخت پول رایج کشور است.
- ر- اسکناس‌ها و مسکوکات مجعول یا تقلبی مکشوفه در سراسر کشور، برای امحاء باید در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد.
- ز- کلیه حقوق مادی و معنوی مربوط به انواع پول‌های رسمی منتشر یا ایجاد شده توسط بانک مرکزی، متعلق به بانک مرکزی است. انجام هرگونه تبلیغ بر روی اسکناس و مسکوک یا استفاده از طرح و مشخصات ویژه انواع پول‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران ممنوع و در حکم جعل است.

ابهام شورای نگهبان:

در بند (چ)، مقصود از پشتوانه بودن دارایی‌های بانک مرکزی برای پول ملی، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

بند (ز)، با توجه به عموم ممنوعیت هرگونه تبلیغ بر روی اسکناس و مسکوک، نسبت به مواردی که تبلیغ انجام شده با مجازات پیش‌بینی‌شده تناسب ندارد، خلاف شرع شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

بند (چ) حذف و بند (ز) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«ز- کلیه حقوق مادی و معنوی مربوط به انواع پولهای رسمی منتشر یا ایجاد شده توسط بانک مرکزی، متعلق به بانک مرکزی است. از تاریخ اجرای این قانون انجام هرگونه تبلیغ تجاری بر روی اسکناس و مسکوک یا استفاده از طرح و مشخصات ویژه انواع پول های رسمی جمهوری اسلامی ایران ممنوع و مستوجب مجازات‌های کیفری درجه شش قانون مجازات اسلامی است».

ماده 59

ماده 59- مسؤلیت انحصاری ابلاغ دستورالعمل‌های موردنیاز، صدور مجوز و نظارت در حوزه نظام‌های پرداخت، فناوری‌های نوین مالی مرتبط با ابزارهای پرداخت و پولهای رمزپایه و همچنین نهادهای فعال در این حوزه‌ها بر عهده بانک مرکزی است. نهادهای فعال در زمینه‌های یادشده موظفند حسب درخواست بانک مرکزی، کلیه اطلاعات، آمار و اسناد خود را به ترتیب موردنظر بانک مرکزی در اختیار آن بانک قرار دهند.

ابهام شورای نگهبان:

عبارت «پول‌های رمزپایه» به جهت عدم وجود تعریف قانونی ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

ابهام شورای نگهبان:

به جهت اینکه آیا مسؤلیت انحصاری بانک مرکزی علاوه بر ابلاغ دستورالعمل‌های مورد نیاز، شامل صدور مجوز و نظارت در حوزه‌های مذکور نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

ماده (59) به صورت زیر اصلاح شد:

«مسؤلیت انحصاری ابلاغ دستورالعمل‌های موردنیاز در حوزه نظام‌های پرداخت، فناوری‌های نوین مالی مرتبط با ابزارهای پرداخت و رمز پول و همچنین نهادهای فعال در این حوزه‌ها بر عهده بانک مرکزی است. نهادهای فعال در زمینه‌های یادشده اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی تلقی شده و تاسیس و فعالیت آن‌ها منوط به اخذ مجوز از بانک مرکزی است. همچنین این نهادها موظفند حسب درخواست بانک مرکزی، کلیه اطلاعات، آمار و اسناد خود را به ترتیب موردنظر بانک مرکزی در اختیار آن بانک قرار دهند».

فصل دوازدهم

مدیریت تعارض منافع در بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور

ماده 60

ماده 60- اعضای مجمع عمومی، هیأت‌عالی و کمیته‌های تخصصی ذیل آن، هیأت‌عامل، هیأت‌نظار، شورای فقهی، هیأت‌انتظامی، هیأت‌های رسیدگی به اختلافات بانکی، مدیران و سایر کارکنان مؤثر بانک مرکزی به‌تشخیص

هیأت‌نظار مشمول احکام زیر هستند:

الف- باید در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت، «کاربرگ عدم تعارض منافع» را تکمیل و به رئیس هیأت‌نظار تحویل نمایند. رئیس هیأت‌نظار موظف است کاربرگ‌های تکمیل شده را برای رئیس قوه قضائیه ارسال کند.

اطلاعات زیر باید در کاربرگ عدم تعارض منافع درج گردد:

- 1- فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان در زمان آغاز مسئولیت در بانک مرکزی
- 2- فعالیت‌های اقتصادی، مالی، تجاری و مشاغل تمام‌وقت یا پاره‌وقت خود، همسر و فرزندان در پنج‌سال گذشته
- ب- در صورتی که انجام امور محوله و شرکت در جلسات و رأی‌گیری‌ها به نوعی مرتبط با منافع خود فرد یا بستگان درجه یک او باشد، باید موضوع را قبلاً به‌صورت مکتوب به رئیس هیأت‌نظار اعلام نماید.
- پ- افراد مذکور در صدر این ماده که طبق قانون باید به‌صورت تمام‌وقت در خدمت بانک مرکزی باشند، نمی‌توانند هم‌زمان شغل یا سمت موظف یا غیرموظف اعم از مدیریتی، کارشناسی یا مشاوره‌ای در بخش دولتی یا غیردولتی داشته باشند. این ممنوعیت شامل موارد مستثنی شده ذیل اصل یکصد و چهل و یکم (141) قانون اساسی نمی‌شود.

ت- اشخاص موضوع این ماده و همسر و فرزندان آنها نباید سهامدار مؤثر، عضو هیأت‌مدیره، هیأت‌عامل یا مشاور «اشخاص تحت نظارت» باشند.

ث- در صورتی که والدین، پدربزرگ، مادربزرگ، همسر فرزند، فرزند فرزند، برادر یا خواهر اشخاص مذکور در صدر این ماده با یکی از «اشخاص تحت نظارت» دارای ارتباط مدیریتی یا مشاوره‌ای بوده یا سهامدار مؤثر آنها باشند، شخص مزبور موظف است موضوع را کتباً به رئیس هیأت‌نظار اطلاع دهد.

ج- انجام کار دائم یا موقت برای «اشخاص تحت نظارت» یا ارائه هرگونه خدمت به آنها، توسط اعضای هیأت‌عالی، هیأت‌عامل و هیأت‌های انتظامی پس از پایان دوره عضویت آنها؛ به مدت سه‌سال، و برای سایر اشخاص موضوع این ماده به مدت دو سال ممنوع است. در صورت عدم دریافت حقوق از محل دیگر یا عدم دریافت مستمری بازنشستگی، بانک مرکزی موظف است به این افراد حقوقی معادل میانگین دریافتی آنها در سال پایانی پرداخت کند. در صورتی که معلوم شود شخص موردنظر از محل دیگری حقوق دریافت می‌کرده است، به پرداخت پنج برابر مبالغ دریافتی از بانک مرکزی پس از پایان خدمت، محکوم می‌گردد.

تبصره- مدیران و کارکنان سایر دستگاه‌های نظارتی که حسب تشخیص هیأت‌نظار در سه‌سال آخر قبل از بازنشستگی یا پایان خدمت مستقیماً با «اشخاص تحت نظارت» در ارتباط بوده‌اند نمی‌توانند به مدت سه‌سال، با آنها رابطه کاری اعم از مدیریتی، مشاوره‌ای و مانند آن برقرار کنند. مرتکب، به تمام یا بخشی از مجازات‌های درجه چهار موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

چ- در صورتی که معلوم شود افراد موضوع این ماده در زمان تصدی مسئولیت در بانک مرکزی یا طی دوره ممنوعیت پس از پایان مسئولیت، با «اشخاص تحت نظارت» همکاری داشته‌اند، علاوه بر الزام به پرداخت کلیه حقوق و مزایای دریافتی در دوران مسئولیت و ممنوعیت، به مجازات درجه چهار موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

ح- مقررات مربوط به برقراری رابطه مالی (مانند سپرده‌گذاری، دریافت تسهیلات، دریافت ضمانت‌نامه و گشایش اعتبار اسنادی) فی‌مابین افراد موضوع این ماده، همسر و فرزندان آنها و شرکتهایی که افراد موضوع این ماده، همسر یا فرزندان آنها مدیر یا سهامدار مؤثر آن شرکت‌ها هستند، با «اشخاص تحت نظارت»، توسط رئیس‌کل تهیه می‌شود و به‌تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

خ- اشخاص موضوع این ماده موظفند ضمن رعایت مقررات مذکور در بند «ح»، هرگونه رابطه مالی خود، همسر و فرزندان با «اشخاص تحت نظارت» و نیز هرگونه رابطه مالی شرکت‌هایی که آنها، همسر یا فرزندان مدیر یا سهامدار مؤثر آن شرکت‌ها هستند را با «اشخاص تحت نظارت» که مبلغ آن از مبلغی که هیأت‌نظار در ابتدای

هر سال تعیین می‌کند، بیشتر باشد، به هیأت نظار اعلام کنند. متخلفان علاوه بر معرفی به هیأت تخلفات اداری، به میزان دو برابر مبلغ تخلف جریمه خواهند شد.
د- در صورت احراز تخلف در عمل به احکام بندهای «الف» تا «ث» این ماده توسط هیأت نظار، شخص متخلف به پرداخت پنج برابر حقوق و مزایای دریافتی از زمان وقوع تخلف محکوم می‌شود.

ابهام شورای نگهبان:

بند (ج)، به جهت مشخص نبودن مرجع رسیدگی به تخلف ذیل بند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.
ابهام شورای نگهبان:
در بند (خ)، منظور از «هیأت تخلفات اداری» ابهام دارد و همچنین مرجع تعیین جریمه به میزان دو برابر مبلغ تخلف روشن نیست؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (60) اعمال شد:

- 1- عبارت «هیأت‌های حل اختلاف بانکی» از صدر ماده حذف شد.
- 2- در بند (ج)، عبارت «در صورتی که معلوم شود شخص مورد نظر از محل دیگری حقوق دریافت می‌کرده است» با عبارت «دریافت حقوق از محل دیگر جرم محسوب می‌شود و» جایگزین شد.
- 3- در بند (خ)، عبارت «متخلفان علاوه بر معرفی به هیأت تخلفات اداری، به میزان دو برابر مبلغ تخلف جریمه خواهند شد» با عبارت «عدم اعلام موارد فوق در صورت اطلاع، جرم محسوب و مرتکب به مجازات درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد» جایگزین شد.

فصل سیزدهم

سایر مقررات مربوط به بانک مرکزی

ماده 62

ماده 62-

الف- کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی از جمله شرکتهای دولتی مستلزم ذکر نام و نهادهای عمومی غیردولتی، قوه قضائیه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مکلف به همکاری با بانک مرکزی برای اجرای این قانون هستند. دستگاههای یادشده موظفند اطلاعاتی را که به تشخیص هیأت‌عالی برای انجام وظایف بانک مرکزی لازم است، در اختیار آن بانک قرار دهند. مستتکف، به انفسال از خدمت از یک تا پنج‌سال محکوم می‌شود.

ب- «اشخاص تحت نظارت» موظفند اطلاعات مورد درخواست بانک مرکزی را در چهارچوبی که بانک مرکزی تعیین می‌کند، در اختیار آن بانک قرار دهند. هریک از اعضای هیأت‌مدیره و هیأت‌عامل «شخص تحت نظارت» که از ارائه اطلاعات مورد درخواست بانک مرکزی خودداری کند، از مسؤولیت عزل و به مجازات حداکثر یک‌سال حبس محکوم خواهد شد.

پ- بانک مرکزی موظف است اطلاعاتی را که به‌موجب قوانین، موظف به ارائه آنها به سایر دستگاهها از جمله مرکز مبارزه با پولشویی و سازمان امور مالیاتی کشور است، به‌صورت مؤثر در اختیار آن دستگاهها قرار دهد. استتکاف از اجرای این حکم توسط هریک از مدیران یا کارکنان بانک مرکزی موجب انفسال از خدمت حداقل به

مدت یکسال خواهد شد.

ایراد شورای نگهبان:

اطلاق حکم مذکور در بند (الف)، بدون لزوم رعایت مسائل امنیتی و همچنین نسبت به مواردی از حریم خصوصی اشخاص که افشای آن خلاف شرع باشد، مغایر شرع شناخته شد.

ایراد شورای نگهبان:

در بند (الف)، حکم به مجازات انفصال از خدمت، درخصوص اشخاصی که عزل و نصب آنها با مقام رهبری است، مغایر اصول 57 و 110 قانون اساسی شناخته شد.

ایراد شورای نگهبان:

بند (پ)، با توجه به عدم تعیین حداکثر مدت زمان انفصال از خدمت، از جهت تناسب بین تخلف و مجازات ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

اصلاحات زیر در ماده (62) اعمال شد:

1- عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط به محرمانگی» بعد از کلمه «موظفند» و عبارت «در اجرای حکم این بند رعایت اصول 57 و 110 الزامی است» در انتهای بند (الف) اضافه شد.

2- بند (پ) به صورت زیر اصلاح شد: «پ- بانک مرکزی موظف است اطلاعاتی را که به موجب قوانین، موظف به ارائه آنها به سایر دستگاهها از جمله واحد اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور است، به صورت مؤثر در اختیار آن دستگاهها قرار دهد. استتکاف از اجرای این حکم توسط هر یک از مدیران یا کارکنان بانک مرکزی موجب انفصال از خدمت تا پنج سال خواهد شد.

همچنین در بند (ب) ماده (63)، عبارت «وثیقه» به «وثیقه کافی» اصلاح شد.

ماده 65

ماده 65- جریمه های نقدی مذکور در این قانون، در پایان تیرماه هر سال، متناسب با شاخص بهای کالاها و خدمات مصرف کننده اعلامی از سوی بانک مرکزی، توسط هیأت عالی تعدیل می گردد. وجوه ناشی از اعمال جریمه نقدی علیه «اشخاص تحت نظارت» متخلف، به حساب درآمد عمومی واریز شده و معادل آن از طرف خزانه داری کل به حساب صندوق ضمانت سپرده ها تخصیص داده می شود. بانک مرکزی موظف است گزارش عملکرد این ماده مشتمل بر میزان جرائم تعدیل شده و میزان وجوه ناشی از اعمال جریمه نقدی را در مردادماه هر سال به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ابهام شورای نگهبان:

ماده 65، از جهت رعایت فرآیند مذکور در اصل 52 قانون اساسی برای تخصیص منابع مذکور، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

مصوبه کمیسیون:

ماده (65) به صورت زیر اصلاح شد:

«جریمه های نقدی مذکور در این قانون، در پایان تیرماه هر سال، متناسب با شاخص بهای کالاها و خدمات مصرف کننده اعلامی از سوی بانک مرکزی، توسط هیأت عالی تعدیل می گردد. وجوه ناشی از اعمال جریمه نقدی علیه

«اشخاص تحت نظارت» متخلف، به حساب درآمد عمومی واریز شده و دولت موظف است با پیش بینی آن در بودجه سالانه، معادل آن را از طرف خزانه‌داری کل به حساب صندوق ضمانت سپرده‌ها واریز نماید. بانک مرکزی موظف است گزارش عملکرد این ماده مشتمل بر میزان جرائم تعدیل‌شده و میزان وجوه ناشی از اعمال جریمه نقدی را در مردادماه هر سال به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید».

ماده 66

ماده 66- مفاد این قانون به‌موجب سایر قوانین، مگر به‌صورت صریح و با ذکر ماده موردنظر، قابل نسخ یا اصلاح نمی‌باشد.

ایراد شورای نگهبان:

در ماده 66، ضرورت ذکر «ماده موردنظر» برای نسخ یا اصلاح مواد قانون، مغایر اصل 71 قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه کمیسیون:

ماده (66) به‌صورت زیر اصلاح شد:

«مفاد این قانون، مادام که در قوانین بعدی به‌طور صریح نسخ یا اصلاح نشده باشد، معتبر خواهد بود». همچنین با توجه به اصلاحات انجام شده در سایر مواد، بند (الف) ماده (67) به‌صورت زیر اصلاح شد: «این قانون به منزله اصلاح قانون پولی و بانکی کشور مصوب 18 / 4 / 1351 و اصلاحات بعدی آن است. از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، مواد (1) تا (17)، بندهای (ب) تا (ج) ماده (18)، مواد (19) تا (26)، بندهای (الف) و (ب) ماده (30) و مواد (39)، (40)، (42)، (43) و (46) قانون مذکور نسخ و شماره مواد باقیمانده متناسباً اصلاح می‌شود».

متن طرح

قسمت اول: کلیات

فصل اول: تعاریف

ماده 1- اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته، دارای معانی بدین شرح است:

الف- بانک مرکزی: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ب- هیأت عالی: هیأت عالی بانک مرکزی.

پ- رئیس کل: رئیس کل بانک مرکزی.

ت- عملیات بانکی: دریافت سپرده از اشخاص حقیقی و حقوقی و اعطای تسهیلات یا ایجاد اعتبار.

ث- خدمات بانکی: مجموعه اقداماتی غیر از عملیات بانکی، نظیر صدور ضمانتنامه و گشایش اعتبار اسنادی که مؤسسه

اعتباری می‌تواند در چهارچوب ضوابط اعلامی بانک مرکزی به مشتریان ارائه و در قبال آن کارمزد دریافت کند.

ج- مؤسسه اعتباری: شخص حقوقی است که با مجوز بانک مرکزی یا به موجب قانون تأسیس شده به انجام عملیات بانکی و

ارائه تمام یا بخشی از خدمات بانکی مبادرت می‌نماید و در این قانون، شامل «بانک» و «مؤسسه اعتباری غیربانکی»

است. تفکیک کارکرد و اختیارات بانک و مؤسسه اعتباری غیربانکی حسب دستورالعملی است که به تصویب هیأت‌عالی می

رسد.

چ- بانک: نوع خاصی از مؤسسه اعتباری است که با مجوز بانک مرکزی یا به موجب قانون از عنوان بانک استفاده می‌کند

و می‌تواند مشتمل بر انواع مختلفی از جمله تجاری، تخصصی، توسعه‌ای، مشارکتی، جامع و یا قرض‌الحسنه باشد. بانکهای

مذکور می‌توانند به صورت حقیقی یا مجازی و در سطوح بین‌المللی، ملی یا منطقه‌ای فعالیت کنند.

ح- اشخاص تحت نظارت: منظور از عبارت «اشخاص تحت نظارت» در این قانون، کلیه مؤسسات اعتباری، صندوقهای

قرض‌الحسنه، تعاونیهای اعتبار، شرکتهای واسپاری (لیزینگ)، صرافی‌ها، شرکتهای مدیریت داراییهای مؤسسات اعتباری،

شرکتهای اعتبارسنجی ارائه‌دهنده خدمات به مؤسسات اعتباری، مؤسسات تضمین تعهدات و سایر اشخاصی است که حسب

تشخیص بانک مرکزی، به انجام عملیات یا ارائه خدمات بانکی، ارائه ابزارهای پرداخت و سایر فعالیتهای مرتبط اشتغال دارند.

تبصره- مرجع تشخیص مصادیق «عملیات بانکی»، «خدمات بانکی» و «ابزارهای پرداخت»، بانک مرکزی در چهارچوب دستورالعمل مصوب هیأت عالی است.

خ- اشخاص مرتبط: اشخاص حقیقی یا حقوقی که بهنحوی از انحاء نظیر داشتن رابطه خویشاوندی، مالکیتی یا مدیریتی بتوانند بهطور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیمگیریهای «اشخاص تحت نظارت» اعمال نفوذ نمایند. تشخیص مصادیق «اشخاص مرتبط» با بانک مرکزی در چهارچوب دستورالعمل مصوب هیأت عالی است.

د- گزیر: مجموعه اقداماتی است که بانک مرکزی با هدف صیانت از منافع عموم و حفظ ثبات مالی در خصوص «اشخاص تحت نظارت» که با مشکل نقدینگی مواجه شده یا در معرض ورشکستگی قرار گرفتهاند، به مورد اجراء می‌گذارد.

فصل دوم: اهداف قانون

ماده 2- اهداف این قانون عبارت است از:

- 1- کمک به تحقق اهداف و احکام اقتصادی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بهویژه بند (5) اصل چهل و سوم (منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام)؛
- 2- مدیریت ایجاد اعتبار و تنظیم جریان نقدینگی در جهت رشد و توسعه اقتصاد کشور؛
- 3- ارتقای استقلال، کارآمدی و پاسخگویی بانک مرکزی؛
- 4- ارتقای سلامت، کارآمدی و پاسخگویی شبکه بانکی؛

5- هدایت تسهیلات و اعتبارات در جهت تأمین مالی زیرساخت‌ها و صنایع اساسی کشور، واحدهای اقتصادی مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی، افزایش اشتغال و بهره‌وری عوامل تولید.

قسمت دوم: بانک مرکزی

فصل سوم: مسؤلیت‌ها، اهداف، وظایف و اختیارات بانک مرکزی

ماده 3-

الف- مسؤلیت استقرار بانکداری سازگار با شرع مقدس اسلام و برقراری مناسبات عادلانه در بخش پولی و بانکی اقتصاد کشور در چهارچوب قانون، برعهده بانک مرکزی است.

ب- بانک مرکزی باید اهداف زیر را پیگیری کند:

1- ثبات سطح عمومی قیمت‌ها و کنترل تورم؛

2- تأمین ثبات و سلامت شبکه بانکی؛

3- حمایت از رشد و توسعه اقتصادی.

ماده 4-

الف- بانک مرکزی موظف است در چهارچوب قانون، نسبت به انجام وظایف زیر اقدام کند:

1- تعیین و اجرای سیاست‌های پولی و ارزی؛

2- نظارت بر «اشخاص تحت نظارت»؛

3- نگهداری و مدیریت ذخایر بین‌المللی کشور؛

4- ضرب مسکوکات و انتشار اسکناس‌های رایج کشور؛

5- نگهداری جواهرات ملی؛

6- ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها، سیاستگذاری و تنظیم‌گری نظام پرداخت کشور؛

7- ایفای نقش به‌عنوان بانکدار، کارگزار و مشاور دولت؛

8- ایفای نقش به‌عنوان بانکدار مؤسسات اعتباری؛

9- ایجاد بسترهای لازم برای تشکیل پایگاه داده جامع و متمرکز عملیات بانکی، خدمات و تراکنشهای «اشخاص تحت

نظارت»؛

10- ایجاد بسترهای لازم حقوقی و اطلاعاتی برای فعالیت شرکتهای اعتبارسنجی، مؤسسات تضمین تعهدات و سایر

نهادهای مکمل صنعت بانکداری؛

11- ایجاد زیرساخت‌های حقوقی و فنی لازم برای انعقاد پیمانهای پولی دو یا چندجانبه با سایر کشورها؛

12- نظارت بر صادرات و واردات فلزات گرانبها و معاملات شمش و مسکوک فلزات گرانبها؛

13- نظارت بر خرید و فروش انواع رمزارز.

ب- بانک مرکزی می‌تواند با رعایت قوانین و مقررات، اقدامات زیر را انجام دهد:

1- استفاده از ابزارهای سیاستگذاری پولی و ارزی؛

2- انجام معاملات ارزی به منظور مدیریت نخبیر بین‌المللی کشور؛

3- مشارکت و عضویت در نهادهای بین‌المللی پس از اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی؛

4- ارائه خدمات بانکی به بانکهای مرکزی خارجی و یا نهادهای پولی و سازمان های بین المللی؛

5- انجام عملیات بانکی با مؤسسات اعتباری داخلی و خارجی؛

6- همکاری با بانکهای مرکزی و مقامات نظارت بانکی سایر کشورها؛

7- دریافت کارمزد در برابر ارائه خدمت به متقاضیان؛

8- انتشار انواع پول الکترونیکی و رمزارز ملی؛

9- ایجاد و اداره مؤسسات آموزشی و پژوهشی مرتبط با وظایف بانک مرکزی و نظام بانکی در چهارچوب قوانین و

مقررات مربوط؛

10- سایر اموری که به تشخیص هیأت عالی برای تحقق اهداف بانک مرکزی مورد نیاز است.

تبصره 1- مشارکت حقوقی بانک مرکزی و اشخاص مرتبط آن با «اشخاص تحت نظارت» و اشخاص مرتبط با آنها ممنوع

است بانک مرکزی و اشخاص مرتبط آن مشمول قانون برگزاری مناقصات هستند.

تبصره 2- عملیات بانک مرکزی و تعاملات آن با اشخاص داخلی و خارجی نباید مغایر با احکام شرع باشد. مرجع تشخیص

مغایرت، شورای فقهی است.

فصل چهارم: ساختار بانک مرکزی

ماده 5- ارکان بانک مرکزی عبارت است از:

1- هیأت عالی؛

2- رئیس کل؛

3- هیأت عامل؛

4- هیأت نظارت و حسابرسی.

مقررات مربوط به هیأت عالی

ماده 6- هیأت عالی، بالاترین مرجع سیاستگذاری، تصویب مقررات و نظارت بر عملکرد و حسن اجرای قوانین و مقررات

در بانک مرکزی است. هیأت عالی مرکب از شش عضو غیراجرائی و سه عضو اجرائی، به شرح زیر است:

الف- اعضای غیراجرائی:

اعضای غیراجرائی هیأت عالی به ترتیب زیر انتخاب میشوند:

1- سه نفر اقتصاددان متخصص در حوزه پول و اقتصاد کلان، با انتخاب و حکم رئیس جمهور

2- سه نفر متخصص در حوزه بانکداری و حقوق بانکی، با انتخاب و حکم رئیس جمهور

ب- اعضای اجرائی:

اعضای اجرائی هیأت عالی عبارتند از: رئیس کل به عنوان رئیس هیأت عالی؛ قائم مقام رئیس کل به عنوان نایب رئیس و

دبیر هیأت عالی، و معاون نظارتی بانک مرکزی.

رئیس کل توسط رئیس جمهور و پس از مشورت با اعضای غیراجرائی هیأت عالی تعیین و منصوب میشود. قائم مقام رئیس

کل به پیشنهاد رئیس کل با تأیید و حکم رئیس جمهور منصوب می شود. معاون نظارتی بانک مرکزی توسط رئیس کل انتخاب

و با حکم وی منصوب میشود.

شرایط عمومی و اختصاصی، نحوه عزل و سایر مقررات مربوط به اعضای هیأت عالی

ماده 7- شرایط عمومی و اختصاصی، نحوه عزل و سایر مقررات مربوط به هیأت عالی به شرح زیر است:

الف- شرایط عمومی اعضای هیأت عالی

1- اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی؛

2- تابعیت جمهوری اسلامی ایران و نداشتن تابعیت مضاعف برای خود، همسر و فرزندان وی، و عدم سکونت دائمی آنان

در خارج از کشور؛

3- نداشتن سوءپیشینه کیفری و محکومیت‌های قطعی مالی؛

4- عدم محکومیت قطعی انتظامی از بند «د» به بعد موضوع ماده (9) قانون رسیدگی به تخلفات اداری

(مصوب 7/ 9/ 1372)

ب- شرایط اختصاصی اعضای هیأت عالی

اعضای اجرائی و اعضای غیر اجرائی هیأت عالی باید از تحصیلات عالی دانشگاهی مرتبط برخوردار و دارای حداقل ده

سال تجربه مفید در حوزه‌های اقتصادی، مالی یا بانکداری بوده و آشنایی کافی با بانکداری اسلامی داشته باشند. رئیسکل

باید دارای مدرک دکتری و سوابق برجسته در حوزه اقتصاد کلان باشد. اعضای هیأت عالی نباید در دو سال منتهی به آغاز

مسئولیت در بانک مرکزی، با «اشخاص تحت نظارت» همکاری مدیریتی یا مشاوره‌ای داشته یا سهامدار آنها باشند.

پ- دوره خدمت اعضای هیأت عالی

1- اعضای غیر اجرائی هیأت عالی برای یک دوره شش‌ساله منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها صرفاً برای یک دوره

دیگر بلامانع است.

2- در اولین دوره تشکیل هیأت عالی، در پایان سالهای دوم و چهارم، یک نفر از اعضای موضوع بند (الف-1) و یک نفر از اعضای موضوع بند (الف-2) ماده (6) بهقید قرعه از هیأت عالی خارج می‌شوند. انتخاب مجدد اشخاصی که به قید قرعه از هیأت عالی خارج می‌شوند، بلامانع است.

3- دوره تصدی اعضای اجرائی پنج سال است. انتخاب آنها صرفاً برای یک دوره دیگر، بلامانع است.

ت- چگونگی عزل اعضای هیأت عالی

1- عزل رئیسکل از طرق زیر امکانپذیر است:

1-1- رئیس‌جمهور میتواند پس از مشورت با اعضای غیراجرائی هیأت عالی، رئیس کل را عزل کند. عزل رئیس کل باید مستند به قصور یا تقصیر رئیس کل در انجام وظائف یا اجرای مصوبات هیأت عالی باشد. اعضای غیراجرائی هیأت عالی موظفند نظر مشورتی خود را به‌همراه ادله و مستندات مربوط، کتباً به رئیس‌جمهور تقدیم نمایند. رئیس‌جمهور باید حداقل یک هفته قبل از صدور حکم عزل، دلایل و مستندات خود و نظرات مشورتی اعضای غیراجرائی هیأت عالی را برای اطلاع عموم منتشر کند.

1-2- در صورتی که بیش از دوسوم اعضای غیراجرائی هیأت عالی خواستار برکناری رئیسکل باشند، دلایل و مستندات خود را کتباً به رئیس‌جمهور تقدیم میکنند. در صورت موافقت رئیس‌جمهور، رئیسکل عزل میشود. تقاضای برکناری رئیسکل باید مستند به قصور یا تقصیر در انجام وظیفه یا عدم اجرای مصوبات هیأت عالی باشد. در صورتی که رئیس‌جمهور با پیشنهاد عزل رئیسکل مخالفت کند، باید دلایل مخالفت خود را ظرف مدت یک هفته کتباً به رئیس مجلس شورای

اسلامی اعلام کند. نامه رئیس جمهور در این خصوص، در اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی قرائت و برای اطلاع عموم، منتشر میشود.

تبصره- رئیس جمهور در ابتدای دوره ریاست جمهوری، در صورتی که از دوره خدمت رئیس کل، یکسال یا کمتر باقی مانده باشد، نمیتواند وی را عزل کند.

2- قائم مقام رئیسکل با پیشنهاد رئیسکل و تأیید رئیس جمهور عزل می شود.

3- معاون نظارتی توسط رئیسکل و با حکم وی عزل میشود.

4- در صورتی که هر یک از اعضای اجرائی یا غیراجرائی هیأت عالی به موجب حکم قطعی دادگاه، محکوم به محرومیت از حقوق اجتماعی شود، یا به علت بیماری یا کهولت سن قادر به انجام وظایف خود نباشد، یا بیش از ده روز کاری متوالی یا سی روز کاری غیرمتوالی در طول یکسال غیبت غیرموجه داشته باشد، از عضویت در هیأت عالی منعزل میگردد. تشخیص ناتوانی و غیرموجه بودن غیبت، با هیأت نظارت و حسابرسی است.

5- عدم رعایت احکام مندرج در اجزای (2) تا (6)، (9) و (10) بند «ج» این ماده جرم تلقی شده و موجب عزل از عضویت هیأت عالی میشود.

ث- استعفای اعضای هیأت عالی

1- پذیرش استعفای اعضای هیأت عالی، غیر از معاون نظارتی، منوط به موافقت رئیس جمهور است. پذیرش استعفای معاون نظارتی با رئیس کل است.

2- جایگزین عضو مستعفی، متوفی، منعزل یا معزول هیأت عالی، باید ظرف مدت دو هفته انتخاب شود.

3- عضو هیأت عالی که جایگزین عضو مستعفی، متوفی، معزل یا معزول می‌شود، دوره عضو قبلی را به اتمام می‌رساند و اگر اولین دوره حضور او در هیأت عالی باشد، انتخاب مجدد وی برای یک دوره دیگر بلامانع است.

ج- سایر مقررات مربوط به هیأت عالی

1- اعضای هیأت عالی باید قبل از شروع به کار در اولین جلسه هیأت عالی سوگند یاد کنند. متن سوگندنامه اعضای هیأت عالی به شرح زیر است:

«من به عنوان عضو هیأت عالی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که ضمن توجه مستمر به خطیر بودن وظیفه‌ای که بر عهده من گذاشته شده است، در کلیه اظهارنظرها و تصمیم‌گیری‌های خود، مصالح ملت ایران، پیشرفت اقتصاد کشور، ترویج احکام نورانی اسلام در عرصه پول، بانک و مالیه اسلامی و گسترش اخلاق و معنویت در تعاملات اقتصادی جامعه را در چهارچوب قانون اساسی مدنظر قرار دهم و به هیچ وجه منافع شخصی خود یا دیگران و فشارهای خارج از چهارچوب قانون، مرا از انجام وظایفی که شرعاً و قانوناً بر عهده دارم، باز ندارد.»

2- اعضای هیأت عالی نمی‌توانند همزمان، شغل یا سمت موظف یا غیرموظف اعم از سمت مدیریتی، کارشناسی یا مشاوره ای در هیچ نهاد دولتی، عمومی، خصوصی، تعاونی و همچنین در مؤسسات غیرانتفاعی یا مردم‌نهاد داشته باشند. این ممنوعیت شامل فعالیت آموزشی در دانشگاهها یا مراکز آموزشی غیروابسته به «اشخاص تحت نظارت»، در صورتی که خللی به انجام وظایف در هیأت عالی وارد نسازد، نمیشود.

3- اعضای هیأت عالی و همسر و فرزندان آنها نباید سهامدار، عضو هیأت‌مدیره یا هیأت عامل «اشخاص تحت نظارت» باشند.

4- در صورتی که والدین، پدربزرگ، مادربزرگ، همسر فرزند، برادر یا خواهر عضو هیأت عالی، سهامدار مؤثر، عضو هیأت‌مدیره یا هیأت عامل یکی از «اشخاص تحت نظارت» باشد، عضو مزبور موظف است ضمن اعلام موضوع به رئیسکل، از شرکت در جلسات مربوط به «اشخاص تحت نظارت» مرتبط با آنها، خودداری کند. تشخیص سهامدار مؤثر با رئیسکل است.

5- اعضای هیأت عالی باید در ابتدا و انتهای دوره عضویت در هیأت عالی، «فرم تعارض منافع» را تکمیل و به دبیرخانه هیأت عالی تحویل نمایند. دبیرخانه هیأت عالی موظف است «فرم تعارض منافع» اعضای هیأت عالی را برای رؤسای سه قوه ارسال نموده و در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی منتشر نماید.

تبصره- «فرم تعارض منافع» مشتمل بر فهرست دارایی‌های فرد موردنظر و همسر و فرزندان وی و نیز کلیه فعالیت‌های اقتصادی، مالی، تجاری و مشاغل تماموقت یا پاره‌وقت آنها طی پنج‌سال منتهی به تصدی مسئولیت در بانک مرکزی است.

6- اعضای هیأت عالی مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب 1337/10/22 هستند و علاوه بر آن نمی‌توانند از بخش دولتی، عمومی غیردولتی، خصوصی و تعاونی خارج از بانک مرکزی (غیر از موارد استثناءشده در جزء (2)) هیچ‌گونه دریافتی داشته باشند. در صورت مأمور شدن اعضای هیأت عالی، در طول دوره مأموریت با رعایت قوانین و مقررات مربوط، صرفاً می‌توانند از یک محل حقوق دریافت کنند.

7- اعضای هیأت عالی مشمول احکام ماده (3) قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسؤولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب 1394/8/9 می‌باشند.

8- حقوق و مزایای اعضای هیأت عالی مطابق حقوق و مزایای مقامات موضوع بند «ج» ماده (71) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 8 / 7 / 1386 تعیین می‌گردد.

9- انجام کار دائم یا موقت برای «اشخاص تحت نظارت» یا ارائه هرگونه خدمات مشاوره‌ای به آنها، توسط اعضای هیأت عالی پس از پایان دوره عضویت آنها، به مدت سه‌سال ممنوع است. در صورتی‌که عضو هیأت عالی که دوره خدمت او به پایان رسیده است از محل دیگری حقوق دریافت ننماید، حقوق وی در مدت سه‌سال ممنوعیت مذکور کماکان توسط بانک مرکزی پرداخت خواهد شد.

10- اعضای هیأت عالی نباید عضو احزاب سیاسی باشند.

وظایف و اختیارات هیأت عالی

ماده 8- هیأت عالی مسئولیت انحصاری اجرای وظایف زیر را در چهارچوب قانون برعهده دارد:

1- اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی و تصمیم‌گیری درباره نحوه اجرای سیاست‌های مزبور و ابزارهای موردنیاز برای تحقق آنها؛

2- اتخاذ تدابیر کلان برای هدایت تسهیلات و اعتبارات بانکی در جهت تحقق هدف مذکور در جزء (3) بند «ب» ماده (3) این قانون؛

3- تصویب راهبردها و اصول کلی نظارت بر «اشخاص تحت نظارت»؛

4- تصویب سیاست‌های مربوط به پیشگیری از مخاطرات فراگیر در نظام بانکی؛

5- تصویب مقررات عملیات بازار باز؛

6- تصویب مقررات ناظر بر بازار بین بانکی؛

7- تأیید گزارش‌های دوره‌ای که تهیه و انتشار آنها به موجب قانون بر عهده بانک مرکزی قرار داده شده است؛

8- تصویب کلیه مقررات و دستورالعمل‌های لازم به منظور اجرای این قانون که مرجع دیگری برای تصویب آنها پیش‌بینی نشده است؛

9- تصویب دستورالعمل نحوه اداره جلسات هیأت عالی؛

10- تصویب صورتهای مالی بانک مرکزی، تصمیم‌گیری در خصوص انتقال سود به حسابهای اندوخته و تصویب افزایش سرمایه بانک مرکزی با رعایت تبصره بند «ب» ماده (17)؛

11- تصویب بودجه سالانه بانک مرکزی؛

12- تصویب دستورالعمل ناظر بر میزان، ترکیب و کیفیت نگهداری ذخایر بین‌المللی در اختیار بانک مرکزی؛

13- ارائه مشاوره و توصیه‌های سیاستی به رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی در خصوص طرحها و لوایح مرتبط با اهداف و وظایف بانک مرکزی، قبل از تصویب آنها؛

14- اجازه تأسیس و تعطیلی شرکتهای تابعه، شعب و نمایندگی‌های بانک مرکزی؛

15- تصویب ساختار، حکمرانی داخلی و مقررات اداری و استخدامی بانک مرکزی و دستورالعمل‌های اجرایی مورد نیاز، در چهارچوب قوانین مربوط؛

16- صدور مقررات مربوط به حسابداری، حسابرسی و گزارشگری مالی «اشخاص تحت نظارت»؛

17- اتخاذ تصمیم نهائی در خصوص بازسازی، گزیر، انحلال، ورشکستگی و تصفیه «اشخاص تحت نظارت»؛

18- اتخاذ تصمیم با رأی موافق دوسوم اعضاء در خصوص اعطای اعتبار به صندوق ضمانت سپرده‌ها در شرایط

اضطراری با درخواست مدیر عامل صندوق ضمانت سپرده‌ها و تأیید رئیس کل؛

19- تصویب ضوابط مربوط به نحوه نگهداری و نمایش جواهرات ملی؛

20- اتخاذ تصمیم در خصوص مشارکت حقوقی بانک مرکزی در سرمایه شرکتها و مؤسساتی که فعالیت‌های بانک مرکزی

را پشتیبانی می‌کنند، به‌گونه‌ای که منجر به تصدیگری غیرضرور و رقابت بانک مرکزی با شرکتهای بخش خصوصی

نشود؛

21- تصویب مقررات مربوط به صادرات و واردات فلزات گرانبها، ضرب مسکوکات و معاملات شمش و مسکوک طلا و

نظارت بر اجرای صحیح آن؛

22- اتخاذ تصمیم در خصوص انتشار انواع اسکناس و مسکوک رایج، تولید قطعات جدید اسکناس و مسکوک و خارج

کردن اسکناس‌ها و مسکوکات قدیمی از گردش؛

23- نظارت بر نحوه مدیریت بانک مرکزی و بررسی مداوم عملکرد آن در راستای حصول اطمینان از دستیابی به اهداف

تعیین شده؛

تبصره- در صورتی که اجرای این وظیفه، مستلزم رأیگیری باشد، اعضای اجرائی هیأت‌عالی حق رأی نخواهند داشت.

24- تصویب مقررات نگهداری حسابها، گزارشگری مالی، شفافیت، طبقه‌بندی و تعیین سطح محرمانگی اطلاعات در بانک

مرکزی با رعایت قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات؛

25- تدوین راهبردها و دستورالعمل‌های حاکم بر فناوری‌های نوین مالی در حوزه ابزارهای پرداخت، پولهای رمز پایه و نظارت بر حسن اجرای آنها؛

26- تصمیم‌گیری درباره نحوه اجرای سایر وظایفی که براساس قانون به بانک مرکزی محول شده یا می‌شود.

ماده 9- هیأت عالی موظف است کمیته‌های تطبیق، حسابرسی و کنترل داخلی، مدیریت خطر (ریسک) و سایر کمیته‌های مورد نیاز را ایجاد نماید. ترکیب اعضاء و شرح وظایف کمیته‌های مزبور توسط هیأت عالی تعیین می‌شود. اعضای اجرائی هیأت عالی نباید در کمیته‌های موضوع این ماده عضویت داشته باشند.

جلسات هیأت عالی

ماده 10-

الف- ریاست جلسات هیأت عالی با رئیس کل و در غیاب وی با قائم مقام رئیسکل است. تصمیمات هیأت عالی با رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه اتخاذ می‌گردد و در صورت تساوی آراء، رأی رئیس کل تعیین‌کننده می‌باشد. جلسات هیأت عالی با حضور حداقل شش نفر از اعضای دارای حق رأی هیأت عالی رسمیت می‌یابد. حضور حداقل چهار عضو غیراجرائی و رئیس کل یا قائم مقام وی برای رسمیت یافتن جلسات هیأت عالی الزامی است. نظرات مخالفان مصوبات جلسه بنا به درخواست آنان در صورتجلسه درج می‌گردد.

ب- جلسات هیأت عالی حداقل دو بار در ماه تشکیل می‌شود. جلسات فوق‌العاده هیأت عالی به درخواست رئیسکل یا حداقل دو عضو دیگر هیأت عالی تشکیل می‌گردد.

پ- معاونان بانک مرکزی و سایر اشخاص مرتبط با موضوع جلسه، به تشخیص رئیسکل می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت عالی شرکت نمایند.

ت- یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس، از بین اعضای کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات، و یک نفر با معرفی رئیس قوه قضائیه به‌عنوان ناظر در جلسات هیأت عالی شرکت میکنند. این افراد، مشمول قواعد مدیریت تعارض منافع مندرج در ماده (55) این قانون میباشند.

پاسخگویی هیأت عالی

ماده 11-

الف- اصل در مذاکرات و مصوبات هیأت عالی، غیرمحرمانه بودن و انتشار عمومی آنهاست. آرای اعضای هیأت عالی به‌تفکیک اسامی موافقین، مخالفین و افراد دارای رأی ممتنع و غائبین ذیل مصوبات هیأت عالی درج میشود. دستورالعمل نحوه انتشار مذاکرات و مصوبات هیأت عالی و شرایط و زمانبندی خروج مصوبات محرمانه از قید محرمانگی، به پیشنهاد رئیسکل به تصویب هیأت عالی رسیده و بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی قرار میگیرد. تشخیص موارد غیرقابل انتشار در چهارچوب دستورالعمل مربوط با هیأت عالی است.

ب- رئیسکل موظف است در اولین جلسه علنی اردیبهشت‌ماه و آبان‌ماه مجلس شورای اسلامی حضور یابد و گزارش عملکرد و برنامه‌های بانک مرکزی، مشتمل بر سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری، نظارت بانکی، تحولات اقتصادی، دلایل انحراف احتمالی متغیرهای هدف از پیش‌بینی‌های ارائه‌شده در گزارش قبلی رئیس کل و پیش‌بینی کلی از وضعیت آینده اقتصاد، عملکرد بانک مرکزی در حمایت از تولید و رشد اقتصادی و وضعیت سلامت و ثبات نظام بانکی را که

بهتصویب هیأت عالی رسیده است، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. گزارش مکتوب رئیس کل باید حداقل قبل از دو روز کاری در اختیار نمایندگان قرار گیرد و بخشهای غیرمحرمانه آن برای اطلاع عموم منتشر گردد. همچنین، رئیس کل و معاونان وی، حسب درخواست نمایندگان، در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی حضور یافته، توضیحات لازم را ارائه خواهند نمود.

پ- کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و «اشخاص تحت نظارت» مکلفند اطلاعاتی را که به تشخیص هیأت عالی برای تهیه گزارش‌های رئیس کل به مجلس شورای اسلامی لازم است، در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. مستتکف، مجرم شناخته شده و به انفسال از خدمت حداقل به مدت یکسال محکوم می‌شود. چنانچه مستتکف، از «اشخاص تحت نظارت» باشد، هریک از اعضای هیأت‌مدیره و هیأت عامل که قصور یا تقصیر آنها در ارتکاب جرم مزبور محرز شده باشد، از مسؤولیت عزل و به تحمل حداکثر یک سال حبس محکوم می‌شوند.

ماده 12- اعضای هیأت عالی و شوراهای تخصصی آن، اعضای هیأت نظارت و حسابرسی، اعضای هیأت‌های انتظامی، کارکنان و کارگزاران بانک مرکزی و سایر اشخاص مطلع نباید اطلاعات محرمانه دولت، بانک مرکزی و «اشخاص تحت نظارت» را جز بهموجب قانون یا حکم دادگاه صالح، افشا کنند. عدم رعایت ضوابط محرمانگی، جرم تلقی شده، مرتکب به تمام یا بخشی از مجازاتهای درجه پنج ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

رئیس کل و هیأت عامل

ماده 13- رئیس کل، قائم مقام رئیس کل و معاونین وی که با حکم رئیس کل منصوب میشوند، هیأت عامل بانک مرکزی را تشکیل میدهند. رئیس کل بالاترین مقام اجرائی بانک مرکزی است که مسؤولیت اداره بانک مرکزی و اجرای این قانون و مقررات مربوط به آن را برعهده دارد. رئیس کل عهده‌دار کلیه امور بانک مرکزی، به استثنای وظایفی که به موجب این

قانون به عهده دیگران گذارده شده است، می‌باشد. رئیس کل علاوه بر سایر وظایف مندرج در این قانون، عهده‌دار مسؤولیت‌های زیر است:

1- اداره کلیه امور اجرایی بانک مرکزی؛

2- عزل و نصب معاونان و مدیران بانک مرکزی؛

3- اجرای مصوبات هیأت عالی؛

4- نمایندگی بانک مرکزی در کلیه مراجع رسمی داخلی و خارجی؛

5- طرح دعوی در مراجع رسمی داخلی و خارجی؛

6- سخنگویی بانک مرکزی و هیأت عالی؛

7- امضای قرارداد و توافقنامه به نمایندگی از بانک مرکزی؛

8- تهیه و تدوین ساختار و حکمرانی داخلی بانک مرکزی و ارائه آن به هیأت عالی جهت تصویب.

تبصره ۱- رئیس کل می‌تواند حق امضاء و یا بخشی از وظایف اجرایی خود را به قائم مقام، معاونان خود و یا هر یک از کارکنان بانک مرکزی تفویض کند.

تبصره ۲- اختیارات قائم مقام رئیس‌کل به‌جز مواردی که در این قانون تصریح شده است، از طرف رئیس کل تعیین می‌شود و در صورت غیبت، استعفاء، معذوریت یا فوت رئیس کل، قائم مقام دارای کلیه اختیارات و وظایف رئیس کل می‌باشد.

تبصره ۳- اعضای هیأت عامل، مدیران تحت امر آنها و کارکنان مؤثر بانک مرکزی (به تشخیص رئیس کل)، نباید در سه سال منتهی به آغاز مسؤولیت در بانک مرکزی، با «اشخاص تحت نظارت» همکاری داشته باشند.

ماده 14- معاون نظارتی بانک مرکزی از اختیارات کامل برای طرح دعوی بر علیه کلیه «اشخاص تحت نظارت» و اشخاصی که بدون أخذ مجوز به انجام عملیات یا ارائه خدمات بانکی و ابزارهای پرداخت یا سایر فعالیت‌هایی که مستلزم أخذ مجوز است، مبادرت می‌کنند، برخوردار می‌باشد.

ماده 15- وظائف و اختیارات معاون نظارتی بانک مرکزی به شرح زیر است:

1- انجام اقدامات لازم برای حفظ و ارتقای ثبات و سلامت «اشخاص تحت نظارت» در چهارچوب مصوبات شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی؛

2- تدوین مقررات مربوط به تأسیس، فعالیت، بازسازی، گزیر، انحلال، ورشکستگی و تصفیه «اشخاص تحت نظارت» جهت تصویب در شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی؛

3- صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز مؤسسات اعتباری پس از تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی؛

4- صدور، تعلیق، تمدید و لغو مجوز سایر «اشخاص تحت نظارت» غیر از مؤسسات اعتباری، در چهارچوب تعیین‌شده توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی؛

5- پایش و گزارش مستمر شاخصهای ثبات و سلامت بانکی، به تفکیک «اشخاص تحت نظارت» و در مورد کل شبکه بانکی کشور؛

6- نظارت بر حسن اجرای مقررات توسط «اشخاص تحت نظارت» و ارائه گزارش‌های ادواری؛

7- اعمال اقدامات نظارتی و تنبیهی بر «اشخاص تحت نظارت» مطابق فصل شانزدهم این قانون؛

8- اعلان عمومی و به روزرسانی فهرست «اشخاص تحت نظارت»؛

9- راهبری فرآیند بازسازی، گزیر، انحلال، ورشکستگی و تصفیه «اشخاص تحت نظارت»؛

10- انجام سایر وظایفی که از طرف رئیس کل ارجاع میشود.

ماده 16- معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است در انتهای هر فصل، گزارشی مشتمل بر اقدامات نظارتی صورت گرفته توسط حوزه نظارتی بانک مرکزی، وضعیت ثبات و سلامت شبکه بانکی و برنامه نظارتی آتی بانک مرکزی را پس از تصویب در شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی به رئیس کل و هیأت عالی ارائه کند.

هیأت نظارت و حسابرسی

ماده 17-

الف- هیأت نظارت و حسابرسی، متشکل از رئیس و چهار عضو، از میان حسابداران رسمی، حسابرسان خبره یا سایر افراد متخصص در امور حسابداری و بانکی با داشتن حداقل ده سال سابقه کاری مفید تشکیل میشود. رئیس و اعضای هیأت نظارت و حسابرسی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارائی و با تأیید و حکم رئیس جمهور برای مدت دو سال منصوب میشوند. عزل این افراد قبل از اتمام دوره دو ساله، مگر به واسطه ارتکاب جرائم کیفری و صدور حکم قطعی دادگاه، ممنوع است. عضویت افراد در هیأت نظارت و حسابرسی به صورت تمام وقت میباشد و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. اعضای هیأت نظارت و حسابرسی مشمول احکام مذکور در اجزای (2)، (3)، (5)، (6)، (7)، (9) و (10) بند «ج» ماده (7) این قانون و احکام مربوط به رازداری اعضای هیأت عالی میباشند.

ب- وظائف هیأت نظارت و حسابرسی عبارت است از:

1- رسیدگی به صورتهای مالی بانک مرکزی و تأیید آنها برای انتشار؛

2- تهیه گزارشهای سالانه و میانرورهای تفریح بودجه بانک مرکزی؛

3- رسیدگی به عملکرد هیأت عالی و بانک مرکزی از لحاظ انطباق با قانون و مصوبات هیأت عالی.

تبصره 1- رئیس هیأت نظارت و حسابرسی موظف است صورتهای مالی حسابرسی شده بانک مرکزی و گزارشهای مربوط به بندهای (2) و (3) را برای رؤسای سه قوه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس دیوان محاسبات و رئیس سازمان بازرسی کل کشور ارسال کند.

تبصره 2- صورتهای مالی حسابرسی شده بانک مرکزی باید به تأیید رئیس جمهور برسد.

پ- بانک مرکزی موظف است کلیه اطلاعات، مصوبات هیأت عالی، قراردادهای، اسناد و نیز امکانات و نیروهای موردنیاز برای انجام وظائف هیأت نظارت و حسابرسی را در اختیار هیأت قرار دهد.

ت- حقوق و مزایای اعضای هیأت نظارت و حسابرسی مطابق حقوق و مزایای مقامات موضوع بند «ج» ماده (71) قانون مدیریت خدمات کشوری توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی تعیین و از محل بودجه وزارتخانه مزبور پرداخت میشود.

شوراهای تخصصی هیأتعالی

ماده 18- شوراهای تخصصی هیأتعالی عبارتند از:

1- شورای سیاستگذاری پولی و ارزی

2- شورای مقررانگذاری و نظارت بانکی

شورای سیاستگذاری پولی و ارزی

ماده 19-

الف- اعضای شورای سیاستگذاری پولی و ارزی عبارتند از:

1- رئیسکل بهعنوان رئیس شورا؛

2- قائممقام رئیس کل بهعنوان نایب رئیس و دبیر؛

3- سه نفر عضو غیراجرائی هیأت عالی موضوع بند (الف-1) ماده (6)؛

4- دو نفر از معاونان رئیس کل به انتخاب وی؛

5- رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار؛

6- معاون بانک و بیمه وزیر امور اقتصادی و دارایی؛

7- دو نفر خبره اقتصادی مسلط به ابزارهای سیاست پولی به پیشنهاد رئیس کل و تصویب هیأت عالی.

تبصره 1- دبیرخانه شورای سیاستگذاری پولی و ارزی در بانک مرکزی و در حوزه قائم مقام رئیس کل تشکیل می‌شود.

تبصره 2- اشخاص موضوع بند (7) این ماده برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. عزل

اشخاص مزبور منوط به تصویب هیأت عالی می‌باشد.

ب- وظایف شورای سیاستگذاری پولی و ارزی عبارت است از:

1- پایش مستمر اقتصاد کشور، بازار پول، ارز و سرمایه و تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر؛

2- تصمیمسازی در خصوص اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی مناسب بهمنظور تحقق اهداف تعیین یا پیش‌بینی‌شده برای

متغیرهای اصلی اقتصادی نظیر نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد اقتصادی، در اسناد و قوانین بالادستی و گزارشهای

دوره‌های رئیسکل؛

3- پایش مستمر عملکرد مؤسسات اعتباری از حیث همراهی با سیاستهای اعلامشده بانک مرکزی در خصوص هدایت تسهیلات و اعتبارات بانکی در جهت تحقق هدف مذکور در جزء (3) بند «ب» ماده (3) این قانون و ارائه پیشنهادات تشویقی یا تنبیهی لازم به هیأت عالی؛

4- ارائه پیشنهاد به هیأت عالی در خصوص نرخهای سود و کارمزد موضوع ماده (25) این قانون؛

5- ارزیابی اثربخشی سیاستهای پولی و ارزی بانک مرکزی؛

6- تصمیمسازی در خصوص میزان، ترکیب و کیفیت ذخایر بین‌المللی بانک مرکزی؛

7- تصمیمسازی در مورد ابزارهای پرداخت؛

8- تهیه پیش‌نویس گزارش‌های بانک مرکزی شامل گزارش‌های شش‌ماهه رئیس‌کل به رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی و مردم؛

9- انجام سایر اموری که توسط هیأت عالی یا رئیس‌کل به این شورا ارجاع می‌شود.

تبصره- تصمیمات شورای سیاستگذاری پولی و ارزی پس از تصویب در هیأت عالی، نافذ است.

شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی

ماده 20-

الف- اعضای شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی عبارتند از:

1- رئیس کل به‌عنوان رئیس شورا؛

2- معاون نظارتی بانک مرکزی به‌عنوان نائبرئیس و دبیر شورا؛

3- سه عضو غیراجرائی هیأت عالی موضوع بند (الف-2) ماده (6)؛

4- دو نفر از معاونان رئیس کل به انتخاب وی؛

5- نماینده دادستان کل کشور؛

6- سه نفر خبره بانکی به پیشنهاد معاون نظارتی رئیس کل، تأیید رئیس کل و تصویب هیأت عالی.

تبصره 1- دبیرخانه شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی در حوزه معاونت نظارتی رئیس کل تشکیل می‌شود.

تبصره 2- اشخاص موضوع بند (6) این ماده برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. عزل

اشخاص مزبور منوط به تصویب اعضای هیأت عالی است.

ب- وظایف شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی عبارت است از:

1- تصویب مقررات ناظر بر تأسیس، فعالیت، نظارت، انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها، بازسازی، ادغام، ورشکستگی، انحلال

و تصفیه «اشخاص تحت نظارت»؛

2- تصویب مقررات ناظر بر سرمایه‌گذاری اشخاص تحت نظارت؛

3- پیشنهاد بازسازی، گزیر، ورشکستگی، انحلال و تصفیه «اشخاص تحت نظارت» به هیأت عالی؛

4- وضع مقررات ناظر به انتقال و تسویه تراکنش‌های بانکی؛

5- وضع مقررات مربوط به معاملات بین‌المللی در چهارچوب قانون و نظارت بر اجرای آنها؛

6- وضع مقررات ناظر بر ایجاد تعهد ارزی در چهارچوب قانون و نظارت بر اجرای آن؛

7- تصمیم‌گیری در خصوص صدور، تعلیق، لغو یا تمدید مجوز مؤسسات اعتباری؛

8- تدوین و تصویب شاخصهای ثبات و سلامت بانکی؛

9- تدوین گزارش‌های نظارتی رئیس کل؛

10- نظارت بر حسن اجرای قانون مبارزه با پولشویی و مقررات شورای عالی مبارزه با پولشویی توسط «اشخاص تحت نظارت»؛

11- شناسایی و حذف مقررات زائد در نظام بانکی؛

12- سایر اموری که توسط هیأت عالی، رئیس کل یا معاون نظارتی وی به شورا ارجاع می‌شود.

تبصره- قبل از اتخاذ تصمیم در مواردی که حسب تشخیص رئیس جلسه ممکن است سیاستهای پولی یا ارزی بانک مرکزی را دچار اختلال کند، باید نظر مشورتی شورای سیاستگذاری پولی و ارزی اخذ شود.

پ- در صورتی که رئیس کل یا هر سه عضو غیراجرایی موضوع بند (الف-1) ماده (6) با تمام یا بخشی از مصوبه شورای مقرراتگذاری و نظارت بانکی مخالف باشند، می‌توانند مخالفت خود را ظرف سه روز کاری به صورت رسمی به معاون نظارتی اعلام کنند. در این صورت، مصوبه مزبور در دستور کار جلسه عادی یا فوقالعاده هیأت عالی قرار می‌گیرد و هیأت عالی صرفاً در مورد آن بخش از مصوبه که مورد مخالفت قرار گرفته، تصمیم‌گیری می‌کند. در غیر اینصورت، مصوبه شورای مقررات گذاری و نظارت بانکی، پس از گذشت سه روز، مصوبه هیأت عالی تلقی شده و لازمالاجرا خواهد بود.

شورای فقهی

ماده 21- برای حصول اطمینان از اجرای صحیح عملیات بانکی بدون ربا در نظام بانکی کشور و جهت نظارت بر عملکرد نظام بانکی و اظهار نظر نسبت به رویه‌ها و ابزارهای رایج، شیوه‌های عملیاتی، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، چهارچوب قراردادها و نحوه اجرای آنها، از جهت عدم مغایرت با موازین فقه اسلامی، شورای فقهی در بانک مرکزی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف - پنج فقیه (مجتهد متجزی در حوزه فقه معاملات و صاحب نظر در مسائل پولی و بانکی)

ب - رئیس کل (یا معاون نظارتی) بانک مرکزی

پ - یک نفر حقوقدان آشنا به مسائل پولی و بانکی و یک اقتصاددان (هر دو با معرفی رئیس کل بانک مرکزی)

- یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اولویت آشنایی با بانکداری اسلامی به انتخاب مجلس شورای اسلامی (به عنوان عضو ناظر)

ت - یکی از مدیران عامل بانکهای دولتی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی

تبصره ۱- اعضای فقهی این شورا به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید فقهای شورای نگهبان انتخاب و با حکم رئیس کل بانک مرکزی منصوب می‌شوند.

تبصره ۲- مصوبات شورای فقهی لازم‌الرعایه است. رئیس کل بانک مرکزی اجرای مصوبات شورا را پیگیری و بر حسن اجرای آنها نظارت می‌کند. حکم این ماده نافذ اختیارات و نظرات فقهای شورای نگهبان در اصل چهارم (۴) قانون اساسی نمی‌باشد.

تبصره ۳- اعضای صاحب‌رأی این شورا برای چهار سال تعیین می‌شوند و این مأموریت برای یک دوره دیگر قابل تمدید است.

تبصره ۴- جلسات شورای فقهی با حضور دوسوم اعضاء مشتمل بر رئیس شورا و حداقل سه نفر از فقهای عضو شورا رسمیت می‌یابد و تصمیمات شورا با رأی موافق اکثریت فقهای حاضر عضو شورا اتخاذ می‌شود.

هیأت انتظامی بانک مرکزی

ماده 22- جهت رسیدگی به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» و صدور احکام انتظامی برای آنها، هیأت‌های انتظامی بدوی و تجدیدنظر در بانک مرکزی تشکیل می‌شود.

الف- هیأت انتظامی بدوی متشکل از پنج نفر می‌باشد که عبارتند از:

1- سه قاضی خبره در حقوق بانکی که توسط رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس کل انتخاب میشوند؛

2- دو کارشناس خبره بانکی به پیشنهاد رئیس‌کل و تأیید هیأت عالی.

ب- هیأت انتظامی تجدید نظر متشکل از سه نفر است که عبارتند از:

1- دو قاضی خبره در حقوق بانکی که توسط رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس کل انتخاب میشوند؛

2- یک کارشناس خبره بانکی به انتخاب رئیس کل و تأیید هیأت عالی.

تبصره 1- معاون نظارتی بانک مرکزی با حفظ مسؤولیت، به‌عنوان دادستان انتظامی بانک مرکزی تعیین می‌شود و بدون حق رأی در جلسات هیأت انتظامی شرکت می‌کند.

تبصره 2- جلسات هیأت انتظامی بدوی با حضور حداقل چهار نفر و جلسات هیأت انتظامی تجدیدنظر با حضور کلیه اعضاء رسمیت مییابد و ملاک تصمیمگیری، رأی اکثریت اعضای حاضر در جلسه است. آرای هیأت انتظامی تجدیدنظر، قطعی و لازم الاجراء بوده و مراجع قضائی نمیتوانند درخواست صدور حکم توقف یا تجدیدنظر در آرای صادره را بپذیرند.

تبصره 3- دستورالعملهای مربوط به ترتیبات رسیدگی، تشخیص تخلفات و اعمال اقدامات نظارتی و تنبیهی موضوع مواد (135) و (136) این قانون، به تصویب شورای مقررانگذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

تبصره 4- اعضای هیأت انتظامی به مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

تبصره 5- کارشناسان عضو هیأت انتظامی به صورت تماموقت در حوزه معاونت نظارتی رئیس کل استقرار می‌یابند و عزل آنها منوط به تأیید هیأت عالی است. افراد مزبور نباید در سه سال منتهی به آغاز به کار در هیأت انتظامی، با «اشخاص تحت نظارت» همکاری داشته باشند.

تبصره 6- یکی از کارشناسان عضو هیأت انتظامی به انتخاب معاون نظارتی رئیس کل، به عنوان دبیر هیأت‌های انتظامی بانک مرکزی منصوب می‌شود. دبیرخانه هیأت‌های انتظامی در حوزه معاونت نظارتی بانک مرکزی مستقر میشود.

تبصره 7- عزل قضات هیأت‌های انتظامی بدوی و تجدیدنظر با پیشنهاد رئیس کل و تأیید رئیس قوه قضائیه امکانپذیر است.

فصل پنجم: تعیین و اجرای سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری

ماده 23- سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری بانک مرکزی در «نشست‌های ویژه سیاست‌گذاری» توسط هیأت عالی اتخاذ می‌شود. به این منظور، هیأت عالی موظف است در اولین جلسه هر فصل، نشستی صرفاً با دستور بررسی وضعیت و تصویب سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری بانک مرکزی تشکیل دهد. جلسات فوق‌العاده سیاست‌گذاری نیز به درخواست رئیس کل

یا سه عضو دیگر هیأت عالی تشکیل می‌شود. رئیس کل می‌تواند افرادی از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی و یا کارشناسان مستقل را به منظور اطلاع از نظرات مشورتی آنان به صورت موردی برای حضور در نشستهای سیاستگذاری دعوت کند. اعضای هیأت عالی و مدعوین، موظف به حفظ اطلاعات و گزارش‌های ارائه‌شده می‌باشند، مگر در مواردی که قانوناً مکلف به اظهار نظر یا ادای شهادت شوند.

ماده 24- دبیر هیأت عالی موظف است در ابتدای نشست سیاستگذاری، سه گزارش جداگانه شامل «وضعیت اقتصاد کشور در دوره مورد گزارش»، «عملکرد نظام بانکی در مجموع و مؤسسات اعتباری به تفکیک، در جهت تحقق سیاستهای اعلام‌شده بانک مرکزی» و «پیشبینی وضعیت آتی و پیشنهادهای سیاستی» را که به تصویب شورای سیاستگذاری پولی و ارزی رسیده است، ارائه کند. هیأت عالی می‌تواند گزارشهای رئیس کل را عیناً تصویب نماید، یا با رأی اکثریت حاضرین، اصلاحات لازم را در آن اعمال نماید. نظرات مخالفان به متن گزارش الصاق خواهد شد. مصوبات نشستهای سیاستگذاری به همراه مستندات و منضات آن باید ظرف سه روز کاری برای مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه، وزیر امور اقتصادی و دارائی و رؤسای کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال شود. اطلاع‌رسانی عمومی درباره مذاکرات و تصمیمات نشستهای سیاستگذاری صرفاً توسط رئیس کل صورت می‌گیرد.

ماده 25- تصمیمگیری در مورد «سقف نرخ سود سپرده سرمایه‌گذاری عام» صرفاً در نشستهای سیاستگذاری توسط هیأت عالی انجام میشود. «سقف نرخ سود سپرده سرمایه‌گذاری عام» نرخ است که با توجه به نرخهای سود تحقیق‌افته در بخش واقعی اقتصاد، و با عنایت به اوضاع اقتصادی کشور در دوره پیشرو، توسط هیأت عالی قابل حصول، و برای تحقق رشد و توسعه اقتصاد کشور مناسب تشخیص داده می‌شود. هرگونه تغییر در «سقف نرخ سود سپرده سرمایه‌گذاری عام» باید

توسط شورای سیاستگذاری پولی و ارزی پیشنهاد شده و در نشست عادی یا فوقالعاده سیاستگذاری، به تصویب هیأت عالی برسد.

تبصره 1- هیأت عالی میتواند «سقف نرخ سود سپرده سرمایه‌گذاری عام» را برای مؤسسات اعتباری که نسبت به سایر مؤسسات، از شاخصهای کفایت سرمایه و نقدینگی نامناسبتری برخوردار هستند، کمتر از سقف نرخ سود مجاز برای سایر مؤسسات اعتباری، تعیین کند.

تبصره 2- در مواردی که ضرورت اقتضا کند، «سقف نرخ سود تسهیلات با سود معین»، «سقف نرخ کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه» و «سقف نرخ کارمزد انواع خدمات بانکی» به پیشنهاد شورای مقرراتگذاری و نظارت بانکی، در نشستهای سیاستگذاری توسط هیأت عالی تعیین میشود.

ابزارهای سیاستگذاری پولی و ارزی

ماده 26- بانک مرکزی میتواند برای اجرای سیاستهای پولی و ارزی، از روشها و ابزارهای زیر که به تأیید شورای فقهی رسیده باشد، استفاده کند:

1- عملیات بازار باز با استفاده از اوراق بهادار منتشر شده توسط دولت، بانک مرکزی یا بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران با رعایت قوانین مربوط؛

2- خرید و فروش ارز و طلا یا اوراق بهادار مبتنی بر آنها؛

3- تعیین نسبت سپرده قانونی؛

4- اعطای خطوط اعتباری و تسهیلات به مؤسسات اعتباری؛

5- اخذ سپرده ویژه از مؤسسات اعتباری؛

6- استفاده از سایر ابزارهای سیاست پولی با تصویب هیأت عالی.

تبصره 1- اعطای خطوط اعتباری و تسهیلات مذکور در بند (4) باید در راستای تحقق اهداف بانک مرکزی، با تأکید بر هدف مذکور در جزء (3) بند «ب» ماده (3) این قانون باشد و به تصویب هیأت عالی برسد. همچنین مبلغ، نرخ سود، مدت و وثایق تسهیلات و خطوط اعتباری موردنظر باید به تصویب هیأت عالی برسد. هیأت عالی در هنگام تصمیم‌گیری در این موارد، باید عملکرد مؤسسه اعتباری موردنظر در جهت تحقق اهداف و سیاستهای اعلامی بانک مرکزی را مدنظر قرار دهد.

تبصره 2- بانک مرکزی نمیتواند اوراق منتشر یا تضمین‌شده توسط دولت را در عرضه اولیه خریداری کند.

ماده 27- بانک مرکزی مجاز است از «اشخاص تحت نظارت» که اقدام به سپرده‌گیری از عموم مردم می‌کنند، سپرده قانونی دریافت کند. نسبت سپرده قانونی باید به تأیید هیأت عالی برسد.

تبصره 1- بانک مرکزی میتواند به پیشنهاد شورای سیاستگذاری پولی و ارزی و تأیید هیأت عالی، از مؤسسات اعتباری که از سیاستهای بانک مرکزی در زمینه رونق تولید و افزایش اشتغال تبعیت میکنند، سپرده قانونی کمتری دریافت کند. ضوابط مربوط، به پیشنهاد شورای سیاستگذاری پولی و ارزی، به تصویب هیأت عالی میرسد.

تبصره 2- شورای مقرراتگذاری و نظارت بانکی موظف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجر شدن این قانون، مقررات ناظر بر أخذ سپرده قانونی را تصویب کند.

ماده 28- مؤسسات اعتباری میتوانند مطابق دستورالعملی که به تصویب شورای مقرراتگذاری و نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی می‌رسد، منابع مازاد خود را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری نمایند.

تأمین کسری نقدینگی آنی مؤسسات اعتباری

ماده 29- بانک مرکزی مجاز است نقدینگی موردنیاز مؤسسات اعتباری را که در عملیات روزانه خود با مشکل کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند، از طرق مورد تأیید شورای فقهی، با نرخ مصوب هیأت عالی و صرفاً با دریافت وثایق زیر تأمین کند:

الف- اوراق بهاداری که توسط دولت منتشر و یا تضمین شده است؛

ب- سایر وثایق معتبر با تأیید دوسوم اعضای هیأت عالی.

تبصره 1- میزان استفاده از منابع بانک مرکزی موضوع این ماده برای مؤسسات اعتباری، در قالب خط اعتباری و محدود به حدودی است که توسط بانک مرکزی تعیین و اعلام می‌شود.

تبصره 2- هیأت عالی موظف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، دستورالعمل تعیین میزان استفاده مؤسسات اعتباری از خط اعتباری بانک مرکزی را تصویب کند. دستورالعمل مزبور باید به گونه‌ای تدوین شود که سقف مجاز ماهانه هر یک از مؤسسات اعتباری برای استفاده از خط اعتباری بانک مرکزی به وضوح قابل محاسبه باشد.

تأمین کسری نقدینگی کوتاهمدت مؤسسات اعتباری

ماده 30- چنانچه مؤسسه اعتباری، به دلیل مواجه شدن با مشکل جدی نقدینگی، متقاضی استفاده از منابع بانک مرکزی بیشتر از حد مجاز مذکور در تبصره (1) ماده (29) این قانون باشد، معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است بلافاصله موضوع را به اطلاع رئیس کل رسانده و در اولین جلسه عادی یا فوقالعاده هیأت عالی مطرح کند. هیأت عالی پس از استماع گزارش معاون نظارتی رئیس کل، می‌تواند با درخواست مؤسسه اعتباری متقاضی، مبنی بر استفاده از منابع بانک

مرکزی در قالب اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت موافقت کند یا از معاون نظارتی بانک مرکزی بخواهد بازسازی یا گزیر مؤسسه اعتباری موردنظر را در دستور کار خود قرار دهد.

تبصره 1- تأمین کسری نقدینگی کوتاه مدت مؤسسات اعتباری، منوط به اخذ وثایق مذکور در ماده (29) این قانون است. بانک مرکزی مجاز است با تأیید هیأت عالی، ارزشهای معتبر را نیز به‌عنوان وثیقه بپذیرد.

تبصره 2- در شرایطی که بنا به تشخیص معاون نظارتی خطر سرایت بحران نقدینگی از مؤسسه اعتباری موردنظر به کل نظام بانکی وجود داشته باشد، بانک مرکزی موظف است با پیشنهاد معاون نظارتی و تصویب حداقل دوسوم اعضای هیأت عالی، انواع دیگری از وثایق را که از قابلیت نقدشوندگی برخوردار بوده و از خطر نابودی و ضرر مصون باشد، بپذیرد.

تبصره 3- سررسید تسهیلات موضوع این ماده حداکثر نود روز است. معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است پیش از انقضای مدت مزبور، گزارشی از وضعیت مؤسسه اعتباری مورد نظر برای تصمیم‌گیری به هیأت عالی ارائه کند. هیأت عالی می‌تواند تسهیلات موضوع این ماده را با رأی موافق دوسوم اعضاء، تمدید نماید.

تبصره 4- در سه‌سال نخست اجرای این قانون، حداقل مانده بدهی قطعی مؤسسات اعتباری به بانک مرکزی طی سالهای 1397 و 1398، از شمول حکم این ماده در خصوص لزوم آغاز فرآیند بازسازی یا گزیر خارج خواهد بود. معاون نظارتی موظف است حداکثر سه ماه پس از لازمالاجراء شدن این قانون، حداقل مانده بدهی قطعی مؤسسات اعتباری به بانک مرکزی طی سالهای 1397 و 1398 را تعیین و به تأیید هیأت عالی برساند. مؤسسات اعتباری موظفند در مهلت سه‌ساله مزبور، مطابق برنامه زمان‌بندی که به‌تصویب هیأت عالی میرسد، مانده بدهی خود به بانک مرکزی را به حدود مندرج در تبصره (2) ماده (29) این قانون کاهش دهند. پس از انقضای مدت یادشده، با مؤسسات اعتباری که متقاضی استفاده از منابع بانک مرکزی، بیش از حدود مجاز مندرج در تبصره (2) ماده (29) این قانون باشند، مطابق این ماده رفتار می‌شود.

فصل ششم: سیاستهای رسانهای و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی

ماده 31- بانک مرکزی موظف است از ابزارهای ارتباطی مناسب برای مدیریت انتظارات و اجرای سیاست‌های پولی استفاده کند. سیاست‌های رسانهای و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس کل به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

ماده 32- سیاست‌ها و مواضع بانک مرکزی صرفاً توسط رئیس کل در چهارچوب سیاست‌های رسانهای و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی اعلام می‌شود. سایر اعضای هیأت عالی و مدیران بانک مرکزی فقط در چهارچوب سیاست‌های رسانهای و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی و با هماهنگی رئیس کل مجاز به اظهارنظر عمومی در خصوص موضوعات مرتبط با بانک مرکزی هستند.

ماده 33- بانک مرکزی موظف است حداقل ماهی یکبار، گزیده آمارهای اقتصادی و اطلاعات نظام بانکی را در چهارچوبی که هیأت عالی تعیین میکند، منتشر کند.

فصل هفتم: رابطه بانک مرکزی با نهادهای حاکمیتی

بانک مرکزی به‌عنوان بانکدار دولت

ماده 34- کلیه حسابهای بانکی اعم از ریالی و ارزی برای دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتها، سازمانها و دانشگاههای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و کلیه دستگاههای موضوع ماده (29) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب 14/12/1395 صرفاً از طریق خزانه‌داری کل کشور و نزد بانک مرکزی افتتاح و نگهداری می‌شود. دستگاههای یادشده موظفند کلیه دریافت‌ها و پرداخت‌های خود را فقط از طریق حسابهای افتتاح‌شده نزد بانک مرکزی انجام دهند.

کارگزاری دولت در بازارهای بینالمللی

ماده 35- بانک مرکزی موظف است به عنوان کارگزار دولت در بازارهای بین المللی به درخواست وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت عالی امور زیر را انجام دهد:

1- فراهم کردن زمینه انتشار و عرضه اوراق بهادار ارزی به نمایندگی دولت در بازارهای بین المللی؛

2- نگهداری وجوه ریالی صندوق بین المللی پول، گروه بانک جهانی و مؤسسات بین المللی مشابه؛

3- انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی، مالی، بازرگانی و حمل و نقل بین دولت و سایر کشورها که مطابق اصول (77) و (125) قانون اساسی منعقد شده باشد؛

4- سایر امور مشابه به درخواست وزیر امور اقتصادی و دارایی.

تبصره- اجرای این ماده نباید موجب ایجاد تعهدات مالی برای بانک مرکزی شود.

ماده 36- مدیریت تراز پرداختهای کشور بر عهده بانک مرکزی است. دولت، شرکتهای دولتی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند در صورت ایجاد بدهی خارجی، آخرین وضعیت ایجاد یا انجام تعهدات مزبور را در چهارچوب دستورالعملی که به تصویب هیأت عالی میرسد، به بانک مرکزی اطلاع دهند. بانک مرکزی موظف است در گزارشهای ادواری خود، آخرین وضعیت تعهدات خارجی کشور را گزارش کند. هیأت عالی می تواند در موارد ضرورت و در چهارچوب قانون و سیاستهای ارزی بانک مرکزی، ایجاد بدهی خارجی توسط دولت، شرکتهای دولتی و سایر اشخاص حقوقی و حقیقی را محدود کند. مدیریت بدهیهای خارجی کشور به هیچوجه به معنی تضمین و یا بازپرداخت آنها توسط بانک مرکزی نمی باشد.

ماده 37- رئیس کل نماینده دولت در صندوق بین‌المللی پول است و ارتباط دولت با صندوق بین‌المللی پول از طریق بانک مرکزی می‌باشد و انجام کلیه وظایف و اعمال اختیاراتی که به موجب قانون اجازه مشارکت دولت ایران در مقررات کنفرانس منعقد در برتن‌وودز مربوط به تأسیس صندوق و بانک بین‌المللی مصوب 6 / 10 / 1324 به بانک ملی ایران واگذار شده است، با بانک مرکزی می‌باشد.

مشاوره و گزارش‌دهی به دولت و مجلس

ماده 38-

الف- بانک مرکزی در موضوعات اقتصادی مشاور دولت است. دولت باید در تهیه پیش‌نویس لوایح، تصویب‌نامه‌ها و برنامه‌های اقتصادی و مالی از جمله عملیات ارزی، بودجه‌ریزی و تأمین مالی بخش عمومی از داخل و خارج و تضامین آن، از بانک مرکزی گزارش مشورتی بخواهد.

ب- بانک مرکزی و دولت موظفند یکدیگر را در خصوص موضوعات مربوط به سیاست‌های پولی و مالی آگاه کنند. رئیس کل می‌تواند بدون حق رأی در جلسات هیأت وزیران شرکت کند.

پ- بانک مرکزی موظف است در خصوص لوایح و طرح‌های مرتبط با اهداف و وظایف بانک مرکزی، نظرات خود را برای اطلاع نمایندگان، به رئیس مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

پرداخت تنخواه به دولت

ماده 39-

الف- بانک مرکزی می‌تواند با رعایت اصول (52) و (53) قانون اساسی، به دولت تنخواه با سررسید کمتر از یک سال اعطاء کند. کل تنخواه باید در همان سال بودجه‌ای تسویه شود.

ب- مانده تنخواه دریافت‌شده دولت در هر مقطع از سال نباید از هفت درصد (7%) کل درآمدهای مالیاتی تحقق‌یافته دولت در سال گذشته تجاوز کند. در شرایط ویژه، با پیشنهاد هیأت وزیران و تصویب هیأت عالی، مبلغ تنخواه دریافتی دولت از بانک مرکزی می‌تواند تا سقف ده درصد (10%) افزایش یابد.

پ- در صورت عدم تسویه تنخواه در ظرف زمانی مقرر، اعطای هرگونه تنخواه جدید به دولت توسط بانک مرکزی ممنوع است.

عاملیت فروش ارزهای دولتی

ماده 40-

الف- بانک مرکزی می‌تواند در چهارچوب سیاستهای ارزی خود، ارز عرضه‌شده توسط دولت و دستگاههای اجرایی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری را خریداری کند.

ب- بانک مرکزی عاملیت خرید و فروش ارز برای دولت و دستگاههای اجرایی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری را بر عهده دارد.

پ- بانک مرکزی نباید پیش از انتقال ارز به خریدار و دریافت وجه آن یا انتقال مالکیت ارز به بانک مرکزی، معادل ریالی آن را به دولت پرداخت کند.

ت- بانک مرکزی میتواند با اختیار کامل برای مدیریت بازار ارز از طریق بانکها و صرافیهای مجاز و دیگر روشها در بازار ارز مداخله کرده و از محل منابع ارزی در اختیار خود، اقدام به عرضه ارز نماید و نیز از هر شخص حقیقی و حقوقی ارز خریداری کند. هرگونه خرید و فروش ارز توسط بانک مرکزی باید به نرخ بازار و در محدودهای که هیأت عالی تعیین میکند، انجام شود. فروش ارز برای مصارف خاص با کمتر از نرخ مزبور، مستلزم اجازه مجلس شورای اسلامی است.

فصل هشتم: سیاست‌های ارزی و مدیریت ذخایر

ماده 41- نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت شده» است. سیاست‌های موردنیاز برای استقرار نظام ارزی یادشده، توسط هیأت عالی اتخاذ می‌شود.

ماده 42- بانک مرکزی موظف است با هدف اجرای سیاست‌های پولی، اطمینان از عملکرد مطلوب نظام پرداخت‌ها، پشتیبانی از نظام ارزی و مدیریت بدهیهای خارجی کشور، ذخایر ارزی در اختیار خود، از جمله ذخائر ارزی متعلق به دولت و صندوق توسعه ملی را با رعایت ماده (16) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مدیریت کند. چهارچوب حاکم بر میزان، ترکیب، کیفیت و مدیریت نگهداری ذخایر ارزی به گونه‌ای که با اهداف بانک مرکزی متعارض نبوده و در عین حال، سبب ارزی در اختیار بانک مرکزی، بیشترین امنیت، نقدشوندگی و بازدهی و کمترین خطر (ریسک) ممکن را داشته‌باشد، توسط هیأت عالی تعیین می‌شود.

ماده 43- بانک مرکزی به منظور مدیریت نگهداری ذخایر بین‌المللی در اختیار خود و انجام عملیات ارزی می‌تواند با تأیید هیأت عالی به انجام عملیات زیر اقدام کند:

1- خرید و فروش ارز و مشتقات ارزی؛

2- دریافت و یا اعطای تسهیلات ارزی در چهارچوب این قانون؛

3- خرید و فروش و معامله شمش یا سکه‌های طلا یا سایر فلزات گرانبها؛

4- خرید و فروش اوراق خزانة و سایر اوراق بهادار منتشره یا تضمین شده توسط دولتهای خارجی یا نهادهای بین‌المللی؛

5- افتتاح و نگهداری حساب نزد نهادهای مالی بین‌المللی، بانکهای مرکزی و مؤسسات اعتباری خارجی؛

6- افتتاح حساب برای نهادهای مالی بین‌المللی، بانکهای مرکزی و مؤسسات اعتباری خارجی؛

7- استفاده از سایر روشهای مورد تأیید هیأت عالی.

ماده 44- مقررات مربوط به ورود و خروج ارز، فلزات گرانبها و پول رایج کشور در چهارچوب قانون، به پیشنهاد رئیس کل به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

ماده 45- مقررات مربوط به سپرده‌گیری و اعطای تسهیلات ارزی، انتشار و خرید و فروش اوراق مشارکت ارزی و هرگونه تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی توسط «اشخاص تحت نظارت» و اشخاص مرتبط با آنها، به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

ماده 46-

الف- تغییرات ارزش ذخایر بین‌المللی بانک مرکزی اعم از طلا، حق برداشت مخصوص (SDR)، ارز یا سایر داراییهای خارجی بانک مرکزی برحسب ریال، در «حساب تسعیر دارائیه‌ها و بدهیهای خارجی بانک مرکزی» ثبت می‌شود.

ب- چنانچه «حساب تسعیر دارائیه‌ها و بدهیهای خارجی بانک مرکزی» بستانکار شود، مانده حساب مزبور قابل برداشت نمی‌باشد و هیچ‌گونه اعتبار یا بدهی نباید از آن محل ایجاد شود.

پ- در صورتی که مطابق صورتهای مالی بانک مرکزی، بانک مزبور در نتیجه تغییرات ارزش ذخایر بین‌المللی خود برحسب ریال در دوره مورد گزارش با زیان مواجه شده باشد و مانده «حساب تسعیر دارائیه‌ها و بدهیهای خارجی بانک مرکزی» برای پوشش زیان کافی نباشد، باقیمانده زیان از محل «حساب اندوخته عام» موضوع ماده (50) این قانون برداشت می‌شود. چنانچه مانده حساب اندوخته عام هم برای پوشش زیان کافی نباشد، دولت باید ظرف مدت سی روز از زمان تأیید هیأت نظارت و حسابرسی، اوراق بهادار دولتی به میزان باقیمانده زیان، در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. اوراق مزبور در صورت افزایش مانده «حساب تسعیر دارائیه‌ها و بدهیهای خارجی بانک مرکزی» یا «حساب اندوخته عام» در سالهای بعد، به دولت عودت داده می‌شود.

ت- مانده «حساب تسعیر دارائیه‌ها و بدهیهای خارجی بانک مرکزی» در درآمد سالانه بانک مرکزی وارد نشده و مشمول مالیات نمی‌باشد.

ث- بانک مرکزی طی یک ماه بعد از اتمام هر سال مالی، باید گزارش جزئیات واریز و برداشت از «حساب تسعیر دارائیه‌ها و بدهیهای خارجی بانک مرکزی»، ارقام تغییر در تسعیر دارایی‌ها و مانده اوراق موضوع بند «پ» این ماده را برای رئیس جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

فصل نهم: صورتهای مالی بانک مرکزی، حسابرسی و انتشار آنها

ماده 47- صورتهای مالی بانک مرکزی باید حداقل یکبار در سال مطابق ترتیبات مندرج در ماده (17) این قانون توسط هیأت نظارت و حسابرسی بانک مرکزی مورد حسابرسی قرار گیرد. صورتهای مالی بانک مرکزی، پس از تصویب هیأت عالی و تأیید رئیس جمهور، در روزنامه رسمی منتشر میشود. همچنین گزارشهای تفریح بودجه بانک مرکزی توسط هیأت نظارت و حسابرسی تهیه و در روزنامه رسمی کشور منتشر میشود.

ماده 48- گزارشهای تفریح بودجه بانک مرکزی توسط هیأت نظارت و حسابرسی تهیه میشود و توسط رئیس هیأت برای مقامات مذکور در تبصره (1) بند «ب» ماده (17) این قانون ارسال و در روزنامه رسمی کشور منتشر میشود.

تبصره- موارد غیرقابل انتشار صورتهای مالی و گزارشهای تفریح بودجه بانک مرکزی توسط هیأت عالی تعیین میشود.

ماده 49- سرمایه بانک مرکزی متشکل از سرمایه پرداختشده، اندوخته قانونی، اندوختههای احتیاطی و سایر اندوختهها و سود (زیان) انباشته میباشد که متعلق به جمهوری اسلامی ایران است و در برابر تعهدات دولت، قابل واگذاری، انتقال، تهرین یا مصادره نمیشود.

ماده 50- بانک مرکزی موظف است سالانه سی درصد (30%) سود خالص خود را به «حساب اندوخته عام» منظور کند و باقیمانده را به نحوی که قانون معین میکند، به دولت پرداخت نماید. پس از آن که مانده حساب «اندوخته عام» به پنج برابر سرمایه پرداختشده بانک مرکزی بالغ شود، مبلغ مزبور صرف افزایش سرمایه بانک خواهد شد.

ماده 51- اگر بانک مرکزی در نتیجه عملیات خود در طول سال مالی متحمل زیان شود، زیان مزبور باید از محل حساب «اندوخته عام» تأمین شود. اگر میزان حساب «اندوخته عام» برای پوشش کل زیان کافی نباشد، دولت باید ظرف مدت سی روز از زمان تأیید هیأت نظارت و حسابرسی، به میزان کسری، اوراق بهادار دولتی در اختیار بانک مرکزی قرار دهد.

اوراق مزبور در صورت سودآوری بانک مرکزی در سالهای بعد، به تناسب به دولت عودت داده می‌شود. این اوراق از حدود و مقررات مربوط به انتشار اوراق بهادار دولتی در قوانین برنامه و بودجه‌های سنواتی مستثنی می‌باشد.

ماده 52-

الف- رویه‌های صدور اسناد تعهدآور صادره از بانک مرکزی، بر اساس دستورالعملی است که به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

ب- مدت و نحوه نگهداری اسناد، اوراق و دفاتر بانک مرکزی به صورت عین و همچنین نحوه تبدیل آنها به عکس یا فیلم یا نظایر آن به موجب دستورالعملی است که به تصویب هیأت عالی می‌رسد. این قبیل عکسها و فیلمها و نظایر آن پس از گذشتن مدت‌های مقرر در این دستورالعمل، حکم اصل اسناد را دارند.

فصل دهم: سایر موضوعات مربوط به بانک مرکزی

ماده 53-

الف- بانک مرکزی دارای شخصیت حقوقی مستقل است و منحصراً به موجب این قانون و مقررات آن اداره می‌شود. شمول قوانین و مقررات مربوط به وزارتخانه‌ها، شرکتهای دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به آنها که پس از لازمالاجراء شدن این قانون تصویب می‌شود، بر بانک مرکزی، مستلزم ذکر نام بانک مرکزی به صورت خاص است.

ب- مرکز اصلی بانک مرکزی در تهران است و می‌تواند با موافقت هیأت عالی در داخل و یا خارج از کشور شعبه و دفتر نمایندگی دایر کند و یا به هر یک از بانکها نمایندگی بدهد.

پ- سال مالی بانک مرکزی از ابتدای فروردین هر سال آغاز میشود و در پایان اسفند همان سال خاتمه مییابد.

ت- انحلال بانک مرکزی فقط به موجب قانون امکان پذیر است.

ماده 54- بانک مرکزی در راستای اجرای وظایف قانونی خود و به‌کارگیری ابزارهای موردنیاز، در چهارچوب قانون از اختیار کامل برخوردار است. تعقیب قضائی اعضای هیأت عالی، شوراهای تخصصی، هیأت‌های انتظامی معاونان و مدیران بانک مرکزی و مدیران صندوق ضمانت سپرده‌ها در قبال تصمیماتی که در چهارچوب وظایف و اختیارات قانونی خود اتخاذ می‌کنند، مجاز نیست. هرگونه دعوی در خصوص تصمیمات یا اقدامات مزبور صرفاً می‌تواند علیه بانک مرکزی اقامه شود.

ماده 55- اعضای شوراهای تخصصی هیأت عالی، کارشناسان عضو هیأت انتظامی بدوی و تجدید نظر، اعضای کارگروه موضوع ماده (83) و نیز معاونان، مدیران و کارکنان مؤثر بانک مرکزی، به‌تشیخ رنئیس کل، مشمول قواعد مدیریت تعارض منافع هستند و باید موارد زیر را رعایت کنند:

الف- در ابتدا و انتهای دوره مسؤلیت یا اشتغال در بانک مرکزی، «فرم تعارض منافع» موضوع جزء (5) بند «ج» ماده (7) این قانون را تکمیل و به دبیرخانه هیأت عالی تحویل نمایند.

ب- در صورتی که انجام امور محوله، یا شرکت در رأیگیری مرتبط با دستور جلسات شوراها یا هیأت‌های یادشده، هر نوع تعارض منافی برای ایشان ایجاد نماید، موضوع را کتباً به دبیرخانه هیأت عالی اعلام نمایند.

پ- تسهیلات و ضمانت‌نامه‌های دریافتی از مؤسسات اعتباری توسط خود یا افراد تحت تکفل خود را حداکثر ظرف مدت یک هفته از زمان دریافت، به صورت مکتوب به دبیرخانه هیأت عالی اعلام نمایند. حکم این بند در مورد اعضای هیأت عالی نیز جاری است.

تبصره- اعطای هرگونه تسهیلات یا قبول تعهدات توسط مؤسسات اعتباری به نفع اعضای هیأت عالی، اعضای شوراهای تخصصی هیأت عالی، قضات و کارشناسان عضو هیأت انتظامی بدوی و تجدید نظر، معاونان، مدیران و کارکنان مؤثر بانک مرکزی و همسر و فرزندان آنها و نیز اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیران و سهامداران مؤثر مؤسسات اعتباری و «اشخاص مرتبط» با آنها، باید توسط مؤسسه اعتباری تسهیلات‌دهنده یا متعهد، به بانک مرکزی گزارش شود. معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است واحد ویژه‌ای در حوزه معاونت نظارتی بانک مرکزی برای مدیریت تعارض منافع در نظام بانکی ایجاد نماید. اسامی افراد یادشده و «اشخاص مرتبط» با آنها باید مستمراً توسط واحد مزبور به اطلاع مؤسسات اعتباری رسانده شود.

ت- هیچ شغل یا سمت موظف یا غیرموظف، اعم از سمت مدیریتی، کارشناسی یا مشاوره‌ای در «اشخاص تحت نظارت» یا اشخاص وابسته آنها نداشته باشند. همچنین افراد یادشده نباید رابطه سهامداری با «اشخاص تحت نظارت» یا اشخاص وابسته آنها داشته باشند.

ث- هرگونه همکاری با «اشخاص تحت نظارت» یا اشخاص حقوقی وابسته به آنها، پس از پایان دوره مسئولیت یا اشتغال در بانک مرکزی، به مدت دو سال ممنوع است.

ماده 56- انجام اقدامات زیر توسط بانک مرکزی ممنوع است:

الف- تضمین بدهی‌های دولت یا نهادهای دولتی و یا هر شخص دیگر یا اعطای تسهیلات به آنان جز در مواردی که در این قانون یا سایر قوانین مجاز شده است؛

تبصره- تضمین بدهی‌های خارجی دولت که با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده پس از أخذ وثیقه کافی به تشخیص هیأت عالی بلامانع است.

ب- اعطای تسهیلات یا خطوط اعتباری به مؤسسات اعتباری بدون أخذ وثیقه؛

پ- مشارکت در سرمایه شرکت‌هایی که فعالیت‌های بانک مرکزی را پشتیبانی میکنند، در صورتی که منجر به تعارض منافع شود؛

تبصره- تشخیص تعارض منافع با هیأت عالی است. این حکم شامل مشارکت‌هایی که قبل از تصویب این قانون صورت گرفته است نیز می‌شود.

ت- اقدام به انجام عملیات بانکی برای اشخاصی غیر از مؤسسات اعتباری، دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتها، سازمان‌ها، دانشگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی.

ث- انجام فعالیت اقتصادی و تجاری صرفاً به قصد کسب سود یا انجام ندادن تکالیف قانونی صرفاً به دلیل ورود هزینه یا زیان مالی یا غیرمالی.

فصل یازدهم: پول و نظام پرداخت

ماده 57-

الف- واحد پول جمهوری اسلامی ایران، ریال است.

ب- امتیاز انتشار پول رایج کشور منحصراً در اختیار بانک مرکزی است.

پ- دارایی‌های بانک مرکزی، پشتوانه پول منتشرشده توسط بانک مرکزی است.

ت- پول رایج کشور به صورت اسکناس و مسکوک و سایر ابزارهای پرداخت رسمی در چهارچوب مقرراتی که به تصویب هیأت عالی میرسد، توسط بانک مرکزی منتشر میشود.

ث- فقط پول رایج که در تاریخ تصویب این قانون در جریان بوده و یا طبق قانون انتشار می‌یابد، جریان قانونی داشته و به مبلغ اسمی، قوه ابراء دارد.

ج- تسویه هرگونه دین و یا بدهی فقط با پول رایج کشور امکان‌پذیر است، مگر آن که قانون، شیوه دیگری را تعیین کرده یا با رعایت مقررات، ترتیب دیگری بین بدهکار و بستانکار توافق شده باشد.

چ- مبلغ اسمی، شکل، جنس، رنگ، اندازه، نقشه و سایر مشخصات اسکناس‌ها و مسکوکات رایج کشور به پیشنهاد رئیس کل و تصویب هیأت عالی، تعیین می‌شود.

ح- اسکناس دارای امضای رئیس کل و وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌باشد.

خ- شرایط و ترتیبات جایگزین نمودن اسکناس‌ها و مسکوکات جدید با اسکناس و مسکوکاتی که از جریان خارج می‌شوند به وسیله هیأت عالی تعیین می‌شود. معادل ارزش اسکناس‌ها و مسکوکاتی که صاحبان آنها در مهلت مقرر مراجعه نمی‌کنند به حساب درآمدهای بانک مرکزی منظور می‌شود.

د- تعهد بانک مرکزی در مقابل اسکناس‌ها یا مسکوکات منتشرشده، منحصر به پرداخت پول رایج کشور است.

ذ- اسکناس‌ها و مسکوکات مجعول یا تقلبی مکشوفه در سراسر کشور، برای امحاء باید در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد.

ر- کلیه حقوق مادی و معنوی طرح اسکناس و مسکوک متعلق به بانک مرکزی است. انجام هرگونه تبلیغ بر روی اسکناس و مسکوک یا استفاده از طرح آنها ممنوع و در حکم جعل محسوب می‌شود.

ز- ایجاد اعتبار توسط مؤسسات اعتباری خارج از مقررات اعلامی بانک مرکزی، یا برای مصارفی غیر از موارد تجویز شده توسط بانک مرکزی، ممنوع و مشمول اقدامات نظارتی و تنبیهی موضوع مواد (135) و (136) این قانون است.

ماده 58- نگهداری و حفاظت از جواهرات ملی متعلق به جمهوری اسلامی ایران بر عهده بانک مرکزی می‌باشد.

قسمت سوم: بانکداری

فصل دوازدهم: مقررات ناظر بر تأسیس، فعالیت، ادغام و انحلال مؤسسات اعتباری

ماده 59- انجام هرگونه عملیات بانکی، ارائه انواع خدمات بانکی و نیز ایجاد و ثبت «اشخاص تحت نظارت»، ایجاد شعبه، باجه یا نمایندگی و هر نوع فعالیت در نظام پرداخت، صرفاً با مجوز بانک مرکزی و در چهارچوب مقررات مصوب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی مجاز است. همچنین انجام عملیات و ارائه خدمات بانکی از طریق پایگاههای اینترنتی، برنامههای کاربردی بر بستر تلفن همراه و مشابه آن، بهجز مواردی که با تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی از دریافت مجوز معاف می‌باشد، منوط به کسب مجوز از بانک مرکزی است. بانک مرکزی موظف است اسامی و اطلاعات کلیه اشخاص مجاز و غیرمجاز را به طرق مقتضی از جمله درج در پایگاه اطلاع رسانی خود اعلام عمومی نموده و به اطلاع نیروی انتظامی و قوه قضائیه برساند.

ماده 60- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است فعالیت اشخاص حقیقی یا حقوقی را که بدون أخذ مجوز از بانک مرکزی مبادرت به اقدامات موضوع ماده (59) این قانون می‌نمایند، بهمحض اعلام بانک مرکزی و بدون نیاز به دستور مقام قضائی متوقف کند. همچنین نیروی انتظامی موظف است در صورت اطلاع از انجام فعالیت‌های موضوع ماده

(59) این قانون توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی بدون کسب مجوز از بانک مرکزی، مراتب را بلافاصله، کتباً به بانک مرکزی گزارش نماید.

ماده 61- مجازات اشخاصی که بدون أخذ مجوز مبادرت به اقدامات موضوع ماده (59) این قانون نمایند، به ترتیب ذیل اعمال میگردد:

الف- چنانچه مرتکب شخص حقیقی باشد، ضمن الزام به بازپرداخت وجوه دریافتی از مردم، علاوه بر جزای نقدی حداکثر معادل دوبرابر وجه تحصیل یا جمع‌آوری شده تحت هر عنوان، به حبس درجه پنج یا شش ماده (19) قانون مجازات اسلامی مصوب 1/ 2 / 1392، محکوم می‌گردد.

ب- چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد علاوه بر انحلال و مصادره کل اموال آن به استثنای اموالی که متعلق به مردم است و باید عودت داده شود، مؤسسان، اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و سایر مدیران یا سهامداران مؤثر به تشخیص مرجع قضائی، به مجازات حبس مذکور در بند «الف» این ماده محکوم میشوند. این افراد در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث مسؤولیت تضامنی خواهند داشت. جرائم موضوع این ماده، از جرائم اقتصادی محسوب می‌گردد.

ماده 62- اعطای هرگونه پروانه فعالیت و ارائه آگahانه هرگونه خدمت به اشخاصی که بدون مجوز بانک مرکزی اقدام به فعالیت‌های موضوع ماده (59) این قانون می‌نمایند، ممنوع است. همچنین، استفاده آگahانه کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دستگاههای دولتی و عمومی غیردولتی از خدمات اشخاص موضوع ماده (59) ممنوع میباشد. در صورت نقض این حکم، شخص حقیقی یا نماینده قانونی شخص حقوقی مرتکب، به یک یا چند مورد از مجازاتهای درجه پنج ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

ماده 63- مقررات ناظر بر تأسیس و اداره انواع موسسات اعتباری از قبیل جامع، تجاری، توسعه‌ای، مشارکتی، تخصصی، قرض‌الحسنه و نظایر آن که میتوانند در فضای حقیقی یا مجازی، و در سطوح بین‌المللی، ملی یا منطقی‌های فعالیت کنند، در چهارچوب این قانون به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی میرسد.

ماده 64- تشکیل مؤسسه اعتباری صرفاً در قالب شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام امکان پذیر میباشد. حدود و ضوابط سهامداری مؤسسات اعتباری، مشمول احکام قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی است.

ماده 65- صندوقهای قرض‌الحسنه حداکثر شش‌ماه پس از ابلاغ این قانون موظف به ثبت کلیه حسابهای بانکی، عملیات و تراکنشها اعم از سپرده‌گیری و سپرده‌گذاری، اخذ و اعطای تسهیلات، کارمزدهای دریافتی از مشتریان، پرداخت حقوق و هزینه‌های جاری و مانند آن، در سامانه یکپارچه‌ای که به همین منظور توسط بانک مرکزی ایجاد و مدیریت میشود، می‌باشند. بانک مرکزی موظف است ضمن راه اندازی سامانه یادشده در مهلت فوق‌الذکر، امکان دسترسی کلیه صندوقهای قرض‌الحسنه را به سامانه مذکور فراهم نماید. اجرای حکم تبصره (2) بند «ب» ماده (14) قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، الزامی است و در صورتی که مانده سپرده‌های تودیع‌شده نزد آنان از مبلغ مذکور در تبصره (2) بند «ب» ماده (14) قانون برنامه ششم تجاوز نکرده باشد، برای ادامه فعالیت نیز، نیاز به اخذ مجوز از بانک مرکزی ندارند. مبلغ مذکور، متناسب با نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی، افزایش مییابد.

تبصره - انجام عملیات نقدی توسط صندوقهای قرض‌الحسنه از طریق انتقال اینترنتی وجه، صدور چک، استفاده از دستگاه پایانه فروش (pos) و مانند آن می‌باشند.

ماده 66- انتشار هر نوع آگهی یا اطلاعیه یا اقدام تبلیغی از طریق هر نوع رسانه (ملی، خصوصی، داخلی یا خارجی) اعم از نشریات و مطبوعات الکترونیکی و غیرالکترونیکی، دیداری یا شنیداری به نفع اشخاصی که به فعالیت‌های پولی و بانکی بدون أخذ مجوز از بانک مرکزی اشتغال دارند، ممنوع است. تخلف رسانه‌ها از این حکم در صورتی که با اطلاع از غیرمجاز بودن اشخاص مزبور انجام شود، مستوجب جریمه نقدی تا میزان ده برابر هزینه تبلیغ صورت گرفته یا سقف جزای نقدی درجه سه موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی، هر کدام که بیشتر باشد خواهد بود که به حساب صندوق ضمانت سپرده‌ها و اریز می‌شود. در خصوص تخلف رسانه‌های دولتی یا وابسته به دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (29) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بالاترین مقام مسؤول (به تشخیص دادگاه) به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. رعایت اصل یکصد و شصت و هشتم (168) قانون اساسی در اجرای احکام این ماده الزامی است.

ماده 67- هرگونه انتشار خبر کذب یا غیرمستند درخصوص «اشخاص تحت نظارت» توسط هر شخص از طریق رسانه‌های ارتباطی، به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی، جرم محسوب و مشمول مجازات‌های موضوع ماده (698) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم مجازات بازدارند مصوب 1375 / 3 / 2) می‌شود. همچنین مرتکب با شکایت شخص تحت نظارت ذی‌نفع، به جبران خسارت مادی و معنوی وارده به وی محکوم می‌شود.

ماده 68- کلیه مؤسسات اعتباری، اعم از دولتی و غیردولتی مکلفند اساسنامه خود را حداکثر ظرف مدت شش‌ماه پس از تاریخ لازم‌الاجراءشدن این قانون، برای تأیید در شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی به بانک مرکزی تسلیم کنند. اساسنامه نمونه مؤسسات اعتباری توسط بانک مرکزی با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار تهیه می‌شود و به تأیید

هیأت عالی میرسد. در مواردی که اساسنامه بانک دولتی قبلاً توسط مجلس شورای اسلامی یا مرجع ذیصلاح دیگر، تصویب شده باشد، قانون یا مصوبه مربوط، پس از تصویب اساسنامه جدید توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی، نسخ می‌گردد. در مورد بانکهای تخصصی، مطابق ماده (186) این قانون عمل خواهد شد.

ماده 69- مراجع ثبت شرکتها نمی‌توانند تقاضای تأسیس یا تغییرات در اساسنامه «اشخاص تحت نظارت»، اعم از بانک، مؤسسه اعتباری غیربانکی، تعاونی اعتبار، صندوق قرض‌الحسنه و مانند آن را بدون أخذ مجوز از بانک مرکزی به ثبت برسانند. شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌تواند برای هر یک از «اشخاص تحت نظارت» اساسنامه نمونه تهیه نموده و یا «اشخاص تحت نظارت» را به درج برخی نکات لازم‌الرعايه در اساسنامه خود یا تغییر در مفاد آن مکلف نماید.

ماده 70- هرگونه تغییر در اساسنامه مؤسسه اعتباری نیازمند أخذ موافقت از شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی است. بانک مرکزی موظف است حداکثر ظرف مدت سی روز کاری به درخواست تغییر در اساسنامه مؤسسه اعتباری متقاضی پاسخ دهد. مؤسسات اعتباری باید آخرین نسخه اساسنامه خود را بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهند.

ماده 71- انحلال اختیاری مؤسسه اعتباری پس از تصویب مجمع عمومی آن و در چهارچوب ضوابط قانونی مربوط و صرفاً پس از تأیید هیأت عالی امکان‌پذیر است. در صورت انحلال اختیاری، مدیر تصفیه مؤسسه اعتباری توسط مجمع عمومی فوق‌العاده آن تعیین و پس از تأیید معاون نظارتی بانک مرکزی منصوب می‌شود. از تاریخ انتصاب مدیر تصفیه، اداره کلیه امور و دارایی‌های مؤسسه اعتباری بر عهده وی می‌باشد. کلیه مدیران و کارکنان مؤسسه اعتباری مکلفند در محدوده وظایف و اختیارات خود با مدیر تصفیه همکاری نموده، اسناد، مدارک، اطلاعات و دارایی‌های مؤسسه اعتباری را در اختیار وی قرار دهند. انحلال غیراختیاری مؤسسات اعتباری، مشمول احکام فصل هفدهم این قانون می‌باشد.

ماده 72- دو یا چند مؤسسه اعتباری میتوانند به اختیار خود با موافقت بانک مرکزی بایکدیگر ادغام شوند. ادغام می‌تواند به صورت یکجانبه یا چندجانبه باشد. ادغام یکجانبه عبارت است از تجمیع حقوق، تعهدات، دارایی‌ها و امکانات دو یا چند مؤسسه اعتباری به نحوی که صرفاً شخصیت حقوقی یکی از آنها باقی بماند و شخصیت حقوقی سایر مؤسسات اعتباری ادغام شده محو گردد. ادغام چند جانبه عبارت است از تجمیع حقوق، تعهدات و دارایی‌ها و امکانات دو یا چند مؤسسه اعتباری به نحوی که یک شخصیت حقوقی جدید از آن حاصل شود. همچنین، یک مؤسسه اعتباری میتواند با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده آن مؤسسه و تأیید هیأت عالی، به دو یا چند مؤسسه اعتباری تجزیه شود. چگونگی ادغام یا تجزیه مؤسسات اعتباری، مطابق دستورالعملی است که به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد. ادغام غیراختیاری مؤسسات اعتباری، مشمول احکام فصل هفدهم این قانون است.

ماده 73- شرایط و نحوه صدور مجوز تأسیس، فعالیت، ادغام و انحلال تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض‌الحسنه و سایر «اشخاص تحت نظارت» در مواردی که این قانون ساکت است، صرفاً به موجب دستورالعملی خواهد بود که به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

فصل سیزدهم: مقررات ناظر بر مدیریت مؤسسات اعتباری

ماده 74- مؤسسه اعتباری دارای ارکان زیر می‌باشد:

1- مجمع عمومی صاحبان سهام؛

2- هیأت مدیره؛

3- هیأت عامل؛

4- حسابرس و بازرس قانونی.

ماده 75- مسئولیت سیاستگذاری، تصویب مقررات داخلی، نظارت بر اقدامات مدیرعامل و سایر اعضای هیأت عامل، و مدیریت خطر (ریسک) مؤسسه اعتباری بر عهده هیأت مدیره است که از میان اشخاص حقیقی توسط مجمع عمومی انتخاب و به تأیید بانک مرکزی می‌رسد. هیأت مدیره مؤسسه اعتباری از کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره مؤسسه اعتباری، غیر از مواردی که طبق اساسنامه، أخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت مجمع عمومی است، برخوردار می‌باشد.

ماده 76- امور زیر باید به‌عنوان وظایف اصلی هیأت مدیره در اساسنامه مؤسسه اعتباری درج گردد:

1- تعیین راهبردهای کسب و کار مؤسسه اعتباری در راستای تحقق اهداف و سیاستهای نظام بانکی کشور که توسط بانک مرکزی اعلام میشود؛

2- تصویب مقررات داخلی موردنیاز، برای اجرای مصوبات هیأت عالی، شورای مقررانگذاری و نظارت بانکی، شورای فقهی و دستورات بانک مرکزی؛

3- ایجاد ساختار سازمانی مناسب به گونه‌ای که مسئولیت‌ها و اختیارات هیأت‌مدیره، مدیرعامل و سایر اعضای هیأت عامل در انطباق با اصول حاکمیت شرکتی کاملاً مشخص باشد؛

4- ایجاد نظام جامع مدیریت خطر (ریسک)، کنترل داخلی و حسابرسی داخلی مؤسسه اعتباری؛

5- تصویب ساختار گروهی مؤسسه اعتباری شامل شرکت مادر یا مؤسسات تابعه و وابسته و کنترل خطر (ریسک)ها و تعارض منافع مربوط.

تبصره 1- سایر وظایف و اختیارات هیأت مدیره در اساسنامه مؤسسه اعتباری مشخص میشود.

تبصره 2- مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره نسبت به تخلفات مؤسسه اعتباری در مقابل مجمع عمومی، بانک مرکزی و سایر مراجع ذیصلاح مسئول هستند.

ماده 77- بانک مرکزی موظف است ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون، دستورالعمل‌های لازم برای استقرار حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری را تهیه کند و به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی برساند. دستورالعمل‌های یادشده باید متناسب با تحولات و نوآوری‌های صنعت بانکداری در حوزه حاکمیت شرکتی، به‌روزرسانی شود.

تبصره- حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از ساختارها و فرآیندهای ناظر بر روابط هیأت مدیره، هیأت عامل، سهامداران و سایر ذی‌نفعان است که برای تحقق اهداف مؤسسه اعتباری، تأمین حقوق ذی‌نفعان، حفظ ثبات و سلامت شبکه بانکی، کنترل تعارض منافع و ایجاد شفافیت حداکثری، در چهارچوب مقررات بانک مرکزی به تصویب هیأت مدیره میرسد. نحوه توزیع اختیارات و مسؤلیتهای هر یک از بخش‌های مؤسسه اعتباری، در چهارچوب حاکمیت شرکتی تعیین می‌شود.

ماده 78- هیأت مدیره مؤسسه اعتباری موظف است:

الف- کمیته‌های مربوط به حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی از جمله کمیته حسابرسی، کمیته مدیریت خطر (ریسک)، کمیته جبران خدمات، کمیته انتصابات، کمیته تطبیق قوانین و مقررات و کمیته‌های ضروری دیگر را متناسب با اندازه، پیچیدگی فعالیتها و ساختار گروهی مؤسسه اعتباری حسب اعلام بانک مرکزی تشکیل دهد. ترکیب هر یک از کمیته‌ها، شرایط و مدت عضویت اعضا، اختیارات، وظایف، نحوه برگزاری جلسات و حق‌الزحمه اعضا و سایر مقررات مربوط در

چهارچوب دستورالعملی خواهد بود که بنا به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

ب- رعایت الزامات مربوط به حاکمیت شرکتی توسط مدیرعامل و سایر اعضای هیأت عامل را از طریق کمیته‌های وابسته به هیأت مدیره و واحدهای مرتبط با آنها، مورد پایش دائمی قرار داده و در صورت احراز تخلف، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

ماده 79- اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل و سایر مدیران مؤسسه اعتباری به تشخیص بانک مرکزی موظفند در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت، «فرم تعارض منافع» موضوع جزء (5) بند «ج» ماده (7) این قانون را تکمیل و به بانک مرکزی ارسال کنند.

ماده 80- اعطای هرگونه تسهیلات یا قبول تعهدات توسط مؤسسات اعتباری به نفع اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیران و سهامداران مؤثر مؤسسات اعتباری و «اشخاص مرتبط» با آنها به تشخیص بانک مرکزی، باید توسط ذینفع و مؤسسه متعهد یا ارائه‌دهنده تسهیلات، به بانک مرکزی گزارش شود. معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است واحد ویژه‌های در حوزه معاونت نظارتی بانک مرکزی برای مدیریت تعارض منافع در نظام بانکی ایجاد نماید. اسامی افراد یادشده و «اشخاص مرتبط» با آنها باید مستمراً توسط واحد مزبور به اطلاع مؤسسات اعتباری برسد.

ماده 81- کلیه مؤسسات اعتباری موظفند، سامانه‌های مربوط به عملیات و خدمات بانکی خود را مطابق الگوی ابلاغی بانک مرکزی ظرف مدت یک سال به گونه‌ای تنظیم کنند که هرگونه تغییر در هر یک از متغیرهای زیر به صورت برخط یا با کمترین زمان ممکن، برای اعضای هیأت مدیره، اعضای هیأت عامل و بانک مرکزی قابل مشاهده باشد:

نسبت کفایت سرمایه مؤسسه اعتباری؛

نسبت‌های نقدینگی مؤسسه اعتباری به تفکیک انواع؛

مانده سپرده‌ها، به تفکیک انواع سپرده؛

مانده تسهیلات اعطائی، به تفکیک انواع تسهیلات؛

مانده کل تعهدات پذیرفته شده به نفع اشخاص؛

مانده «تسهیلات و تعهدات کلان»، به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک الوصول؛

مانده تسهیلات اعطائی و تعهدات پذیرفته شده به نفع «اشخاص مرتبط» به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک

الوصول؛

صورت تفصیلی تسهیلات و تعهدات مربوط به مصادیق اشخاص مذکور در ردیف‌های (6) و (7) به‌همراه نرخ سود و وثایق

دریافتی در هر مورد، به تفکیک جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک‌الوصول؛

مانده تسهیلات اعطائی به دولت و دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری، به تفکیک

جاری، سررسیدگذشته، معوق، مشکوک الوصول؛

جمع مطالبات غیرجاری به تفکیک سررسیدگذشته، معوق، مشکوک‌الوصول و نسبت مطالبات غیرجاری به کل مطالبات

مؤسسه اعتباری؛

میزان تسهیلات امهال‌شده به تفکیک «اشخاص مرتبط» و گیرندگان «تسهیلات کلان»؛

مانده بدهی به بانک مرکزی به تفکیک سرفصل‌های مربوط؛

مانده مطالبات از بانک مرکزی؛

مانده بدهی به سایر مؤسسات اعتباری، به صورت سرجمع و تفکیک شده؛

مانده مطالبات از سایر مؤسسات اعتباری، به صورت سرجمع و تفکیک شده؛

ارزش دارایی‌های ثابت به قیمت دفتری و برآورد قیمت روز؛

حقوق صاحبان سهام به تفکیک سرفصل؛

فهرست سهامداران مؤثر مؤسسه اعتباری؛

میزان سهام مؤسسه اعتباری در سایر بنگاه‌های اقتصادی به تفکیک؛

میانگین و بالاترین نرخ سود پرداخت شده به سپرده‌گذاران در یکسال گذشته؛

میانگین و بالاترین نرخ سود تسهیلات اعطاشده در یکسال گذشته؛

فهرست قراردادهای سپرده‌گیری یا اعطای تسهیلات با نرخ سود بیشتر از نرخ اعلام‌شده توسط بانک مرکزی؛

سایر شاخص‌های عملکردی یا مدیریتی به تشخیص بانک مرکزی.

تبصره 1- تعاریف، نحوه محاسبه و حدود مجاز هر یک از موارد فوق توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تعیین می‌شود.

تبصره 2- هیأت مدیره و مدیرعامل موظفند فعالیت‌های مؤسسه اعتباری را به گونه‌ای تنظیم کنند که متغیرهای مزبور از حدود تعیین‌شده توسط قانون یا دستورالعمل‌های صادره توسط بانک مرکزی، تجاوز نکنند. اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل و معاونان یا مدیران ذربط در هر یک از موارد فوق‌الذکر مسؤول هستند و ادعای جهل نسبت به وضعیت و عملکرد مؤسسه اعتباری از آنان مسموع نیست.

ماده 82- اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل مؤسسات اعتباری باید دارای شرایط زیر باشند:

دارا بودن تخصص و مهارت کافی در زمینه امور مالی و بانکی؛

دارا بودن حداقل دهسال تجربه علمی، اجرایی یا مدیریتی در حوزه‌های اقتصادی و بانکی؛

آشنایی کافی با بانکداری اسلامی و احکام و ابزارهای آن؛

دارا بودن مدرک دانشگاهی مرتبط؛

دارا بودن حسن شهرت و امانتداری؛

نداشتن هیچگونه سمت مدیریتی، اجرایی، کارشناسی یا مشاوره‌ای همزمان در شرکتهای وابسته به مؤسسه اعتباری و نیز

در مؤسسات اعتباری دیگر و شرکتهای وابسته به آنها؛

ذی‌نفع واحد نبودن با دریافت‌کنندگان تسهیلات کلان از همان مؤسسه اعتباری و سایر مؤسسات اعتباری از دو سال قبل از

تصدی مسؤولیت؛

نداشتن مسؤولیت همزمان در دستگاههای اجرایی موضوع ماده (5) قانون مدیریت خدمات کشوری؛

نداشتن بدهی غیرجاری به مؤسسات اعتباری؛

نداشتن سوء پیشینه کیفری.

تبصره 1- در صورت داشتن دانشنامه کارشناسی ارشد یا دکتری مرتبط، به تشخیص بانک مرکزی، حداقل سابقه کار مذکور

در بند (2) این ماده به ترتیب به، شش و چهار سال کاهش می‌یابد.

تبصره 2- عضویت اعضای هیأت مدیره، مدیرعامل و معاونان وی در مؤسسات اعتباری شغل تمام وقت محسوب می‌شود.

تبصره 3- مرجع تشخیص در مورد بندهای (1) تا (9) این ماده، «کارگروه بررسی صلاحیت‌ها» موضوع ماده (83) این قانون است. مرجع صالح برای تشخیص و تطبیق احکام صادره از دادگاههای خارجی در مورد بند (10) این ماده، دادسرای عمومی و انقلاب تهران است.

ماده 83- به‌کارگیری اشخاص به‌عنوان عضو هیأت مدیره، عضو هیأت عامل و مسؤول واحدهای مدیریت خطر (ریسک)، حسابرسی داخلی و تطبیق در مؤسسات اعتباری و تمدید دوره مسؤلیت آنها، مستلزم تأیید صلاحیت آنان توسط «کارگروه بررسی صلاحیتها» است. اعضای کارگروه مزبور عبارتند از:

1- سه نفر خبره در امور بانکی با حداقل ده سال تجربه مفید به‌پیشنهاد رئیسکل و تأیید هیأت عالی؛

2- نماینده معاون نظارتی رئیس کل؛

3- نماینده معاون بانک و بیمه، وزیر امور اقتصادی و دارائی.

افراد عضو کارگروه برای مدت دو سال انتخاب میشوند و عزل آنها منوط به موافقت هیأت عالی است.

تبصره 1- دستورالعمل اجرایی تأیید و سلب صلاحیت اشخاص مذکور در این ماده، به‌تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی میرسد.

تبصره 2- عدم پاسخگویی «کارگروه بررسی صلاحیتها» ظرف مدت سی روز کاری به منزله تأیید است.

تبصره 3- فعالیت اشخاص در سمت‌های مذکور در این ماده به عنوان «سرپرست»، تنها پس از معرفی آنها به بانک مرکزی برای بررسی صلاحیت و در چهارچوب مقررات بانک مرکزی مجاز است.

تبصره 4- مرجع رسیدگی به اعتراض اشخاصی که صلاحیت آنها توسط «کارگروه بررسی صلاحیتها» رد می‌شود، هیأت عالی است. هیأت عالی موظف است ظرف مدت حداکثر سی روز کاری نسبت به اعتراض وارده اظهار نظر نماید.

تبصره 5- در صورتی که بانک مرکزی برای تأیید صلاحیت اشخاص نیاز به استعلام از دستگاههای نظارتی داشته باشد، دستگاههای مزبور موظفند حداکثر ظرف مدت پانزده روز کاری از تاریخ وصول استعلام پاسخ دهند. عدم پاسخگویی در مهلت مقرر به منزله پاسخ مثبت دستگاه نظارتی استعلامشونده است.

تبصره 6- بانک مرکزی میتواند به افرادی که صلاحیت حرفهای و مورد وثوق بودن آنان برای تصدی سمت‌های مدیریتی در مؤسسات اعتباری به تأیید «کارگروه بررسی صلاحیتها» رسیده‌است، گواهینامه صلاحیت حرفهای اعطاء کند. مدت اعتبار گواهینامه صلاحیت حرفهای و حدود صلاحیت دارنده آن، توسط «کارگروه بررسی صلاحیتها» تعیین میشود. در صورتی که مؤسسات اعتباری برای تصدی مناصب مدیریتی موضوع این ماده، از افراد دارای گواهینامه صلاحیت حرفهای معتبر استفاده کنند، صرف اطلاع رسانی به بانک مرکزی کافی می‌باشد.

بانک مرکزی موظف است اسامی افراد دارای گواهینامه صلاحیت حرفهای را به همراه محدوده صلاحیت آنان و مدت اعتبار گواهینامه، بر روی پایگاه اینترنتی خود قرار دهد.

ماده 84- بالاترین مقام اجرائی مؤسسه اعتباری، مدیرعامل است که از میان اشخاص حقیقی توسط هیأت مدیره انتخاب می‌شود و در حدود اختیاراتی که از طرف هیأت‌مدیره به وی تفویض شده، نماینده بانک محسوب می‌شود. مدیرعامل، قائم‌مقام و معاونان خود را منصوب می‌کند. مدیرعامل، قائم‌مقام و معاونان وی، اعضای هیأت عامل مؤسسه اعتباری را تشکیل میدهند که مسئولیت اداره مؤسسه اعتباری و اجرای راهبردها و سیاستهای مصوب هیأت مدیره را بر عهده دارند. اعضای

هیأت عامل در برابر تصمیماتی که بر خلاف قوانین و مقررات، مفاد اساسنامه، مصوبات مجمع عمومی و یا هیأت مدیره اتخاذ میکنند، مسؤولیت دارند و باید به هیأت مدیره پاسخگو باشند. انتصاب قائم مقام و معاونان مدیر عامل باید به تأیید هیأت مدیره برسد. حدود وظایف و اختیارات و مدت تصدی و حقوق و مزایای اعضای هیأت عامل در چهارچوب قوانین، مقررات و اساسنامه مؤسسه اعتباری، توسط هیأت مدیره تعیین می‌شود.

ماده 85- برکناری اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و رؤسای ادارات یا واحدهای مدیریت خطر (ریسک)، حسابرسی داخلی و تطبیق، پیش از اتمام مدت تصدی، منوط به أخذ موافقت بانک مرکزی است. حکم این ماده، نافذ حکم مذکور در ماده (13) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی مصوب 1388/9/25 نمیباشد.

ماده 86- رئیس هیأت مدیره مؤسسه اعتباری موظف است نسخه‌ای از احکام یا قراردادهای استخدامی منعقد با اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل و سایر مدیران ارشد مؤسسه اعتباری را در اختیار بانک مرکزی قرار دهد. تشخیص مدیر ارشد با بانک مرکزی است.

ماده 87- رئیس هیأت مدیره موظف است حقوق، مزایا، پاداش و هرگونه پرداختی مربوط به اشخاص موضوع ماده (86) این قانون را در صورتهای مالی و پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه اعتباری افشاء و منتشر نماید.

ماده 88- عضویت همزمان در هیأت مدیره و هیأت عامل در کلیه مؤسسات اعتباری ممنوع است.

ماده 89- مدیر عامل و اکثریت اعضای هیأت مدیره مؤسسه اعتباری ایرانی باید از اتباع ایران باشند.

تبصره- مؤسسه اعتباری ایرانی، مؤسسه اعتباری است که اکثریت سهام آن متعلق به اتباع ایران باشد.

ماده 90- موارد زیر مستلزم کسب اجازه از مجلس شورای اسلامی است:

الف- تملک سهام مؤسسات اعتباری ایرانی موجود یا مشارکت در تأسیس مؤسسات اعتباری ایرانی جدید توسط دولتهای خارجی به هر میزان؛

ب- تملک مجموعاً بیش از چهل درصد (40%) سهام مؤسسات اعتباری ایرانی موجود یا مشارکت بیش از چهل درصد (40%) در تأسیس مؤسسات اعتباری ایرانی جدید توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی (به تشخیص بانک مرکزی)

تبصره 1- در کلیه این موارد، رعایت مفاد ماده (5) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی مصوب 1387 / 3 / 25 با اصلاحات و الحاقات بعدی آن ضروری است.

تبصره 2- مقررات ناظر بر تأسیس و فعالیت بانکهای خارجی و مشترک بر اساس دستورالعملی است که با پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

ماده 91- میزان و نحوه ایجاد اندوخته قانونی مؤسسات اعتباری طبق دستورالعملی که با پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد، تعیین می‌شود. اندوخته قانونی نباید از بیست درصد (20%) سود ویژه سالانه، پس از کسر زیان انباشته سالهای قبل، کمتر باشد. وضع اندوخته قانونی تا میزان سرمایه ثبت‌شده در مرجع ثبت شرکتها الزامی است. بعد از آن، منظور نمودن اندوخته قانونی اختیاری خواهد بود.

ماده 92- بازرس یا بازرسان اصلی و علی‌البدل و حسابرس مؤسسات اعتباری از میان فهرست مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران که مورد تأیید بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار باشند، انتخاب می‌گردند. سازمان حسابرسی به‌عنوان بازرس قانونی و حسابرس مؤسسات اعتباری دولتی تعیین می‌شود.

فصل چهاردهم: عملیات بانکیدون ربا

ماده 93- مؤسسات اعتباری مجازند در چهارچوب قوانین مربوط و مقررات اعلامی بانک مرکزی که به تأیید شورای فقهی رسیده‌است، فعالیتهای زیر را انجام دهند:

1- پذیرش سپرده و اعطای تسهیلات؛

2- خرید و نگهداری انواع اوراق مالی منتشر یا تضمین‌شده توسط دولت یا بانک مرکزی؛

3- انتشار اوراق مالی اسلامی مبتنی بر داراییهایی مؤسسه اعتباری؛

4- صدور انواع ضمانتنامه و گشایش اعتبار اسنادی؛

5- قبول سپرده ارزی و خرید و نگهداری ارز برای ایفای تعهدات ناشی از گشایش اعتبار اسنادی یا اعطای تسهیلات ارزی؛

6- پرداخت، تسویه و انتقال پول؛

7- سایر فعالیتهای مرتبط با حوزه بانکداری، باتصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی.

تبصره 1- بانک مرکزی موظف است با تصویب هیأت عالی، فعالیتهای مجاز موضوع این ماده و حدود مربوط به هر یک از آنها را به تفکیک انواع مؤسسات اعتباری مذکور در ماده (63) این قانون، تعیین کند.

تبصره 2- مؤسسات اعتباری میتوانند با مجوز بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام به تأسیس نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی مصوب 1/ 9/ 1384 با اصلاحات و الحاقات بعدی نمایند.

ماده 94- سپرده‌گیری توسط مؤسسات اعتباری در اشکال زیر مجاز است:

1- سپرده جاری؛

2- سپرده قرض الحسنه؛

3- سپرده سرمایه‌گذاری عام؛

4- سپرده سرمایه‌گذاری خاص؛

5- انواع دیگر سپرده، با تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی.

ماده 95- مؤسسات اعتباری می‌توانند به صورتهای زیر و در قالب عقود اسلامی که به تصویب شورای مقررات‌گذاری و

نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی رسیده‌است، به متقاضیان تسهیلات اعطاء کنند:

1- تسهیلات قرض الحسنه؛

2- تسهیلات با نرخ سود معین؛

3- تسهیلات با نرخ سود نامعین.

سپرده جاری

ماده 96- رابطه مؤسسه اعتباری با سپرده‌گذار در سپرده جاری، «قرض بدون بهره» است. مؤسسه اعتباری متعهد است

معادل اصل سپرده سپرده‌گذاران را در صورت درخواست آنان، فوراً پرداخت کند. مؤسسه اعتباری میتواند با رعایت

قوانین مربوط، به صاحبان سپرده‌های جاری دسته چک اعطاء کند. برداشت از سپرده جاری بهوسیله کارت بانکی و سایر

طرق و ابزارهای مورد تأیید بانک مرکزی مجاز است.

ماده 97- بانک مرکزی میتواند مؤسسات اعتباری را موظف کند بخشی از مانده سپرده‌های جاری را برای اعطای تسهیلات

قرض الحسنه به اشخاص و موارد مذکور در ماده (99) این قانون به مصرف برسانند.

سپرده و تسهیلات قرض الحسنه

ماده 98- رابطه حقوقی سپرده‌گذار با مؤسسه اعتباری در سپرده قرض‌الحسنه، «وکالت برای اعطای قرض‌الحسنه» است. مؤسسه اعتباری متعهد است معادل اصل سپرده سپرده‌گذاران را در صورت درخواست آنان، فوراً پرداخت کند. منابع ناشی از سپرده‌های قرض الحسنه، جزء منابع مؤسسه اعتباری محسوب نمی‌شود. مؤسسه اعتباری موظف است کل منابع مزبور را پس از کسر ذخایر قانونی برای پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به ترتیب مقرر در ماده (99) این قانون به مصرف برساند. مقررات مربوط به نحوه محاسبه و دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی می‌رسد. برداشت از سپرده قرض‌الحسنه به وسیله کارت بانکی و سایر روشها و ابزارهای مورد تأیید بانک مرکزی مجاز است.

ماده 99- پرداخت تسهیلات قرض الحسنه توسط مؤسسات اعتباری صرفاً برای ازدواج، تولد فرزند، فوت، هزینه‌های بستری شدن در بیمارستان، آزادی زندانیان جرائم غیر عمد نیازمند و تأمین معیشت خانواده‌های آنها، تأمین و تعمیر مسکن و اشتغال و رفع نیازهای ضروری مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی و زنان سرپرست خانوار مجاز است. بانک مرکزی می‌تواند با تصویب هیأت عالی مصارف دیگری را به موارد فوق بیافزاید.

تبصره 1- در مواردی که قانون ساکت باشد، سقف و شرایط اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه و سهم هر یک از موارد مذکور در این ماده از کل منابع قرض‌الحسنه در اختیار مؤسسات اعتباری، به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

تبصره 2- بانک مرکزی موظف است بر عدم انحراف تسهیلات قرض الحسنه نظارت کند و عملکرد هریک از مؤسسات اعتباری در ارتباط با سپرده و تسهیلات قرض الحسنه را بهصورت ماهانه از طریق پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی به اطلاع عموم برساند.

تبصره 3- بانکهای قرض الحسنه مشمول احکام و محدودیتهای مندرج در این ماده نیستند. مقررات ویژه بانکهای قرض الحسنه به تصویب شورای مقررات گذاری و نظارت بانکی میرسد.

ماده 100- به منظور تشویق سپرده گذاران قرض الحسنه، مؤسسات اعتباری می توانند از روشهای زیر استفاده نمایند:

1- اولویت در پرداخت تسهیلات قرض الحسنه به سپرده گذار یا افراد معرفی شده توسط وی؛

2- تخفیف یا معافیت از پرداخت کارمزد یا حق الوکاله؛

3- سایر روشهای تشویقی با تأیید شورای فقهی.

تبصره- استفاده از روشهای فوق در چهارچوب دستورالعملی است که به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب شورای مقررات گذاری و نظارت بانکی میرسد.

سپرده سرمایه گذاری عام

ماده 101- در سپرده سرمایه گذاری عام، مؤسسه اعتباری وکیل سپرده گذاران برای انجام فعالیتهای مذکور در ماده (93)

این قانون است. مؤسسه اعتباری موظف است سود ناشی از بهکارگیری سپردههای سرمایه گذاری عام را مطابق ماده

(103) این قانون، توزیع نماید.

ماده 102- مؤسسه اعتباری موظف است حداکثر نرخ سود قابل پرداخت به سپردهگذاران را که همان نرخ موضوع ماده (25) این قانون است، در قرارداد سپرده سرمایه‌گذاری عام درج نماید. درج نرخ مزبور، به معنی قطعیت یا تضمین آن توسط مؤسسه اعتباری نیست.

ماده 103- مؤسسه اعتباری موظف است در صورتی که سود تحقق یافته ناشی از بهکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری عام مساوی یا کمتر از سود مندرج در قرارداد باشد، تمام سود تحقق یافته را بین سپردهگذاران توزیع کند؛ و در صورتی که سود تحقق یافته، بیشتر از سود مندرج در قرارداد باشد، مازاد را به عنوان حقالوکاله خود برداشت نماید.

تبصره 1- محاسبات مربوط به تعیین سود تحقق یافته باید به تأیید بانک مرکزی برسد.

تبصره 2- حداکثر نرخ سود قابل پرداخت به سپردهگذاران سرمایه‌گذاری عام در طول مدت قرارداد ثابت نیست و در هر مقطع، تابع تصمیم نشست ویژه سیاست‌گذاری هیأت عالی در مورد «سقف نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری عام» است که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود.

تبصره 3- مؤسسه اعتباری مجاز به درج نرخ سود بیشتر از نرخ موضوع ماده (25) این قانون در قراردادهای سپرده سرمایه‌گذاری عام نیست. در صورتی که مؤسسه اعتباری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و تحت هر عنوان، بیشتر از نرخ موضوع ماده (25) این قانون به سپردهگذاران سود پرداخت کند، مشمول اقدامات نظارتی و تنبیهی مذکور در مواد (135) و (136) این قانون می‌شود. در این موارد، سپردهگذار مبالغی را که مازاد بر حد مجاز دریافت نموده، مالک نیست. مبالغ مزبور باید به صندوق ضمانت سپرده‌ها واریز شود.

سپرده سرمایه‌گذاری خاص

ماده 104- مؤسسات اعتباری می‌توانند به درخواست بنگاه‌های اقتصادی و به منظور تأمین مالی پروژه‌های موردنظر آنان، اقدام به جذب سپرده سرمایه‌گذاری خاص نمایند. جذب سپرده سرمایه‌گذاری خاص، در قالب صدور «گواهی سپرده سرمایه‌گذاری خاص» توسط مؤسسه اعتباری انجام می‌شود. گواهی مزبور نشان‌دهنده میزان مشارکت دارنده آن، در پروژه موردنظر است. مؤسسه اعتباری موظف است وجوه جمع‌آوری شده را مطابق قرارداد منعقد شده با متقاضی، در قالب عقود با نرخ سود نامعین در اختیار وی قرار داده و به عنوان وکیل صاحبان گواهی سپرده سرمایه‌گذاری خاص، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به پروژه، مشارکت نماید. کلیه حساب‌های بانکی پروژه، عملیات توزیع سود و تسویه حساب با سپرده‌گذاران باید در مؤسسه اعتباری پذیرنده سپرده سرمایه‌گذاری خاص متمرکز باشد.

تبصره 1- مؤسسات اعتباری می‌توانند برای یک پروژه خاص یا سببی از پروژه‌ها اقدام به جذب سپرده سرمایه‌گذاری خاص نمایند.

تبصره 2- پرداخت سود به سپرده‌های سرمایه‌گذاری خاص نباید تضمین شود. مؤسسه اعتباری می‌تواند بازپرداخت اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری خاص را در سررسید، با هزینه خود یا بنگاه متقاضی، تعهد یا بیمه نماید.

تبصره 3- اوراق گواهی سپرده سرمایه‌گذاری خاص قابل خرید و فروش در بازار سرمایه است. خریدار، جایگزین سپرده‌گذار اولیه می‌شود.

تبصره 4- مؤسسه اعتباری می‌تواند طبق قرارداد، نقشهای متعهد پذیرهنویس، ضامن (فقط نسبت به اصل مبلغ سپرده) و بازارگردان را در رابطه با اوراق گواهی سپرده سرمایه‌گذاری خاص برعهده بگیرد و در ازای ارائه خدمات مزبور، بخشی از سود حاصله را به‌عنوان کارمزد خود دریافت نماید.

ماده 105- پروژه‌هایی که از طریق سپرده سرمایه‌گذاری خاص تأمین مالی می‌شوند، باید از سازوکار «صندوق پروژه»، «شرکت پروژه» یا سایر سازوکارهایی که امکان محاسبه واقعی سود و زیان پروژه را فراهم میکند، استفاده نمایند.

ماده 106- مؤسسات اعتباری مکلفند قبل از پذیرش سپرده سرمایه‌گذاری خاص، مشخصات پروژه موردنظر، دامنه بازدهی احتمالی، نحوه تسویه حساب نهایی با سپرده‌گذاران و سایر اطلاعات موردنیاز را به تفکیک هر پروژه مشخص و اعلام کنند.

مقررات ویژه اعطای تسهیلات

ماده 107- مؤسسات اعتباری میتوانند برای تأمین مالی انواع فعالیتهای اقتصادی و خرید کلیه کالاها و خدماتی که مبادله آنها منع شرعی و قانونی ندارد، به متقاضیان تسهیلات پرداخت کنند. پرداخت هرگونه تسهیلات یا ارائه هر نوع خدمت بانکی باید در چهارچوب عقود اسلامی مورد تأیید شورای فقهی انجام شود.

تبصره- در مورد اعطای تسهیلات برای تهیه کالاها و خدماتی که خرید و فروش آنها طبق «قانون پایانههای فروشگاهی و سامانه مؤدیان مصوب 1398 /7 /21» باید در سامانه مؤدیان ثبت شود، مؤسسات اعتباری، بعد از انقضای مهلت مقرر در قانون مذکور و راهاندازی سامانه مؤدیان، فقط در صورت ثبت معامله موردنظر در سامانه مزبور، مجاز به اعطای تسهیلات هستند. سازمان امور مالیاتی موظف است امکان دسترسی به سامانه مؤدیان را در حدی که برای اجرای این حکم لازم است، برای مؤسسات اعتباری و بانک مرکزی فراهم کند.

ماده 108- مؤسسات اعتباری موظفند نوع عقد، نحوه محاسبه سود و اقساط تسهیلات، جریمه تأخیر و سایر موارد ضروری مربوط به قرارداد را حسب مورد بهصوت شفاف در متن قرارداد ذکر کنند و نسخه‌ای از قرارداد را در اختیار تسهیلات

گیرنده و ضامن یا ضامنین قرار دهند. ضمانت ضامن یا ضامنین محدود به اصل بدهی مندرج در قرارداد است و شامل جرائم متعلقه نمی‌شود.

تبصره- در صورتی که مشتری، حسب گزارش شرکتهای گزارشگری اعتبار موضوع ماده (192) این قانون، از اعتبار مناسب برخوردار باشد، مؤسسات اعتباری می‌توانند بدون اخذ ضامن یا وثیقه، به وی تسهیلات خرد پرداخت کنند. سقف تسهیلات خرد در زمان ابلاغ این قانون، پانصد میلیون (500.000.000) ریال است. بانک مرکزی می‌تواند با تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی، مبلغ مزبور را افزایش دهد.

ماده 109- اعطای تسهیلات با سود نامعین، صرفاً در چهارچوب احکام مذکور در مواد (104) تا (106) این قانون مجاز است.

ماده 110- بانک مرکزی موظف است حداکثر سه‌ماه پس از ابلاغ این قانون، چهارچوب و نحوه حسابداری عقود مورد استفاده مؤسسات اعتباری و نحوه انعکاس آن در صورتهای مالی مؤسسات اعتباری را پس از تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی به مؤسسات اعتباری ابلاغ نماید.

ماده 111- بانک مرکزی مکلف است انواع وثایق قابل دریافت توسط مؤسسات اعتباری (اعم از وثایق ملکی و غیرملکی مشتمل بر دارائیهای مادی و معنوی) و نحوه ارزش‌گذاری و تعدیل ارزش آنها را متناسب با نوع و میزان تسهیلات و وضعیت اعتباری مشتری، طی دستورالعملی که به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد، به مؤسسات اعتباری ابلاغ کند.

ماده 112- مؤسسات اعتباری مکلفند در صورت مازاد بودن ارزش وثایق با لحاظ نرخ تعدیل ارزش وثایق از مجموع بدهی‌ها و تعهدات مشتری، نسبت به آزادسازی وثیقه‌های مازاد، تعویض وثیقه، یا فراهم کردن امکان استفاده از وثایق مازاد

برای دریافت تسهیلات یا ایجاد تعهدات جدید (مانند گشایش اعتبار اسنادی و دریافت ضمانت نامه بانکی) با درخواست مشتری اقدام نمایند.

تبصره- در صورتی که فرایند آزادسازی یا تعویض وثیقه متضمن پرداخت هزینه باشد، تماماً توسط مشتری متقاضی پرداخت می‌شود.

ماده 113- بانک مرکزی موظف است ظرف مدت یکسال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، «سامانه جامع وثایق بانکی» را ایجاد کند. پس از راهاندازی سامانه مذکور، کلیه فرایندهای اخذ وثیقه، اعم از درخواست ترهین، تعویض، ارزش‌گذاری، تعدیل ارزش، اجرا و آزادسازی وثایق باید در این سامانه ثبت شده و به هر وثیقه، شناسه یکتا اختصاص یابد. تبصره- مراجع دارنده اطلاعات مربوط به وثایق (به تشخیص بانک مرکزی) نظیر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت راه و شهرسازی، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان اوقاف و امور خیریه مکلفند مطابق دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی اطلاعات لازم را به صورت برخط در اختیار بانک مرکزی قرار دهند.

پیشگیری از انباشت مطالبات غیرجاری

ماده 114- در صورت عدم پرداخت بدهی سررسید شده و گذشت دو ماه از سررسید هر قسط، مؤسسه اعتباری میتواند معادل مبلغ بدهی سررسید و پرداخت نشده را از هر یک از حسابهای مشتری نزد همان مؤسسه برداشت نماید. همچنین مؤسسه اعتباری میتواند در صورت عدم تکافوی موجودی حسابهای مشتری، از سایر مؤسسات اعتباری که مشتری نزد آنها حساب دارد درخواست کند تا بهمیزان مانده بدهی سررسید شده و پرداخت نشده مشتری از حسابهای وی برداشت و به حساب مؤسسه اعتباری طلبکار واریز کنند. بانک مرکزی موظف است سازوکار هوشمندی را جهت شناسایی حسابهای

مشتریان بدهکار نزد سایر مؤسسات اعتباری و انتقال مانده مبلغ بدهی سررسید شده و پرداخت نشده مشتری به مؤسسه اعتباری طلبکار فراهم نماید. کلیه مؤسسات اعتباری موظفند در این زمینه با بانک مرکزی همکاری کنند. عدم همکاری مؤسسات اعتباری، مشمول اقدامات نظارتی و تنبیهی مندرج در فصل شانزدهم این قانون می‌شود. در خصوص حسابهای مشترک متعلق به مشتریان، برداشت از حساب تا سقف سهم‌الشرکه می‌باشد.

ماده 115- تأخیر در پرداخت بدهی سررسیدشده، از نظر این قانون «تخلف» محسوب شده، متخلف، مشمول تنبیهات غیرمالی مذکور در ماده (117) این قانون و ملزم به پرداخت جریمه به شرح مذکور در ماده (118) این قانون می‌شود. مؤسسات اعتباری موظفند فهرست تنبیهات غیرمالی و جریمه‌های مالی ناشی از تأخیر را در هنگام امضای قرارداد به اطلاع مشتری رسانده و در متن قرارداد درج نمایند.

تبصره 1- اگر تأخیر در پرداخت بدهی سررسیدشده، به‌دلیل اعسار یا ورشکستگی بدهکار (با حکم دادگاه) باشد، مؤسسه اعتباری طلبکار موظف است تا زمان برطرف شدن اعسار یا خروج از ورشکستگی (به‌تشخیص دادگاه)، به وی مهلت دهد. در دوران اعسار یا ورشکستگی، هیچگونه تنبیه غیرمالی و مالی متوجه بدهکار معسر یا ورشکسته نمی‌شود. در حکم اعسار یا ورشکستگی، نباید زمان توقف بیشتر از شش ماه قبل از صدور حکم تعیین شود.

تبصره 2- قوه قضائیه موظف است شعب رسیدگی به درخواستهای اعسار و ورشکستگی را برای رسیدگی سریع به درخواستهای مزبور، سازماندهی کند. مدعی اعسار یا ورشکستگی موظف است همزمان با ارائه درخواست اعسار یا ورشکستگی، کلیه داراییهای خود و افراد تحت تکفل خود (در مورد اشخاص حقیقی) را به‌تفصیل در سامانه ویژه‌ای که به همین منظور توسط قوه قضائیه ایجاد میشود، ثبت کند. مدعی اعسار یا ورشکستگی به دادگاه اجازه می‌دهد در صورتی که دارائی دیگری کشف شود، به نفع دولت ضبط گردد.

ماده 116- مؤسسات اعتباری موظفند کلیه اطلاعات مربوط به پرداخت و بازپرداخت تسهیلات و تعهدات را به صورت برخط در «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» و براساس بند «ب» ماده (18) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ثبت نمایند. به هریک از اقساط بدهی مشتریان مؤسسات اعتباری در سامانه مذکور، شناسه یکتا اختصاص مییابد. مشتریانی که بدهی (قسط) سررسیدشده و پرداخت نشده داشته باشند، به عنوان «مشتری بدحساب» شناخته می شوند.

تبصره 1- ثبت اسامی اشخاص به عنوان «مشتری بدحساب» در سامانه «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)»، امتیاز و رتبه اعتباری آنان را متناسب با میزان و مدت تأخیر در پرداخت اقساط، کاهش میدهد. بانک مرکزی موظف است اطلاعات مندرج در «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» را به صورت برخط به پایگاه داده اعتباری کشور موضوع ماده (194) این قانون انتقال دهد.

تبصره 2- قراردادهایی که کلیه تراکنشهای مرتبط با آنها توسط موسسه اعتباری در «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» ثبت شده باشد، در حکم اسناد رسمی است و در صورتیکه در مفاد آن طرفین اختلافی نداشته باشند لازم الاجراء است و از کلیه مزایای اسناد تجاری از جمله عدم نیاز به تودیع خسارت احتمالی بابت أخذ قرار تأمین خواسته برخوردار می باشند. بانک مرکزی موظف است امکان استعلام برخط از «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» را برای مراجع قضائی فراهم کند.

تنبیهاات غیرمالی

ماده 117- مشتریان بدحساب، متناسب با مبلغ بدهی سررسید شده و پرداخت نشده، با توجه به وضعیت اعتباری مشتری و بسته به نوع شخصیت وی (حقیقی یا حقوقی)، در چهارچوب دستورالعملی که به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت می‌رسد، مشمول تمام یا برخی از محدودیتهای زیر می‌شوند. شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌تواند موارد دیگری را به فهرست محدودیتهای ذکر شده اضافه کند یا با توجه به شرایط و اوضاع اقتصادی، اعمال برخی از آنها را برای تمام یا بخشی از بدهکاران مؤسسات اعتباری منتفی نماید:

الف- پس از درج نام مشتری به‌عنوان «مشتری بدحساب» در «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)»، محدودیتهای زیر در رابطه با مشتری اعمال می‌شود:

1- کاهش تدریجی سقف مبلغ قابل برداشت از حسابهای بانکی از طریق کارت بانکی یا سایر روشهای برداشت؛
2- کاهش تدریجی سقف مبلغ قابل انتقال از حسابهای بانکی از طریق کارت بانکی و سایر روشهای انتقال (نظیر استفاده از سامانههای شتاب و ساتنا)؛

3- ممنوعیت دریافت تسهیلات جدید؛

4- ممنوعیت دریافت ضمانتنامه بانکی و گشایش اعتبار اسنادی؛

ب- در صورتی که نام مشتری بیشتر از چهار ماه پیوسته در فهرست مشتریان بدحساب باقی مانده باشد، علاوه بر موارد فوق، تنبیهات زیر در باره او اعمال می‌شود:

1- ممنوعیت انتقال وجه مگر با اذن مؤسسه اعتباری طلبکار یا به‌موجب حکم دادگاه؛

2- ممنوعیت افتتاح هرگونه حساب بانکی؛

3- ممنوعیت دریافت دسته‌چک جدید؛

پ- در صورتی که نام مشتری حداقل به مدت شش‌ماه پیوسته در فهرست مشتریان بدحساب باقی‌مانده باشد، علاوه بر تنبیهات مذکور در بندهای «الف» و «ب»، تنبیهات زیر درباره وی اعمال می‌شود:

ممنوعیت صدور چک؛

الف- ممنوعیت نقل و انتقال سهام و سایر اوراق بهادار، مگر با موافقت مؤسسه اعتباری طلبکار یا به موجب حکم دادگاه؛

ب- ممنوعیت نقل و انتقال هرگونه اموال منقول و غیرمنقول، مگر با موافقت مؤسسه اعتباری طلبکار یا به موجب حکم دادگاه.

تبصره 1- نحوه اعمال محدودیت‌های مذکور در اجرای بند (الف) این ماده، توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تعیین می‌شود.

تبصره 2- مؤسسات اعتباری و سایر ارائه‌کنندگان خدمات مذکور در این ماده موظفند قبل از ارائه خدمت به مشتریان، از عدم ممنوعیت ارائه خدمت موردنظر به آنان اطمینان حاصل کنند. بانک مرکزی موظف است دسترسی به فهرست مشتریان بدحساب در «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» را برای سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور فراهم کند.

تبصره 3- پس از تسویه بدهی‌های سررسید شده، محدودیت‌های مندرج در این ماده برطرف می‌شود.

تبصره 4- ستادهای استانی «تسهیل و رفع موانع تولید»، موضوع ماده (61) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب 1394/2/1 موظفند در صورتی که احراز کنند تأخیر واحد تولیدی در پرداخت بدهی بانکی،

ناشی از وضعیت اقتصادی کشور بوده و اعمال تنبیهات غیرمالی مذکور در این ماده به تعطیلی واحد تولیدی موردنظر یا افت شدید تولید آن منجر میشود، ضرورت عدم اجرای تمام یا بخشی از جرائم غیرمالی موضوع این ماده را پس از طی مراحل مذکور در مواد (62) تا (64) قانون یادشده، به بانک مرکزی اعلام کنند. بانک مرکزی موظف است بلافاصله، مصوبه ستاد مزبور را در «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» ثبت نماید. در اینصورت، تنبیهات غیرمالی نسبت به واحد تولیدی موردنظر بهمدت یکسال تعلیق میشود. ستادهای استانی تسهیل و رفع موانع تولید موظفند تقاضای کلیه واحدهای تولیدی را که از طریق تشکل صنفی مربوط، به دبیرخانه ستاد واصل شده، به ترتیب وصول بررسی نمایند.

تبصره 5- در خصوص «اشخاص مرتبط» با مؤسسات اعتباری، کلیه تنبیهات مذکور در این ماده بهمحض بدحسابشدن مشتری، اعمال میشود. اشخاص مزبور مشمول حکم تبصره (4) این ماده نمیباشند. همچنین خروج «اشخاص مرتبط» با مؤسسات اعتباری و اشخاصی که تسهیلات یا تعهدات کلان سررسیدگذاشته دارند، از کشور، بدون اجازه بانک مرکزی ممنوع است.

جریمه مالی

ماده 118- نرخ جریمه تخلف از انجام بهموقع تعهدات، در مورد انواع قراردادها توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تعیین می‌شود. شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی موظف است در تعیین نرخ جریمه، شرایط و اوضاع اقتصادی کشور را مدنظر قرار داده و عنداللزوم، نرخهای جریمه را تعدیل کند.

ماده 119- جریمه تأخیر فقط نسبت به مانده اصل بدهی مشتری قابل محاسبه و دریافت است. دریافت هرگونه وجه دیگر تحت عنوان وجه التزام و عناوین مشابه از مشتری یا ضامن وی ممنوع است. همچنین أخذ سود از سود، سود از جریمه و

جریمه از جریمه مطلقاً ممنوع بوده و علاوه بر الزام مؤسسه اعتباری به اعاده مبالغ دریافتی غیرمجاز، مشمول اقدامات نظارتی و تنبیهی مواد (135) و (136) این قانون است.

تبصره- منظور از اصل بدهی مشتری در قراردادهای تسهیلات با سود معین، اصل تسهیلات دریافتی مشتری به علاوه سود مندرج در قرارداد تا سررسید است. سود و جرایم مربوط به بعد از سررسید، جزء اصل بدهی مشتری نیست.

ماده 120- وجوه پرداختی توسط مشتری، مادامی که اصل بدهی وی تسویه نشده باشد، بابت تسویه اصل بدهی منظور می شود و تماماً متعلق به مؤسسه اعتباری است. پس از تسویه اصل بدهی، در صورتی که به مشتری جریمه تعلق گرفته باشد، وجوه پرداختی توسط وی، به «حساب ویژه جرایم» واریز میگردد. در این مرحله، جریمه جدیدی به مشتری تعلق نمی گیرد، لکن تنبیهات غیرمالی تا زمان پرداخت کل جرایم متعلقه و خروج از فهرست مشتریان بدحساب برقرار می باشد.

ماده 121- «حساب ویژه جرایم» به وسیله بانک مرکزی نزد هر یک از مؤسسات اعتباری افتتاح می شود و موجودی آن متعلق به دولت است. وجوه تجمیع شده در حساب ویژه جرایم نزد هر مؤسسه اعتباری، با تصمیم کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت دادگستری، دادستانی کل کشور و بانک مرکزی در هر استان، برای تسویه بدهی بدهکارانی که حسب رأی دادگاه معسر و ورشکسته تشخیص داده شده اند، به استثنای اشخاص مرتبط موسسات اعتباری و بدهکاران کلان بانکی، با اولویت بدهکاران خرد معسر و ورشکسته همان مؤسسه و مدت اعسار یا ورشکستگی، مورد استفاده قرار میگیرد. بدهکارانی که مشمول حکم این ماده می شوند، موظفند پس از حصول تمکن مالی، وجوه موردنظر را به دولت برگردانده و حساب ویژه جرایم نزد همان مؤسسه اعتباری واریز نمایند. مادامی که اشخاص مزبور بدهی خود را به دولت (حساب ویژه جرایم) پرداخت نکنند، تنبیهات غیرمالی موضوع ماده (117) این قانون در حق آنان برقرار است. در صورت ضرورت، دادگاه میتواند به درخواست بدهکار معسر یا ورشکسته، تمام یا بخشی از تنبیهات مزبور را لغو نماید.

ماده 122- جرمه‌های مالی و تنبیهات غیرمالی مذکور در مواد (117) و (118) این قانون در موارد زیر به مشتریان بدحساب تعلق می‌گیرد:

1- عدم پرداخت به موقع اقساط تسهیلات قرض الحسنه و تسهیلات با نرخ سود معین؛

2- عدم پرداخت طلب مؤسسه اعتباری در عقود با نرخ سود غیرمعین، پس از اتمام یا فسخ قرارداد، محاسبه سود و زیان طرح (پروژه)، تعیین طلب قطعی مؤسسه اعتباری و توافق بر سر نحوه پرداخت آن. در عقود مزبور، مشتری تنها پس از این مرحله و در صورت عدم ایفای تعهدات توافق شده، مشمول تنبیهات و جریمه می‌شود.

3- عدم ایفای تعهدات مالی که مشتری به واسطه صدور ضمانت نامه، گشایش اعتبار اسنادی یا ارائه سایر خدمات بانکی توسط بانک به وی، به نفع بانک بر عهده گرفته است.

ماده 123- اعطای مهلت به مشتری بدحساب، یا عقد قرارداد جدید با هدف تمدید تسهیلات اعطائی غیرجاری، نباید منجر به دریافت سود مرکب و جریمه مضاعف از بدهکار شود. دستورالعمل امهال یا تمدید مطالبات سررسیدگذشته به تصویب شورای مقرر ات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی می‌رسد.

تبصره: بانک مرکزی موظف است «سامانه متمرکز تسهیلات و تعهدات (سمات)» را به نحوی اصلاح کند که امکان نظارت بر نحوه محاسبه سود و جرایم و موجودی حساب ویژه جرایم، نزد هر بانک فراهم شود و از اجرای مواد (119) و (123) اطمینان حاصل نماید.

سایر مقررات ناظر بر عملیات بانکی

ماده 124- مقررات ناظر بر عملیات بانکی بین مؤسسات اعتباری با یکدیگر، و بین مؤسسات اعتباری با بانک مرکزی باید به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید شورای فقهی برسد.

ماده 125- کلیه شعب مؤسسات اعتباری ایرانی، اعم از این که در داخل کشور، مناطق آزاد تجاری یا خارج از کشور فعالیت کنند، و نیز کلیه شعب مؤسسات اعتباری خارجی مستقر در داخل ایران و مناطق آزاد تجاری، فقط در چهارچوب این قانون مجاز به عملیات بانکی می‌باشند.

ماده 126- انجام اقدامات زیر توسط مؤسسات اعتباری به صورت فردی یا سندیکایی (جمعی)، منوط به تصویب هیأت مدیره مؤسسه اعتباری در چهارچوب ضوابط بانک مرکزی است:

الف- اعطای تسهیلات و قبول تعهدات کلان؛

ب- اعطای تسهیلات به «اشخاص مرتبط» و قبول تعهدات به نفع آنان به هر میزان.

تبصره 1- مؤسسات اعتباری موظفند قراردادهای موضوع این ماده و ضوابط آنها را بلافاصله بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهند. همچنین هرگونه تأخیر در ایفای تعهدات ناشی از قراردادهای موضوع این ماده باید بلافاصله از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه اعتباری برای اطلاع عموم، افشأ شود.

تبصره 2- حدود و مصادیق «تسهیلات و تعهدات کلان» و «اشخاص مرتبط» توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تعیین میشود. همچنین سقف مجاز مؤسسات اعتباری برای اعطای تسهیلات کلان و اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط یا قبول تعهدات به نفع آنان، به‌صورت فردی یا سندیکایی (جمعی)، توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تعیین میگردد.

تبصره 3- کفایت و نقدشوندگی وثایق و احراز توانمندی ضامن یا ضامنین مربوط به تسهیلات و تعهدات کلان و تسهیلات و تعهدات مربوط به «اشخاص مرتبط» با مؤسسه اعتباری باید به تأیید مدیر عامل و تصویب هیأت مدیره برسد.

فصل پانزدهم: مقررات مربوط به ثبت داده‌ها و تهیه گزارشهای مالی

ماده 127- بانک مرکزی موظف است شیوه ثبت، جمع‌آوری و پردازش داده‌ها و همچنین دستورالعمل تهیه و انتشار اطلاعات مربوط به عملیات مؤسسات اعتباری را ظرف مدت شش‌ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه کند و به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی برساند. استانداردها و دستورالعمل مزبور باید به‌گونه‌ای باشد که:

1- ثبت صحیح، فوری و جامع داده‌ها مشتمل بر مشخصات مشتریان و کلیه تراکنش‌های مربوط به عملیات و خدمات بانکی به صورت یکپارچه تضمین شود و هرگونه تغییر و اصلاح در داده‌های ثبت‌شده قابل مشاهده و پیگیری باشد.

2- امکان جستجو و بازیابی سریع اطلاعات در سطوح مختلف (اطلاعات موردنیاز مشتری، شعبه، مدیران میانی، هیأت مدیره و هیأت عامل مؤسسه اعتباری و بانک مرکزی) با استفاده از داده‌های ثبت‌شده وجود داشته‌باشد.

3- صورتهای مالی مؤسسات اعتباری و سایر گزارشهای مالی موردنیاز، با استفاده از داده‌های ثبت‌شده قابل تهیه و راستی‌آزمایی باشد.

تبصره 1- مؤسسات اعتباری موظفند امکان دسترسی برخط بانک مرکزی به اطلاعات کلیه حساب‌ها و تراکنش‌های مربوط به عملیات و خدمات بانکی از جمله افتتاح و انسداد حساب، پرداخت تسهیلات، دریافت اقساط تسهیلات، گشایش اعتبارات اسنادی و صدور ضمانت و سایر اطلاعات مورد درخواست را فراهم نمایند.

تبصره 2- بانک مرکزی مجاز است به منظور تسریع و حسن اجرای این حکم از ابزارهای تشویقی و تنبیهی لازم با تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی استفاده نماید.

ماده 128- بازرسان قانونی و حسابرسان مستقل «اشخاص تحت نظارت» غیردولتی و نیز حسابرسی که به‌عنوان نماینده یا مأمور سازمان حسابرسی در «اشخاص تحت نظارت» دولتی مستقر میشوند، موظفند به محض اطلاع از هر یک از تخلفات زیر، مراتب را به بانک مرکزی گزارش نمایند. عدم رعایت این حکم برای اولین بار موجب محرومیت متخلف از فعالیت حرفه‌ای به مدت یک‌سال، و تکرار تخلف موجب محرومیت دائمی شخص متخلف از فعالیت حرفه‌ای است:

1- عدم ثبت تراکنشهای مالی یا ثبت نادرست آنها توسط «اشخاص تحت نظارت»؛

2- هرگونه تخلف از قوانین و مقررات مرتبط با فعالیت «اشخاص تحت نظارت»؛

3- خودداری «اشخاص تحت نظارت» از ارائه اطلاعات مورد درخواست بازرسان قانونی و حسابرس مستقل؛

4- هرگونه رفتاری که مانع از اظهار نظر حسابرس در خصوص صورتهای مالی «اشخاص تحت نظارت» شود.

فصل شانزدهم: نظارت بر «اشخاص تحت نظارت»

ماده 129- کلیه «اشخاص تحت نظارت» موظف به همکاری با ناظران و بازرسان بانک مرکزی هستند و باید تمامی اطلاعات و مستندات مورد نیاز را در چهارچوب مقررات این قانون در اختیار آنان قرار دهند.

ماده 130- نظارت بانک مرکزی بر مؤسسه اعتباری، به‌صورت نظارت یکپارچه می‌باشد، به‌نحوی که علاوه بر ارزیابی خطر (ریسک) فعالیت مؤسسه اعتباری، خطر (ریسک) ناشی از فعالیت گروه مؤسسه اعتباری نیز مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد.

تبصره 1- گروه مؤسسه اعتباری شامل کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از شرکتهای تابعه و وابسته و سهامداران مؤثر است که به تشخیص بانک مرکزی به واسطه برخورداری از روابط مالکیتی، مدیریتی، مالی، کنترلی و یا به هر نحو دیگر، مؤسسه اعتباری را به صورت مؤثر در معرض خطر (ریسک) قرار دهند.

تبصره 2- دستورالعمل نظارت یکپارچه به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

ماده 131- مؤسسه اعتباری موظف است اطلاعات و مستنداتی را که مبین عملکرد واقعی و وضعیت مالی گروه مؤسسه اعتباری است، به صورت گزارش‌های انفرادی و تلفیقی در قالب موردنظر بانک مرکزی ارائه کند و زمینه دسترسی ناظران و بازرسان بانک مرکزی به داده‌ها و اطلاعات را به صورت الکترونیکی و فیزیکی فراهم نماید.

ماده 132- مدت و شیوه نگهداری اوراق بازرگانی و اسناد و دفاتر مؤسسات اعتباری به صورت عین یا الکترونیکی و همچنین نحوه تبدیل عین اسناد به عکس، فیلم، اسناد الکترونیکی و یا نظایر آن، به موجب دستورالعملی که به تصویب کمیته مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد، تعیین می‌شود. اسنادی که به صورت الکترونیکی ایجاد شده‌اند و همچنین عکس‌ها، فیلم‌ها، اسناد الکترونیکی و نظایر آن در دادگاه‌ها و سایر مراجع قانونی، حکم اصل اسناد را دارند.

تخلفات انتظامی «اشخاص تحت نظارت»

ماده 133- انجام موارد زیر از سوی «اشخاص تحت نظارت» یا مدیران آنها تخلف محسوب می‌شود. بانک مرکزی موظف است در صورت مشاهده هر یک از تخلفات، با استفاده از اقدامات نظارتی و تنبیهی مذکور در ماده (135) این قانون نسبت به ممانعت از تداوم و تکرار تخلف اقدام نماید. همچنین بانک مرکزی می‌تواند قبل یا بعد از اعمال اقدامات نظارتی و تنبیهی مزبور، تخلفات «اشخاص تحت نظارت» را برای رسیدگی به هیأت انتظامی بانک مرکزی ارجاع دهد:

1- تخطی از احکام این قانون و سایر قوانین مربوط و نیز تخطی از مقررات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و دستورات بانک

مرکزی و هرگونه تلاش برای بی‌اثرکردن آنها؛

2- تخطی از شرایط و ضوابط مجوزهای صادره بانک مرکزی و یا نقض هر یک از شرایط و ضوابطی که مجوزهای

مذکور براساس آنها صادر شده است؛

3- تخطی از مفاد اساسنامه؛

4- تخطی از تعهدات ارائه‌شده به بانک مرکزی در مورد انجام اقدامات اصلاحی؛

5- اقداماتی که منافع سپرده‌گذاران، مشتریان و یا ثبات، ایمنی و سلامت مالی آن مؤسسه اعتباری یا شبکه بانکی یا نظام

پرداخت را به مخاطره می‌اندازد (به تشخیص بانک مرکزی)؛

6- عدم تنظیم و نگهداری صحیح دفاتر، حسابها، اطلاعات و صورتهای مالی مطابق با مقررات و دستورالعمل‌های ابلاغی

بانک مرکزی و عدم ارائه به موقع، صحیح و کامل داده‌ها، اطلاعات، صورتهای مالی و گزارش‌ها به بانک مرکزی و

صندوق ضمانت سپرده‌ها؛

7- خودداری از ارائه اطلاعات در مواردی که به موجب قانون یا دستور مرجع قضائی مکلف به ارائه یا افشاء آن است؛

8- جلوگیری از اعمال نظارت بانک مرکزی؛

9- فعالیت به عنوان عضو هیأت مدیره، هیأت عامل و سایر مناصب مدیریتی مؤسسات اعتباری بدون تأیید بانک مرکزی؛

10- توقف فعالیت مؤسسه اعتباری بدون عذر موجه؛

11- افشای اسرار بانکی مشتریان و یا اطلاعات حسابهای آنها بدون حکم قانونی یا دستور مرجع قضائی؛

12- جعل یا مخدوش نمودن اسناد فیزیکی و الکترونیکی؛

13- ارائه خدمات بانکی به اشخاصی که حسب قوانین و مقررات، ارائه خدمات به آنها ممنوع است؛

14- عدم اجرای دستورات صندوق ضمانت سپردهها در مواردی که به موجب این قانون به صندوق اختیار داده شدهاست؛

15- سایر موارد مشابه به تشخیص شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی.

ماده 134- مؤسسات اعتباری موظف به رعایت نرخهای موضوع ماده (25) این قانون هستند. هرگونه رفتاری از سوی

مؤسسات اعتباری که نتیجه آن افزایش سود پرداختی به سپردهگذاران یا افزایش سود یا کارمزد دریافتی از

تسهیلاتگیرندگان یا متقاضیان خدمات بانکی باشد، از جمله الزام تسهیلاتگیرندگان به سپرده‌گذاری یا مسدود کردن بخشی

از تسهیلات دریافتی، ممنوع بوده و مشمول اقدامات نظارتی و تنبیهی مذکور در مواد (135) و (136) این قانون است.

اقدامات نظارتی و تنبیهی

ماده 135- معاون نظارتی بانک مرکزی میتواند یک یا چند مورد از اقدامات نظارتی و تنبیهی زیر را در مورد «اشخاص

تحت نظارت» متخلف اعمال نماید:

1- اخطار کتبی به شخص تحت نظارت یا مدیرعامل، قائم مقام مدیرعامل، معاونان مدیرعامل و رئیس یا هریک از اعضای

هیأت مدیره آن؛

2- دستور تهیه صورت های مالی دوره‌ای در مقاطع زمانی موردنظر بانک مرکزی و تهیه گزارش حسابرسی و

بازرس قانونی؛

3- دستور انجام اقدامات اصلاحی در چهارچوب برنامه زمانی مورد تأیید بانک مرکزی؛

- 4- انتصاب حسابرس مستقل جهت رسیدگی به حسابهای «شخص تحت نظارت»؛
 - 5- انتصاب ناظر مقیم برای حصول اطمینان از حسن اجرای اقدامات اصلاحی مقرر از سوی بانک مرکزی؛
 - 6- تشدید الزامات احتیاطی برای «اشخاص تحت نظارت» متخلف؛
 - 7- مکلف کردن «اشخاص تحت نظارت» به افزایش سرمایه؛
 - 8- پیشنهاد افزایش نرخ سپرده قانونی مؤسسه اعتباری به هیأت عالی؛
 - 9- پیشنهاد کاهش «سقف نرخ سود سپرده سرمایه گذاری عام» مؤسسه اعتباری متخلف به شورای سیاستگذاری پولی و ارزی؛
 - 10- ایجاد محدودیت در گسترش شعب در داخل یا خارج از کشور و یا دستور کاهش و ادغام شعب؛
 - 11- ممنوعیت یا محدودیت موقت یا دائم «اشخاص تحت نظارت» از انجام بعضی از عملیات یا خدمات بانکی؛
 - 12- تعلیق یا سلب صلاحیت موقت یا دائم هر یک از اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل یا مدیران «شخص تحت نظارت»؛
 - 13- ارائه پیشنهاد گزیر مؤسسه اعتباری به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی.
 - 14- ارائه پیشنهاد لغو مجوز «شخص تحت نظارت» به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی.
- تبصره- در صورت اعمال مجازات ردیفهای (10) تا (14) این ماده توسط بانک مرکزی، «اشخاص تحت نظارت» میتوانند حداکثر ظرف مدت ده روز اعتراض خود را به دبیرخانه هیأت انتظامی تسلیم و رسید دریافت نمایند. هیأت انتظامی موظف است ظرف مدت ده روز کاری از تاریخ دریافت اعتراض، صدور حکم نماید. در هر حال، تا زمانی که مجازات معترض‌نهاد لغو نشده باشد، مجازات مزبور به قوت خود باقی و دستور بانک مرکزی در آن زمینه لازم‌الاجراء است.

ماده 136- هیأت انتظامی بانک مرکزی، مکلف است حسب درخواست دادستان انتظامی بانک مرکزی یا رئیس کل، به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» رسیدگی نماید. هیأت انتظامی میتواند اقدامات تنبیهی زیر را در مورد «اشخاص تحت نظارت» متخلف یا مدیران آنها اعمال نماید:

1- دستور موقت عدم پرداخت سود سهام یا تقسیم اندوخته‌ها؛

2- اعمال جریمه نقدی برای «اشخاص تحت نظارت» تا سقف یک درصد (1%) سرمایه یا پانصد میلیارد (500.000.000.000) ریال هرکدام که بیشتر باشد؛

3- اعمال جریمه نقدی برای مدیرعامل، قائم‌مقام مدیرعامل، معاونان مدیرعامل و یا هر یک از اعضای هیأت مدیره تا پنجاه میلیارد (50.000.000.000) ریال یا پنج برابر میزان تخلف هرکدام که بیشتر باشد؛

4- انفصال دائم مدیرعامل، قائم‌مقام مدیرعامل، معاونان مدیرعامل و یا هر یک از اعضای هیأت مدیره از خدمات دولتی و عمومی.

ماده 137- فعالیت اشخاصی که بدون أخذ تأییدیه صلاحیت از بانک مرکزی یا پس از عزل، تعلیق، عدم تأیید مجدد و یا لغو تأییدیه صلاحیت قبلی، در سمتهای مدیرعامل، قائم‌مقام مدیرعامل، معاونان مدیرعامل و عضو هیأت مدیره مؤسسات اعتباری فعالیت نمایند، در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال عمومی محسوب می‌شود. اشخاص مذکور علاوه بر مجازات مربوط به آن که بنا به شکایت بانک مرکزی توسط دادگاه تعیین می‌شود، از سوی هیأت انتظامی مؤسسات اعتباری به پرداخت جزای نقدی تا مبلغ یک میلیارد (1.000.000.000) ریال به ازای هر روز تخلف محکوم می‌شوند. مدیران موضوع این ماده، مجاز به امضای هیچ‌یک از اسناد تعهدآور مؤسسه اعتباری نمی‌باشند.

ماده 138- طرح هرگونه دعوی که منشأ آن اقدامات نظارتی بانک مرکزی باشد، باید به طرفیت بانک مرکزی صورت پذیرد و در مواردی که به تشخیص مرجع قضائی، اقدامات نظارتی بانک مرکزی موجب ایراد خسارت به «اشخاص تحت نظارت» یا اشخاص ثالث شده باشد، خسارت وارده توسط بانک مرکزی جبران می‌شود. صرفاً در صورت اثبات تقصیر مدیران و کارکنان بانک مرکزی توسط مراجع قضائی، این اشخاص مسؤول جبران خسارت می‌باشند. این حکم، مانع از رسیدگی به عملکرد مدیران و کارکنان توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان نیست.

تبصره- منظور از اقدامات نظارتی، اقداماتی است که در راستای اعمال نظارت بر «اشخاص تحت نظارت» می‌باشد و مشتمل بر اقدامات به عمل آمده در تمامی مراحل از جمله تأسیس، اعطای مجوز، نظارت بر فعالیت، تغییرات ثبتی، بازسازی، ادغام، انحلال و تصفیه می‌باشد.

فصل هفدهم: احکام مربوط به بازسازی، گزیر، ورشکستگی و انحلال مؤسسه اعتباری

ماده 139-

الف- کلیه مؤسسات اعتباری موظفند در پایان ماه‌های بهمن و مرداد هر سال و نیز پس از تغییرات حقوقی و مالی عمده، «بیانیه وضعیت» خود را بر اساس استانداردهای مصوب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تهیه و به بانک مرکزی ارائه نمایند. بیانیه وضعیت باید متضمن تبیین شرایط و محیط داخلی و بیرونی مؤسسه اعتباری و پیش‌بینی وضعیت آتی آن میزان، ترکیب و درجه نقدشوندگی دارایی‌ها، میزان و ترکیب بدهی‌ها، مخاطرات احتمالی پیشرو و نحوه مقابله با آنها و تمهید ابزارهای لازم جهت بازگرداندن وضعیت مؤسسه اعتباری به شرایط عادی پس از وقوع نابسامانی‌های مالی در قالب یک برنامه اصلاحی پیشنهادی باشد. معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است بلافاصله پس از دریافت بیانیه وضعیت

مؤسسه اعتباری، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، نتیجه را برای تصمیم‌گیری، به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی گزارش کند.

ب- شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی موظف است بلافاصله پس از دریافت گزارش موضوع بند «الف»، با برگزاری جلسات فوق‌العاده، گزارش‌های مربوط به هر مؤسسه اعتباری را مورد بررسی قرار دهد و وضعیت آن را با اختصاص یکی از عناوین «قابل قبول»، «در معرض خطر» یا «بحرانی» مشخص نماید. در مواردی که شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی ضروری تشخیص دهد مؤسسه اعتباری موظف است با استفاده از مؤسسات حسابرسی معتمد بانک مرکزی به ارزیابی کیفیت دارایی‌های خود اقدام کند. در هر حال کیفیت دارایی‌های کلیه مؤسسات اعتباری حداکثر هر سه سال یکبار باید توسط حسابرس معتمد بانک مرکزی مورد ارزیابی قرار گیرد. مدت یادشده می‌تواند با تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی کاهش یابد.

تبصره 1- شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی موظف است حداکثر ظرف مدت سه‌ماه پس از لازمالاجراءشدن این قانون، تعاریف مربوط به وضعیت‌های «قابل قبول»، «در معرض خطر» و «بحرانی» را با استفاده از موارد مذکور در ماده (81) این قانون و سایر اطلاعات ممکن الحصول، تصویب و به بانک مرکزی ابلاغ کند.

تبصره 2- گزارش‌های دوره‌های بند (الف)، نافه وظیفه بانک مرکزی در خصوص پایش مستمر وضعیت «اشخاص تحت نظارت» نیست. معاون نظارتی بانک مرکزی موظف است هر زمان تشخیص دهد که مؤسسه اعتباری در وضعیت «در معرض خطر» یا «بحرانی» قرار گرفته است، بلافاصله مراتب را برای أخذ تصمیم به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی گزارش کند.

پ- در صورتی که وضعیت مؤسسه اعتباری «در معرض خطر» تشخیص داده شود، بانک مرکزی باید بلافاصله مؤسسه اعتباری موردنظر را به اجرای «برنامه بازسازی» مطابق مواد (140) و (141) این قانون موظف کند. در فرآیند بازسازی، از مجمع عمومی مؤسسه اعتباری سلب صلاحیت نمی شود.

ت- در صورتی که وضعیت مؤسسه اعتباری «بحرانی» تشخیص داده شود، بانک مرکزی موظف است با استفاده از اختیارات پیشبینی شده در این قانون و تحت نظارت شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی، «عملیات گزیر» مؤسسه مزبور را مطابق مواد (142) تا (144) این قانون آغاز کند. عملیات گزیر، با عزل هیأت مدیره و هیأت عامل مؤسسه اعتباری و سلب صلاحیت از مجمع عمومی آن آغاز می‌شود.

بازسازی مؤسسه اعتباری

ماده 140- اختیارات بانک مرکزی در مورد مؤسسات اعتباری در حال بازسازی به شرح زیر است. شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌تواند موارد مشابه دیگر را به فهرست ذیل اضافه کند:

1- سلب صلاحیت تمام یا بخشی از اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل و الزام مجمع عمومی یا هیأت مدیره حسب مورد به انتخاب اعضای جدید؛

2- الزام به افزایش سرمایه؛

3- اعمال محدودیت در تعیین سود سپرده؛

4- اعمال محدودیت در توزیع سود سهام؛

5- اعمال محدودیت در انجام عملیات بانکی و ارائه خدمات بانکی؛

6- الزام به فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از سهام یا سهم‌الشرکه متعلق به مؤسسه اعتباری در سایر شرکتها؛

7- الزام به فروش تمام یا بخشی از دارایی‌های مؤسسه اعتباری به شرکت‌های مدیریت دارایی یا خریداران دیگر؛

8- الزام به تبدیل مطالبات حال‌شده سهامداران به سرمایه؛

9- ممنوعیت توزیع اندوخته‌ها بین سهامداران؛

10- تبدیل تمام یا بخشی از بدهی‌های غیرسپرده‌ای به سهام مطابق مصوبه شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی یا طبق

قرارداد مربوط؛

11- تأمین مالی مشروط توسط بانک مرکزی در صورت حصول اطمینان از امکان بازپرداخت به موقع آن، پس از

تصویب در شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید هیأت عالی.

تبصره- چنانچه هریک از اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل یا سایر مدیران مؤسسه اعتباری در حال بازسازی، به

تشخیص بانک مرکزی، از اجرای برنامه بازسازی مصوب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی استتکاف کند، حسب

مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه پنج یا شش موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی و جبران خسارات

وارد می‌شوند.

ماده 141- هر زمان معاون نظارتی بانک مرکزی تشخیص دهد که مؤسسه اعتباری در حال بازسازی از وضعیت «در

معرض خطر» خارج شده است، باید مراتب را برای اخذ تصمیم، به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی گزارش کند.

گزیر مؤسسات اعتباری

ماده 142- در صورتی که وضعیت مؤسسه اعتباری توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی «بحرانی» تشخیص داده شود و تشخیص شورای مزبور به تأیید هیأت عالی برسد، بانک مرکزی موظف است مدیران مؤسسه اعتباری را عزل کند و اداره مؤسسه اعتباری را در اختیار مدیر گزیر قرار دهد.

تبصره 1- مدیرعامل صندوق ضمانت سپرده‌ها، بهموجب قانون، به‌عنوان مدیرگزیر کلیه مؤسسات اعتباری در حال گزیر تعیین میشود. مدیرعامل صندوق ضمانت سپرده ها می‌تواند با تأیید هیأت عالی فرد دیگری را به عنوان قائم مقام خود در مؤسسه اعتباری در حال گزیر منصوب کند.

تبصره 2- مدیر گزیر دارای کلیه اختیارات هیأت مدیره و هیأت عامل مطابق اساسنامه می‌باشد. اختیارات مجمع عمومی صاحبان سهام تا پایان عملیات گزیر و انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر، بهموجب قانون، به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تفویض می‌شود.

تبصره 3- سهامداران، اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل و کلیه کارکنان مؤسسه اعتباری در حال گزیر ملزم به همکاری با بانک مرکزی و مدیر گزیر هستند. هرگونه خودداری از تحویل اسناد، مدارک و دارایی‌ها یا اطلاعات مربوط به مؤسسه اعتباری در حال گزیر، موجب محکومیت به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه پنج یا شش موضوع ماده (19) قانون مجازات اسلامی و جبران خسارات وارده است.

تبصره 4- مدیر گزیر موظف است هر سه‌ماه یکبار، گزارش کاملی از وضعیت دارایی‌ها، بدهی‌ها و تعهدات مؤسسه اعتباری در حال گزیر و اقدامات انجام شده را به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی ارائه کند.

ماده 143- مدیر گزیر موظف است برای جلوگیری از ایراد صدمات بیشتر به سپردهگذاران و سهامداران، اقدامات لازم را به موقع اجراء بگذارد و حداکثر ظرف مدت دو ماه، اقداماتی را که اجرای آنها نیاز به تصمیم گیری در مجمع عمومی صاحبان سهام دارد، برای اتخاذ تصمیم به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی پیشنهاد کند. شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی باید ظرف مدت ده روز کاری، در خصوص پیشنهادهای ارائه‌شده توسط مدیر گزیر، تصمیم‌گیری کند. مدیر گزیر موظف است مصوبات شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی را بلافاصله و بدون الزام به رسیدگی قضائی به موقع اجراء بگذارد.

ماده 144- مدیر گزیر می‌تواند پیشنهادهای زیر را در خصوص مؤسسه اعتباری در حال گزیر به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی ارائه کند. شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌تواند موارد دیگری را به فهرست ذیل اضافه کند:

1- فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارائی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر یا اوراق بهادار مبتنی بر آن به مؤسسات اعتباری دیگر، شرکتهای مدیریت دارایی و یا اشخاص دیگر.

2- انتقال تمام یا بخشی از دارائی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر به یک «مؤسسه اعتباری موقت» مطابق با تبصره (1) این ماده؛

3- تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت‌نشده مؤسسه اعتباری در حال گزیر به سهام پس از طی مراحل قانونی طبق مقرراتی که هیأت عالی تصویب میکند؛

4- ادغام مؤسسه اعتباری در حال گزیر در یک مؤسسه اعتباری داوطلب؛

5- انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر.

تبصره 1- «مؤسسه اعتباری موقت» با هدف رسیدگی به امور سپردهگذاران، تسهیلاتگیرندگان و سایر ذینفعان از محل انتقال تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری تحت‌گزار تشکیل میشود. بهمحض تأسیس «مؤسسه اعتباری موقت» و انتقال تمام داراییها و بدهیهای مؤسسه اعتباری درحال‌گزار به آن، مؤسسه اعتباری درحال‌گزار منحل می‌شود. «مؤسسه اعتباری موقت» حداکثر برای مدت سه‌سال می‌تواند فعالیت داشته باشد. تمدید این مدت با تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی حداکثر برای دو دوره یک‌ساله مجاز است. پس از انقضای مهلت‌های یادشده، «مؤسسه اعتباری موقت» به بخش غیردولتی واگذار میشود. تأمین مالی «مؤسسه اعتباری موقت» توسط بانک مرکزی، با درخواست مدیر‌گزار، تصویب هیأت عالی، و تأیید رئیس کل مجاز می‌باشد.

تبصره 2- مدت زمان اجرای عملیات‌گزار، سه‌سال است. در صورتی که طی این مدت، وضعیت مؤسسه اعتباری در حال‌گزار بهبود نیابد، یا در مؤسسه اعتباری دیگری ادغام نشود، مدیر‌گزار موظف است انحلال آن را به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی پیشنهاد دهد. مدیر‌گزار می‌تواند در اثنای مهلت مذکور نیز انحلال مؤسسه اعتباری در حال‌گزار را به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی پیشنهاد کند.

ادغام مؤسسه اعتباری در حال‌گزار در مؤسسه اعتباری دیگر

ماده 145- در صورتی که شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی با پیشنهاد مدیر‌گزار، مبنی بر ادغام مؤسسه اعتباری در حال‌گزار در یک مؤسسه اعتباری داوطلب دیگر، موافقت کند، مدیر‌گزار باید بلافاصله فرایند ادغام را آغاز نموده و کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری در حال‌گزار را به آن مؤسسه اعتباری منتقل نماید. پس از پایان عملیات ادغام و اعلام رسمی آن توسط بانک مرکزی، شخصیت حقوقی مؤسسه اعتباری در حال‌گزار برای همیشه پایان یافته تلقی شده و

کلیه حقوق، داراییها و تعهدات له یا علیه آن، به مؤسسه اعتباری پذیرنده ادغام، منتقل می‌شود. موضوع ادغام باید به تصویب مجمع عمومی مؤسسه اعتباری داوطلب برسد.

تبصره- مدیر گزیر موظف است نسخه الکترونیکی کلیه دفاتر و سایر اسناد و مدارک مؤسسه اعتباری ادغام شده را به بانک مرکزی تحویل دهد. همچنین مؤسسه اعتباری پذیرنده ادغام موظف است دفاتر و سایر اسناد و مدارک مؤسسه اعتباری ادغام‌شده را به مدت ده سال نگهداری نماید.

انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر

ماده 146- در صورتی که مدیر گزیر، انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر را به شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی پیشنهاد دهد و این پیشنهاد به تصویب شورای مزبور و تأیید هیأت عالی برسد، مراتب انحلال جهت ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکتها اعلام و فرایند تصفیه آغاز می‌شود. مدیر عامل صندوق ضمانت سپردهها، به موجب این قانون، به‌عنوان مدیر تصفیه مؤسسات اعتباری که به‌صورت غیرارادی منحل میشوند، تعیین می‌گردد. مدیر عامل صندوق ضمانت سپرده ها می تواند با تأیید هیأت عالی فرد دیگری را به عنوان قائم مقام خود در مؤسسه اعتباری در حال تصفیه منصوب کند.

تبصره- تصویب انحلال مؤسسه اعتباری در حال گزیر توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌تواند همراه با تقاضای صدور حکم ورشکستگی از قوه قضائیه یا بدون آن باشد. در صورتی که به تشخیص شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی، دارایی‌های مؤسسه اعتباری در حال گزیر کمتر از بدهی‌ها و تعهدات آن باشد، باید همزمان با صدور حکم انحلال، تقاضای ورشکستگی مؤسسه اعتباری در حال گزیر توسط بانک مرکزی به قوه قضائیه ارسال شود. در صورت صدور حکم ورشکستگی مؤسسه اعتباری، صندوق ضمانت سپردهها توسط دادگاه به‌عنوان مدیر تصفیه مؤسسه اعتباری ورشکسته تعیین میشود.

ماده 147- با پیشنهاد رئیس کل یا معاون نظارتی بانک مرکزی و تصویب هیأت عالی، صندوق ضمانت سپرده‌ها موظف است سپرده‌های ضمانت‌شده مؤسسه اعتباری را مطابق احکام مندرج در فصل هجدهم این قانون پرداخت نماید.

ماده 148- پس از صدور حکم انحلال یا ورشکستگی، کلیه مجوزهای صادره توسط بانک مرکزی، خودبه‌خود ملغی می‌گردد و باید در کلیه مراسلات و اعلامات مؤسسه اعتباری موردنظر، از عبارت «درحال تصفیه» در انتهای نام مؤسسه اعتباری استفاده شود.

ماده 149- پس از صدور حکم انحلال یا ورشکستگی، انجام هرگونه عملیات جز آنچه برای تصفیه مؤسسه اعتباری در حال تصفیه ضرورت دارد، ممنوع است.

ماده 150- مدت زمان انجام عملیات مربوط به تصفیه، دو سال می‌باشد و در صورت تقاضای مدیر تصفیه، پس از تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی حداکثر برای یکسال دیگر قابل تمدید است. پس از خاتمه عملیات تصفیه، مراتب باید حداکثر ظرف مدت یکماه توسط مدیر تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار تعیین‌شده در آخرین اساسنامه مؤسسه اعتباری مزبور، آگهی شود.

ماده 151- در مواردی که دادگاه حکم به ورشکستگی مؤسسه اعتباری درحال‌گزیر می‌دهد، تاریخ توقف مؤسسه اعتباری ورشکسته، تاریخ آغاز عملیات‌گزیر است. معاملاتی که از تاریخ شروع عملیات‌گزیر تا زمان صدور حکم ورشکستگی توسط مدیر‌گزیر انجام شده، از احکام قانون تجارت در خصوص معاملات تاجر متوقف‌مستثنی است. ارزش‌گذاری دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه اعتباری ورشکسته طبق دستورالعملی است که به تصویب هیأت عالی می‌رسد.

ماده 152- در تصفیه بدهی‌ها و تعهدات مؤسسه اعتباری منحلشده و ورشکسته، اولویت پرداخت به ترتیب طبقات زیر می باشد:

الف- بستانکاران دارای وثیقه به میزان وثیقه؛

ب- سایر بستانکاران و بستانکاران بند «الف» نسبت به مازاد بر وثیقه به ترتیب زیر:

هزینه‌های مربوط به بازسازی، گزیر، انحلال و تصفیه مؤسسه و هزینه‌های دادرسی؛

حقوق طلبکاران بابت فروش کالا و خدمات؛

حقوق و مزایای کارکنان مؤسسه اعتباری به استثنای اعضای هیأت مدیره و هیأت عامل، بابت حقوق و مزایا؛

4- اصل سپرده‌ها به‌جز سپرده‌های سرمایه‌گذاری؛

5- مطالبات صندوق ضمانت سپرده‌ها بابت پرداخت سپرده‌های ضمانت‌شده؛

6- مطالبات بانک مرکزی؛

7- اصل و سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری عام تا زمان انحلال؛

8- اصل سپرده دارندگان گواهی سپرده خاص در صورتی که مؤسسه اعتباری بازپرداخت آن را تعهد کرده‌باشد؛

9- مالیات و سایر بدهی‌ها؛

10- حقوق ممتاز و فوق قانون؛

11- حقوق دارندگان اوراق تبعی؛

12- حقوق سهامداران ممتاز؛

13- حقوق سهامداران عادی.

تبصره- چنانچه دارایی‌هایی از مؤسسه اعتباری به وثیقه گذاشته شده‌باشد، از محل عواید حاصل از فروش دارایی‌های مزبور، ابتدا حقوق مرتهن پرداخت می‌شود. در صورتی که طلب مرتهن بیش از عواید حاصل از فروش دارایی‌های فوق الذکر باشد مابه‌التفاوت طلب بر حسب اولویت‌های مقرر در این ماده پرداخت می‌گردد. چنانچه طلب مرتهن معادل یا کمتر از ارزش کارشناسی رهنه باشد، مرتهن مکلف است به محض دریافت طلب خود، نسبت به آزادسازی وثیقه اقدام نماید.

ماده-153- بدهکاران مؤسسه اعتباری در حال تصفیه، در هیچ صورتی حق استناد به ادعای تهاتر برای پرداخت بدهیهای خود را ندارند. هرگونه تهاتر فقط با پیشنهاد مدیر گزیر یا مدیر تصفیه و تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی با رعایت مفاد ماده (152) این قانون مجاز است.

ماده-154- طلبکاران مؤسسه اعتباری در حال تصفیه، به استثنای سپرده‌گذاران و کارکنان، باید ظرف مهلت زمانی حداکثر نود روز کاری تمامی اسناد و مدارک مربوط به مطالبات خود را ارائه نمایند. مطالبات طلبکارانی که در فرصت زمانی مزبور اقدام به ارائه اسناد خود ننمایند، در صورت تأیید تنها زمانی قابل پرداخت می‌باشد که مطالبات سایر طلبکاران وفق ترتیبات موضوع ماده (152) این قانون پرداخت شده باشد.

ماده-155- پس از پرداخت بدهی‌ها و ایفای تعهدات بر اساس اولویت‌های تعیین‌شده در ماده (152)، اموال و وجوه باقی‌مانده ابتدا به بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران اختصاص می‌یابد و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه مؤسسه اعتباری و در صورتی که اساسنامه در این خصوص تعیین تکلیف ننموده باشد، به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم می‌شود.

ماده 156- پس از اعلام خاتمه عملیات تصفیه، مدیر تصفیه موظف است برای سه بار و در فواصل زمانی یک‌ماهه از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی را که مدعی هستند وجوه، اموال، اشیاء و اسناد و اوراق بهادار آنها نزد مؤسسه اعتباری است، فراخوان نماید.

تبصره- آن بخش از وجوه و اموال متعلق به اشخاص که پس از یک ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی موضوع این ماده نزد مؤسسه اعتباری باقی مانده باشد، اموال مجهول‌المالک تلقی شده و مطابق قانون تعیین تکلیف می‌گردد.

ماده 157- مدیر تصفیه باید همزمان با اعلام ختم امر تصفیه، دفاتر و سایر اسناد و مدارک مؤسسه اعتباری تصفیه شده را به بانک مرکزی تحویل دهد.

ماده 158- امور مربوط به ورشکستگی، انحلال و تصفیه مؤسسات اعتباری تابع احکام مقرر در این قانون است و از شمول مفاد قانون تجارت و اصلاحیه‌های بعدی و سایر قوانین مغایر مستثنی می‌باشد و در مواردی که حکم آن در این قانون معین نشده است، تابع مفاد قانون تجارت و اصلاحیه‌های بعدی آن، قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و سایر قوانین مربوطه می‌باشد.

ماده 159- تمامی دعاوی علیه مدیر گزیر یا مدیر تصفیه به‌دلیل اقداماتی که در جریان گزیر یا تصفیه مؤسسه اعتباری در چهارچوب اختیارات قانونی خود انجام داده‌اند، باید به طرفیت بانک مرکزی مطرح شود.

ماده 160- در صورتی که اعمال خارج از حدود اختیارات مدیر گزیر یا مدیر تصفیه منجر به ورود زیان به اشخاص شده باشد، زیان وارده توسط بانک مرکزی جبران می‌شود. بانک مرکزی مکلف است در موارد تعدی و تفریط به تشخیص

دادگاه، به اشخاصی که مرتکب تعدی یا تفریط شده‌اند، رجوع، یا علیه آنان اقامه دعوی نماید. دعوی مزبور در همان دادگاهی رسیدگی می‌شود که به پرونده ورشکستگی رسیدگی می‌کند.

تبصره- در تمامی دعاوی موضوع این ماده، بانک مرکزی مکلف به پرداخت هزینه‌های رسیدگی و معاضدت قضائی مدیر گزیر و مدیر تصفیه است. در صورتی که به حکم دادگاه، مدیر گزیر یا تصفیه مقصر باشند، بانک مرکزی می‌تواند برای دریافت هزینه‌های انجام شده به آنان رجوع کند.

ماده 161- در صورتی که به تشخیص مرجع قضائی در جریان بازسازی، گزیر یا تصفیه مؤسسات اعتباری، تبانی صورت گرفته، یا به ضرر تمام یا بخشی از غرما، قراردادهایی منعقد شده‌باشند، یا اموالی حیف و میل شده‌باشند، مرتکب، مجرم شناخته شده و ضمن الزام به جبران ضرر و زیان وارده، طبق قانون مجازات می‌شود.

ماده 162- توقف عملیات بازسازی و گزیر، فقط با درخواست رئیس کل، تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی و تأیید هیأت عالی امکان پذیر است. طرح هرگونه دعوی از جمله دعوی سهامداران یا سایر ذی‌نفعان مؤسسه اعتباری درحال بازسازی یا گزیر در مراجع قضائی، منجر به توقف یا برگشت فرآیند بازسازی یا گزیر نمی‌شود.

ماده 163- دادخواست ورشکستگی مؤسسات اعتباری در مراجع قضائی پذیرفته نمی‌شود، مگر پس از تأیید شورای مقررات گذاری و نظارت بانکی.

ماده 164- تمامی دعاوی علیه مؤسسه اعتباری در جریان عملیات بازسازی، گزیر و تصفیه، به طرفیت مؤسسه اعتباری مزبور و حسب مورد با نمایندگی مدیر گزیر یا مدیر تصفیه اقامه یا تعقیب می‌گردد.

ماده 165- دعاوی مربوط به بازسازی، گزیر، انحلال و ورشکستگی مؤسسات اعتباری به استثنای مؤسسات اعتباری منطقه ای، در یکی از شعب دادگاه عمومی تهران و به صورت خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده 166- مدیران بانک مرکزی و مدیران سابق و فعلی مؤسسه اعتباری و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیر دولتی که به اموال، اسناد و اطلاعات مربوط به مؤسسه اعتباری در حال گزیر یا در حال تصفیه دسترسی دارند، موظفند به درخواست مدیر گزیر یا مدیر تصفیه، اموال، اسناد و اطلاعات مزبور را در اختیار قرار داده و با وی همکاری نمایند. مستتکف، به مجازاتهای درجه پنج یا شش ماده (19) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

ماده 167- در صورتی که اقدامات اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و سایر اعضای هیأت عامل، عالماً و عامداً به ایجاد وضعیت «در معرض خطر» یا «بحرانی» برای مؤسسه اعتباری منجر شده باشد، منفرداً و متضامناً در قبال خسارات وارده و هزینه‌های دادرسی انجام شده مسؤول هستند.

تبصره 1- همزمان با تصویب انجام عملیات گزیر یا صدور حکم ورشکستگی به تقاضای بانک مرکزی، دادگاه میتواند اشخاص یادشده را ممنوع‌المعامله و ممنوع‌الخروج نماید.

تبصره 2- در صورتی که مؤسسه اعتباری ورشکسته شود و تسویه تمام یا بخشی از دیون مؤسسه امکانپذیر نباشد، دادگاه میتواند به تقاضای هر ذینفع، هریک از اشخاص مذکور در صدر این ماده را که ورشکستگی مؤسسه اعتباری به نحوی از انحاء معلول اقدامات غیرقانونی آنان بوده است، منفرداً یا متضامناً به پرداخت مطالبات شاکیان محکوم نماید.

ماده 168- مدیر گزیر و مدیر تصفیه در صورتی که تشخیص دهند معاملات صوری ناشی از تبانی یا به قصد فرار از دین در مؤسسه اعتباری اتفاق افتاده‌است، مکلفند نسبت به طرح دعوی در مرجع قضائی اقدام نمایند.

ماده 169- سایر ضوابط ناظر بر بازسازی، گزیر، انحلال و تصفیه مؤسسات اعتباری، نحوه انتخاب، شرایط، وظایف، حدود اختیارات و میزان حق الزحمه مدیر موقت، مدیر تصفیه و عضو ناظر، و ضوابط ناظر بر نحوه ارزش‌گذاری، فروش

و واگذاری دارایی‌ها و تعهدات مؤسسه اعتباری در حال گزیر به موجب دستورالعملی است که به تصویب شورای مقررات گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

ماده 170- ضوابط ناظر بر بازسازی، گزیر، انحلال و تصفیه صندوق‌های قرض‌الحسنه، شرکتهای تعاونی اعتبار و دیگر «اشخاص تحت نظارت»، تابع دستورالعملی است که توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

فصل هجدهم: مقررات ویژه بانکهای توسعه‌ای

ماده 171- به منظور تأمین منابع موردنیاز برای توسعه اقتصادی کشور، دولت موظف است تا یکسال پس از لازم‌الاجراءشدن این قانون، «بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران» را تأسیس نموده، یا یکی از بانکهای تخصصی موجود را با حفظ وظایف و مأموریت‌های آن، به بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کند. وظیفه اصلی بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران تأمین مالی طرحهای کلان توسعه‌ای است.

تبصره- منظور از طرحهای کلان توسعه‌ای، طرحهایی است که اجرای آنها برای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کشور ضروری بوده و میتوانند زنجیرهای از فعالیتهای مولد و ارزش‌آفرین را در اقتصاد کشور فعال کنند. از نظر این قانون، طرحهای کلان توسعه‌ای طرحهایی هستند که پس از بهره‌برداری، از قابلیت ایجاد جریان درآمدی و جبران هزینه‌های انجامشده برخوردار باشند. طرحهای احداث یا بازسازی زیرساخت‌ها؛ توسعه حمل و نقل ریلی، جاده‌ای، هوایی و دریایی؛ ایجاد و نوسازی بخش‌های بالادستی و پایین دستی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع فلزی و سایر صنایع زیربنایی کشور؛ صنعتی‌کردن و روزآمدسازی بخش کشاورزی؛ توسعه صنایع دانش بنیان و مبتنی بر فناوری اطلاعات؛ و تغییر ترکیب سبد صادرات کشور به سمت کالاها و خدمات مبتنی بر دانش، نمونه‌هایی از طرحهای کلان توسعه‌ای هستند.

ماده 172- بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران دارای ارکان زیر است:

1- هیأت امناء؛

2- هیأت عامل؛

3- هیأت نظارت.

ماده 173- رئیس جمهور، رئیس هیأت امناء بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران است و وزیر امور اقتصادی و دارائی، صنعت، معدن و تجارت، نفت، نیرو، ارتباطات و فناوری اطلاعات، جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی، اعضای هیأت امناء آن را تشکیل می‌دهند. رئیس سازمان برنامه و بودجه دبیر هیأت امناء است و در غیاب رئیس جمهور، جلسات هیأت امناء را اداره می‌کند. هیأت امناء دارای وظایف و اختیارات زیر است:

1- انتخاب رئیس و سایر اعضای هیأت عامل مطابق مفاد این قانون؛

2- تصویب برنامه و بودجه سالانه بانک؛

3- تصویب صورت‌های مالی بانک؛

4- تصویب ساختار حکمرانی داخلی و کمیته‌های حاکمیت شرکتی در بانک؛

5- موافقت اصولی با تأمین مالی طرح‌های کلان توسعه‌ای توسط بانک.

ماده 174- هیأت عامل بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران متشکل از پنج نفر می‌باشد که به پیشنهاد رئیس سازمان برنامه و بودجه توسط هیأت امناء انتخاب می‌شوند. احکام رئیس و اعضای هیأت عامل توسط رئیس جمهور امضا می‌شود.

تبصره 1- اعضای هیأت عامل بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران باید ضمن داشتن صلاحیتهای حرفهای مورد نظر بانک مرکزی، از خبرگی و دانش کافی در حوزه اقتصادی، بانکی، مالی و سرمایه‌گذاری برخوردار بوده و حداقل ده سال سابقه و تجربه مدیریتی در حوزه تأمین مالی و اجرای طرحهای عمرانی یا مدیریت واحدهای اقتصادی بزرگ داشته باشند. صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت عامل باید به تأیید بانک مرکزی برسد.

تبصره 2- اعضای هیأت عامل و هیأت نظارت بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران مشمول احکام مذکور در اجزای (2)، (5)، (6)، (7) و (10) بند «ج» ماده (7) این قانون میباشند.

تبصره 3- اعضای هیأت عامل و بستگان درجه یک آنها نباید هیچ گونه رابطه مستقیم یا غیرمستقیم مالکیتی، مدیریتی یا مشاورهای با شرکتهای یا طرحهایی که از بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران تأمین مالی میشوند، داشته باشند.

تبصره 4- اعضای هیأت عامل برای یک دوره پنجساله منصوب می‌شوند. انتخاب آنها صرفاً برای یک دوره دیگر، بلامانع است.

تبصره 5- انجام هرگونه کار دائم یا موقت برای شرکتهایی که توسط بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران تأمین مالی شده‌اند، یا ارائه هرگونه خدمات مشاورهای به آنها، برای اعضای هیأت عامل، هیأت نظارت و مدیران مؤثر آن بانک، پس از پایان دوره مسئولیت، بهمدت دو سال ممنوع است.

ماده 175- بهمنظور حصول اطمینان از تحقق اهداف بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران، نظارت مستمر بر عملیات جاری آن و جلوگیری از هرگونه انحراف احتمالی از مفاد اساسنامه، هیأت نظارت بانک با ترکیب نمایندگان سازمان حسابرسی، رئیس دیوان محاسبات کشور و رئیس سازمان بازرسی کل کشور تشکیل می‌شود. احکام اعضای هیأت نظارت

بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران به ترتیب توسط رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه امضاء میشود. نظارت این هیأت نافی وظایف قانونی دستگاههای نظارتی نظیر دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور نمی باشد.

ماده 176- سایر بخشهای اساسنامه بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران، حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی با همکاری رئیس کل بانک مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران میرسد.

فرآیند تأمین مالی طرحهای کلان توسعه بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران

ماده 177- فرآیند انتخاب و تأمین مالی طرحهای کلان توسعه بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

الف- پیشنهاد اولیه طرحهای کلان توسعه ای می تواند توسط هر یک از اعضای هیأت امنای بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران ارائه شود. طرحهای پیشنهادی باید هماهنگ با قوانین برنامه توسعه کشور بوده و از قابلیت ایجاد جریان درآمدی مناسب برای جبران هزینههای طرح برخوردار باشند. مرجع تشخیص هماهنگی با قوانین برنامه توسعه کشور، سازمان برنامه و بودجه است.

ب- طرحهایی قابل بررسی است که تأمین حداقل پنج درصد (5%) منابع مورد نیاز آنها توسط سرمایهگذاران بخش غیردولتی تعهد شده باشد.

پ- هیأت عامل موظف است طرحهای مورد تأیید سازمان برنامه و بودجه که تأمین حداقل پنج درصد (5%) منابع مورد نیاز آنها توسط سرمایهگذاران بخش غیردولتی تعهد شده است را بررسی نموده و صرفاً طرحهایی را که دارای توجیه

اقتصادی، فنی، مالی، فرهنگی و زیست‌محیطی بوده و با منابع بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران قابل اجراء هستند، برای اجراء انتخاب نماید.

ت- رئیس هیأت عامل موظف است برنامه تأمین مالی طرحهای مورد تأیید، مشتمل بر جریان هزینهها و درآمدهای طرح و سایر اطلاعات مالی و فنی موردنیاز را تهیه و قبل از اجراء، به تصویب هیأت عامل برساند.

ث- تأمین مالی طرحهای کلان توسعه‌های توسط بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران، از طریق تأسیس «شرکت پروژه» انجام میشود. بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران موظف است پس از تأسیس شرکت پروژه موردنظر، فراخوان پذیرهنویسی سهام آن را در چهارچوب مقررات بازار سرمایه منتشر کند. بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران میتواند پس از انقضای مهلت پذیرهنویسی، باقیمانده سهام شرکت پروژه را، که در هیچ شرایطی بیشتر از نود و پنج درصد (95%) سهام آن شرکت نخواهد بود، پذیرهنویسی کند. سهام شرکتهای پروژه مربوط به طرحهای کلان توسعه‌های، قابل معامله در بورس است.

تبصره- در سه سال نخست اجرای این قانون، هیأت عامل بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران موظف است طرحهای نیمه تمام دولتی را که مطابق فرایندهای مذکور در بندهای «الف» تا «ب» این ماده انتخاب شده باشند، در اولویت قرار دهد.

ماده 178- میزان پیشرفت طرحهای کلان توسعه‌های که توسط بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران تأمین مالی میشود، باید پس از تأیید هیأت نظارت به صورت مستمر و برخط از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی بانک به اطلاع عموم برسد.

ماده 179- تزریق منابع به طرحهای کلان توسعه‌های توسط بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران، به صورت مرحله‌ای و پس از تأیید هیأت نظارت انجام میشود. بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران موظف است در صورت درخواست هیأت نظارت، فرایندهای نظارت و حسابرسی طرحهای کلان توسعه‌های را به بانکهای توسعه‌های بخشی یا شرکتهای مشاورهای غیردولتی

واگذار کند. صلاحیت عمومی و حرفه‌ای بانک توسعه‌های بخشی یا شرکت مشاوره‌ای که نظارت و حسابرسی طرح‌های کلان توسعه‌های را بر عهده می‌گیرد، باید به تأیید هیأت نظارت برسد.

ماده 180- تجهیز منابع بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران از طرق زیر امکان پذیر است:

- 1- انتشار «اوراق توسعه» با تضمین دولت و قابل خرید و فروش در بورس اوراق بهادار؛
- 2- سپرده‌گذاری منابع ریالی موضوع ماده (52) قانون «الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (2)» در بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران؛

3- استفاده از سرمایه و کمک‌های خارجی در چهارچوب قانون؛

استفاده از خطوط اعتباری بانک مرکزی با تصویب هیأت عالی؛

5- استفاده از منابع ارزی صندوق توسعه ملی در چهارچوب ضوابط و مقررات صندوق.

تبصره 1- سود سالانه بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران و بانکهای توسعه‌های بخشی معاف از مالیات بوده و به عنوان افزایش سرمایه منظور میشود.

تبصره 2- دستورالعمل نحوه انتشار اوراق توسعه و تضمین آنها توسط دولت در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط، ظرف مدت سه‌ماه، از تأسیس بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیأت امنای بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران میرسد. اوراق توسعه از قابلیت توثیق نزد بانک مرکزی برخوردار است.

ماده 181- دولت موظف است در لایحه بودجه هر سال، معادل دو و نیم درصد ($2/5\%$) منابع بودجه عمومی را به عنوان افزایش سرمایه بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران منظور و در صورت تصویب مجلس شورای اسلامی، تا پایان شهریور ماه همان سال، به صورت صددرصد پرداخت نماید.

ماده 182- تعهدات بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران در قالب انتشار اوراق توسعه در هر زمان نباید از هشت برابر سرمایه ثبت شده آن بانک بیشتر باشد.

ماده 183- بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران حق سپرده‌پذیری از عموم را نداشته و صرفاً مجاز به افتتاح حساب جاری و ارائه خدمات بانکی از جمله ارائه ضمانتنامه و گشایش اعتبار اسنادی برای مجریان طرح‌های کلان توسعه‌ای است. بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران، مشمول تودیع سپرده قانونی نمیباشد.

ماده 184- بانک مرکزی می‌تواند در چهارچوب ضوابط و مصوبات هیأت عالی، جهت تشویق مؤسسات اعتباری به‌مشارکت در تأمین مالی توسعه کشور، از ابزارهای زیر استفاده نماید:

1- پذیرش اوراق توسعه به‌عنوان سپرده قانونی؛

2- اعمال تخفیف در نرخ سپرده قانونی، متناسب با میزان نگهداری اوراق توسعه توسط مؤسسه اعتباری؛

3- اعطای تسهیلات موضوع تبصره (1) ماده (26) این قانون با نرخ ترجیحی در صورت وثیقه‌گذاری اوراق توسعه؛

4- سایر ابزارهای حمایتی به‌پیشنهاد رئیسکل و تصویب هیأت عالی.

ماده 185- نگهداری و خرید و فروش اوراق توسعه توسط بانک مرکزی مجاز است.

تأمین مالی واحدهای اقتصادی فعال از طریق بانکهای توسعه‌ای بخشی

ماده 186- پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، بانکهای تخصصی شامل بانک صنعت و معدن، مسکن، توسعه صادرات، کشاورزی، توسعه تعاون و پستبانک به‌عنوان بانکهای توسعه‌ای بخشی ادامه فعالیت می‌دهند. وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است اساسنامه هر یک از بانکهای ذکر شده را با هدف توسعه بخش مربوط، حداکثر ظرف مدت یکسال

مورد بازنگری قرار داده و اساسنامه جدید آنها را به تأیید هیأت عالی برساند. در مواردی که اساسنامه بانک تخصصی قبلاً توسط مجلس شورای اسلامی یا مرجع ذیصلاح دیگر، تصویب شده باشد، قانون یا مصوبه مربوط، پس از تأیید اساسنامه جدید نسخ می‌گردد.

ماده 187- پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، منابع ریالی صندوق توسعه ملی، موضوع ماده (52) قانون «الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (2)»، بدون دریافت سود، نزد بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران سپرده‌گذاری می‌شود. منابع مزبور به همراه سایر منابع بانک از طریق بانکهای توسعه‌های بخشی صرف تأمین مالی واحدهای اقتصادی فعال، با اولویت واحدهای کوچک و متوسط می‌شود. بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران موظف است در ابتدای هر سال، سیاستها و ضوابط اعطای تسهیلات توسط بانکهای توسعه‌های بخشی، از جمله نرخ سود تسهیلات اعطایی به واحدهای اقتصادی را متناسب با نیاز بخشهای مختلف اقتصاد کشور پس از تصویب هیأت امنای بانک، و تأیید هیأت عالی بانک مرکزی، به بانکهای توسعه‌های بخشی ابلاغ کند. سقف تسهیلات قابل پرداخت از محل منابع موضوع این ماده، هشت برابر منابع ریالی موضوع ماده (52) قانون «الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (2)»، می‌باشد.

تبصره 1- منظور از واحد اقتصادی فعال، واحد اقتصادی است که ضمن داشتن مجوز فعالیت از نهاد ذیربط، اطلاعات مالیاتی خود را در «سامانه مؤدیان» ثبت کرده و در صورت تعلق مالیات، مالیات متعلقه را پرداخت نموده یا ترتیب پرداخت آن را داده باشد. اعطای تسهیلات موضوع این ماده به واحدهای اقتصادی فعال، مطابق دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد رئیس سازمان برنامه و بودجه، به تصویب هیأت امنای بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌رسد. دستورالعمل مزبور باید متضمن شاخصهای عینی از جمله میزان اشتغال و مالیات و حق بیمه پرداختی آن واحدها باشد.

تبصره 2- سود تسهیلات اعطائی به واحدهای اقتصادی فعال باید در کمترین نرخ ممکن و بدون در نظر گرفتن سود برای بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران و بانکهای توسعه‌های بخشی تعیین شود.

تبصره 3- بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران موظف است گزارش عملکرد بانکهای توسعه‌های بخشی را در زمینه اعطای تسهیلات به واحدهای اقتصادی، به صورت عمومی و برخط منتشر نماید.

ماده 188- بانک مرکزی موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، مقررات احتیاطی و نظارتی ویژه بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران و بانکهای توسعه‌های بخشی را با توجه به اهداف و مأموریت‌های آنها و مفاد این قانون تهیه نماید و به تصویب هیأت عالی برساند.

فصل نوزدهم: نهادهای مکمل صنعت بانکداری

شرکتهای گزارشگری اعتباری

ماده 189- تأسیس شرکتهای گزارشگری اعتباری منوط به دریافت موافقت اصولی از «شورای سنجش اعتبار» و اخذ مجوز از بانک مرکزی است. نظارت بر عملکرد مؤسسات مزبور و تمدید یا لغو مجوز آنها بر عهده بانک مرکزی میباشد. شرکتهای گزارشگری اعتباری، مؤسساتی هستند که با استفاده از پایگاه داده اعتباری کشور و سایر طرقی که استفاده از آنها به تأیید شورای سنجش اعتبار رسیده باشد، نسبت به تهیه گزارش اعتباری اشخاص حقیقی و حقوقی، حسب درخواست خود آن اشخاص یا مؤسسات اعتباری اقدام می‌کنند. همچنین شرکتهای گزارشگری اعتباری می‌توانند گزارش اعتباری اشخاص حقیقی یا حقوقی را با موافقت خود آنان، در اختیار اشخاص ثالث، غیر از مؤسسات اعتباری، قرار دهند.

ماده 190- به منظور سیاستگذاری، هماهنگی و راهبری نظام سنجش اعتبار، شورای سنجش اعتبار به ریاست قائم مقام رئیس کل و عضویت معاون نظارتی بانک مرکزی و معاونین ذیربط وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت اطلاعات، دادستانی کل کشور و سازمان بورس اوراق بهادار تشکیل می‌شود. دبیرخانه شورا در بانک مرکزی مستقر می‌شود. وظائف این شورا عبارت است از:

1- تدوین دستورالعمل نحوه تأسیس و فعالیت شرکتهای گزارشگری اعتباری و ارائه آن به شورای مقرراتگذاری و نظارت بانکی برای تصویب؛

2- صدور موافقت اصولی تأسیس شرکتهای گزارشگری اعتباری؛

3- تعیین سقف مجاز تملک سهام شرکتهای گزارشگری اعتباری برای اشخاص حقیقی و حقوقی؛

4- تصویب انواع محصولات اعتباری قابل ارائه توسط شرکتهای گزارشگری اعتباری؛

5- استانداردسازی فرآیندهای مورد استفاده شرکتهای گزارشگری اعتباری برای سنجش اعتبار اشخاص، اعم از مؤسسات اعتباری و مشتریان آنها، ضامنین و مؤسسات تضمین تعهدات؛

6- تأیید اساسنامه شرکتهای گزارشگری اعتباری؛

7- تعیین مراجعی که ملزم به ارائه داده به بانک مرکزی (پایگاه داده اعتباری کشور) هستند و کیفیت و کفایت دادهها؛

8- تدوین دستورالعمل نحوه تبادل و حفاظت اطلاعات و حفظ محرمانگی و امنیت دادهها، دستورالعمل نحوه اعتراض به گزارشهای اعتباری و سایر دستورالعملهای مورد نیاز، و ارائه آن به شورای مقرراتگذاری و نظارت بانکی برای تصویب؛

9- تعیین استفاده کنندگان مجاز از خدمات پایگاه داده اعتباری کشور و شرکتهای گزارشگری اعتباری و مقررات حاکم بر نحوه استفاده آنها؛

10- سایر موضوعات مرتبط که رئیس کل به شورا ارجاع میدهد.

تبصره- شرکتهای گزارشگری اعتباری و رتبهبندی که در حوزه عملیات بانکی فعالیت ندارند، نیاز به أخذ مجوز از بانک مرکزی ندارند. صدور مجوز و نظارت بر فعالیت این شرکتها توسط سازمان بورس اوراق بهادار انجام میشود.

ماده 191- کلیه دستگاههای اجرائی، اعم از دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی (بهتشیص شورای سنجش اعتبار) موظفند اطلاعات موردنیاز برای اعتبارسنجی مشتریان مؤسسات اعتباری، ضامنین و مؤسسات تضمین تعهدات را در قالبهای موردنظر شورای مزبور بهصورت برخط در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. بانک مرکزی موظف است با استفاده از اطلاعات دریافتی، پایگاه داده اعتباری کشور را ایجاد و مدیریت کند. در صورتی که ارائه اطلاعات توسط اشخاص فوقالذکر در سایر قوانین ممنوع یا منوط به رعایت تشریفات خاصی شده باشد، ارائه اطلاعات به پایگاه داده اعتباری کشور از آن قوانین مستثنی است.

تبصره 1- بانک مرکزی موظف است امکان استعلام از پایگاه داده اعتباری را برای دستگاههای اجرائی، اشخاص تحت نظارت در این قانون و سایر اشخاص که مطابق قوانین و مقررات ملزم به استعلام از پایگاه داده مذکور هستند به صورت سیستمی و برخط فراهم نماید.

تبصره 2- اشخاصی که با مجوز بانک مرکزی مجاز به استفاده از اطلاعات پایگاه داده اعتباری کشور شدهاند موظفند از اطلاعات دریافتی در چهارچوب دستورالعملهای شورای سنجش اعتبار استفاده کنند؛ در غیراینصورت، مشمول مجازاتهای

افشای سرّ موضوع ماده (648) کتاب پنجم- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب 1375 /3 /2 می‌باشند. در صورتی که برای بانک مرکزی محرز شود که شخص استفاده‌کننده از اطلاعات دریافتی، مغایر با هدف اعلام شده استفاده کرده یا اطلاعات دریافتی را بدون اطلاع بانک مرکزی در اختیار اشخاص ثالث قرار داده است، بانک مرکزی موظف است نزد مراجع قضائی طرح دعوی کند.

ماده 192- پرداخت تسهیلات یا ایجاد تعهد توسط مؤسسات اعتباری، از زمانی که بانک مرکزی اعلام می‌کند، منوط به دریافت گزارش اعتبارسنجی است. این امر، نافی مسؤولیت مؤسسات اعتباری در شناسایی ریسک اعتباری متقاضی نمی‌باشد. مؤسسات اعتباری موظفند متناسب با نتایج حاصل از گزارش اعتباری اشخاص طبق ضوابط ابلاغی بانک مرکزی نسبت به اخذ وثایق و تضمین‌های لازم اقدام کنند. دستورالعمل اجرائی این ماده به تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی می‌رسد.

مؤسسات تضمین تعهدات

ماده 193- مؤسسات اعتباری موظفند تضمین مؤسسات تضمین تعهدات را، متناسب با وضعیت اعتباری مؤسسات مزبور که به تأیید شرکتهای گزارشگری اعتباری رسیده‌است، بپذیرند.

ماده 194- به‌منظور ارائه انواع ابزارهای تضمین موردنیاز بخش تولیدی و خدماتی کشور، اعم از ضمانتنامه شرکت در مناقصه، پیشپرداخت، حسن انجام کار، حسن انجام تعهدات، کسر وجهالضمان و سایر ضمانتنامه‌های موردنیاز، بانک مرکزی موظف است ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ لازمالاجراءشدن این قانون، دستورالعمل تشکیل، فعالیت و نظارت بر مؤسسات تضمین تعهدات را به‌تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی برساند. مؤسسات تضمین تعهدات می‌تواند

توسط اشخاص حقوقی، تشکلهای حرفه‌ای، اتحادیه‌های صنفی یا شرکتهای بیمه که توانگری مالی آنها به تأیید بیمه مرکزی رسیده باشد، ایجاد شود.

تبصره- قرار دادهایی که توسط مؤسسات تضمین تعهدات منعقد می‌گردد، در حکم اسناد رسمی و لازم‌الاجراء بوده و از کلیه مزایای اسناد تجاری از جمله عدم نیاز به تودیع خسارت احتمالی بابت اخذ قرار تأمین‌خواسته برخوردار می‌باشد.

ماده 195- کلیه صندوقهای ضمانت که به‌موجب سایر قوانین تشکیل شده‌اند، موظفند ظرف مدت یکسال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، اساسنامه خود را به تأیید «شورای سنجش اعتبار» و تصویب شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی برسانند. پس از انقضای مهلت مزبور، صندوقهای ضمانت جزء «اشخاص تحت نظارت» محسوب و مشمول نظارت‌های بانک مرکزی می‌شوند.

صندوق ضمانت سپرده‌ها

ماده 196- به‌منظور اطمینان‌بخشی به سپرده‌گذاران حقیقی و حقوقی در مؤسسات اعتباری مبنی بر تضمین سپرده‌های آنان تا سقف معین، به صندوق ضمانت سپرده‌ها اجازه داده می‌شود با رعایت شرایط مقرر در این قانون به فعالیت‌های خود ادامه دهد. اصلاحات اساسنامه صندوق ضمانت سپرده‌ها بنا به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب هیأت‌وزیران می‌رسد.

تبصره 1- صندوق ضمانت سپرده‌ها نهاد عمومی غیردولتی است.

تبصره 2- توقف فعالیت یا انحلال صندوق ضمانت سپرده‌ها فقط به موجب قانون امکان‌پذیر است.

ماده 197- وظایف صندوق به قرار زیر می‌باشد:

1- دریافت حق عضویت از اعضاء؛

2- جبران خسارت سپرده‌های سپرده‌گذاران تا سقف تضمین‌شده، در چهارچوب فصل هفدهم این قانون؛

3- ارزیابی و پایش عملکرد مؤسسات اعتباری از جهت رعایت مقررات لازمالرعایه، و ارائه گزارش تخلفات به بانک مرکزی؛

4- ارزیابی صحت گزارش‌های ارائه‌شده از سوی مؤسسات اعتباری در خصوص اطلاعات سپرده‌ها و محاسبه حق عضویت قابل پرداخت به صندوق و ارائه گزارشهای مربوط به بانک مرکزی.

تبصره 1- صندوق ضمانت سپرده‌ها میتواند از مؤسسات اعتباری که وضعیت آنها توسط شورای مقررات‌گذاری و نظارت بانکی «در معرض خطر» یا «بحرانی» تشخیص داده شده، با تأیید هیأت عالی، حق عضویت بیشتری دریافت کند.

تبصره 2- مؤسسات اعتباری موظفند مفاد بند 2 این ماده را در قراردادهای سپرده‌گذاری درج نمایند.

تبصره 3- با پرداخت سپرده‌های ضمانت شده، صندوق به عنوان قائم مقام سپرده‌گذاران در ردیف غرمای موسسه اعتباری جهت وصول هزینه‌های ناشی از انجام وظایف و اختیارات نسبت به موسسه اعتباری متوقف یا ورشکسته قرار می‌گیرد.

ماده 198- صندوق ضمانت سپرده‌ها از اختیارات زیر برخوردار می‌باشد:

1- الزام مؤسسات اعتباری به تبعیت از تعهدات قانونی مندرج در این فصل مستقیماً از سوی صندوق یا غیرمستقیم از طریق بانک مرکزی؛

2- ارائه پیشنهاد به بانک مرکزی مبنی بر اعمال اقدامات نظارتی و تنبیهی مذکور در مواد (135) و (136) این قانون در خصوص مؤسسات اعتباری که از انجام تعهدات خود در مقابل صندوق، استنکاف می‌ورزند؛

3- ارائه مشاوره تخصصی به مؤسسات اعتباری و در صورت لزوم، درخواست از بانک مرکزی برای ارائه برنامه‌های احتیاطی الزام آور به آنها، به‌منظور پیشگیری از بروز شرایط نامطلوب یا برون‌رفت از آن؛

4- انجام وظیفه به‌عنوان مدیر‌گ‌زیر و مدیر تصفیه مؤسسات اعتباری؛

5- درخواست ارائه گزارش نظارتی در خصوص وظایف مرتبط با صندوق از بانک مرکزی و سایر نهادهای ناظر؛

6- اقامه دعوی علیه هیأت مدیره، مدیران و سایر اشخاص دخیل در توقف یا ورشکستگی مؤسسه اعتباری.

ماده 199- عضویت کلیه مؤسسات اعتباری دولتی و غیردولتی در صندوق ضمانت سپرده‌ها الزامی است.

ماده 200- مؤسسات اعتباری موظفند در مواعید مقرر حق عضویت صندوق ضمانت سپرده‌ها را صرفاً به‌صورت نقدی

پرداخت کنند. در غیر این صورت بانک مرکزی موظف است حق عضویت را حسب درخواست صندوق از حساب مؤسسه

اعتباری نزد خود برداشت و به حساب صندوق واریز نماید.

تبصره 1- حق عضویت محاسبه‌شده توسط صندوق ضمانت سپرده‌ها برای هر یک از اعضاء، تحت هیچ شرایطی قابلیت

کاهش ندارد.

تبصره 2- حق عضویت‌های پرداختی مؤسسه اعتباری به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی همان سال مؤسسه اعتباری

منظور می‌گردد.

تبصره 3- مؤسسات اعتباری و شرکت‌های تابعه آنها موظفند آمار، اطلاعات و گزارش‌های مورد درخواست را حسب

تقاضای صندوق ارائه نمایند.

ماده 201- ترتیبات اجرائی ناظر بر فعالیت صندوق ضمانت سپرده‌ها از جمله تعیین «اشخاص تحت نظارت» مشمول،

الزامات پذیرش عضویت، تعیین مصادیق سپرده‌های بانکی مشمول تضمین صندوق، سقف تضمین، ترتیبات و شرایط

سرمایه‌گذاری منابع صندوق از جمله محل و شیوه آن، ترتیبات و شرایط حق عضویت‌ها در صندوق از جمله میزان، انواع

و نحوه محاسبه و پرداخت آنها به صندوق، سازوکار اجرایی پرداخت سپرده‌های سپرده‌گذاران، و استیفای مطالبات صندوق از مؤسسه اعتباری ناشی از پرداخت سپرده‌های مشمول تضمین مؤسسه اعتباری، در صورتی که در اساسنامه ذکر نشده باشد، به موجب دستورالعملی است که به تصویب هیأت امنای صندوق ضمانت سپرده‌ها می‌رسد.

ماده 202- صندوق ضمانت سپرده‌ها موظف است حداکثر ظرف مدت یک‌ماه پس از اعلام رئیسکل، نسبت به تأدیه مانده سپرده‌های سپرده‌گذاران مؤسسه اعتباری در حال گزیر تا سقف تضمین‌شده، به صورت پرداخت نقدی و یا ایجاد سپرده‌ای به همان میزان و شرایط در مؤسسه اعتباری دیگر برای سپرده‌گذار، اقدام نماید. مطالبات سپرده‌گذاران بیش از سقف تضمین شده توسط صندوق، از محل دارایی‌های مؤسسه اعتباری مذکور و با رعایت احکام فصل هفدهم این قانون تصفیه می‌شود.

ماده 203- منابع مالی صندوق ضمانت سپرده‌ها به شرح زیر است:

- 1- حق عضویت‌های دریافتی از اعضاء؛
- 2- درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها؛
- 3- کمک‌های مالی دولت؛
- 4- تسهیلات دریافتی از بانک مرکزی در موارد ضروری؛
- 5- انتشار اوراق بهادار طبق قوانین و مقررات مربوط؛
- 6- جریمه‌های نقدی اخذشده از «اشخاص تحت نظارت» متخلف موضوع مواد (135) و (136) این قانون؛
- 7- سایر منابع پس از تصویب هیأت عالی.

تبصره 1- صندوق در موارد ضروری مجاز است با تأیید هیأت عالی، مؤسسات عضو را مکلف به پرداخت حق عضویت های آتی، حداکثر تا دو برابر مبلغ آخرین حق عضویت سالانه، نماید و در این صورت مؤسسات اعتباری عضو مکلف هستند در مهلت مقرر، مبالغ تعیین شده را در اختیار صندوق قرار دهند.

تبصره 2- حق عضویت های دریافتی صندوق ضمانت سپردهها از هرگونه مالیات معاف می باشد.

تبصره 3- منابع سرمایه گذاری نشده صندوق ضمانت سپردهها باید صرفاً در حسابی نزد بانک مرکزی نگهداری شوند.

ماده 204- مرجع رسیدگی به اختلافات احتمالی صندوق ضمانت سپردهها با مؤسسات اعتباری، رئیسکل بانک مرکزی است. در صورت اعتراض به نظر رئیسکل بانک مرکزی، موضوع در هیأت عالی مطرح و اتخاذ تصمیم می شود. رأی هیأت عالی قطعی است و برای طرفین لازم الاجراء می باشد.

ماده 205- مؤسسات اعتباری موظفند آمار، اطلاعات و گزارش های موردنیاز صندوق ضمانت سپردهها را در چهارچوب وظایفی که به موجب این قانون برعهده صندوق گذاشته شده است به صندوق ارائه نمایند. همچنین بانک مرکزی موظف است آمار، اطلاعات و گزارش های مرتبط با فعالیت صندوق را در اختیار صندوق قرار دهد. صندوق موظف به رعایت ضوابط محرمانگی است.

تبصره- شیوه تبادل اطلاعات به موجب دستورالعملی است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد بانک مرکزی و صندوق ضمانت سپردهها به تصویب هیأت عالی می رسد.

ماده 206- صندوق موظف است اطلاعات زیر را در پایگاه اطلاع رسانی خود به اطلاع عموم برساند:

1- فهرست به روز شده مؤسسات اعتباری عضو صندوق؛

2- فهرست بهروز شده سپرده‌های مشمول ضمانت و سقف تضمین؛

3- قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های مربوط به نحوه بهره‌مندی سپرده‌گذاران از مزایای تضمین سپرده‌ها.

4- اطلاعیه‌ها و شرایط جبران خسارتهای مربوط به مؤسسه اعتباری در حال‌گزر.

ماده 207- اعضای هیأت‌مدیره، مدیرعامل و مدیران ارشد صندوق ضمانت سپرده‌ها در حین عضویت و پس از آن به مدت دو سال از هرگونه سهامداری و تصدی سمت‌های مدیریتی، اجرائی در مؤسسات اعتباری ممنوع هستند. همچنین عضویت مدیران و کارکنان و سهامداران مؤسسات اعتباری نیز در هیأت‌مدیره صندوق ضمانت سپرده‌ها ممنوع است.

قانون مؤسسات اعتباری

ماده 208- بهمنظور کمک به پیشرفت حرفه بانکداری و ارتقای دانش حرفه‌ای مدیران و کارکنان مؤسسات اعتباری، تهیه برنامه‌های لازم به منظور التزام اعضای قانون به رعایت قوانین و مقررات، برقراری سیستم‌های کنترل داخلی، احترام به اخلاق حرفه‌ای و تأکید بر ارائه گزارش‌های شفاف و منصفانه و اعلام موارد عملکرد غیرحرفه‌ای اعضا به بانک مرکزی، تدوین ضوابط و استانداردهای حرفه‌ای و انضباطی در چهارچوب قوانین و مقررات بانک مرکزی و بررسی اختلافات بین اعضا، قانون مؤسسات اعتباری با مشارکت مؤسسات اعتباری‌ای که در ایران فعالیت می‌کنند، تشکیل می‌شود. عضویت تمامی مؤسسات اعتباری در قانون مؤسسات اعتباری الزامی است.

تبصره 1- قانون مؤسسات اعتباری، دارای شخصیت حقوقی مستقل و برخوردار از استقلال مالی می‌باشد و به موجب اساسنامه‌ای که به تصویب هیأت عالی می‌رسد، اداره می‌شود. انتصاب دبیرکل قانون منوط به تأیید صلاحیت وی توسط

بانک مرکزی می‌باشد. قانون تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌نماید. هرگونه تغییرات اساسنامه قانون موکول به موافقت بانک مرکزی و تصویب هیأت عالی است. انحلال قانون صرفاً با تشخیص بانک مرکزی ممکن است.

تبصره 2- اختلافات بین اعضای قانون با یکدیگر، در مرحله اول در قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت عدم سازش، در مراجع قانونی دیگر قابل طرح است.

تبصره 3- بانک مرکزی می‌تواند برای سایر «اشخاص تحت نظارت» نظیر صندوقهای قرض‌الحسنه، تعاونیهای اعتبار، صرافی‌ها و شرکتهای واسپاری (لیزینگ) نیز قانون ایجاد کند. در اینصورت، احکام این ماده در ارتباط با قانونهای جدید نیز نافذ است.

فصل بیستم: سایر مقررات

ماده 209- احکام مقرر در این قانون شامل کلیه «اشخاص تحت نظارت» اعم از خصوصی، تعاونی و دولتی است.

ماده 210- سازمان ثبت احوال کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان امور مالیاتی و سایر دستگاههای اجرائی، بنا به درخواست بانک مرکزی، موظف به همکاری با آن بانک و ارائه اطلاعات خواسته‌شده هستند.

ماده 211- جریمه‌های نقدی موضوع احکام این قانون، متناسب با شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد، تعدیل می‌گردد. وجوه ناشی از اعمال جریمه نقدی علیه اشخاص تحت نظارت متخلف، به حساب درآمد عمومی واریز شده و معادل آن از طرف خزانه‌داری کل به حساب صندوق ضمانت سپرده‌ها تخصیص داده می‌شود.

ماده 212- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون پولی و بانکی کشور مصوب 18 / 4 / 1351 و اصلاحات بعدی آن، قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب 8 / 6 / 1362 و اصلاحات بعدی آن، لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب

1358 /7 /3 و اصلاحات بعدی آن و قانون اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی مصوب 1379 /1 /21، نسخ می‌شود. تا زمانی که آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرائی این قانون به تصویب نرسیده است، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سابق، مشروط بر اینکه با مفاد این قانون، به تشخیص بانک مرکزی، معارض نباشد، لازماً اجراء می‌باشد.

ماده 213- رئیس جمهور باید حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، اعضای هیأت عالی را مطابق احکام مندرج در قسمت اول این قانون انتخاب و احکام آنان را صادر کند. رئیس کل بانک مرکزی موظف است حداکثر ظرف مدت شش‌ماه پس از صدور احکام اعضای هیأت عالی توسط رئیس جمهور، اعضای هیأت عامل بانک مرکزی را منصوب، و شوراهای تخصصی ذیل هیأت عالی را تشکیل دهد.

ماده 214- پس از انقضای مهلت‌های مذکور در ماده (213)، قانون پولی و بانکی کشور مصوب 1351 /4 /18 و اصلاحات بعدی آن، قانون عملیات بانکی بدون ربا(بهره) مصوب 1362 /6 /8 و اصلاحات بعدی آن، لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب 1358 /7 /3 و اصلاحات بعدی آن و قانون اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی مصوب 1379 /1 /21، نسخ می‌شود. تا زمانی که آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرائی این قانون به تصویب نرسیده است، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سابق، مشروط بر اینکه با مفاد این قانون، به تشخیص بانک مرکزی، معارض نباشد، لازماً اجراء می‌باشد.